نشریه علمی - دانشجویی

دانش پژوهان

سال چهاردهم، شماره ۴۶،۴۷،۴۸ پاییز ۹۶ تا بهار ۱۳۹۷

مدیر مسئول: علی‌اکبر گلقندشتی *dashtia13@gmail.com*

سردبیر: روح اله عبادی *Ebadi.ro@gmail.com*

صفحه بندی و طراحی جلد: اصغر فتحی

مشاورین و اساتید داور:

دپارتمان اقتصاد: دکتر مجید رضایی، دکتر سید ضیاءالدین کیاءالحسینی، دکتر محمد رضا یوسفی

دپارتمان حقوق: دکتر قدرت ا.. ابراهیمی، دکتر نعمت ا.. الفت، دکتر مرتضی محمدی، دکتر محمد مهدی مقدادی، مصطفی بخرد

دپارتمان فلسفه: دکتر سیدمحمد انتظام، دکتر محمد خیری، دکتر محمدصادق کاملان، دکترسیدابراهیم موسوی

دپارتمان علوم سیاسی: دکتر سیدعلی میرموسوی، دکتر محمود شفیعی، دکتر یوسف خان‌محمدی

دپارتمان الهیات: دکتر حامد شیواپور، دکتر محمد حسن موحدی ساوجی، دکتر سیدابوالفضل موسویان

آدرس: قم، میدان مفید، دانشگاه مفید، معاونت دانشجویی و فرهنگی

دفتر نشریه دانش‌پژوهان - تلفن تماس: ۰۲۵-۳۲۱۳۰۲۰۱

http://t.me./Nashrie_Danesh_Pazhuhan

ایمیل: Daneshpjm@gmail.com

فهرست مطالب

۱. یادداشت سردبیر..... ۴

۲. بررسی نقش سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بهره‌وری بخش صنعت..... ۷

(مهسا یزدان پناه)

۳. آثار وضع مالیات بر سود سپرده های بانکی(بررسی تجربه سایر کشورها)..... ۲۷

(محمد صادق حسنی مقدم)

۴. بررسی چگونگی تاثیر فرارمالیاتی بر رشد اقتصادی در ایران.....۵۱

(فهیمه سادات حسینی)

۵. تاثیرصدقات (انفاقها) اهدایی به کمیته امداد در رفع فقر مطلق ۷۷

(هادی حقیقی)

۶. بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رابطه تجاری ایران و افغانستان بر اساس ۱۰۳

(زهرا محمدی)

۷. ارزیابی تاثیر تغییرات نرخ ارز بر درآمدهای مالیاتی دولت.....۱۳۵

(سیدامیر موسویان)

۸. نقش فساد اداری بر گسترش قاچاق کالا و ارز در ایران.....۱۵۷

(زینب تلخابی)

۹.رابطه فرار مالیاتی و عدم شفافیت در عملکرد شرکت‌ها و بنگاه‌ها.....۱۸۳

(نرگس بسطام خانی)

۱۰. چکیده انگلیسی مقالات ۲۰۳

یادداشت سردبیر

از عوامل موثر بر توسعه پایدار و همه جانبه در هر کشور، گسترش کمی و کیفی فعالیت‌های پژوهشی است. ازاین رو فراگیری پژوهش علمی و مطالعه هدفمند در حوزه دانشجویی می‌تواند مهارت هایی نظیر تفکر انتقادی، نقد و نظر، تقویت کارگروهی- جمعی و ... را به همراه داشته باشد. دانستن مجموعه ای از قواعد و ابزار و راه های معتبر و در عین حال نظام یافته برای بررسی واقعیت ها، کشف مجهولات و دستیابی به راه حل مشکلات بر شکل گیری یک پژوهش ایده‌آل تاثیرگذاراست.

از عواملی که می تواند در ارتقاء سطح توانمندی های دانشجویان در تحقیق و پژوهش موثر واقع شود، محیط آموزشی- پژوهشی و چگونگی ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به تحقیق و پژوهش می باشد. از بسترهای ایجاد این هدف، آموزش واحد درسی «روش تحقیق» در رشته های مختلف در مقطع کارشناسی با محوریت کسب مهارت لازم برای دستیابی به واقعیت، اجرای پروژه های تحقیقاتی و کسب آمادگی لازم برای تنظیم و تدوین مقاله علمی می باشد.

در راستای نیل به این مقصود با تلاش‌های صورت گرفته در درس روش تحقیق، تلاش گردید با آموزش گام به گام اصول نگارش علمی و مراحل مختلف انجام یک پژوهش از شکل‌گیری ایده، سوال، عنوان تا بدنه تحقیق و بخش نتیجه گیری، همراهی مستمر با دانشجویان صورت پذیرفته و ضمن بیان نقاط قوت و ضعف محتوای علمی، چارچوب شکلی آن نیز با استانداردهای رایج مجلات علمی مطابقت نماید.

آنچه در ادامه به رویت خوانندگان گرامی نشریه وزین دانش پژوهان می رسد؛ تلاش و زحمات دانشجویان مقطع کارشناسی درس روش تحقیق در اقتصاد دانشگاه مفید است که برای اولین بار یک پژوهش را از ابتدا تا انتها با جدیت و تلاش دنبال و پیگیری نمودند تا بتوانند یک مقاله را با رعایت ضوابط و استانداردهای علمی و طی فرآیند ارزیابی

و داوری تدوین نمایند. جهت بهبود کار، سعی گردید در طول مسیر ضمن همراهی و تعامل با دانشجویان مجموعه مقالات تدوین شده از نظر محتوا و شکل هر چه بیشتر به استانداردهای علمی نزدیک گردد.

از خوانندگان محترم درخواست می‌گردد محتوای مقالات را مطالعه و در بوته نقد و بررسی قرار داده و نظرات، پیشنهادها و دیدگاه های خود را در جهت بهبود و تقویت مطالب مقالات به آدرس سردبیرنشریه ارسال نمایند. با توجه به اولین تجربه نویسندگان، رهنمودهای شما در این زمینه قطعا راهگشا خواهد بود.

در پایان از زحمات و همراهی همدلانه و مسئولانه جناب آقای دکتر خیری معاون محترم، جناب آقای گلقندشت مدیر محترم و جناب آقای فتحی کارشناس محترم معاونت دانشجویی و فرهنگی که زمینه تحقق این انگیزه و هدف را با چاپ مجموعه مقالات فراهم ساختند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

روح اله عبادی[1]

۱. مدرس دپارتمان اقتصاد دانشگاه مفید

Ebadi.ro@gmail.com

بررسی نقش سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بهره‌وری بخش صنعت

مهسا یزدان پناه[۱]

چکیده

دراقتصاد مقاومتی تأمین نیازهای اساسی و راهبردی از طریق کنترل وابستگی به خارج از کشور صورت می گیرد.در اقتصاد مقاومتی برای برداشتن گام های بلند در راستای پیشرفت کشور در حین مقاومت، توجه به کیفیت، قیمت، تنوع تولیدات داخل، اصلاح مدیریت‌های اجرایی و عملیاتی با نگرش رسیدن به خودکفایی و اتخاذ تدابیری لازم برای خود اتکایی در برخی زمینه ها لازم است. از جمله عوامل مؤثر بر بهره‌وری بهبود کیفی نیروی کار، صرفه به مقیاس‌های تولیدی، تغییر در نهاده‌های تولید و...می‌باشد.بهره‌وری نقش مهم و مؤثر در رشد و افزایش رقابت پذیری داشته و از این‌رو لازمه توسعه اقتصادی، رشد بهره‌وری بخش صنعت، نیروی کار، موجود سرمایه، میزان صادرات، هزینه‌های سرمایه‌گذاری روی تحقیق و توسعه و توجه به ساختار نهادی آن کشور دارد. در پژوهش حاضر به روش توصیفی«تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی نقش سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر بهره‌وری بخش صنعت پرداخته می‌شود.توجه به تثبیت نوسانات نرخ ارز، افزایش سطح اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و... زیر ساخت‌های لازم جهت نحقق اقتصاد مقاومتی تلقی شده و ارتباط معنا داری با ارتقای بهره‌وری در صنعت دارد.نتایج تحقیق نشان می‌دهد توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مؤلفه‌های آن در یک افق زمانی معین با بهبود زیر ساخت‌های تولید در ارتقای بهره‌وری صنعت مؤثر است.

کلید واژه: اقتصاد مقاومتی، نهاده‌های تولید، اشتغال، بهره‌وری، صنعت

۱. دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

mahsa.yazdanpanah73@yahoo.com

مقدمه

اقتصاد مقاومتی علاوه بر کاهش آثار منفی بحران‌های سیاسی و رهایی از فشار تحریم‌های خارجی، به‌منظور رفع آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در شرایط گوناگون، اقتصاد را به سوی رشد پایدار در بلندمدت هدایت می‌کند. بودجه بندی مناسب، نظام مالیاتی کارآمد، هدفمندی یارانه‌ها، کارآمدی سیاست‌های پولی و مالی، اشتغال‌زایی، مدیریت واردات و توسعهٔ صادرات، تثبیت نرخ ارز، ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی، مدیریت مصرف و... به تحقق اقتصاد مقاومتی می‌انجامد، از این‌رو با کارآیی و اثربخشی بالاتر، هزینه‌های تولید کاهش و توان رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی افزایش می‌یابد. این موضوع در بلندمدت به افزایش تولید ملی، بهبود توان رقابت‌پذیری و افزایش صادرات غیرنفتی منجر می‌شود.

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وارد آوردن فشار به ایران بوده است. اصطلاح اقتصاد مقاومتی، اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ به ادبیات اقتصادی کشور وارد شده است. هدف اصلی این نامگذاری تغییر و اصلاح الگوی رفتارهای اجتماعی و اقتصادی و بهره وری صحیح و معقول از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات برای دستیابی به توسعه اقتصادی و بهبودی وضعیت اجتماعی است. (حیدری، ۳۸:۱۳۹۵) نهادینه کردن حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت های کشور؛ در دوران اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی داخلی یک ضرورت جدی است. از یک طرف می‌بایست فعالیت های تولیدی و بازرگانی و حتی نظام پولی و مالی کشور با نیازهای ناشی از اجرای اقتصاد مقاومتی و پیامدهای آن هماهنگ و همخوان گردد و از طرفی باید اقتصاد کشور را به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی متکی نمود. (فشاری و همکاران، ۳۸:۱۳۹۳) بنابراین شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد درعرصه جهانی و تحقق آن می‌باشد.

بخش صنعت اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد ایران دارد، این بخش یکی از تواناترین بخش‌های اقتصاد کشور بوده و تأمین‌کننده بیش از ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی، ۳۰ درصد اشتغال و ۳۵ درصد صادرات غیرنفتی می‌باشد.(دشتی و همکاران، ۱۰۲:۱۳۸۸) از زمان صنعتی شدن جهان و بهره‌گیری از روش‌های جدید و تکنولوژی نوین و اتوماسیون صنعتی در تولیدات، استفاده مطلوب از عوامل تولید و افزایش خروجی تولیدات مطرح بوده(مبارک، ۱۳۹۰: ۱۵۵) و از آنجا که اقتصاددانان برای بهره‌وری و نقش آن در توسعه اهمیت زیادی قائل هستند و این معیار بازگو کننده‌ی نحوه‌ی استفاده از منابع و عوامل تولیدی است لذا عواملی چون تثبیت شدت نرخ ارز، افزایش سطح اشتغال، تثبیت سطح عمومی‌قیمت‌ها و...که راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی تلقی می‌شوند(فشاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۵)، باعث ایجاد و توسعه محصولات جدید، روش‌های تولیدی جدید و بهره‌گیری از بندهای مختلف اقتصادمقاومتی واعمال آن در صنعت سبب ارتقای عملکرد بخش‌های مختلف صنعت گردیده و در نهایت بر ارتقای بهره‌وری در صنعت موثر است. بنابراین اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل دقیق بهره‌وری اقتصادی و تاثیر مؤلفه‌های آن در شکل گیری صنعت ضروری بوده و در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران مختلف قرار گرفته است. پرسش اصلی این پژوهش این است که نقش سیاست‌های اقتصاد مقامتی بر ارتقای بهره‌وری بخش صنعت چگونه است. از این‌رو پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که افزایش بهره‌وری نیروی کار، نهادینه کردن حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت های کشور، نگاه مولد به درون، خوداتکایی و خودکفایی زمینه رشد و شکوفایی هرچه بیشتر را برای تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم می‌سازد.(فشاری و همکاران، ۳۸:۱۳۹۳) روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد. از این‌رو درابتدا مفاهیم و جایگاه اقتصاد مقاومتی و راهبردهای مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی و راهکارهای مناسب جهت تحقق آن پرداخته می‌شود و سپس مولفه‌های مؤثر در

بهره‌وری و روند شکل گیری آن‌ها و همچنین عوامل موثر در صنعت را مورد توجه قرار می‌دهد و به تأثیر اقتصاد مقاومتی و رهیافت‌های آن بر بهره‌وری اقتصادی بخش صنعت پرداخته می‌شود.

۲- پیشینه تحقیق

۱-۲- مطالعات داخلی

اعتمادی (۱۳۷۹) در مقاله «عوامل موثر در ارتقای بهره‌وری در صنعت» با روش‌های آماری به آزمون این فرضیه پرداخت که عوامل مدیریتی شامل توجیه مستمر، حمایت سازمانی، دادن بازخورد مستمر، انطباق موثر با محیط خارجی و مشارکت کارکنان با ارتقاء بهره‌وری در مدیران ارتباط معنی داری دارد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که همه عوامل مدیریتی در ارتقاء بهره‌وری موثر بوده و از نظر طبقه بندی حمایت سازمانی، مشارکت، آگاهی مدیر از محیط خارجی و انطباق موثر با آن، توجیه مستمر و دادن بازخورد مستمر در ارتقاء بهره‌وری مدیران، اثر دارند.

دشتی و همکاران (۱۳۸۸) در مقاله ی«تجزیه ی رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در صنعت ایران» با استفاده از رهیافت اقتصاد سنجی از طریق محاسبه و تحلیل شاخص‌های بهره‌وری عوامل تولید با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده به روش سیستم معادلات به ظاهر نامرتبط[۱] به بررسی میزان عملکرد بخش‌های مختلف اقتصادی در استفاده از منابع تولیدی پرداخته اند. نتایج نشان می‌دهد که نتایج حاصل از تخمین مدل رشد بهره‌وری کل عوامل تولید به دو جزء تغییر تکنولوژی و صرفه‌های مقیاس تجزیه شد و سهم تغییر تکولوژی در رشد بهره‌وری کل بیشتر از سهم گسترش مقیاس تولید بوده است.

مبارک (۱۳۹۰) در مقاله « بررسی عوامل فاکتورهای نهادی بر بهره‌وری در صنعت» با

---

۱ .sur

استفاده از یک پانل آماری طی سال‌های ۱۳۷۳-۱۳۸۶ و در چارچوب یک مدل اقتصاد سنجی لگاریتمی چند متغیره[1] به بررسی نقش عوامل تعیین کننده بهره وری در صنایع ایران در کنار ساختار شاخص های نهادی(مالکیت، فساد، مالکیت و ثبات و شفافیت قانون) به صورت مجزا و کلی در افزایش بهره وری کل عوامل تولید در صنایع مختلف به وسیله شدت تأثیرپذیری از هزینه های تحقیق و توسعه در فعالیت های صنعتی کدهای دو رقمی ISIC پرداخت. نتایج حاصل حاکی از آن است که در دوره مورد مطالعه مقدار صادرات و در نهایت هزینه، مطالعه موجودی سرمایه‌های انباشت دانش و تحقیق و توسعه با یک درجه وقفه تأثیر مثبت بر بهره وری کل عوامل تولید دارد و از طرفی ساختار نهادی در هر کشور با توجه به اینکه به صورت کلی یا جزیی وارد معادله شود، میزان تأثیرگذاری آن در صنایع مختلف در حالت کلی بر بهره وری کل تأثیر بیشتری دارد.

سیفلو(۱۳۹۳) در مقاله «مفهوم شناسی اقتصاد مقاومتی» به روش تحلیلی از طریق تعیین جایگاه اقتصاد مقاومتی در پاردایم علم اقتصاد به این موضوع می‌پردازد که اقتصاد مقاومتی یک راهبرد اقتصادی متناظر با مفهوم »تاب آوری اقتصادی « در ادبیات متعارف است که با مقاوم سازی فعالانه اقتصاد توجه دارد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس بیانات مقام معظم رهبری، اقتصاد مقاومتی بهترین تفسیر را در قالب یک راهبرد اقتصادی به خود می‌گیرد؛ راهبردی که مقطعی و منفعلانه نیست.

فشاری و پور غفار(۱۳۹۳) در مقاله «بررسی وتبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران» با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی مفهومی اقتصاد مقاومتی و همچنین شاخص‌ها و مؤلفه های آن به ارائه راهکارهای مناسب برای ترویج فرهنگ اقتصاد مقاومتی راه حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی پرداخته اند. نتایج حاصل از این تحقیق آن است که با افزایش بهره‌وری نیروی کار، نهادینه کردن حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت های کشور، نگاه مولد به درون، خوداتکایی و خودکفایی زمینه رشد

1- Multivariate logarithmic econometric model

و شکوفایی هرچه بیشتر را برای تحقق اقتصاد مقاومتی فراهم می‌سازد.

۲-۲- مطالعات خارجی

برگیگولیو و همکاران(۲۰۰۴) در مقاله «مفاهیم وارزیابی اقتصاد مقاومتی» به روش توصیفی«تحلیلی به بررسی این فرضیه می‌پردازد که یک اقتصاد برای بهبود و تعدیل اثرات مضر شوک‌های اقتصادی، به یک سطحی از تولید ناخالص داخلی سرانه و رویکرد توسعه نیازمند است. نتایج نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای کوچکی که قادر به تولید هستند در مقایسه با کشورهای در حال توسعه، می‌توانند به جبران شوک‌های خارجی و آسیب‌پذیری آن‌ها بپردازند . همچنین شواهد تجربی نشان می‌دهد که مطالعه ی آسیب‌های اقتصادی دولت‌های کوچک، به‌ویژه جزیره‌ها، بیشتر از سایر گروه‌های آسیب‌پذیر از نظر اقتصادی است.

توماج(۲۰۱۴) در مقاله » مقاومت اقتصاد ایران، پیامد تحریم‌های آینده» به این فرضیه می‌پردازد، ضمناین‌که اقتصاد ایران به شدت کاهش یافته است، بخشی از آن به دلیل تحریم‌ها است، اما عمدتا به دلیل سیاست‌های اقتصادی نامساعد دوت‌ها نیز هست.نتایج نشان می‌دهد که با تعریف بحران اقتصادی ایران به عنوان یک مشکل امنیتی، رژیم به دنبال راه حل‌های اقتصادی در چارچوب امنیتی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی‌نیز »اقتصاد مقاومتی» را به عنوان پاسخ »جنگ نرم» به تحریم‌ها اعلام کرد، و به این ترتیب سیاست‌های اقتصادی ایران را به یک امنیت ملی متصل می‌کند.

سندرمان(۲۰۱۶)در مقاله «به سمت اقتصادهای انعطاف پذیرتر: نقش ساختارهای اقتصادی کارآمد» به روش توصیفی-تحلیلی وروش‌های تجربی، به بررسی این فرضیه می‌پردازد که انعطاف‌پذیری اقتصادی برای مقاومت بهتر در برابر شوک‌های ناگوار و کاهش هزینه‌های اقتصادی مرتبط با آن‌ها ضروری است و تعریف ظرفیت جذب شوک‌ها بر کیفیت

ساختار اقتصادی متفاوت است. نتایج حاکی از آن است که شواهد قوی وجود دارد که بازار کار و کالا، شرایط چارچوب و نهادهای سیاسی، مقاومت در برابر شوک‌های ناگوار را افزایش می‌دهد و میزان بروز بحران را به‌طور کلی کاهش می‌دهد. در حضور یک شوک رایج، یک کشور با ساختار اقتصادی ضعیف تر می‌تواند به‌طور متوسط دو برابر کاهش تولید در یک سال نسبت به کشور در مرز پارامترهای نهادی رنج برد. به همین ترتیب در یک کشوری که مؤسسات انعطاف پذیر بیشتر است، احتمال بحران‌های شدید اقتصادی کاهش می‌یابد.

بررسی پیشینه منابع تحقیق نشان می‌دهد، اگرچه مقالاتی به بررسی تاثیر و جایگاه اقتصاد مقاومتی بر صنعت و تولید پرداخته اما به بررسی جایگاه اقتصاد مقاومتی و تاثیر آن بر بهره‌وری در صنعت پرداخته نشده است. تبیین این موضوع به روش توصیفی«تحلیلی و با استفاده از داده‌های آماری، جهت تاثیر بندهای مختلف اقتصاد مقاومتی و چگونگی تاثیر گذاری هریک از بندهای آن بر بهره‌وری در بخش صنعت به گونه ای متفاوت پرداخته شده است.

۳- مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار، تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید روی مزیت‌های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی می‌باشد.
(فشاری و پور غفار، ۱۳۹۳: ۳۱)

۱-۳- مهمترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

۱. ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان (تولید ملی، اشتغال،

کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی‌و مهم‌تر از همه عدالت اجتماعی)

۲. توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا (تکانه‌های اقتصاد دنیا، بلاهای طبیعی و تکانه‌های تخاصمی مثل تحریم‌ها)؛

۳. تکیه بر ظرفیت‌های داخلی (ظرفیت‌های علمی، انسانی، طبیعی، مالی، جغرافیایی واقلیمی)، ضمن استفاده حداکثری از امکانات بیرون از کشور؛

۴. رویکرد جهادی (همت جهادی و مدیریت جهادی) علمی، پر قدرت، با برنامه و مجاهدانه؛

۵. محوری (سیاست اصل ۴۴) و بهره‌گیری از فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت و صاحبان سرمایه، با زمینه سازی، راهنمایی و حمایت دولت؛

۶. امنیت اقلام راهبردی و اساسی، در درجه اول غذا و دارو با تکیه بر تولید داخلی؛

۷. کاهش وابستگی به نفت (استفاده حداقلی از فروش نفت خام)؛

۸. اصلاح الگوی مصرف (صرفه جویی، پرهیز از اسراف، الگوی مصرف عاقلانه، مدبرانه و اسلامی)؛

۹. فسادستیزی (شفاف سازی و ایجاد امنیت و فضای رقابتی)؛

۱۰. دانش محوری (اقتصاد دانش بنیان، چرخه علم تا ثروت در بخش‌های دارای مزیت). (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۳ :۴۷و۴۶)

۲-۳- سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بخش صنعت

طی سالهای اخیر اقتصاد کشور به واسطه اعمال تحریمهای اقتصادی غرب با مشکلاتی مواجه شده است، اما اصلیترین مشکلی که پس از بروز تحریمها رخ داده است، تامین کالاهایی است که مردم به آن‌ها نیاز دارند. کالاهایی که عمده آن‌ها به واسطه عدم توجه به تولید داخل و حمایتهای لازم از صنعت با خروج گسترده ارز وارد کشور می‌شود.

اعمال تحریم‌های اقتصادی در سالهای اخیر این موضوع را بیش از گذشته ضروری کرده است که باید بیش از گذشته به تولید داخل توجه شود؛ چرا که با توسعه صنایع بومی می‌توان به راحتی بخش قابل توجهی از نیازهای اساسی مردم به کالاهای مختلف را، در داخل کشور برطرف کرد.

این موضوع علاوه بر بی نیازی به کشورهای غربی، مزایای فراوانی را نیز برای اقتصاد کشور به همراه دارد. بیکاری یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد ایران در سالهای اخیر بوده است و این در حالی است که صنایع کشور پتانسیل ایجاد اشتغال پایدار به صورت گسترده را دارند. در صورت حمایت از تولید داخل می‌توان امیدوار بود که با برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت نرخ بیکاری کاهش یابد و مشکل بیکاری در اقتصاد ایران برطرف شود.

مزیت دیگری که می‌توان در راستای حمایت از تولید داخل به آن اشاره کرد، جلوگیری از خروج ارز به منظور واردات کالاهای غیر ضروری است. این اتفاق در شرایطی رخ می‌دهد که به واسطه عدم فعالیت صنایع کشور با تمام توان دولت به منظور تامین نیازهای غیر ضروری مردم به ناچار به سمت واردات کالاهای مختلف هدایت شده است. این موضوع باعث شده تا ارز قابل توجهی هر ماه از کشور خارج شود. این در حالی است که هم‌اکنون صنایع کوچک و بزرگ کشور با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند و در صورتی که هزینه واردات به صنایع کشور تزریق شود مشکل تامین کالاهای مورد نیاز داخل برای بلندمدت برطرف می‌شود و دیگر نیازی به خروج ارز برای واردات کالاهای غیر ضروری نیست.

سومین مزیت حمایت از تولید داخل توسعه اقتصاد کشور است. در صورتی که صنایع کشور با تمام توان خود فعالیت کنند تولید کشور افزایش خواهد یافت که این موضوع می‌تواند در نهایت به رشد اقتصادی و رسیدن به اهداف مورد نظر در برنامه‌های کلان

اقتصادی کشور منجر شود. در شرایطی که ایجاد اشتغال، جلوگیری از خروج ارز و رشد اقتصادی سه ویژگی مهم حمایت از تولید داخل هستند، ضروری است که از تولید داخل حمایت ویژه‌ای صورت بگیرد و تمام نهادها این موضوع را در دستور کار خود قرار دهند.[۱] از این‌رو مزیتهای حمایت از تولید داخلی در جهت ایجاد اشتغال، استقلال در تولید کالاهای اساسی و مورد نیاز کشور و کمک به گردش مالی مناسب و توسعه بخش‌های مالی کشور می‌تواند راهگشا باشد. در ادامه برخی از راهکارهایی که می تواند به بخش تولید و صنعت کشور کمک نماید بیان شده است:

۱. تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی وبه حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل وتشویق همکاری‌های جمعی وتأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.

۲. پیش‌تازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور وسازماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

۳. محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمند سازی یارانه‌ها درجهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی وارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

۵. سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد

۱. علی کاظمی، مزیتِ تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، فروردین ۱۳۹۱،

ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاءآموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶. افزایش تولید داخلی نهادها و کالاهای اساسی(به‌ویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود وخاص.

۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی وکیفی تولید(مواداولیه وکالا)

۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

۹. اصلاح و تقویت همه جانبه‌ی نظام مالی کشور باهدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات دراقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

(طباطبایی یزدی، ۱۳۹۶: ۱۵ و ۱۴)

۴- راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی در بخش صنعت

۴-۱- بهبود بهره‌وری

واژه بهره‌وری در لغت به معنای» قدرت تولید، باروری و مولد بودن» است. ساده ترین تعریف از بهره‌وری آن را» نسبت مقدار معینی محصول و مقدار معینی از یک یا چند عامل تولید می‌داند. این معیار بازگو کننده نحوه استفاده از منابع و عوامل تولید در یک دوره از زمان می‌باشد و آثار سه‌گانه تغییر تکنولوژی، تغییر مقیاس و تغییر راندمان استفاده از نهاده‌ها را در بر می‌گیرد. (دشتی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۳) بهره وری از عوامل مهم و کلیدی در سنجش میزان بکارگیری مطلوب از داده ها در تولیدات صنعتی می‌باشد.

بهره وری زمانی اهمیت دوچندان پیدا می کند که همواره نسبت خروجی‌ها و ورودی‌های یک سیستم

را نشان می‌دهد و می‌توان با بدست آوردن این نسبت همواره سیستم‌های مختلف را با هم مقایسه کرده و ضعف‌ها و قوت‌های هر یک از سیستم‌ها را مشخص نمود. بهره‌وری در مباحث اقتصادی و صنعتی چنان اهمیت یافته است که امروزه تعریف آن را کسب رفاه بیشتر و زندگی مناسب برای جامعه می‌دانند و این موضوع نشان‌دهنده میزان تأثیر بهره وری در استفاده بهینه از تمامی عوامل در دسترس انسان می باشد. از این‌رو در زیر به عوامل مؤثر بر آن پرداخته می‌شود:

۱-۱-۴- عوامل موثر در افزایش بهره‌وری

۱-۱-۱-۴- بهبود کیفی نیروی کار

به اعتقاد کوان لی، اعتلای جوامع بر ارتقای سطح فکر مردم وسامان دادن صحیح فعالیت‌های بشری منوط و استوار است. سرمایه منابع طبیعی دانش فنی و برخورداری از کمک‌های خارجی همگی نقش‌های اساسی و مهم در تحقق آرمان‌های رشد و توسعه اقتصادی و افزایش سطح بهره‌وری دارند. اما هیچ یک از عوامل اهمیت چگونگی کیفیت منابع انسانی را دارا نیستند.(اعتمادی، ۱۳۷۹: ۸۸-۸۶)

۲-۱-۱-۴- افزایش سرمایه‌گذاری در تجهیزات و ماشین الات

جایگزین کردن سرمایه به صورت تجهیزات و ماشین الات به جای کارگر به افزایش محصول در مقابل ساعت و تعداد نفر در کار کمک شایانی کرده است.(همان، ۸۶)

۳-۱-۱-۴- ره‌آوردهای تکنولوژیک

امروزه در متون علمی بخش مهمی از آهنگ رشد در بهره‌وری به تحولات تکنولوژیکی انتساب داده و متاثر از آن قلمداد می‌شود؛ به گونه‌ای که سالتر در مقام پاسخ به این سوال که کدام عامل بیشتر از سایر عوامل در ارتقای بهره‌وری تاثیر دارد به ترتیب چهار عامل یعنی کارایی نیروی انسانی، جایگزینی سرمایه به جای کار، صرفه جویی‌های ناشی از تولید در مقیاس وسیع و پیشرفت فنی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پایان بحث نتیجه‌گیری می‌کند که (پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های تکنولوژیک اهمیتی به مراتب قاطع‌تر از سایر

عوامل دارد و عنوان میکند که پیشرفت تکنولوژی، قیمت تجهیزات را پایین می‌اورد و جایگزینی سودمندانه سرمایه به جای کار را میسر می‌سازد.(همان، ۸۷)

۴-۱-۱-۴- صرفه جویی‌های ناشی از تولید

اندازه واحد تولید یاحجم تولید عامل اساسی دیگری است که بر سطح بهره‌وری تاثیر می‌گذارد. البته اظهارنظر درمورد واحدهای کوچکتر یا تولید در سطح بیشتر به موقعیت کارخانه، تولید و توانایی استفاده از امکانات و منابع سازمان بستگی دارد. لذا درهردو حالت وقتی بهره‌وری افزایش خواهد یافت که صرفه جویی در یکی از دو گزینه(تولید به واحدهای کوچکتر- یکپارچگی) برای سازمان امکان پذیر شود.(همان، ۸۷)

۵-۱-۱-۴- تغییر در کیفیت مواداولیه

فراهم آوردن مواد اولیه با کیفیت خوب گرچه توام با هزینه‌های اضافی است، ولی این کار ضایعات تولید را کاهش می‌دهد و از خریدهای مکرر جلوگیری خواهد کرد و منابع صرف شده برای تولید نیز به هدر نخواهد رفت.(همان، ۸۷)

۶-۱-۱-۴- استفاده بهینه از منابع

انرژی مناسب، (سوخت برتر)، انبارداری کارامد، استفاده از حداکثرظرفیت واحد تولیدی، پرهیز از تنگناهای تولیدی، استفاده از تکنولوژی برتر و نیروی انسانی ماهر، بی تردید تاثیرات آشکاری را در بهره‌وری پدید خواهدآورد.

در فرایند تولید، علاوه بر نیروی انسانی عوامل دیگر تولید نیز استفاده می‌شود که این چه به تنهایی و چه به صورت ترکیبی در مقدار تولید تاثیر می‌گذارد. به همین دلیل دانستن میزان بهره‌وری این عوامل و رابطه انها با تولید و تغیرات آنها در وضعیت‌های مختلف لازم است برای استفاده بهینه از مجموعه عوامل تولید را می‌توان به وسیله تغییرات کمی و کیفی در یک یا چند عامل و یا جابجایی یک یا چند عامل بهترین ترکیب را ایجاد کرد؛ برای مثال به کارگیری ربات‌ها به جای نیروی انسانی در کشورهایی که هزینه نیروی انسانی زیاد است.(همان، ۸۸)

۷-۱-۱-۴- تفاهم میان کارگر و کارفرما

رابطه تنش‌آمیز میان کارگر و کارفرما بهره‌وری و کیفیت محصول را در بسیاری از صنایع کاهش می‌دهد وحتی می‌تواند به فروپاشی واحد منجر شود. با ایجاد یک سیستم برای مشورت‌های دوره ای میان کارفرما و کارگر می‌توان زمینه همکاری را پدید آورد. با فراهم شدن زمینه تفاهم به سادگی می‌توان مسائل عادی را حل و وقت ارزشمند را برای گرفتن تصمیم‌های اساسی به کار برد.(همان، ۸۸)

دنیای امروز صنعت و تجارت جهان در دو دهه پایانی قرن بیستم شاهد تحول شگرف و عظیمی در عرصه فناوری و شکل گیری یک نظام فنی و اقتصادی متفاوت با دوره های پیشین بوده است و در فرایند نوین تولید صنعتی، سهم اطلاعات، دانش و نوآوری افزایش و سهم مواد اولیه و نیروی کار بکار رفته در آن تقلیل یافته است. به طوری که امروزه ارزش یک کالای تولید شده با تکنولوژی بکار رفته تعریف می شود نه با میزان کار و سرمایه موجود در آن(مبارک، ۱۳۹۰، ۱۵۵)

۲-۴- بهره‌وری در صعنت

۱-۲-۴- اندازه بنگاه‌های صنعتی

نیروی کار به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی افزایش بهره‌وری به صورت کلی و متوسط می‌باشد که باعث افزایش رقابت پذیری صنایع تولید در بنگاه‌های مختلف خواهد بود و خود همین نیروی کار برای بنگاههای مختلف دارای تأثیرات متفاوتی بوده که استفاده از نیروی کار متخصص و آموزش دیده به عنوان یک سرمایه انسانی جهت کاهش هزینه‌های تولیدی و افزایش بهره‌وری بوده است و استفاده از نیروی کار تا مقدار معینی باعث افزایش بهره وری نیروی کار در بنگاه‌های تولیدی در صنایع مختلف شده است و از یک مقدار به بعد دارای اثرات کاهشی میباشد، چون اثرات بهره وری و رقابت‌پذیری آن در تولید محصولات و استفاده از روش‌های نوین تولیدی را به سایر بنگاه در این صنایع چه در داخل و چه در خارج کشور انتشار خواهد داد به همین دلیل بر بهره وری متوسط نیروی کار بعد آن اثر کاهشی خواهد داشت.

۲-۲-۴- موجودی سرمایه

سرمایه فیزیکی در مدل نئوکلاسیک نقش بسیار تعیین کننده در توجیه رشد اقتصادی دارد و درمدل‌های رشد درونزا و در توجیه منابع رشد بهره وری کل و متوسط عوامل تولید از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است، چرا که بدون وجود سرمایه فیزیکی در مدل، تجسم یافتن دانش در عامل سرمایه و پیشرفت فنی مفهومی نخواهد داشت؛ همچنان که سرمایه انسانی در سایه توسعه تابع تولید با وجود مهارت نیروی کار به عنوان یکی از منابع رشد بهره روی عوامل تولید به شمار می‌رود سرمایه فیزیکی می‌تواند به عنوان یک پل ارتباطی تأثیر پیشرفت‌های فنی بر روی بهره‌وری کل عوامل تولید مؤثر باشد و در این تحقیق از نقش نسبت سهم سرمایه فیزیکی بنگاه‌های تولیدی به عنوان متغیر تأثیر گذار برروی بهره‌وری متوسط نیروی کاراستفاده می‌شود.

۳-۲-۴- صادرات صنعت

صادرات در بخش صنایع مختلف با افزایش بهره وری و رقابت پذیری باعث کاهش هزینه‌های تولیدی در صنایع مختلف خواهد شد و از طرف دیگر کاهش این هزینه باعث افزایش صادرات تولیدات مواد مختلف در بخش‌های صنایع گوناگون می‌شود.
(همان، ۱۶۰-۱۵۹)

۳-۴- توجه به جایگاه و نقش اقتصاد دانش‌بنیان در بخش‌های مختلف صنعتی

دانش به عنوان یکی از نیروهای بسیار موثر در تحولات اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید و یک کالای عمومی محسوب می‌شود، زیرا می‌توان دانش را بدون کاهش و استهلاک، با دیگران به اشتراک گذاشت. درعین حال، این یک مشخصه‌ی منحصر به فرد برای این کالای عمومی محسوب می‌شود که برخلاف سایر کالاهای فیزیکی مثل سرمایه، دارایی‌های مادی و منابع طبیعی، استفاده از آن از کمیتش نمی‌کاهد و می‌توان از

آن بارها استفاده کرد.

در عصر حاضر، اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان، گویای تاکید برنقش دانش و فناوری در جریان توسعه‌ی اقتصادی است. از این‌رو، می‌توان گفت در اقتصاد دانش‌بنیان، به دانش از نظر کمی و کیفی با اهمیت‌تر از گذشته نگریسته می‌شود. طبق تعریف اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که مستقیما بر مبنای تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرارگرفته باشد. بسیاری از اقتصاددانان بر این باورند که امروزه دیگر حجم سرمایه و اندازه بازار در توسعه‌ی اقتصادی ملل نقش اساسی ندارد، بلکه این نقش را دانش و فناوری ایفا می‌کند. یکی از مشکلات اساسی در تولیدات داخلی و اقتصاد کشور، عدم اتکای آن‌ها به علم و تکنولوژی و تبعیت از علوم و دانش غربی است. متاسفانه کاربرد ناصحیح علم و دانش در جهتی غیراز جهت معیشت مردم و آسیبهای اساسی اقتصاد کشور، سبب شده است تا نه‌تنها وابستگی اقتصاد ملی به غرب و علوم غربی کاهش پیدا نکند، بلکه این وابستگی روز به روز بیشتر شود و زمینه‌های شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی در کشور ایجاد نشود.

اقتصاد دانش‌بنیان با توجه به ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند از طریق روشهای زیر بر فراهم کردن بستر مناسب در جهت تحقق توسعه پایدار اقدام نماید:

۱. در مورد تولید فرض ما بر این است که یک اقتصاد دانش پایه، با بهره‌وری بیشتر عوامل و رفتار بهینه اقتصادی از نظر تخصیص منابع کار می‌کند؛ بنابراین نرخ رشد تولید باید بالاتر باشد.

۲. در مورد توزیع فرض بر این است که در یک اقتصاد دانش پایه معمولا مولد در شرایط رقابتی بهتر پاداش داده می‌شوند و در واقع با حاکم شدن شرایط شایسته سالاری، مزدهای موثر برای عامل کار، بالاتر از یک اقتصاد سنتی است. در واقع، توزیع ثروت و درآمد بر اساس بهره‌وری عوامل تولید صورت می‌گیرد؛ بنابراین انتظار داریم که ضریب جینی در اقتصاد دانش محور اصلاح شده و به تعادل نسبی نزدیک‌تر باشد.

۳. در مورد عملکرد زیست محیطی اقتصاد نیز فرض می‌کنیم که در یک اقتصاد

دانش‌محـور، شـناخت بهتـری نسـبت بـه عوامـل محیطـی و تاثیـر آن‌هـا در عملکـرد اقتصـاد وجـود دارد؛ بنابرایـن، یـک اقتصـاد مبتنـی بـر دانایـی، اسـتانداردهای بالاتـری را از نظـر محیـط زیسـت رعایـت می‌کنـد.

در عصـر حاضـر، اصطـلاح اقتصـاد دانش‌بنیـان یـا اقتصـاد دانشـی کـه توسـط سـازمان همـکاری اقتصـادی و توسـعه مـورد تاکیـد خـاص در اسـتراتژی توسـعه ملـل قـرار گرفتـه، گویـای تاکیـد در نقـش دانـش و فنـاوری در جریـان توسـعه اقتصـاد اسـت. (رمضانپـور و همـکاران، ۱۳۹۱، ۲) بـا توجـه بـه آن‌چـه بیـان شـد، می‌تـوان گفـت در اقتصـاد دانش‌بنیـان بـه دانـش از نظـر کمـی و کیفـی بـا اهمیت‌تـر از گذشـته نگریسـته شـده اسـت.

۲. کارگـران ماهـر و آموزش‌دیـده: به‌طـور مـداوم می‌تواننـد مهارتهـای خـود را بـه نحـو احسـن ارتقـا و بـه منظـور ایجـاد و اسـتفاده از دانـش بـا آن تطبیـق دهنـد.

۳. سیسـتم نـوآوری موثـر: شـامل شـرکتها، مرکـز تحقیقاتـی، دانشـگاهها، مشـاوران و سـایر سـازمان‌هایی اسـت کـه می‌تواننـد بـا انقـلاب دانـش، ذخیرهـی رو بـه رشـد دانـش جهانـی را حفـظ کننـد و بـا نیازهـای محلـی تطبیـق دهنـد.

۴. زیرسـاختهای اطلاعاتـی مـدرن و مناسـب: کـه می‌توانـد ارتبـاط موثـر، انتشـار و پـردازش اطلاعـات و دانـش را تسـهیل نمایـد. (همـان، ۴)

از ایـن‌رو توجـه بـه مشـوق‌های اقتصـادی، تشـکیل نهادهـا، آمـوزش نیـروی کار ماهـر، توجـه بیشـتر بـه مراکـز تحقیقاتـی و علمـی و ایجـاد زیـر سـاختهای پـردازش دانـش و اطلاعـات نقـش موثـر و کلیـدی در تقویـت اقتصـاد دانش‌بنیـان دارد.

نتیجه‌گیری

در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خود گذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم کرده اند و این خود جنبه ای از اقتصاد مقاومتی است.که شامل اصلاحات اصلاحات اقتصادی، جذب شوک‌های خارجی، استفاده از ظرفیت و توان داخلی کشور و تعاملات اجتماعی است.

افزایش متناسب به کارگیری همه‌ی عوامل تولید، موجب می‌شود تولید به میزانی بیشتر از تغییر منابع تولید دستخوش تغییرات گردد که نتیجه این امر کاهش هزینه‌ی واحد تولید و صرفه اقتصادی فرآیند تولید خواهد بود. لذا اتخاذ راهکارهایی که امکان افزایش اندازه‌ی واحدهای تولیدی را فراهم می‌سازد توصیه می‌شود. بیشترین افزایش بهره‌وری، سرمایه‌گذاری بر روی تحقیق و توسعه صادرات، ساختار نهادی، سرانه سرمایه و اندازه بنگاه‌های صنعتی در بخش های صنایع شیمیایی، ماشین آلات و تجهیزات فلزی و غیرفلزی بوده است وکمترین مقدار افزایش در بهره‌وری سرمایه گذاری بر روی تحقیق و توسعه، صادرات، ساختار نهادی، سرانه سرمایه و اندازه بنگاه‌های صنعتی در صنایع متفرقه و محصولات چوبی، کاغذ و مواد غذایی و توتون و تنباکو در شرایط رقابتی بوده است. اگر تحقیق و توسعه یکی از منابع اصلی تحولات افزایش بهره وری همراه با فناوری بوده است، پس به مجموعه ای از نهادها و عوامل مختلف نیاز است که در چارچوبی نظام مند بر بستری از نظام انگیزشی که بتوانند دانش و فناوری را به عنوان محصولات تحقیق و توسعه که باعث کاهش هزینه‌ها و بهبود بهره‌وری و کارآیی شده را ارائه نماید، که نیاز به شناخت بازیگران آن می باشد. بازیگران اصلی عرصه تحقیق و توسعه و فناوری بنگاه‌های تجاری در صنایع مختلف معرفی شده اند که در تعاملی منطقی با آموزش عالی، بخش خصوصی، دولتی و خارجی با همکاری یکدیگر در پیشرفت اهداف تحقیق و توسعه می تواند ثمربخش باشد. در این برآورد تأثیر سرمایه

انسانی در کنار سایر فاکتورهای تأثیرگذار بر بهره وری کل صنایع ایران دارای اثرات متفاوت با توجه به فاکتورهای نهادی مجزا و کلی بوده است.

نتیجه نهایی آن است که بودجه بندی مناسب، نظام مالیاتی کارآمد، کارآمدی سیاست‌های پولی و مالی، اشتغالزایی، مدیریت واردات و توسعهٔ صادرات، تثبیت نرخ ارز، ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی، مدیریت مصرف و... به تحقق اقتصاد مقاومتی می‌انجامد، از این‌رو با کارآیی و اثربخشی بالاتر، هزینه‌های تولید کاهش و توان رقابت‌پذیری در عرصه بین‌المللی افزایش می‌یابد. این موضوع در بلندمدت به افزایش تولید ملی، بهبود توان رقابت پذیری و افزایش صادرات غیرنفتی منجر می‌شود. همچنین در دوره زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت، بهبود کیفی نیروی کار، افزایش سرمایه‌گذاری، ره‌آوردهای تکنولوژیک و استفاده از شیوه‌های نوین اقتصادی، موجب بهره‌وری خواهد شد و به دنبال آن آسیب شناسی هریک از شوک‌های اقتصادی و همچنین شناسایی هریک از مؤلفه‌های مؤثر در صنعت وبهره‌گیری از روش‌های جدید و استفاده مطلوب از عوامل تولید در این عرصه، دستیابی به اهداف این مقاله را میسر خواهد ساخت.

منابع و ماخذ

۱. اعتمـادی، مهدی؛(۱۳۷۹)؛عوامـل مؤثـر درارتقـای بهـره‌وری در بخـش صنعـت؛ مجلـه دانـش مدیریـت؛ شـماره۴۹؛ ۹۸-۸۰

۲. دشـتی، نـادر و یـاوری، کاظـم و صبـاغ، مجیـد؛(۱۳۸۸)؛ تجزیـه رشـد بهـره‌وری کل عوامـل تولیـد در صنعـت ایـران بـا اسـتفاده از رهیافت‌های اقتصاد سـنجی؛ دوره ششـم؛ شـماره۱؛۱۲۸-۱۰۱

۳. رمضانپـور، اسـماعیل و زهـرا ایـاغ، مریـم چهـره، (۱۳۹۱) بررسـی نقـش اقتصـاد دانش‌بنیـان و بهـره‌وری در اقتصـاد مقاومتـی. مجموعـه مقـالات همایـش ملـی بررسـی و تبیـن اقتصـاد مقاومتـی.

۴. سـیفلو، سـجاد؛(۱۳۹۳)؛ مفهـوم شناسـی اقتصـاد مقاومتـی؛ مجلـه معرفـت اقتصـاد اسـلامی؛ شـماره۱۰؛۱۷۳-۱۵۱

۵. فشـاری، مجیـد و پورغفـار، جـواد؛(۱۳۹۳)؛ بررسـی و تبییـن الگـوی اقتصـاد مقاومتـی در اقتصـاد ایران؛مجلـه اقتصادی؛سـال چهاردهم؛ شـماره۵و۶؛ ۴۰-۲۹

۶. مبـارک، اصغـر؛ (۱۳۹۰)؛ بررسـی عوامـل اثـرات فاکتورهـای نهـادی بـر بهـره‌وری در صنعـت ایـران؛ مجلـه راهبـرد توسـعه؛ شـماره۲۷

7-Briguglio,lino. cordina, gordon. bugeja, stephanie. farrugia, nadia;(2004); conceptualizing and Measuring Economics Resilience; Economics Department, University of Malta

8-Sondermann,David;(1984); Towards more resilient economies: the role of well-functioning economic structures.

9-Toumaje, Amir;(2014) Irans Economy of Resistance: Implications For Future Sanctions.

آثار وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی(بررسی تجربه سایر کشورها)

محمدصادق حسنی مقدم[۱]

چکیده

مالیات‌ها همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تامین مالی و ایجاد ثبات اقتصادی برای دولت‌ها به حساب می‌آیند. دولت‌ها در اخذ مالیات و یا عدم اخذ آن از بخش‌های مختلف اقتصادی، نقش مهمی در بهبود عملکرد نظام مالیاتی دارند. یکی از بخش‌های معاف از مالیات، سپرده‌های بانکی است. در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، بر افزایش تولید ملی، نقدینگی و رشد اقتصادی و تورم اثر مثبت دارد و با بررسی آثار وضع مالیات بر سود سپرده‌ها و آثار آن بر حجم نقدینگی، تورم، تولید ملی و رشد اقتصادی و همچنین بررسی تجربه سایر کشور و ارائه چندین راهکار این نتیجه به‌دست آمد که وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی باعث بهبود متغیرهای کلان اقتصادی می‌شود که این امر خود باعث بهتر شدن وضعیت کلی اقتصاد کشور می‌شود. در نتیجه وضع این نوع مالیات خود گامی رو به جلو برای طی کردن مسیر توسعه کشور است.

واژگان کلیدی: تولید ملی، سود سپرده‌های بانکی، رشد اقتصادی، بازارهای مالی، مالیات

۱.دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

hassani.mohammadsadegh@gmail.com

مقدمه

در این مقاله به ارتباط بین وضع مالیات و اثر آن بر تغییرات در سپرده‌های بانکی پرداخته می‌شود. مالیات‌ها همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تامین مالی و ایجاد ثبات اقتصادی برای دولت‌ها به حساب می‌آیند. اخذ مالیات از سپرده‌های بانکی سال‌هاست که مورد تحلیل و بررسی بسیاری از اقتصاددانان است و در سال‌های اخیر چندین بار این موضوع مطرح گردیده است. اخذ این نوع مالیات در بسیاری از کشورهای توسعه یافته در حال اجرا است، اما هیچ گاه در ایران وارد فاز اجرایی نشده است.

دولت‌ها در اخذ مالیات و یا عدم اخذ مالیات (معافیت‌های مالیاتی) از بخش‌های مختلف اقتصادی، نقش مهمی در بهبود عملکرد نظام مالیاتی دارند. یعنی دولت‌ها باید به درستی تشخیص دهند که از چه بخش‌هایی مالیات اخذ نمایند و در کدام بخش‌ها ایجاد معافیت مالیاتی نمایند. دولت‌ها با ایجاد معافیت مالیاتی در برخی از بخش‌های خاص باعث می‌شوند که منابع جامعه به سمت این بخش‌ها سرازیر شود. اما ایجاد معافیت مالیاتی برای بخش‌های خاص، باید به درستی تشخیص داده شود. زیرا تشخیص نادرست این امر باعث کاهش درآمد مالیاتی دولت و همچنین ایجاد انحراف در توزیع و تخصیص منابع می‌شود. یکی از این موارد که مالیات از آن‌ها دریافت نمی‌شود، سپرده‌های بانکی است. سپرده‌های بانکی در ایران به دو صورت قرض الحسنه (جاری و پس انداز) و سرمایه‌گذاری مدت دار است. در مورد حساب‌های قرض الحسنه چون اولا به این حساب‌ها سودی پرداخت نمی‌شود وثانیاً هدف از ایجاد آن‌ها، انجام کار خیر خواهانه است، در نتیجه دریافت مالیات از این حساب‌ها امری غیر عقلایی است. اما در مورد حساب‌های سرمایه‌گذاری مدت دار، چون هدف سپرده گذاران از ایجاد آن‌ها کسب سود است و همچنین سود این حساب‌ها به صورت علی الحساب از سوی بانک‌ها اعلام می‌شود، درنتیجه می‌توان از این حساب‌ها مالیات دریافت کرد.

یکـی از مهم‌تریـن منابـع مالـی جهـت رسـیدن بـه رشـد اقتصـادی و تولیـد بیشـتر، اسـتفاده از سیسـتم بانکـی کشـور و بخصـوص سـپرده‌های بانکـی اسـت. امـا سـپرده‌های بانکـی در حـد مطلـوب و بهینـه در خدمـت تولیـد و در مسـیر رشـد اقتصـادی کشـور نیسـت و کمتـر در ایـن امـور مـورد اسـتفاده قـرار مـی گیرنـد. در ایـران بـه دلیـل گسـترش فعالیت‌هـای نامولـد و سـودآوری بسـیار بیشـتر ایـن نـوع فعالیت‌هـا نسـبت بـه فعالیت‌هـای مولـد، بانک‌هـا بـدون توجـه بـه زیـان فعالیت‌هـای نامولـد بـرای اقتصـاد یـک کشـور و تنهـا بـه دلیـل کسـب عایـدی بیشـتر بـرای خودشـان، بیشـتر منابـع را در اختیـار بخـش نامولـد قـرار مـی دهنـد و جلـوی رشـد و توسـعه یـک کشـور را مـی گیرنـد. ایـن مقالـه سـعی دارد کـه بـا اسـتفاده از ابزارهایـی، آن قسـمت از وجـوه سـپرده‌های بانکـی را کـه بیـش از مصـرف سـپرده گـذاران و غیرقابـل اسـتفاده اسـت و همچنیـن آن قسـمت از منابـع را کـه بهینـه تخصیـص نمـی یابـد را بـه سـمت بخـش تولیـدی و مولـد بیـاورد تـا در مسـیر رشـد و شـکوفایی اقتصـادی گام برداریـم. یکـی از مهم‌تریـن ابزارهایـی کـه بـرای ایـن امـر وجـود دارد، مالیـات اسـت کـه می‌تـوان بـا ایـن عنصـر، سیسـتم بانکـی را تهدیـد و یـا تشـویق کـرد کـه وجـوه خـود را در خدمـت تولیـد بـه کار بگیـرد و همچنیـن بـه رشـد اقتصـادی کشـور کمـک کنـد.

بـرای رسـیدن بـه تولیـد و رشـد بیشـتر بایـد از سـاختارهای مختلـف اقتصـادی بهـره بـرد. جهـت شـکل‌گیری یـک رونـد کارا و موثـر بایـد سـاختارهای مختلـف کشـور را بـه درسـتی و بهینـه تامیـن مالـی کـرد. تامیـن مالـی در اقتصـاد ایـران از دو راه سیسـتم‌های بانـک محـور و سیسـتم‌های بـازار محـور صـورت مـی پذیـرد. امـا بـه دلیـل گسـترده بـودن سیسـتم بانکـی در کشـور، عمـده روش‌هـای تامیـن مالـی در ایـران از طریـق سیسـتم بانکـی صـورت مـی پذیـرد. امـا مشـاهده نحـوه تامیـن مالـی در سیسـتم بانکـی کشـور نشـان می‌دهـد کـه بنگاه‌هـا و عامـلان اقتصـادی بـه درسـتی نمی‌تواننـد از سیسـتم بانکـی بـرای تامیـن نقدینگـی مـورد نیـاز خـود بهـره ببرنـد و اکثـر ایـن منابـع صـرف فعالیت‌هـای نامولـد می‌شـود کـه عـلاوه براین‌کـه هیـچ سـودی بـرای کشـور ندارنـد

بلکه نقش کند کننده و ترمز در مسیر توسعه یک کشور را ایفا می کنند.

مالیات بر سود سپرده‌های بانکی یعنی دولت از حساب‌های سپرده گذارانی که بیش از مصرف خود در حساب‌هایشان اندوخته اند، مالیات بر درآمد وضع کند تا به نحوی از کنز پول جلوگیری شود و همچنین درآمدی را در اختیار دولت قرار دهد. در واقع دولت با گرفتن مالیات از سود سپرده‌ها، علاوه براین که منابع خود را افزایش می‌دهد، موجب افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی نیز می‌شود و باعث می‌شود که سپرده گذاران وجوه خود را به سایر بازارهای مالی که بازدهی مطلوب تری نسبت به بانک‌ها دارند، سوق دهند. اما از طرفی اجرای سیاست مالیات بر سود سپرده‌های بانکی باعث کاهش سود سپرده گذاران و دریافت کنندگان تسهیلات بانکی می‌شود، که این امر منجر به کاهش پس انداز و خروج وجوه از بانک‌ها و کاهش قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها و کاهش سرمایه‌گذاری دولتی می‌شود.

در نتیجه سرمایه‌گذاران برای دست یابی به سود بیشتر از سرمایه خود، وجوه خود را به دیگر بازارهای مالی می برند که این امر باعث رشد اقتصادی و افزایش ظرفیت‌های کشور می‌شود.

ضرورت این پژوهش در آن است که می‌توان با اخذ مالیات از سود سپرده‌های بانکی، به جای سپرده گذاری و دریافت یک بازدهی ثابت و مشخص توسط سپرده گذارن و همچنین با توجه به عدم توانایی بانک‌ها در تسهیلات دهی تمام این وجوه و همچنین تخصیص نامطلوب این وجوه توسط بانک‌ها فقط به سود فعالیت‌های نامولد، منابع مازاد بانکی در خدمت تولید و رشد بیشتر و همچنین رونق سایر بازارهای مالی به کار گرفته شود که در نهایت این سیاست در بلندمدت منجر به بهبود عملکرد سایر مولفه‌های اقتصاد کلان می‌شود.

هدف اصلی این مقاله این است که با ایجاد مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، آن بخش

از وجوهی که توسط سپرده گذاران در بانک‌ها فقط با هدف کسب سود ثابت نگهداری شده است و در چرخه تولید و رشد و توسعه کشور به کار گرفته نمی‌شود، آزاد شود. همچنین با این کار جلوی خواب سرمایه گرفته شود، تا در راه رسیدن به رشد اقتصادی و تولید ملی قدم برداریم. همچنین این مقاله آثار وضع مالیات بر سود سپرده‌ها بانکی و اثر آن بر متغیرهای مشخص شده (تورم، رشد اقتصادی،تولید ملی و ...) را بررسی می کند و با بررسی تجربه سایر کشورها در اخذ این نوع مالیات، چشم انداز این فعالیت را برای اقتصاد ایران تبیین می کند.

۱-پیشینه تحقیق

جفره و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله « بررسی روند کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی و نقش آن بر شاخص تورم در ایران طی سال‌های ۸۶-۱۳۷۵ و ارائه الگوی مناسب برای مدیریت و کنترل آن » با استفاده از مدل رگرسیون خود توضیح برداری با وقفه توزیعی و آزمون دیکی- فولر بر اساس معیار شوارتز- بیزین، در بلندمدت ارزیابی شده و برای برآورد روابط کوتاه‌مدت بین این دو متغیر از الگوی تصحیح خطا استفاده شده است و نتایج این تحقیق نشانگر آن است که رابطه بین نرخ سود تسهیلات بانکی و شاخص تورم در بلندمدت معنی دار بوده و با کاهش سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها، نرخ تورم کاهش می یابد.

خدادادکاشی و جانی (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران با تاکید بر کارایی تخصیصی» به روش توصیفی تحلیلی، امکان برقراری مالیات بر سود سپرده در ایران و تحلیل هزینه و منافع ناشی از این امر را بررسی می کند. که نتایج حاصل از این برآورد نشان می‌دهد که بانک‌ها در هدایت سپرده‌ها به سمت سرمایه‌گذاری نقش مثبتی را ایفا می کنند، در حالی که مخارج دولت تاثیر منفی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. همچنین کارایی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در

مقایسه با سرمایه‌گذاری دولتی در اثر گذاری بر تولید بیشتر است.

غفاری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله « بررسی تاثیر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران در قالب یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی نیوکینزی» به روش توصیفی تحلیلی و بر اساس دیدگاه مکینون و شاو، تاثیر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی بر سرمایه‌گذاری و تولید در اقتصاد ایران بررسی شده است، که نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در اثر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی، حجم سپرده‌های بانکی افزایش می یابد، اما سرمایه‌گذاری، تسهیلات بانکی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت کاهش یافته و به زیر مقدار بلندمدت خود کشیده می‌شوند. از این‌رو افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی نه تنها رشد اقتصادی را افزایش نمی‌دهد بلکه باعث کاهش رشد اقتصادی می گردد.

حسنی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله « امکان سنجی برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران» به روش اقتصاد سنجی، امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران را بررسی می کند.که نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که با توجه به اصل برابری و عدالت در نظام مالیاتی، اخذ مالیات از سود سپرده بانکی ضروری است. بر اساس مدل‌های تئوریک، با در نظر گرفتن فروض مختلف، نتایج متفاوتی حاصل می‌شود. بدین ترتیب که در برخی مدل‌ها، کاهش سود سپرده منجر به کاهش حجم سپرده‌ها و در نتیجه سرمایه‌گذاری می گردد، در حالی که مدل‌های مختلفی نیز وجود دارند که نتیجه اخذ مالیات از سود سپرده را حرکت نقدینگی از بازارهای بی ثبات به سمت بانک‌ها و ایجاد ثبات اقتصادی می دانند. در نتیجه به نظر می رسد که نمی‌توان الگوی واحدی مبتنی بر تاثیر اعمال مالیات بر سپرده‌های بانکی ارائه نمود.

عرفانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «تحلیل اقتصادی امکان اعمال مالیات بر سپرده‌های بانک» با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، دلایل اخذ مالیات از سپرده‌های بانکی را مطرح

کـرده و سـپس بـه بررسـی دلایـل منتقدیـن مـی پـردازد و در نتیجـه ضمـن اثبـات ضـرورت و سـهل الوصـول بـودن مالیـات بـر سـپرده‌ها، فـرار سـرمایه‌ها و سـپرده‌ها از سیسـتم بانکـی را رد می کنـد.

مـداح و همـکاران (۱۳۹۶) در مقالـه » تاثیـر مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی» بـه روش توصیفـی تحلیلـی، اثـر مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی و رابطـه بیـن سـپرده‌ها و دیگـر متغیرهـا را مـورد ارزیابـی قـرار داده و نتایـج حاصـل از ایـن تحقیـق نشـان می‌دهـد کـه بـا اعمـال مالیـات بـر سـود سـپرده‌ها، حجـم نقدینگـی افزایـش مـی یابـد کـه بـا دخالـت مطلـوب دولـت می‌تـوان حجـم نقدینگـی را بـه بازارهـای مالـی دیگـر انتقـال داد کـه ایـن مسـئله می‌توانـد سـرمایه‌گذاری و تولیـد واقعـی را افزایـش دهـد.

ایـن مقالـه بـر خـلاف پژوهش‌هـای انجـام شـده بـا بررسـی تجـارب سـایر کشـورها و الگوبـرداری از آن‌هـا و بـه روش توصیفـی تحلیلـی، ابتـدا بـه ایـن موضـوع مـی پـردازد کـه وضـع مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی چـه تاثیـری بـر تولیـد ملـی و نقدینگـی و رشـد اقتصـادی و تـورم مـی گـذارد و سـپس بـا ارائـه چندیـن پیشـنهاد، راهـکار وضـع ایـن نـوع مالیـات در کشـور را بررسـی می کنـد.

۲-آثار وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی

در ایـن بخـش بـه تحلیـل آثـار وضـع مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی، بـر سـایر متغیرهـای ایـن پژوهـش پرداختـه می‌شـود.

۲-۱- سپرده سرمایه‌گذاران

اعمـال مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی باعـث کاهـش سـود سـپرده گـذاران می‌شـود، زیـرا بـار مالیاتـی سـپرده گـذاران ناشـی از اعمـال یـک درصـد مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی معـادل ۰/۹۷ درصـد اسـت کـه نشـان دهنـده کاهـش سـود سـپرده گـذاران و زیـان رفاهـی ایجـاد

شـده بـرای آنـان است.(خداداد کاشـی، ۱۳۹۴: ۱)

در نتیجـه کاهـش سـود سـپرده گـذاران باعـث می‌شـود کـه ایـن افـراد بـه دنبـال بازارهـای دیگـری ماننـد بـازار بـورس اوراق بهـادار جهـت کسـب سـود بیشـتر برونـد کـه ایـن امـر موجـب خـروج وجـوه از بانـک و کاهـش منابـع سـپرده‌های بانکـی می‌شـود. البتـه عـدم وجـود بازارهـای مالـی بـا ثبـات و عمیـق دیگـر جهـت سـرمایه‌گذاری، کمبـود اطلاعـات افـراد راجـع بـه دیگـر بازارهـای مالـی و همچنیـن ریسـک گریـز بـودن اکثـر سـپرده گـذاران کـه بـه دنبـال بازدهـی ثابتـی هسـتند، باعـث می‌شـود کـه بعضـی از سـپرده گـذاران بـا توجـه بـه کاهـش سـود سـپرده‌های بانکـی خـود، همچنـان سـپرده‌های خـود را در بانک‌هـا نگـه دارنـد. زیـرا تضمیـن کافـی از بانـک در قبـال سـرمایه‌گذاری خـود دریافـت مـی کننـد کـه ایـن امـر ریسـک سـرمایه‌گذاری بـرای آنـان را بـه صفـر مـی رسـاند کـه در مقایسـه بـا ریسـک سـایر بازارهـای مالـی بسـیار ناچیـز اسـت.

امـا بعضـی از سـپرده گـذاران کـه بـا اعمـال مالیـات بـر سـود سپرده‌هایشـان دیگـر آن بازدهـی مطلـوب را به‌دسـت نمی‌آورنـد، سـرمایه‌های خـود را از بانک‌هـا خـارج می‌کننـد کـه ایـن امـر باعـث کاهـش منابـع بانک‌هـا شـده و در نتیجـه بـرای حفـظ منابـع خـود مجبـور بـه پیشـنهاد نرخ‌هـای سـود بالاتـر بـه سـرمایه‌گذاران خواهنـد بـود. امـا بـا توجـه بـه رونـد نزولـی تـورم در سـال‌های اخیـر و رابطـه مسـتقیمی کـه بـا نـرخ بهـره دارد، انتظـار مـی رود کـه بانـک مرکـزی از افزایـش نرخ‌هـای سـود بانکـی جلوگیـری کنـد و ایـن امـر باعـث انتقـال بخشـی از سـپرده‌های بانکـی بـه دیگـر بازارهـای مالـی می‌شـود.(مداح، ۱۳۹۶: ۴)

همچنیـن بـا اعمـال مالیـات بـر سـود سـپرده‌ها می‌تـوان علـی رغـم انتقـال بخشـی از ایـن وجـوه بـه سـایر بازارهـای مالـی، زمینـه را بـرای سـرمایه‌گذاری مسـتقیم سـپرده گـذاران در طرح‌هـای جدیـد تولیـدی و صنعتـی و همچنیـن افزایـش ظرفیـت ایـن بخش‌هـا مهیـا کـرد، کـه لازمـه ایـن امـر برنامـه ریـزی دقیـق و اجـرای سیاسـت‌های هدفمنـد و ایجـاد سـاز و کارهـای مناسـب توسـط دولـت اسـت.

۲-۲- حجم نقدینگی

با توجه به مبحث پیش، با اعمال مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، بخشی از این وجوه از بانک‌ها خارج می‌شود. که این امر موجب افزایش حجم نقدینگی در جامعه می‌شود و تا حدودی می‌تواند برای جامعه زیان بار نیز باشد.

بانک مرکزی می‌تواند در زمانی که حجم نقدینگی زیاد است، با افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی باعث حرکت حجم نقدینگی به سمت سرمایه‌گذاری در بانک‌ها شود، که این امر خود موجب افزایش تولید و رشد اقتصادی می‌شود. همچنین بانک مرکزی می‌تواند در مواقعی که با کاهش نقدینگی مواجه است، با اعمال مالیات بر سود سپرده‌ها و کاهش بازدهی سپرده‌ها، حجم نقدینگی را افزایش دهد و این وجوه را به سمت سایر بازارهای مالی سوق دهد.

نکته حائز اهمیت در اینجا، این است که فرض کنید بازدهی بازار مسکن بسیار بالاتر از بازدهی سپرده‌های بانکی باشد. در این حالت سپرده گذاران ترجیح می دهند که وجوه خود نزد بانک را به زمین و ساختمان تبدیل نمایند. در نتیجه فرد سپرده گذار زمین یا ساختمان را تملک نموده و در ازای آن وجوه خود را به صورت چک و یا پول نقد به فروشنده زمین یا ساختمان تحویل می‌دهد. بنابراین حجم منابع کل سیستم بانکی تغییری نمی‌کند و فقط پول از شخصی به شخصی دیگر انتقال یافته و پول همانند خون در بدن گردش کرده است. تنها زمانی حجم نقدینگی دچار تغییرات می‌شود که فروشنده به نوعی وجوه دریافتی را از کشور خارج کند و یا به صورت نقد، نزد خود نگه دارد و یا سیستم دچار نشتی شده باشد که این امر موجب افزایش حجم نقدینگی جامعه و کاهش منابع سپرده‌های بانکی می‌شود.(عرفانی،۱۳۹۵: ۱۲)

در نتیجه اگر با اعمال مالیات بر سود سپرده‌ها، حجم نقدینگی افزایش پیدا کند، دولت باید زمینه ای را فراهم آورد که به سرعت این حجم نقدینگی جذب سایر بازارهای مالی

شود تا باعث بر هم زدن ثبات اقتصادی نشود. از طرفی دولت باید با اعمال سیاست‌هایی، بنگاه‌های تولیدی و خدماتی بزرگ را به تامین مالی از سایر بازارهای مالی به جز بانک وادار نماید تا بنگاه‌های کوچک تولیدی و خدماتی بتوانند از طریق بانک‌ها منابع مورد نیاز خود را تامین کنند و به عرصه صنعت و چرخه تولید وارد شوند.(مداح، ۱۳۹۶: ۵)

۳-۳- رشد اقتصادی

مکینون و شاو[۱] اولین اقتصاد دانانی بودند که با نظریات موجود در خصوص رابطه معکوس بین نرخ بهره و سرمایه‌گذاری مخالفت نمودند. آن‌ها اعتقاد داشتند افزایش نرخ بهره منجر به افزایش پس انداز و افزایش منابع مالی بانکی شده و در نهایت سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. از طرفی دیگر با افزایش نرخ بهره بخشی از دارایی‌ها مانند طلا و ارز و دارایی‌های فیزیکی به سپرده‌های بانکی تبدیل می‌شوند. نظریه مکینون و شاو پس از انجام مطالعات در بسیاری از کشورها مورد تایید قرار گرفت و در برخی کشورها نیز رد شد.(مداح، ۱۳۹۶: ۷)

طبق نظریه مکینون و شاو در ایران، در اثر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی، حجم سپرده‌های بانکی افزایش می یابد اما سرمایه‌گذاری، تسهیلات بانکی و تولید ناخالص داخلی بدون نفت کاهش می یابد و این نظریه در مورد ایران رد می‌شود.(غفاری،۱۳۹۴: ۱) در نتیجه با افزایش سود بانکی، اگر چه میزان سپرده‌های بانکی افزایش می یابد اما باعث رشد اقتصادی نمی‌شود. در واقع مشخص است که تسهیلات بانکی به شرکت‌های تولیدی و خدماتی حقیقی که موجب افزایش ظرفیت تولید ملی و رشد اقتصادی می‌شوند، داده نمی‌شود و بعضی افراد سودجو با سند سازی، از بانک‌ها اعتبارات را دریافت می کنند. بنابراین افزایش نرخ سود بانکی، سرمایه‌گذاری را آن گونه که باید تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. پس در نتیجه با کاهش نرخ سود بانکی، اعمال مالیات بر سود این سپرده‌ها و

۱. Mackinnon and shaw

انتقـال بخشـی از سـپرده‌های بانکـی بـه سـایر بازارهـای مالـی، سـرمایه‌گذاری و رشـد اقتصـادی افزایـش مـی یابد.(مـداح، ۱۳۹۶: ۷)

۲-۴- تولید ملی

یکـی دیگـر از آثـار وضـع مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی، تاثیـر آن بـر تولیـد ملـی اسـت. بـا توجـه بـه مباحـث پیشـین اگـر سـپرده‌های مـازادی کـه بـا اعمـال مالیـات از بـازار بانکـی خـارج شـده انـد، طـی یـک سـاز وکار و برنامـه ریـزی دقیـق توسـط دولـت در دیگـر بازارهـا سـرمایه‌گذاری شـوند و سـایر زیان‌هـای آن بـر جامعـه بـر طـرف شـود، از یـک طـرف می‌تـوان ایـن منابـع را در بـازار بـورس اوراق بهـادار و سـایر بازارهـای مالـی، در اختیـار شـرکت‌های تولیـدی و خدماتـی کـه بـه صـورت سـهامی اداره می‌شـوند، قـرار داد و آن‌هـا را تامیـن مالـی کـرد تـا بـه رشـد تولیـد و رشـد اقتصـادی منجـر شـود و از طرفـی دیگـر بخشـی از ایـن منابـع را به‌طـور مسـتقیم ، افـراد سـرمایه‌گذار بـرای توسـعه و افزایـش ظرفیـت و ایجـاد طرح‌هـای جدیـد تولیـدی اختصـاص دهنـد. در نتیجـه کاهـش سـود سـپرده‌ها و اعمـال مالیـات بـر آن‌هـا در صـورت وجـود یـک سـاز و کار مناسـب در هدایـت ایـن منابـع بـه دیگـر بازارهـای مالـی، می‌توانـد تولیـد ملـی را افزایـش دهـد و در آخـر موجـب رشـد اقتصـادی کشـور شـود.

۲-۵- تورم

یکـی از متغیرهـای مهـم اقتصـاد نـرخ تـورم اسـت. به‌طـوری کـه رسـیدن بـه ثبـات اقتصـادی در گـرو رسـیدن بـه یـک نـرخ تـورم ثابـت اسـت. طبـق مطالعـات انجـام گرفتـه رابطـه بیـن نـرخ سـود تسـهیلات بانکـی و نـرخ تـورم در بلندمـدت یـک رابطـه مسـتقیم اسـت و بـا کاهـش نـرخ سـود تسـهیلات اعطایـی بانک‌هـا، نـرخ تـورم نیـز کاهـش مـی یابـد.در حالـی کـه در کوتاه‌مـدت ایـن رابطـه تـا حـدودی بـی معنـی بـوده و کاهـش نـرخ سـود تسـهیلات بانکـی تاثیـر بسـیار کمـی در کاهـش نـرخ تـورم در اقتصـاد ایـران دارد.(جفـره، ۱۳۹۱: ۱)

در نتیجه همانطور که گفته شد، رسیدن به یک نرخ تورم ثابت و پایین، نشان دهنده ثبات اقتصادی و در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار گرفتن یک کشور است. در نتیجه با اعمال مالیات بر سود سپرده‌ها، نرخ سود بانک‌ها کاهش می یابد و به دنبال آن در بلندمدت نرخ تورم نیز کاهش می یابد.

نکته قابل ذکر در اینجا این است که همانطور که در پیش گفته شد پس از وضع مالیات بر سود سپرده‌ها، بخشی از سرمایه‌گذاران وجوه خود را از بانک‌ها خارج می کنند و این امر موجب افزایش حجم نقدینگی در جامعه می‌شود که خود باعث ایجاد تورم است. پس باید این میزان نقدینگی به سرعت به سمت سایر بازارهای مالی سوق پیدا کند تا تورمی در جامعه ایجاد نشود. اگر فرآیندی مناسب برای انتقال این حجم نقدینگی از بانک‌ها به سمت سایر بازارهای مالی موجود باشد، می‌توان گفت که کاهش سود سپرده‌های بانکی در بلندمدت منجر به کاهش نرخ تورم می‌شود.

۶-۲- انگیزه سرمایه‌گذاران

منظور از سرمایه‌گذاران کسانی هستند که به دلیل اعمال مالیات بر سود سپرده‌ها و کاهش بازدهی وجوه خود، پول‌های خود را از بانک‌ها خارج کرده اند و به دنبال سرمایه‌گذاری در دیگر بازارهای مالی هستند.

یکی از آثار وضع این نوع مالیات، نبود انگیزه کافی در سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری در سایر بازارهای مالی مانند بورس اوراق بهادار است.(مداح، ۱۳۹۶: ۸)

همچنین از دیگر مشکلات سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران نداشتن اطلاعات کافی و آموزش مناسب در ارتباط با این بازارهاست. به عنوان مثال افراد ریسک گریز برای سرمایه‌گذاری به این بازارها وارد نمی‌شوند، زیرا خطر و ریسک از دست دادن سرمایه خود را دارند و همچنین سرمایه‌گذاری در بازاری همانند بورس، نیازمند داشتن تجربه

کافی و آموزش مناسب است که این امر فقط از دست افراد با تجربه و کاردان بازار بر می‌آید و دیگر افراد به دلیل نداشتن تجربه کافی و آموزش مناسب، ترس از این دارند که با ورود به این بازارها سرمایه خود را تلف کنند.

در نتیجه دولت باید انگیزه سرمایه‌گذاران را با بر طرف کردن موانعی هم چون برنامه‌ریزی برای آموزش افراد، کمک دیگر افراد با تجربه بازار جهت انتقال تجربه به سرمایه‌گذاران نوپا را تقویت سازد و همچنین با انجام تبلیغات در ارتباط با این بازارها و اتخاذ سیاست‌های هدفمند، سرمایه‌گذاری در این بازارها را افزایش دهد.

۳- بررسی تجربه سایر کشورها در وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی

در اکثر کشورها با دو هدف افزایش درآمد مالیاتی دولت و حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش واقعی اقتصاد، مالیات بر سود سپرده‌های بانکی وضع می‌شود. این مالیات بر اساس سه روش وصول می‌شود:

الف) مالیات تکلیفی: در این روش بخشی از سود بانکی به صورت تکلیفی و بلافاصله پس از واریز سود به حساب افراد، به عنوان مالیات از سود سپرده‌های بانکی کسر می‌شود.

ب) احتساب سود سپرده‌ها به عنوان درآمد مشمول مالیات: در این روش باید میزان سود دریافتی در انتهای سال همانند سایر درآمدها و هزینه‌ها اعلام شود و پس از کسر هزینه‌ها از درآمدها، مالیات قابل پرداخت تعیین شود.

ج) رویکرد ترکیبی: در این رویکرد، اصل بر احتساب سود به عنوان درآمد مالیاتی است، اما به دلایل مختلف از جمله تامین درآمد برای دولت در طول سال، مالیات تکلیفی با یک نرخ پایه از سود پرداختی کاسته می‌شود. اما نهایتا سود کسب شده به عنوان درآمد مالیاتی فرد در نظر گرفته می‌شود و مالیات تکلیفی پرداخت شده به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی لحاظ می‌شود. بدین ترتیب اگر مالیات پرداختی کمتر از آنچه محاسبه

می‌شود، تعیین شود، فرد ملزم به پرداخت ما به التفاوت آن است و اگر مالیات پرداختی بیش از میزان محاسبه شده باشد، دولت میزان مازاد را به فرد عودت می‌دهد.

برای رسیدن به یک الگو و روش مناسب و همچنین برنامه ریزی هدفمند، جهت اخذ مالیات از سود سپرده‌های بانکی در ایران، کشورهای مورد بررسی را به دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تقسیم می کنیم و نوع، میزان و اثرگذاری این سیاست را در کشورهای ذیل مورد بررسی قرار می دهیم تا به یک جمع بندی کلی راجع به کشور ایران دست پیدا کنیم.

در کشورهای توسعه یافته مانند آلمان، آمریکا، چین، روسیه، ژاپن و ... ، از اشخاص حقوقی غیرمقیم، بین ۱۵ تا ۳۰ درصد مالیات « تکلیفی » اخذ می‌شود که بیشترین نرخ مالیات‌دهی برای شرکت‌های غیرمقیم در آمریکا ۳۰ درصد است و از شرکت‌های مقیم مالیات بر درآمد گرفته می‌شود و فقط در ژاپن علاوه بر مالیات بر درآمد، مالیات بر سود سپرده با نرخ ۲۰ درصد اخذ می‌شود و همچنین نرخ مالیات بر سود سپرده در ژاپن برای شرکت‌های مقیم بیشتر از شرکت‌های غیرمقیم است. اما در مورد اشخاص حقیقی هر کشور متناسب با شرایط اقتصادی و مسیر توسعه خود، هر کدام یک روش برای وضع مالیات بر سود سپرده‌ها را استفاده کرده اند و در بعضی از آن‌ها چندین محدودیت اعم از مقدار سپرده، سن، مقیم و غیرمقیم بودن و ... لحاظ شده است.

درکشورهای توسعه نیافته مانند اتیوپی، کامرون، ازبکستان، عراق، لبنان و ... ، چه برای اشخاص حقوقی و چه برای اشخاص حقیقی بیشتر از مالیات تکلیفی آن هم با نرخ پایین استفاده شده و به عنوان مثال در کامرون مانند بعضی از کشورهای توسعه یافته، محدودیت میزان سپرده در قانون مالیاتی‌شان گنجانده شده و همچنین در لبنان به مانند ایران اصلا این نوع مالیات وضع نشده . پس می‌توان نتیجه گرفت که در کشورهای توسعه یافته بیشتر با توجه به نوع اقتصادشان و میزان اثر گذاری آن و ایجاد زیر ساخت‌های لازم

توجه شده و هر کدام بنا به وضعیت کشور خود سیاست مورد نیاز را اتخاذ کردند و کشورهای در حال توسعه نیز در حال نمونه برداری از این کشورها هستند و بزرگترین مشکل در راه کشورهای توسعه نیافته را می‌توان عدم توجه به ایجاد زیر ساخت‌های لازم و وضعیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی کشور خود دانست. در ادامه به وضعیت دریافت مالیات در برخی از کشورهای منتخب و تجربه آنان در وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی پرداخته می شود:

جدول وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در کشورهای منتخب

نام کشور	حداکثر نرخ مالیات بر درآمد		نرخ مالیات بر سود سپرده	
	شرکت‌ها	اشخاص حقیقی	شرکت‌ها	اشخاص حقیقی
اتیوپی	٪۲۵ تا ٪۳۵	٪۳۵	مالیات تکلیفی با نرخ ۵% از شرکت‌های مقیم و غیر مقیم اخذ می‌شود.	مالیات تکلیفی با نرخ نهایی ۵% اخذ می‌شود.
آلمان	٪۲۵	٪۴۷,۵	تمامی شرکت‌های مستقر در آلمان مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند. (مگراین که توافق بین‌المللی صورت گرفته باشد.) *از تمامی شرکت‌ها بصورت علی الحساب و با نرخ ۲۵% مالیات تکلیفی دریافت می‌شود.	درآمد حاصل از بهره تا سقف ۸۰۱ یورو(برای متاهلین دو برابر)، از مالیات معاف است و مازاد آن با نرخ ۲۵% مشمول مالیات می‌شود.

ژاپن	%۲۵,۵	٪۵۰,۸	شرکت‌های مقیم و غیر مقیم نسبت به کلیه درآمدهای خود از سراسر جهان مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند. *نرخ مالیات بر سود سپرده بانکی برای شرکت‌ها مقیم ۲۰% و برای شرکت‌های غیر مقیم ۱۵% است.	۱۵ % قطعی (شامل ۵% مالیات محلی) *مالیات بر سود سپرده‌های بانکی به صورت مجزا و جدای سایر هزینه‌ها اخذ می‌گردد.
ترکیه	٪۲۰	٪۳۵	شرکت‌ها بابت درآمدهای جهانی خود مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند و نرخ مالیات از حداقل ۱۰% تا حداکثر ۱۸% اعمال می‌شود.	نرخ مالیات برای سود سپرده‌ها تا ۶ ماه معادل ۱۵% ، از ۶ ماه تا یک سال معادل ۱۲% و از یک سال بیشتر معادل ۱۰ درصد می‌باشد.
آرژانتین	٪۳۵	٪۳۵	هر گونه سود به‌دست آمده توسط شرکت‌ها مشمول مالیات بر درآمد می‌گردد. *نرخ مالیات ۳۵ % برای شرکت‌های غیر مقیم اعمال می‌شود.	نرخ مالیات برای اشخاص حقیقی ۲۸% است. *بهره حاصل از سپرده‌های بانکی مشمول مالیات بر درآمد نمی‌شود.
اسلوونی	٪۱۷	٪۵۰	شرکت‌ها بابت تمامی درآمدهای خود مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند. که در خصوص درآمد بهره ای مالیات تکلیفی با نرخ ۱۵% وصول می‌گردد.	بهره حاصل از سپرده‌ها بانکی تا سقف ۱۰۰۰ یورو معاف و مازاد بر آن مشمول مالیات بر درآمد با نرخ ۲۵ درصد می‌باشد.

هند	٪۳۰	٪۳٤,٦	شرکت‌ها بابت تمامی درآمدهای خود مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند.	سود سپرده مدت دار در هر بانک تا سقف ۱۰ هزار روپیه معاف از مالیات است و مازاد بر آن مشمول مالیات بر درآمد تصاعدی با حداکثر نرخ ۳۰٪ می‌باشد که به صورت تکلیفی با نرخ ۱۰٪ وصول می‌شود.
کره جنوبی	٪۲۲	٪۳۸	درآمد حاصل از بهره مشمول مالیات بر درآمد محلی با نرخ ۱۰٪ می‌شود که باید از قبل پرداخت شود. نرخ مالیات تکلیفی ۱۴٪ نیز اعمال می‌شود.	درآمد حاصل از بهره مشمول مالیات بر درآمد تصاعدی با نرخ‌های ۶٪ تا ۳۸٪ می‌شود. *برای افراد غیر مقیم نرخ مالیات تکلیفی معادل ۲۲٪ وضع می‌شود.
کامرون	٪۳۳	٪۳۵	سود پس انداز تا سقف ۱۰ ملیون فرانک معاف از مالیات است و مازاد بر آن مشمول مالیات تکلیفی با نرخ ۱۶,۵٪ می‌شود.	سود حساب‌های پس انداز تا سقف ۱۰ ملیون فرانک، سود حساب‌های وام مسکن و سود حساب‌های پس انداز برای خرید مسکن معاف از مالیات می باشند و سایر درآمدهای بهره ای مشمول مالیات تکلیفی با نرخ ۱۶,۵٪ می‌شود.
عراق	٪۱۵ تا ٪۳۵	٪۱۵	درآمد بهره ای، مشمول مالیات بر درآمد عادی است. برای شرکت‌های غیرمقیم، مالیات تکلیفی بر دریافت‌های بهره ای با نرخ ۱۵٪ وضع می‌شود.	همه افراد بابت درآمد تحصیل شده داخلی و خارجی از تمامی منابع مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند.

لبنان	٪۱۵	٪۲۰	درآمد بهره ای دریافتی از بانک‌ها و موسسات مالی جزء درآمد تجاری در نظر گرفته می‌شود و مشمول مالیات بر درآمد با نرخ ۱۵% می‌شود.	درآمد حاصل از بهره با سایر درآمدها جمع و مشمول مالیات بر درآمد می‌شود.
نروژ	٪۲۷	٪۲۷	شرکت‌ها بابت تمامی درآمدهای خود مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند.	مالیات بر درآمد با نرخ معمول ۲۷% بر درآمدهای بهره ای وضع می‌شود.

ازبکستان	٪۷,۵	٪۲۳	مالیات با نرخ ۱۰% از شرکت‌های داخلی اخذ می‌شود.	بهره دریافتی توسط اشخاص از سود سپرده‌ها و گواهی سپرده‌های بانکی معاف از مالیات است.
چین	٪۲۵	٪٤۵	بهره، سهام، پاداش و سایر درآمدها مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند. بر درآمدهای غیر فعال شرکت‌های غیر مقیم مالیات تکلیفی با نرخ ۱۰٪ اعمال می‌شود.	درآمد بهره به‌طور کلی مشمول مالیات بر درآمد با نرخ ۲۰٪ است. برای افراد غیر مقیم مالیات تکلیفی با نرخ ۱۰٪ وضع می‌شود.
آمریکا	٪۱۵ تا ٪۳۹	٪۳۹,٦	شرکت‌های آمریکایی برای کلیه درآمدهای خود مشمول مالیات فدرال می‌شوند و برای شرکت‌های غیر مقیم و غیر آمریکایی مالیات تکلیفی با نرخ ۳۰٪ اعمال می‌شود.	درآمد حاصل از بهره مشمول مالیات بر درآمد با نرخ‌های عادی است. البته بهره دریافتی بابت برخی از تعهدات دولت محلی و ایالتی معاف از مالیات فدرال هستند اما مشمول مالیات حداقل می‌شوند.
بلغارستان	٪۱۰	نرخ ثابت ٪۱۰	شرکت‌های بلغاری برای تمامی درآمدهای خود مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند.	درآمد بهره ای اشخاص از سپرده‌های بانکی، مشمول مالیات بر درآمد با نرخ ۸٪ می‌شود.

بلاروس	٪۱۸	نرخ ثابت ۱۳ ٪	شرکت‌ها در بلاروس برای تمامی درآمدهای خود مشمول مالیات بر درآمد می‌شوند.	درآمد بهره ای حاصل از سپرده گذاری معاف از مالیات است.
روسیه	٪۲۰	نرخ ثابت ٪۱۳	برای شرکت‌های مقیم روسی مالیات بر درآمد وضع می‌شود. برای شرکت‌های غیر مقیم مالیات تکلیفی با نرخ نهایی ۱۵٪ تا ۲۰٪ وضع می‌شود	درآمد بهره ای حاصل از سپرده‌های بانکی که نرخ بهره آن‌ها حداکثر ۵ واحد درصد بیشتر از نرخ تامین مالی مجدد بانک مرکزی باشد، مشمول مالیات بر درآمد با نرخ ثابت ۳۵٪ است و در غیر اینصورت معاف از مالیات می‌باشد.
باربادوس	٪۲۵	٪۳۵	مالیات تکلیفی با نرخ ۱۲,۵٪	درآمد بهره ای مشمول مالیات تکلیفی با نرخ ۱۲,۵٪ می‌باشد، که افراد بالای ۶۰ سال از آن معاف می باشند و برای اشخاص غیر مقیم ۱۵٪ است.
استونی	٪۲۰	٪۲۰	دریافت‌های بهره ای معاف از مالیات تکلیفی و مالیات بر درآمد است.	بهره دریافت شده بابت سپرده‌های افراد مقیم در استونی و منطقه اقتصادی اروپا، معاف از مالیات بر درآمد و مالیات تکلیفی است. اما سایر درآمده‌های بهره ای مشمول مالیات تکلیفی با نرخ ۲۰% است.

با ملاحظه جدول فوق به‌طور کلی نکات زیر را می‌توان نتیجه گرفت:

۱. در اغلب کشورها، سود سپرده بانکی به روش‌های مختلف مشمول مالیات می‌شود. در کشورهایی همانند استونی، درآمد حاصل از سود سپرده شرکت‌ها معاف از مالیات است و در کشورهایی همانند ازبکستان، بلاروس و ... سود سپرده اشخاص معاف از مالیات است.(چهاربند،

۱۳۹۶: ۱۲)

۲. رایج ترین روش مالیات ستانی در خصوص اشخاص حقیقی، مالیات تکلیفی و در خصوص اشخاص حقوقی، مالیات بر درآمد است.

۳. حداقل نرخ مالیات تکلیفی سود سپرده اشخاص حقیقی، ۵ ٪ (اتیوپی) و حداکثر نرخ ۳۰٪ (فنلاند) بوده است. حداقل نرخ مالیات بر سود سپرده شرکت‌ها نیز معادل ۱۰ ٪ (بلغارستان و مغولستان) و حداکثر آن نیز معادل ۳۵ ٪ (آرژانتین) بوده است.

۴. در برخی از کشورها مالیات بر سود به صورت مالیات تکلیفی، به جای یک نرخ به صورت چند نرخی برقرار است. به عنوان مثال نرخ مالیات بر سود سپرده اشخاص حقیقی در ترکیه بین ۱۰ تا ۱۵ درصد(بر اساس مدت سرمایه‌گذاری) است.

۵. در برخی از کشورها سود حساب‌های خاص برای اشخاص حقیقی مانند حساب‌هایی که برای دریافت وام یا کمک به خرید مسکن افتتاح می‌شوند، معاف از مالیات می باشند(کامرون) معافیت از مالیات بر سود سپرده بانکی در برخی دیگر از کشورها با توجه به ویژگی‌هایی مانند وضعیت تاهل(آلمان)، سن(باربادوس) و یا میزان درآمد(اسلوونی) اعمال می‌شود.(همان، ۱۳۹۶: ۱۲)

۶. رفتار اغلب کشورها با افراد مقیم و غیرمقیم در خصوص مالیات بر سود سپرده متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال در کشورهایی مانند آرژانتین و آمریکا، شرکت‌های مقیم مشمول مالیات بر درآمد و شرکت‌های غیر مقیم مشمول مالیات تکلیفی می‌شوند.

۷. در خصوص اعمال روش مالیات بر درآمد، در اکثر کشورها نرخ مالیات بر سود سپرده برابر و یا کمتر از نرخ استاندارد مالیات بر درآمد است و تنها در کشور روسیه در حالتی خاص، نرخ مالیات بر سود سپرده اشخاص حقیقی بالاتر از نرخ استاندارد مالیات بر درآمد است(۳۵٪ در مقابل ۱۳٪).(همان، ۱۳۹۶: ۱۲)

۴- راهکارهای پیشنهادی برای اخذ مالیات از سود سپرده‌های بانکی در ایران

اولین راهکار پیشنهادی می‌تواند اینگونه باشد که همانند سایر کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه، برای اقشار ضعیف، متاهلین، معلولین و جانبازان، افراد بی سرپرست، بازنشستگان، بنگاه‌های مولد و هموار کننده مسیر توسعه، سپرده گذران خرد و ... ایجاد معافیت مالیاتی نماییم و به جای آن از سپرده‌های کلان اشخاص حقیقی و حقوقی ،بنگاه‌ها و افرادی که به فعالیت‌های نامولد مشغول هستند، سپرده‌هایی که دچار عدم شفافیت هستند شروع به اخذ مالیات تکلیفی نماییم.

دومین راهکار، طبق بررسی تجربه سایر کشورها، می‌تواند به این گونه باشد که برای وضع این نوع مالیات چندین فیلتر و محدودیت به لحاظ سن سپرده گذاران، تعیین سقف مبلغ سپرده، مدت سپرده گذاری و ... باشد. به عنوان مثال از سپرده گذاران بالای ۶۰ یا ۶۵ سال مالیات دریافت نشود و یا مانند کشور ترکیه، برای سپرده‌ها تا مدت یکسال ۱۵٪ و پایین یکسال ۱۰٪ و برای بالای یکسال ۲۰٪ مالیات گرفته شود.

سومین راهکار به این نکته اشاره می‌کند که بهتر است ابتدا نرخ این نوع مالیات ۳٪ یا ۵٪ باشد. زیرا با اخذ این نوع مالیات به هر حال بخشی از منابع از بانک‌ها خارج می‌شود و این موضوع عکس العمل بانک‌ها را در بر دارد و به دلیل قدرت بالای بانک‌ها ممکن است در اجرای این طرح خلل ایجاد نمایند. پس توصیه می‌شود که نرخ مالیات در ابتدا با حداقل شروع شود تا دچار بی تعادلی و بی ثباتی سایر بازارها نشود.

نکته بسیار مهمی که در اجرای هر دو راهکار و اجرای درست و هدفمند این سیاست مالیاتی باید به آن توجه شود، وجود شفافیت و طبق ظابطه عمل کردن بانک‌ها و سپرده گذاران است و باید قوانین و مقررات برای اجرای این سیاست به‌طور دقیق و با هدف مشخص برنامه ریزی شود، تا کشور به رشد و شکوفایی اقتصادی برسد.

همچنین به دلیل کم عمق بودن و محدودیت‌های بازار سرمایه در ایران توصیه می‌شود

کـه همزمـان بـا برنامـه ریـزی بـرای اجـرای سیاسـت مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی، زیرسـاخت‌ها و بسـترها لازم جهـت بهبـود و توانمندسـازی بـازار سـرمایه فراهـم شـود.

نتیجه‌گیری

وضـع مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی باعـث بهبـود متغیرهـای کلان اقتصـادی می‌شـود کـه ایـن امـر خـود باعـث بهتـر شـدن وضعیـت کلـی اقتصـاد کشـور می‌شـود. در نتیجـه وضـع ایـن نـوع مالیـات خـود گامـی رو بـه جلـو بـرای طـی کـردن مسـیر توسـعه کشـور اسـت.

بـا بررسـی تجربـه سـایر کشـورها دریافتیـم کـه بسـیاری از کشـورهایی کـه بـه توسـعه رسـیده انـد و یـا کشـورهایی کـه در حـال توسـعه هسـتند، از ایـن سیاسـت در کشـور خـود اسـتفاده مـی کننـد، پـس در ایـران هـم همزمـان بـا برنامـه ریـزی بـرای اجـرای ایـن سیاسـت بایـد بسـترها و فضـای توانمنـد بـرای بـازار سـرمایه‌گذاری شـکل بگیـرد، تـا منابـع خـارج شـده از بانک‌هـا بـه درسـتی هدایـت شـود و جلـوی بـی ثباتی‌هـا گرفتـه شـود.

طبـق بررسـی تجربـه سـایر کشـورها، جهـت اخـذ مالیـات از اشـخاص حقیقـی از مالیـات تکلیفـی و جهـت اخـذ مالیـات از اشـخاص حقوقـی مالیـات بـر درآمـد وضـع می‌شـود. در ایـران بهتـر اسـت بـرای شـروع ایـن فرآینـد نـرخ مالیـات بـه صـورت تکلیفـی و بـا حداقـل نـرخ مثـلا ۳٪ تعییـن شـود.

در بررسـی کشـورهای توسـعه یافتـه و توسـعه نیافتـه ایـن نتیجـه حاصـل شـد کـه عمـده تفـاوت کشـورهای توسـعه یافتـه در جهـت وضـع بهینـه مالیـات بـر سـود سـپرده‌های بانکـی، عـدم توجـه بـه وضعیـت کشـور، نداشـتن سـایر مولفه‌هـا و همچنیـن عـدم ایجـاد زیرسـاخت‌های لازم جهـت اجـرای ایـن سیاسـت و همچنیـن توانمنـد سـاختن بـازار سـرمایه و دیگـر بازارهـا وجـود نـدارد.

به‌طـور کلـی امیـد اسـت کـه بـا اجـرای هدفمنـد و درسـت ایـن نـوع مالیـات، چرخـه تولیـد و رونـق کشـور بـه حرکـت در بیایـد و کشـور در مسـیر توسـعه و رشـد گام بـردارد.

منابع و مآخذ

۱. مداح مجید، رشیدی رضا و سعدالدین ساناز، تاثیر مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، مجله علمی تخصصی مدیریت و حسابداری، اردیبهشت ۱۳۹۶، شماره ۳۳- جلد ۱

۲. خدادادکاشی فرهاد و سیاوش جانی، بررسی امکان برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران با تاکید بر کارایی تخصیصی، پژوهشنامه مالیات، تابستان ۱۳۹۴، دوره ۲۳، شماره ۲۶

۳. جفره منوچهر، خدابخش داشگر زاده و عقبائی محمد، بررسی روند کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی و نقش آن بر شاخص تورم در ایران طی سال‌های ۸۶-۱۳۷۵ و ارائه الگوی مناسب برای مدیریت و کنترل آن، فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱۴

۴. غفاری‌هادی، مسعود سعادت مهر، سوری علی و محمدرضا رنجبر فلاح، بررسی تاثیر افزایش نرخ سود تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی ایران در قالب یک الگوی تعادل عمومی پویای تصادفی نیوکینزی، فصلنامه اقتصاد مقداری(بررسی‌های اقتصادی سابق)، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱، دوره ۱۰

۵. حسنی محسن،سید یحیی موسوی، جعفری پور مصطفی، اشکان هراتی و ناخدا محمد جواد، امکان سنجی برقراری مالیات بر سود سپرده‌های بانکی در ایران، سازمان امور مالیاتی کشور(گروه مطالعات و تحقیقات علمی)، ۱۳۹۵

۶. عرفانی علیرضا، حمیدرضا کردلوئی و شمسیان اسماعیل، تحلیل اقتصادی امکان اعمال مالیات بر سپرده‌های بانکی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری، ۱۳۹۵، شماره ۱۹، سال پنجم

۷. چهاربند فرزانه، الهام غلامی وکلانتری محسن، امکان سنجی وضع مالیات بر سود سپرده‌های بانکی، دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی، معاونت امور اقتصادی، آبان ۱۳۹۶

8-Mackinoon R. I. (1973). Money and Capital in Economic development,

بررسی چگونگی تاثیر فرارمالیاتی بر رشد اقتصادی در ایران

فهیمه سادات حسینی[۱]

چکیده

درآمد مالیاتی نقش بسزایی در تامین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند تا دولت در راستای شکوفایی رشد و رونق اقتصادی ، سرمایه‌گذاری کند. دولت‌ها با استفاده از مالیات ، توانایی تامین بخش قابل توجهی از هزینه‌های مختلف خود را به‌دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی قادر خواهند بود که منبع در اختیار را بر اساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند . فرار مالیاتی باعث تامین نشدن درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌های اجتماعی می‌شود . در نتیجه خدمات اجتماعی در حد مطلوب و با کیفیت از سوی دولت ارائه نمی‌شود . همچنین فرار مالیاتی سبب می‌شود درآمدها در سطح جامعه به نحو مناسب توزیع نشده و انباشت ثروت در دست گروه‌های خاص ، نه فقط زمینه تقویت قدرت سیاسی این گروه‌ها را فراهم می‌آورد بلکه شکاف طبقاتی موجب افزایش تنش‌های سیاسی اجتماعی در جامعه می‌شود . از عوامل موثر بر فرار مالیاتی می‌توان به عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه ، عدم مبادله کامل اطلاعات ، نبود نظارت و پیگیری جهت اخذ مالیات و وجود قوانین پیچیده و متعدد اشاره کرد. در این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحقیقات مرتبط، به بررسی تاثیر فرارمالیاتی بر رشد اقتصادی پرداخته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد با توجه به ناکارآمدی نظام مالیاتی و اثر مالیات بربازده سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی، نحوه تصمیم‌گیری بر رشد اقتصادی تاثیر میگذارد.

واژگان کلیدی: فرارمالیاتی، رشد اقتصادی، دولت، هزینه‌های اجتماعی

---

۱. دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

fahime879@gmail.com

مقدمه

درآمد مالیاتی نقش به‌سزایی در تامین هزینه‌های دولت دارد و این امکان را فراهم می‌کند تا دولت در راستای شکوفایی رشد و رونق اقتصادی ، سرمایه‌گذاری کند. اما تحقق این هدف با وجود فرار مالیاتی باعث اختلال می‌شود فرار مالیاتی را می‌توان یکی از مظاهر فساد اقتصادی شمرد .(نورانی ،۱۳۸۸:۳)

دولت‌ها با استفاده از مالیات ، توانایی تامین بخش قابل توجهی از هزینه‌های مختلف خود را به‌دست آورده و متناسب با حجم مالیات ستانی قادر خواهند بود که منبع در اختیار را بر اساس اولویت‌های مورد نظر تخصیص دهند .(فرامرزی و همکاران ،۱۳۹۴:۱۰۴) به صورت کلی می‌توان درآمدهای دولت را به دو گروه عمده درآمدهای مالیاتی و غیر مالیاتی تقسیم کرد . در بودجه کشورهای صادر کننده نفت ، درآمدهای حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های آن به عنوان بزرگترین منبع درآمد غیر مالیاتی به شمار می‌آید . در مقابل درآمدهای مالیاتی قابل قبول ترین و مناسب ترین نوع آن از نظر اقتصادی است .
(شفیعی ، صبوری دیلمی ،۱۳۸۸)

فرار مالیاتی آثار سوء بسیاری بر اقتصاد دارد . فرار مالیاتی باعث تامین نشدن درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌های اجتماعی می‌شود . در نتیجه خدمات اجتماعی در حد مطلوب و با کیفیت از سوی دولت ارائه نمی‌شود . همچنین فرار مالیاتی سبب می‌شود درآمدها در سطح جامعه به نحو مناسب توزیع نشده و انباشت ثروت در دست گروه‌های خاص ، نه فقط زمینه تقویت قدرت سیاسی این گروه‌ها را فراهم می‌آورد بلکه شکاف طبقاتی موجب افزایش تنش‌های سیاسی اجتماعی در جامعه می‌شود . (نورانی،۱۳۸۸:۳) مالیات‌ها به علت اثری که بر بازده سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی دارند می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و در نهایت بر رشد اقتصادی تاثیر بگذارد .
(فرامرزی و همکاران ،۱۳۸۸:۱۰۴)

هرگونه تلاش غیرقانونی به منظور نپرداختن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم درمورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول فرار مالیاتی خوانده می‌شود. رشد و توسعه اقتصادی برای هر کشوری حیاتی و مهم است، بنابراین واکاوی در مورد هر چیزی که بر روند رشد و توسعه اثر سوء بگذارد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از مشکلات رشد اقتصادی سهم بالای درآمدهای نفتی و کم توجهی دولت به سایر منابع کشور است. یکی از این راه‌ها برای تامین بودجه کشور مالیات است که با مانعی همچون فرار مالیاتی مواجه است و باعث فساد در سطح کلان اقتصادی می‌شود . از عوامل موثر بر فرار مالیاتی می‌توان به عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه ، عدم مبادله کامل اطلاعات ، نبود نظارت و پیگیری جهت اخذ مالیات و وجود قوانین پیچیده و متعدد اشاره کرد.

جهت بررسی رابطه فرارمالیاتی و رشد اقتصادی در این تحقیق به روش توصیفی- تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای ضمن اشاره به فرارمالیاتی و تفاوت آن با اجتناب مالیاتی، زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی و روش‌های اندازه‌گیری آن را بررسی نموده و در ادامه چگونگی تاثیر فرارمالیاتی بر رشد اقتصادی را نشان می‌دهد ناکارآمدی نظام مالیاتی و اثر مالیات بربازده سرمایه‌گذاری فیزیکی و انسانی، بر نحوه تصمیم گیری بر رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد.

۱- پیشینه تحقیق

نورانی (۱۳۸۸) در کتاب (فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران) ، به روش علی و معلولی و با استفاده از روش‌های معمول اقتصاد سنجی ، تاثیر فرار مالیاتی بر رشد اقتصادی را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که فرار مالیاتی آثار منفی بر اقتصاد کشور دارد و باعث می‌شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌های اجتماعی تامین نشود و در نتیجه خدمات اجتماعی که دولت می باید آن‌ها را فراهم سازد ،درحد

مـورد نیـاز و بـا کیفیـت ارائـه نشـود. همچنیـن فـرار مالیاتـی باعـث می‌شـود درآمدهـا در سـطح جامعـه بـه نحـو مناسـب توزیـع نشـود.

غفـاری و کاکـی و بیگـی و معتمدیـان (۱۳۹۴) در مقالـه (اثـر درآمـد مالیـات بـر رشـد اقتصـادی) بـا اسـتفاده از روش اقتصـاد سـنجی تاثیـر فـرار مالیاتـی بـر رشـد اقتصـادی را مـورد بررسـی قـرار می‌دهنـد . نتایـج حاصـل از ایـن مقالـه نشـان می‌دهـد کـه اثـر درآمدهـای مالیاتـی بـر رشـد اقتصـادی منفـی می‌باشـد و اثـر سـرمایه‌گذاری خارجـی و نـرخ بـا سـوادی بـر روی رشـد اقتصـادی مثبـت می‌باشـد و اثـر تـورم بـر رشـد اقتصـادی منفـی می‌باشـد .

فرامـرزی و همـکاران (۱۳۹۴) در مقالـه (بررسـی رابطـه مالیـات و رشـد اقتصـادی) ، مطالعـه مـوردی ایـران و کشـورهای عضـو اوپـک و سـازمان همکاری‌هـای اقتصـادی بـا اسـتفاده از روش اقتصـاد سـنجی رابطـه مالیـات و رشـد اقتصـادی ایـران را بررسـی می‌کنـد. نتایـج ایـن مقالـه نشـان می‌دهـد در ایـران هیـچ رابطـه تعادلـی بلندمـدت بیـن رشـد اقتصـادی وجـود نداشـته اسـت.

جعفـری صمیمـی و حسـن زاده جزدانـی (بـی تـا) در مقالـه (اثـر مالیـات بـر رشـد اقتصـادی)بـه روش اقتصـاد سـنجی اثـرات مالیـات بـر رشـد اقتصـادی را بررسـی می‌کنـد . نتایـج حاصـل از ایـن تحقیـق نشـان می‌دهـد کـه مطالعـات نظـری در قالـب مدل‌هـای رشـد درونـزا یافتـه ای بسـیار مختلفـی دارد و مبهـم اسـت (برخـی از آن‌هـا تاثیـر مالیـات بـر رشـد اقتصـادی را بسـیار کوچـک برخـی بسـیار زیـاد مـی داننـد).

ابونـوری و زیـوری مسـعود (بـی تـا)در مقالـه (تاثیـر درآمدهـای مالیاتـی بـر رشـد اقتصـادی و توزیـع درآمـد (ایـران و کشـورهای منتخـب (OECD) بـا اسـتفاده از روش اقتصـاد سـنجی تاثیـر فـرار مالیاتـی بـر رشـد اقتصـادی را مـورد بررسـی قـرار می‌دهـد . نتایـج بیانگـر ایـن اسـت کـه افزایـش درآمدهـای مالیاتـی رابطـه مسـتقیم و مثبـت بـا رشـد اقتصـادی دارد

و بـا افزایـش درآمدهـای مالیاتـی ضریـب جینـی افزایـش مـی یابـد و در نتیجـه نابرابـری درآمـد بیشـتر می‌شـود .

صمدی و مرزبان و ساجدیان فرد (بی تا) در مقاله (فرار مالیاتی ونرخ موثر مالیات و رشد اقتصادی ایران) ، به روش اقتصاد سنجی اثر نرخ مالیات را بر رشد اقتصادی و فرار مالیاتی مورد بررسی قرار می‌دهد .نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سهم دولت در اقتصاد ، علی رغم افزایش نرخ رشد اقتصادی ، نرخ فرار مالیاتی نیز افزایش پیدا می کند .

۲- مفهوم فرار مالیاتی

هرگونه تلاش غیرقانونی به منظور نپرداختن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول ، فرار مالیاتی خوانده می‌شود . تعریف فرار مالیاتی برای انواع مالیات‌ها یکسان است . هدف اصلی در بی تمایلی به پرداخت مالیات فعالیتی غیر قانونی است .(ضیایی بیگدلی و طهماسبی بلداجی ،۱۱۹:۱۳۸۳). فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات دو پدیده ای هستند که احتمالا قدمت آن‌ها به خود پدیده مالیات ستانی برمی‌گردد . هر زمان و مکانی که حاکمان تصمیم به وضع مالیات گرفته‌اند ، افراد و بنگاه‌ها نیز به دنبال فرار و یا اجتناب از پرداخت آن بوده اند . این پدیده در عصر حاضر که به عصر دیجیتال نیز معروف است رو به گسترش بوده و فرصت‌های این واحدها بیشتر شده و در عین حال امکان شناسایی آن‌ها نیز مشکل تر گردیده است . (صمدی و تابنده ،۱۳۹۲: ۷۸).

تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات به قانونی یا غیر قانونی بودن رفتار مودیان مرتبط می‌شود . فرار مالیاتی نوعی تخلف از قانون است. وقتی یک مودی مالیاتی از ارائه گزارش درست درباره درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شوند، امتناع کند، وی یک نوع عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور در امان نگه میدارد. اجتناب مالیاتی از خلاهای

قانونی در قانون مالیات‌ها نشات می‌گیرد و فرد نگران این نیست که عمل او افشا شود . در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات خود به دنبال راه‌های گریز می‌گردد. مثلا درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان میدهد که از نرخ پایین‌تری برای مالیات برخوردارند . در اجتناب از مالیات، مودی مالیاتی نگران احتمال افشا شدن نیست، چرا که او تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن یادداشت و ثبت میکند. (sandmo ,۲۰۰۴ : ۳۱)

۳- زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی

بررسی‌های مختلف نشان می‌دهد ، زمینه‌های پیدایش فرار مالیاتی در مواردی از قبیل عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه ، عدم مبادله کامل اطلاعات و نبود نظارت و پیگیری در اخذ مالیات ، تشخیص علی الراس و وجود ضعف در اجرای آن ، بی استقبالی از تسلیم اظهار نامه‌های مالیاتی و ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی در این مورد ، تاخیر در وصول مالیات ، نشناختن مودیان و مستند نبودن میزان درآمد آن‌ها ، وجود قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی ، وجود معافیت‌های وسیع و متنوع و ... خلاصه می‌شود (نورانی ،۱۳۸۸:۱۵). بروکس (Brooks : ۲۰۰۱,۳۳۱) در مطالعات خود به برخی از عوامل موثر بر فرار مالیاتی اشاره می‌کند ، که می‌توان به افزایش بار مالیاتی و پیچیده شدن قوانین و مقررات (با اثر مستقیم) ،افزایش پرداخت‌های انتقالی متکی بر آزمون استطاعت (با اثر مستقیم) ،رکود در درآمد واقعی و افزایش بیکاری (با اثر مستقیم) ، افزایش پدیده خود اشتغالی (با اثر مستقیم) ،انتقال به بخش خدمات (با اثر مستقیم)، تغییرات جمعیتی (جوامع پیرتر گرایش بیشتری به فرار مالیاتی دارند)، فشار جهانی شدن (با اثر مستقیم) و کاهش در فرهنگ مالیاتی (با اثر مستقیم) اشاره کرد .

۳-۱- پایین بودن فرهنگ مالیاتی

یکی از عوامل موثر در کاهش حجم اصلی مالیات ،فرهنگ مالیاتی است . فرهنگ مالیاتی مجموعه ای از طرز تلقی ، بینش و عکس العمل افراد در قبال نظام مالیاتی است . به عبارت دیگر طرز تلقی ، بینش ، برداشت ، آرمان‌ها ، ارزش‌های اجتماعی ، قوانین جاری و میزان تحصیلات و آگاهی ، از جمله عواملی هستند که فرهنگ مالیاتی را شکل می دهند . شایان ذکر است یکی از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری فرهنگ مالیاتی ضعیف ، رانتی بودن اقتصاد کشور است .

در مجموع ،پایین بودن سطح فرهنگ مالیاتی به‌ویژه هنگامی که با انگیزه سودجویی و سودا گری برخی افراد جامعه همراه شود ، می‌تواند نقش موثری در کاهش میزان مالیات وصولی و افزایش فرار مالیاتی داشته باشد . بنابراین یکی از ضرورت‌های نظام مالیاتی مناسب اشاعه و رشد فرهنگ مالیاتی یا مردمی کردن مالیات‌هاست که بدون آن ، نظام مالیاتی از کارآیی موثر برخوردار نخواهد بود .(نورانی ،۱۳۸۸:۱۶)

۳-۲- معافیت‌های وسیع و متنوع

بیشتر راه‌های فرار مالیاتی را دولت در سیاست‌های حمایتی مالیاتی و معافیت‌های مالیاتی باز می کنند و در صورتی که نظام اطلاعات کارآمد نیز در نظام مالیاتی موجود نباشد ، فرار مالیاتی گسترش می یابد . با اعطای معافیت‌های مالیاتی گروهی از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و این امر به کاهش درآمدهای مالیاتی دولت منجر می‌شود . بنابراین، اگر اعطای معافیت با دقت لازم صورت نگیرد ، دولت برای کسب درآمد مالیاتی مورد نظر، فشار سنگینی را بر گروه‌های دیگر جامعه وارد میکند . یعنی برای جبران کاهش درآمد مالیاتی، میزان نرخ‌های مالیاتی بیشتری ،بر گروه‌هایی که از معافیت‌های مالیاتی بهره مند نیستند ،تحمیل خواهد شد. (بورد ۱۳۸۱:۵) بی تردید اعطای معافیت‌های مالیاتی

گسترده ،بدون دلایل توجیهی به نا کارآیی نظام مالیاتی و ضعف نظام اجرایی مالیاتی منجر می‌شود .

۳-۳- عدم ارسال اظهارنامه

ارسال نکردن اظهار نامه دلایل گوناگونی دارد . هر گاه ثبت دفاتر مودی به روز نباشد ، بهترین امکان برای ارسال نکردن اظهار نامه و پس از آن فرار از پرداخت مالیات فراهم شده است و این از رایج ترین دلایل عدم ارسال اظهار نامه است . دلیل دیگر عدم ارسال اظهارنامه ،برخورد نکردن قاطع ماموران مالیاتی است که آن هم می‌تواند به دلیل آشنا نبودن و تسلط کافی نداشتن ماموران مالیاتی به قوانین مالیاتی و نداشتن مهارت کافی در اجرای آن‌ها باشد . اما گاهی ممکن است ماموران مالیاتی هم به قانون اشراف داشته و هم در اجرای آن ماهر باشد ، اما برخورد قاطعی از خود نشان ندهد .

مدیران سعی می کنند با کمک قانون گذار این نقایص را برطرف و با این نارسایی‌ها مقابله کنند. آن‌ها سعی می کنند از طریق به روز نمودن ثبت و توزیع برچسب‌های شناسایی از قبل چاپ شده به مودیان مالیاتی ، مشکلات بروز نمودن ثبت نام و ناصحیح بودن شماره شناسایی را به حداقل برساند . از آن جا که عدم تسلیم اظهار نامه ، نوعی تخلف مالیاتی به حساب می‌آید ، جریمه این نوع تخلف برای مودیان خاطی در ایران پنج درصد است که در صورت قبول برگ تشخیص به یک در صد تقلیل می یابد . این در حالی است که جریمه این نوع تخلف در کشورهای دیگر دست کم سه برابر ایران است . برای حل این معضل ، برخورد قاطع و قانونی ماموران ، نحوه برخورد سازمان مالیاتی (در هر کشور) و نوع مبارزه و واکنش این سازمان از اهمیت ویژه ای برخوردار است . (نورانی ،۱۳۸۸:۱۷)

۴-۳- نظام اطلاعاتی ضعیف

از دو دیدگاه، ضعیف بودن نظام اطلاعاتی را می‌توان بررسی کرد . اولاین که اکثر مردم اطلاعات کافی از قوانین و مقررات مالیاتی ندارند . بنابراین یکی از وظایف مدیریت مالیاتی، آگاهی رساندن به مودیان برای سهولت بیشتر کار است . آگاه بودن مردم به قوانین مالیاتی، از مشکلات آن‌ها می کاهد .این از طرفی مساله ای اقتصادی است و از طرف دیگر به فرهنگ مالیاتی مربوط بوده و مساله ای اجتماعی محسوب می‌شود . (رضائیان ،۱۳۷۸:۵)

دوماین که نظام مالیاتی برای جمع‌آوری اطلاعات از درآمد افراد ضعیف است . زیرا در وضعیت اقتصادی نامتعادل ،عده ای از طریق ایجاد بازار زیر زمینی و بازار سیاه ، درآمدهای کلان به‌دست می‌آورند ،بدوناین که هیچ گونه نام و نشانی از آن‌ها و نحوه فعالیتشان باشد . بنابراین وجود یک نظام قوی اطلاعاتی ،برای تشخیص مالیات واقعی اشخاص حقیقی و حقوقی لازم است .(سید زارع ،۱۳۸۰:۱۱۱)

۵-۳- نرخ‌های مالیات بالا و بار مالیاتی

از مهمترین علل فرار مالیاتی محسوب می‌شوند. نرخ مالیات بیشتر منجر به یک افزایش قوی در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی شده و فرار مالیاتی را افزایش خواهد داد. (بایر و سوتر، ۲۰۰۸) همچنین بار مالیاتی بیشتر منجر به افزایش فعالیت در بخش اقتصاد زیرزمینی می‌شود که به نوبه خود فرار مالیاتی را افزایش خواهد داد. فرض معمول این است که افزایش در بار مالیاتی یک گرایش قوی را برای نیروی کار به سمت اقتصاد زیرزمینی ایجاد می‌کند. (کبوالا و سعادتمند ، ۲۰۰۵) در یک مطالعه تجربی، به بررسی رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد و فرار مالیاتی طی دوره۱۹۹۷ - ۱۹۶۷ در آمریکا پرداختند. این محققان به این نتیجه رسیدند که نرخ بالای مالیات بر درآمد منجر به افزایش بیشتر فرار مالیاتی می‌شود. در مطالعه دیگری، به منظور بررسی رابطه بین تکانه‌های مالیاتی و

فـرار مالیاتـی، بوسـاتو و همـکاران (۲۰۱۰)نشـان دادنـد کـه افزایـش نـرخ مالیـات بـر شـرکت‌ها، کارگـزاران اقتصـادی را بـه سـمت فـرار مالیاتـی سـوق می‌دهـد. در مطالعـه ای دیگـر، صامتـی و همـکاران (۱۳۸۸) بـه منظـور اندازه‌گیـری میـزان اقتصـاد زیرزمینـی ایـران طـی سـال‌های ۲۰۰۵ -۱۹۶۵بـا اسـتفاده از روش علـل چندگانـه- شـاخص‌های چنـد گانـه، بـه بررسـی ارتبـاط بیـن اقتصـاد زیرزمینـی و بـار مالیاتـی پرداختنـد و نتیجـه گرفتنـد کـه رابطـه مثبتـی بیـن بـار مالیاتـی و اقتصـاد زیرزمینـی و فـرار مالیاتـی وجـود دارد.

۶-۳- اندازه دولت

در بسـیاری از مطالعـات، انـدازه دولـت و شـدت قوانیـن و مقـررات از علـل اصلـی گرایـش بـه اقتصـاد زیرزمینـی و اقتصـاد سـایه ای ذکـر شـده اسـت. افزایـش در شـدت مقـررات، عامـل مهمـی در ایجـاد انگیـزه افـراد بـرای ورود بـه اقتصـاد غیررسـمی بـوده و منجـر بـه افزایـش فـرار مالیاتـی می‌شـود. (اشـنایدر و سواسـان ،۲۰۰۷) ایـن دو محقـق نشـان دادنـد کـه افزایـش در شـدت مقـررات، عامـل مهمـی در ایجـاد انگیـزه در افـراد بـرای ورود بـه اقتصـاد غیررسـمی و بنابرایـن افزایـش فـرار مالیاتـی در ترکیـه و کشـورهای همسـایه بـوده اسـت. نتایـج مشـابهی در مطالعـه صامتـی و همـکاران (۱۳۸۸)و نیـز دل آنـو و همـکاران (۲۰۰۴)بـه چشـم مـی خـورد.

۷-۳- درآمد مالیات دهندگان

یکـی دیگـر از علـل فـرار مالیاتـی، درآمـد مالیـات دهنـدگان اسـت. تشـخیص وجـود رابطـه منفـی و یـا مثبـت بیـن درآمـد و فـرار مالیاتـی یـک مسـاله تجربـی اسـت. امبایـی (۲۰۰۷) بـه بررسـی رابطـه بیـن درآمـد مالیـات دهنـدگان و فـرار مالیاتـی در آفریقـای جنوبـی پرداخـت. وی نشـان داد کـه رابطـه بیـن درآمـد و فـرار مالیاتـی، مثبـت اسـت. فیشـلو و فریدمـن (۱۹۹۴)بـه ایـن نتیجـه رسـیدند کـه ارتبـاط منفـی بیـن تکانه‌هـای درآمـد و فـرار مالیاتـی وجـود دارد. در مطالعـه دیگـری، کرانـی و نـورزاد (۱۹۸۶) رابطـه بیـن احتمـال تشـخیص، میـزان مجـازات و سـهم دسـتمزد

از درآمد طی سالهای ۱۹۸۱-۱۹۴۷ برای ایالت متحده را بررسی کردند. نتایج این تحقیق نشان داد که فرار مالیاتی با افزایش نرخ مالیات افزایش می یابد، اما از طریق افزایش احتمال تشخیص، افزایش نرخ مجازات و افزایش سهم دستمزد از درآمد، فرار مالیاتی کاهش می یابد. بنابراین هرچند درآمد مالیات دهندگان یکی از علل مهم تاثیرگذار بر فرار مالیاتی است، ولی وجود یک رابطه منفی و یا مثبت بین درآمد مالیات دهنده و فرار مالیاتی را باید به صورت تجربی تعیین کرد.

۸-۳- بیکاری

در قرن حاضر یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی جوامع بیکاری است. در کشورهای جهان سوم، بیکاری می‌تواند خطرات بسیاری را متوجه جامعه و اقتصاد نماید. بیکاری نیز یکی دیگر از علل فرار مالیاتی است که اثر قابل توجهی بر فرار مالیاتی دارد. رشد بیکاری، انگیزه فعالیت در حوزه‌های غیرقانونی را افزایش می‌دهد و به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی کمک می‌کند که به نوبه خود به فرار مالیاتی بالا منجر خواهد شد. (صمدی و تابنده ،۸۲:۱۳۹۲)

دل آنو و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که بیکاری یکی از علل اقتصاد سایه ای در فرانسه، اسپانیا و یونان است. نتیجه مشابهی برای ایران توسط صامتی و همکاران (۱۳۸۸) به‌دست آمده است. در مطالعه دیگری، دل آنو و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که رابطه مثبتی بین بیکاری و اقتصاد سایه ای در اقتصاد کشور پرتغال وجود دارد. این محققان متذکر شدند که فعالیت در اقتصاد زیرزمینی و اقتصاد سایه ای به فرار مالیاتی بالا منجر می‌شود.

۹-۳- تورم

رشد سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی اثر قابل توجهی بر افزایش فرار مالیاتی دارد. با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، بسیاری از خانوارها زیر خط فقر قرار می گیرند. فقر

و ناتوانی در تامین حداقل درآمد، انگیزه ورود به اقتصاد زیرزمینی را افزایش می‌دهد که خود منجر به فرار مالیاتی بیشتر می‌شود.(صمدی و تابنده ،۸۲:۱۳۹۲)در این زمینه، کرانی و نورزاد (۱۹۸۶)در بررسی اثر تورم بر فرار مالیاتی برای اقتصاد ایالات متحده، نشان دادند که نرخ تورم تاثیر مثبتی بر فرار مالیاتی داشته است .

۱۰-۳- آزادسازی تجاری

محدودیت‌های تجاری و باز بودن اقتصاد، عامل دیگری است که اثر مهمی بر فرار مالیاتی دارد. افزایش محدودیت‌های تجاری باعث گسترش اقتصاد زیرزمینی می‌شود. اعمال محدودیت‌های تجاری منجر به این می‌شود که واردات و صادرات به صورت غیر قانونی و قاچاق انجام گیرد و باعث افزایش فرار مالیاتی شود. همچنین با کاهش محدودیت‌های تجاری از قبیل سهمیه بندی‌ها، تعرفه‌های بالا و ... می‌توان حجم فعالیت‌های قاچاق کالا را کاهش داد. در کشورهای در حال توسعه، علاوه بر محدودیتهای تعرفه ای، از سیاست‌های غیر تعرفه ای نیز استفاده می‌شود. سیاست‌های غیر تعرفه ای شامل ممنوعیت واردات یا صادرات برخی از اقلام به‌طور کلی یا موقت، قطع یا محدود ساختن رابطه تجاری با کشورهای خاص، سهمیه بندی مقدار واردات یا صادرات تعدادی از کالاها و ... است. بنابراین یک راه مقابله با گسترش اقتصاد زیرزمینی، کاهش محدودیت‌های قانونی بوده و کاهش تجارت غیر قانونی منوط به آزاد سازی تجاری است که به نوبه خود باعث کاهش فرار مالیاتی خواهد شد. (اشرف زاده و مهرگان، ۱۳۷۹:۲۵) صامتی و همکاران (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که یک رابطه منفی بین باز بودن تجارت و اقتصاد زیرزمینی در ایران وجود دارد.

۱۱-۳- مشکلات مربوط به تشخیص علی الرأس مالیات

مقررات تشخیص علی الراس به گونه ای است که امکان فرار از پرداخت مالیات قانونی

را برای مودیان بد حساب فراهم آورده و به علت تماس مکرر ماموران مالیاتی با مودیان ، احتمالا باعث انحراف کادر تشخیص مالیات (ممیزان مالیاتی) می‌شود . به‌طور کلی چون در روش تشخیص علی الراس ، از یک شیوه نظری برای سنجش و برآورد مالیات استفاده می‌شود ، قضاوت شخصی جانشین واقعیات می‌شود و فقدان نظارت کافی بر ضوابط و معیارهای ارزیابی و برآورد میزان مالیات پرداختی ، اختلافات متعددی میان مودیان و ماموران مالیاتی در زمینه تعیین درآمد مشمول مالیات ، ایجاد می‌کند .
(سید نورانی ، ۱۹:۱۳۸۸)

۱۲-۳- قوانین پیچیده و متعدد مالیاتی

اهمیت ساده سازی نظام مالیاتی به دلیل تاثیر آن بر افزایش اثر بخشی و کارایی دستگاه مالیاتی است . قوانین پیچیده و مبهم ، دشواری‌هایی برای مودیان ایجاد می‌کند و هزینه‌های تمکین را نیز افزایش می‌دهد . ساده سازی قوانین و درک آن را برای مودیان بسیار آسان نموده و می‌تواند تاثیر بسزایی در کاهش فرار مالیاتی داشته باشد. بدین ترتیب که ساده‌سازی می‌تواند کارایی و اثر بخشی نظام مالیاتی را افزایش دهد و مودیان را وادار به تمکین کند .دستگاه مالیاتی باید از دیدگاه مالیات دهنده نیز ساده باشد . فرم‌ها و رویه‌ها باید تا حدی ساده باشد که تمکین مالیاتی را تشویق کند . برای کمک و ساده سازی دستگاه مالیاتی ، اطلاعات خواسته شده در فرم‌ها باید به حداقل برسد و به سادگی از طریق دفاتر و سوابق مودی قابل استخراج باشد .(سیلوانی ،۱۹«۱۸ :۱۳۸۱)

۴- اندازه‌گیری فرار مالیاتی

در سال‌های اخیر ،در بعضی از کشورها ،دولت‌ها و محققین سعی در اندازه‌گیری میزان فرار مالیاتی ،برای مالیات‌های خاص و نیز برای کل نظام مالیاتی داشته اند . اما اندازه‌گیری میزان دقیق فرار مالیاتی در کشور ایران با مشکلاتی رو برو بوده است که از اهم موانع در

راه تخمین فرار مالیاتی،می‌توان به موارد زیر اشاره کرد :

۱. ناتوانی در استفاده از روش‌های مستقیم اندازه‌گیری (چرا که مردم مقادیر فرار مالیاتی خود را ابراز نمی کنند).

۲. عدم توجه تحقیق جامع درباره میزان فرار مالیاتی در هر یک از شاخه‌های مشمول مالیات در ایران.

۳. تفاوت تعاریف بین‌المللی مالیات با تعریف مالیات در ایران ، به نحوی که درآمدهای تامین اجتماعی که در ایران جزء درآمدهای مالیاتی محسوب نمی‌شوند، در برخی از کشورها سهم عمده ای از درآمدهای مالیاتی را به خود اختصاص داده است .

۱. عدم تطبیق آمارهای مراکز مختلف .

۲. محرمانه بودن اطلاعات مربوطه . (نورانی ،۱۳۸۸:۳۴)

۵- عوامل موثر بر فرار مالیاتی

اندرونی و دیگران (andreoni, etal,۱۹۹۸:۸۱۸)معتقدند به دلایل زیادی فرار مالیاتی افراد ،ناشی از هنجارها و واکنش‌های اجتماعی است .

برای مثال اولا ، بر نقش گناه و احساس شرم در تمکین فرار مالیاتی تاکید می کنند . یا معتقدند که یک فرد می‌تواند یک بازپرداخت ذهنی را برای خود طراحی کند که از الگوی استاندارد رفتاری مربوط به گروه خودش (تاثیر هم نوایی اجتماعی) مشتق شده است .

ثانیا ، در اثر تعامد با هم‌نوع خود مودی مالیاتی احساس می کند که کمتر اعلام کردن درآمد راه کم هزینه تری است . به نحوی که ریسک به دام افتادن را کاهش داده یا جرائم حاصل از محاسبه مالیاتی (تاثیر یادگیری اجتماعی) را کاهش می‌دهد .

ثالثا، استنباط هر فرد در عادلانه بودن میزان مالیات مشمول به آن تاثیر زیادی بر تصمیم

فـرار مالیاتـی آن فـرد دارد .چـون افـرادی کـه احسـاس مـی کننـد در نظـام مالیاتـی نسـبت بـه آن‌هـا بـی عدالتـی صـورت گرفتـه بیشـتر تمایـل بـه فـرار از مالیـات (تاثیـر عدالـت) دارنـد تـا بدیـن وسـیله حـق از دسـت رفتـه خـود را بـاز پـس گیرنـد .

فورتیـن ، جـوی و مـاری کلایـر در تحقیقـات خـود پیرامـون فـرار مالیاتـی و واکنش‌هـای اجتماعـی مودیـان ، بـه ایـن نتیجـه مـی رسـند کـه تجـارب آزمایشـگاهی در حـل ایـن مسـائل بسـیار مفیـد اسـت همچنیـن معتقدنـد یـک نظـام مالیاتـی ناعادلانـه بـه افزایـش فـرار مالیاتـی منجـر می‌شـود و اگـر نظـام مالیـات بنـدی در راسـتای عدالـت افقـی باشـد تمکیـن مالیاتـی بهبـود مـی یابـد .

وود اثـر فـرار مالیاتـی بـر منحنـی لافـر را از طریـق معرفـی یـک منحنـی فـرار از مالیـات در طـرف عرضـه مـورد تجزیـه و تحلیـل قـرار داد . در ایـن مـدل پیدایـش تابـع فـرار از مالیـات باعـث کـم شـدن نـرخ مالیـات می‌شـود به‌طـوری کـه درآمـد مالیاتـی کاهـش می‌یابـد .

به‌طـور شـهودی سـطح نـرخ مالیات‌هـا ضامـن پایـه مالیاتـی اسـت . هـر چـه مالیات‌هـا بالاتـر باشـند ، ریسـک پایـه مالیاتـی (بـرای افـراد خـوش بیـن) بالاتـر یـا بـرای افـراد بدبیـن پاییـن تـر اسـت .

ایـن متغییرهـا علـی رغـم آثـار غیـر مسـتقیمی کـه روی فـرار مالیاتـی و نـرخ مالیاتـی بهینـه دارنـد از تاثیـرات آشـکاری بـر رشـد اقتصـادی برخوردارنـد .

در مجمـوع ایـن سیاسـت‌ها بـه لحـاظ مقـداری ، روی اجتنـاب از فـرار مالیاتـی تاثیـر دارنـد ولـی از تاثیـرات کمـی روی رشـد اقتصـادی برخوردارنـد . مگراین‌کـه درجـه پیامدهـای خارجـی فعالیت‌هـای دولـت خیلـی بـالا باشـد .

۶- فرار مالیاتی و رشد اقتصادی

درآمـد مالیاتـی نقـش بسـزایی در تأمیـن هزینه‌هـای دولـت دارد و ایـن امـکان را فراهـم می‌کنـد تـا

دولت در راستای شکوفایی، رشد و رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری کند. اما تحقق این هدف، با وجود فرار مالیاتی باعث اختلال می‌شود. فرار مالیاتی را می‌توان یکی از مظاهر فساد اقتصادی شمرد. واضح است فرار مالیاتی در مبالغ کلان و سنگین و نه مبالغ ناچیز مالیاتی صورت می گیرد. این استدلال نیز درست است که بیشتر افراد فرار از مالیات بر ثروت و مالیات بر دارایی دارند و معمولا به منظور مصرف بیشتر، فرار مالیات صورت نمی گیرد، چون افراد ترجیح می دهند مبالغ فرار از مالیات را پس انداز، و در چشم انداز بلندمدت استفاده کنند. تأثیر فرار مالیاتی را از دو طریق می‌توان مورد مطالعه قرار داد. اولاین‌که فرار از مالیات به دلیل عدم تحقق درآمد دولت، موجب کاهش سرمایه‌گذاری دولتی می‌شود. بنابراین می‌تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. از طرف دیگر به دلیل افزایش پس‌اندازهای خصوص افراد، می‌تواند محرکی برای سرمایه‌گذاری خصوصی بوده و تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. مطالعات انجام شده در فیلیپین و ایتالیا نشان داده هنگامی که پرداخت مالیات توجیه نداشته باشد فرار مالیاتی عمومی تر می‌شود و مانند یک هنجار اجتماعی فراگیر در مناسبات نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه جایگزین تمکین مالیاتی می‌شود.(نورانی ،۱۳۸۸:۳)

تفاوت در سطح درآمد در بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته و حتی تفاوت در سطح درآمد در طول زمان برای یک کشور و همچنین تفاوت در سطح استاندارد زندگی مسائلی هستند که الگوهای رشد توضیح کامل و قانع کننده ای در توجیه آن‌ها ارائه می کنند .(دورنبوش و همکاران ,۵۳،۲۰۰۴)

دسته بندی کلی به الگوهای رشد برون زا و الگوهای رشد درونزا تقسیم می‌شوند. الگوهای رشد برون زا نتوانستند پاسخ قانع کننده ای برای سؤال‌های اساسی رشد اقتصادی فراهم کنند. نتیجه اصلی این الگوها این بود که اگر دریافتی‌های سرمایه منعکس کننده سهم آن در تولید باشد ، آنگاه انباشت سرمایه توضیح قابل قبول برای رشد اقتصادی

درازمدت و یا تفاوت درآمد بین کشورها نخواهد داشت. همچنین، تنها عامل تعیین کننده درآمد در این گونه الگوها، علاوه بر سرمایه، متغیر غیر قابل توصیف و یا مبهم کارایی نیروی کار است. (رومر، ۲۰۱۲، ۱۰۱) بنابراین، الگوهای رشد درونزا به منظور از بین بردن فرض بازدهی کاهنده سرمایه، دو راهکار گستردن مفهوم سرمایه و در نظر گرفتن پیشرفت فناوری به صورت تولید ایده‌های نوین؛ ارائه دادند تا بتوانند به سؤالات اساسی رشد پاسخ دهند. بنابراین، ضرورت برون زا نبودن پیشرفت فناوری نمود پیدا کرد .(بارو و سالا ۶۱،۲۰۰۴)

نکته دیگری که بایستی اشاره کرد، پدیده فرار مالیاتی و تفاوت آن با پدیده اجتناب مالیاتی می‌باشد . پدیده فرار مالیاتی، کوتاهی عمدی در اعلام فعالیت‌های مشمول مالیات است .(هندریکس و میلز ،۵۱۳،۲۰۰۶)

تفاوت اصلی آن با پدیده اجتناب مالیاتی در بحث قانونی بودن یا نبودن است. در حقیقت ،الیوروندل هولمز ،در سال ۱۹۱۶ بیان می‌کند که پدیده فرار مالیاتی، پدیدهای غیر قانونی بوده درحالی که پدیده اجتناب مالیاتی امری قانونی می‌باشد. به تعبیر دیگر، فرار مالیاتی به معنای مخفی کردن معاملات و یا نشان دادن جلوه غلطی از معاملات است در حالی که بحث اجتناب مالیاتی همان سازماندهی مجدد معاملات به منظور کاهش پرداختی مالیاتی می‌باشد . (کی ،۱۹۸۰)

با در نظر گرفتن این حقیقت که در کشورهای در حال توسعه پدیده فرار مالیاتی، موضوعی فراگیر است . (هندریکس و میلز ۵۱۳،۲۰۰۶)

مطالعات در زمینه فرار مالیاتی و رشد اقتصادی محدود می‌باشد. برخی از نتایج این پژوهش‌ها حکایت از آن دارد که افزایش هزینه هر واحد فرار مالیاتی، جریمه و رسیدگی مالیاتی اثر مبهم بر رشد اقتصادی دارند ؛ نرخ بهینه مالیات بر درآمد در وضعیت پایا، متفاوت از صفر می‌باشد و فرار مالیاتی در شرایطی می‌تواند منجر به رشد اقتصادی

بیشتر شود. در زمینه اقتصاد ایران، با توجه به مطالعات صورت گرفته، انتظار می رود که تکانه‌های مثبت فرار مالیاتی بر تولید ناخالص داخلی تأثیر مثبت داشته باشند و فرار مالیاتی در درازمدت رشد اقتصادی را کاهش دهد.(صمدی و همکاران ،۹۲:بی تا)

به‌طور کلی چگونگی وضع نرخ مالیات ، چگونگی وضعیت تمکین مالیاتی ، چگونگی اتخاذ سیاست‌های مالی و مانند این‌ها بر فرار مالیاتی موثر بوده و می‌توانند وضعیت اقتصادی را تحت تاثیر قرار دهند .(همان)

ادبیات محدود دیگری درباره فرار مالیاتی در کارهای کاول آندرونی، ارارد و فین استین وجود دارد . در اصل ، مالیات می‌تواند برای افزایش کارایی نظام اقتصادی از طریق افزایش درآمد برای ارائه کالاهای عمومی و از راه توزیع مجدد درآمد به کار رود . یک سیاست گذار برای حل مسئله تخصیص بهینه سازی ، با محدودیتی بودجه رو به روست که به خالص درآمد مالیاتی بستگی دارد .

هنگام مطالعه فرار مالیاتی باید بین انواع درآمدها تفکیک قائل شد . در تمامی کشورها تفکیکی بین درآمدهای ثبت نشده وجود دارد . درآمدهای ثبت شده عموما در شغل‌های بخش دولتی و خصوصی وجود دارد که با عقد قرار داد همراه هستند . بنابراین مالیات هم برای این قبیل قراردادها به راحتی می‌تواند لحاظ شود . درآمد ثبت نشده در مواردی اتفاق می افتد که افراد قرار داد شغلی ندارند و در واقع خود اشتغالی رایج است . در این‌باره درآمد را باید خود فرد گزارش کند تا نظام مالیاتی بتواند درآمد مشمول مالیات را تعیین کند .

آلسینا و رودریک نشان می‌دهد که در یک مدل رشد درونزای یک بخشی با وجود مخارج دولت ، هر چه نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیشتر و نرخ مالیات نیز بالاتر باشد ، رشد اقتصادی کمتر است .

سالایی مارتین (Salai Martin , ۱۹۹۵ :۲۷۵،۳۰۱) نشان داد در کشورهایی که حجم

فرار مالیاتی زیاد است دولت باید از طریق فشار بیشتر به بخش‌های تامین مالی و در نتیجه افزایش نرخ تورم ، حاکمیت خود را حفظ کند . این سیاست دولت کاهش دهنده میزان خدماتی است که توسط بخش‌های تامین مالی در اقتصاد ارائه می‌شود .

لین و یانگ (lin & yang , ۲۰۰۱ : ۲۸، ۴۰) در مقاله شان مدلی پویا از فرار مالیاتی معرفی کرده اند . آن‌ها درآمد مالیاتی را عامل موثر بر گران تر کردن مطلوبیت کالاهای عمومی ، که عدم بهره وری را به دنبال دارد می دانند . بدین معنی که «انحراف» منابع از بخش عمومی غیر بهره ور به بخش خصوصی بهره ور می‌تواند منجر به رشد بیشتر شود . فرار مالیاتی مجرایی برای جلوگیری منابع انحراف یافته است . لین و یانگ نشان داده اند افزایش بیشتر نرخ‌های مالیاتی و رشد مثبت آن‌ها ، بر انحراف منابع از طریق فرار مالیاتی اثر گذاشته و در نهایت تاثیرات منفی ناشی از فشار مالیاتی را به دنبال دارد که به رشد اقتصادی منفی منجر می‌شود .

برخی از نویسندگان در ادبیات مدرن« رشد درونزا » دریافته اند که مالیات‌ها اهمیت کمی در توضیح تفاوت‌های نرخ رشد دارند . لوین و رنلت، استرلی و ربلو، اسکولی و سالایی مارتین با استفاده از یک متدلوژی متفاوت ، رابطه منفی بین مالیات‌ها و رشد محصول را تایید و یک نرخ مالیات بهینه «حداکثر کننده رشد » را پیشنهاد می‌کنند. ایچهورن یک مدل رشد درونزا را مورد بررسی قرار می‌دهد به‌طوری که افراد فرار مالیاتی و مصرف را در طول زمان با یک ساختار مالیاتی مشخص در سیاست‌های دولتی بهینه می‌کند . به این منظور با به کار گیری یک مدل تصادفی کنترل بهینه ، که در آن مشکلات افراد حل شده و نرخ رشد اقتصادی به‌دست می‌آید ، نشان داده که با توجه به یک سیاست مالیاتی معین ، فرار مالیاتی محرک رشد اقتصادی است زیرا منجر به پس انداز بیشتری می‌شود . وی معتقد است خانوارها فقط زمانی از پرداخت مالیات فرار می کنند که از نظر ارزش برای آن‌ها مفید بوده و درآمد بیشتری را برای پس انداز آن‌ها

برجای بگذارد . اما اگر واکنش دولت در نظر گرفته شود ، نشان داده که دولتی که به دنبال حداکثر کردن رفاه است ، نرخ مالیاتی را به سمت بالا تعدیل می‌کند تا عرضه کافی کالای عمومی را تضمین کند . در نتیجه فرار مالیاتی هیچ تاثیری بر رشد اقتصادی ندارد وی در مطالعه اش به این نتیجه می رسد که افراد فرار مالیاتی و مصرف را در طول زمان با یک ساختار مالیاتی مشخص در سیاست‌های دولت بهینه می نمایند .

بایر و ساتر یک مطالعه تجربی درباره اتلاف منابع همراه با فرار مالیاتی ارائه داده اند . اتلاف منابع زمانی پدید می‌آید که مالیات دهندگان و ماموران مالیاتی تلاش‌های پر هزینه ای را در پنهان کاری و کنترل فرار مالیاتی انجام می دهند ، بنابراین نشان داده شده که این تلاش‌های ناکارآمد اجتماعی و همچنین فراوانی فرار مالیاتی رابطه مثبتی با نرخ مالیاتی رایج دارد . در ضمن فرار مالیاتی اغلب کمتر از آن چیزی است که در مدلی با ریسک خنثی ، رفتار مالیات دهندگان را پیش بینی می‌کند . چرا که شواهد بیانگر آن است که این امر به دلیل قیدهای اخلاقی فردی است نه به خاطر ریسک گریزی افراد ، علاوه بر این فرار مالیاتی یک عارضه عمومی در اکثر کشورهاست و اثر منفی بر بودجه دولتی دارد ، ممکن است در برگیرنده یک بار اضافی نیز باشد ، زیرا منجر به تحریک شدن مودیان و ماموران مالیاتی می‌شود تا منابع خود را به صورت غیر مولد سرمایه‌گذاری کنند . یعنی اتلاف منابع به منظور پنهان کردن یا گریز از مالیات صورت می گیرد .

آرانا در مقاله خود به ارائه یک تحلیل از رابطه بین رشد اقتصادی و فرار از مالیات بر درآمد پرداخته است . وی در کار خود از یک مدل پویا با حضور سرمایه انسانی که درآن فرار از مالیات بر درآمد متغیری درونزاست استفاده کرده است . مدل وی ، تاثیرات فرار مالیات بر درآمد را بر رشد از سه کانال بررسی می‌کند .

۱. فرار از مالیات بر درآمد ، مسیر بهینه مصرف و پس انداز را جا به جا می‌کند .

۲. فرار از مالیات بر درآمد ، نارسایی‌هایی را در بازار کار ایجاد می‌کند .

۳. در فرار مالیاتی بازدهی دارایی‌ها تحت تاثیر قرار می گیرد .

آرنـا بـا اسـتفاده از مفهـوم سیاسـت بهینـه در مقابـل فـرار مالیاتـی و بـا کاربـرد رهیافـت سیاسـی رمـزی فـرار از مالیـات بـر درآمـد را بـه عنـوان متغیـری درون زا بـا تحلیـل کدهـای مالیاتـی وارد مـدل کـرده اسـت . همچنیـن نشـان می‌دهـد کـه نـرخ مالیـات بـر درآمـد بهینـه در سـطح رشـد متـوازن از صفـر متفـاوت اسـت . او نتیجـه مـی گیـرد احتمـال کشـف فـرار مالیاتـی و افزایـش جرایـم مالیاتـی اثـر مثبتـی روی رفـاه و رشـد اقتصـادی دارنـد . بـه عبـارت دیگـر ، فـرار مالیـات بـر درآمـد ، باعـث کاهـش ارزش کار و رفـاه اقتصـادی و افزایـش هزینـه ی سـرمایه می‌شـود . چـن بـا اسـتفاده از مـدل رشـد درونـزا بـا سـرمایه عمومـی و فـرار مالیاتـی بـه بررسـی رابطـه بیـن اثـر فـرار مالیاتـی بـر رشـد اقتصـادی و پیامدهـای سـرمایه عمومـی از طریـق دریافت‌هـای درآمـد مالیاتـی پرداختـه اسـت . او نشـان می‌دهـد افزایـش در هزینـه واحـد فـرار مالیاتـی و نیـز جریمـه مالیاتـی ، فـرار مالیاتـی را کاهـش می‌دهـد . در عیـن حـال ، افزایـش در بازرسـی‌ها فـرار مالیاتـی را در صورتـی کاهـش می‌دهـد کـه هزینـه جبرانـی آن خیلـی بـالا نباشـد . در نتیجـه تفـاوت در سیاسـت‌های جبرانـی اثـری مثبـت بـر کاهـش فـرار مالیاتـی دارد امـا اثـر آن روی رشـد اقتصـادی مبهـم اسـت .

نتیجه‌گیری

فـرار از مالیـات ، جـز اصلـی فعالیت‌هـای پنهـان ، زیـر زمینـی یـا بخـش نامنظـم اقتصـاد بـوده و اقتصـاد دانـان بیـش از پیـش در پـی تجزیـه و تحلیـل ایـن پدیـده انـد . فـرار از مالیـات بـه نظـر بکـر بـا اقتصـاد غیـر قانونـی (جزایـی) و بـه نظـر آرو بـا اقتصـاد ریسـک و عـدم اطمینـان ارتبـاط دارد . فـرار مالیاتـی آثـار سـویی بـر اقتصـاد کشـور دارد ، به‌طـور کلـی ، فـرار مالیاتـی باعـث می‌شـود کـه درآمدهـای مـورد نیـاز دولـت بـرای هزینه‌هـای اجتماعـی تامیـن نشـود و در نتیجـه خدمـات اجتماعـی کـه دولـت مـی بایـد آن‌هـا را فراهـم سـازد ، در حـدود مـورد نیـاز و بـا کیفیـت ارائـه نشـود . همچنیـن فـرار مالیاتـی سـبب می‌شـود ، درآمدهـا در سـطح جامعـه بـه نحـو مناسـب توزیـع نشـود . از سـوی دیگـر فـرار از مالیـات بـه دلیـل عـدم تحقـق درآمـد دولـت ، موجـب کاهـش سـرمایه‌گذاری دولتـی می‌شـود بنابرایـن می‌توانـد اثـر منفـی بـر رشـد اقتصـادی داشـته باشـد . از طـرف دیگـر بـه دلیـل افزایـش پـس انـداز خصوصـی افـراد ، می‌توانـد محرکـی بـرای سـرمایه‌گذاری خصوصـی بـوده و تاثیـر مثبـت بـر رشـد اقتصـادی داشـته باشـد .

فـرار مالیاتـی بـا اجتنـاب از مالیـات تفـاوت دارد . اجتنـاب از مالیـات ، یـک نـوع سـو اسـتفاده رسـمی از قوانیـن مالیاتـی اسـت .

زمینه‌هـای فـرار مالیاتـی عبـارت اسـت از : ۱. پاییـن بـودن فرهنـگ مالیاتـی۲. معافیت‌هـای وسـع و متنـوع ۳.عـدم ارسـال اظهـار نامـه یـا نقـص آن ۴. فسـاد مامـوران مالیاتـی ۵.مشـکلات مربـوط بـه تشـخیص علـی الـراس مالیـات۶. قوانیـن پیچیـده و متعـدد مالیاتـی ۷.نظـام اطلاعاتـی ضعیـف ۸. نبـود سـازوکار جریمـه و تشـویق مناسـب ۹. تغییـرات جمعیتـی (بافـت جمعیتـی) و اخلاقیـات ۱۰. اعتمـاد عمومـی ب دولـت و مـردم فـرار مالیاتـی در کوتاه‌مـدت بـر رشـد اقتصـادی تاثیـر گـذار نیسـت ، امـا در بلندمـدت می‌توانـد بـه عنـوان مؤلفـه اثـر گـذار بـر کاهـش رشـد اقتصـادی عمـل کنـد .

از آن جـا کـه پـس انـداز بخـش خصوصـی عامـل مهمـی در تحریـک رشـد اقتصـادی اسـت،

جا دارد تا با اعمال سیاست گذاری‌های مناسب برای افزایش انگیزه افراد به پس انداز منابع مالی خود ، به افزایش میل نهایی به پس انداز کمک شود. این مساله می‌تواند از طریق ارائه نرخ‌های سود مناسب اصلاح نظام مالیاتی در جهت دستیابی به عدالت ، اعمال نظارت صحیح از سوی سازمان‌های مسئول در زمینه کنترل قیمت‌ها (سازمان بازرسی ،...) برای ممانعت از افزایش بی رویه قیمت‌ها و ... صورت پذیرد .

تشکیل سرمایه بخش دولتی می‌تواند نقش به سزایی در توجیه نوسانات رشد اقتصادی داشته باشد . لذا بهتر است بر افزایش سهم هزینه ای این نوع مخارج دولت (در قابل مخارج جاری) بیشتر تاکید شود تا با ایجاد بسترهای مناسب از سوی دولت ، مسیر رشد اقتصادی هموار تر شود .

فرار مالیاتی منجر به کاهش تشکیل سرمایه ی بخش خصوصی می‌شود و از آن جا که این متغییر بیشتر تحت تاثیر درآمدهای نفتی قرار دارد تا فرار مالیاتی ، از این‌رو ، ابتدا باید نظام مالیاتی به نحوی اصلاح شود که در عین برقراری عدالت ، از شفافیت کافی نیز برخوردار شود تا زمینه هر گونه تقلب کاهش یابد . در عین حال حرکت اقتصاد به سمتی باشد که اتکای دولت در انجام مخارج خود بیشتر بر این منبع درآمدی قرار گیرد تا نفت. اهمیت این مساله از لحاظ تغییر پذیری شدید درآمدهای نفتی و برون زا بودن عوامل اثر گذار برآن است . بنابراین لازم است جهت گیری برنامه ریزان به سمت کمرنگ ساختن درآمدهای نفتی از طریق تاکید بیشتر بر درآمدهای مالیاتی در یک نظام عادلانه باشد.

منابع و مآخذ

۱. اشرف زاده، حمید رضا و نادر مهرگان (۱۳۷۹)،برآورد اندازه فعالیتهای اقتصاد زیرزمینی درایران، مجموعه مقالات کنفرانس ملی قاچاق کالاو راه‌های کنترل آن، تهران: دانشگاه تربیت مدرس ۴۴«۲۵.

۲. بورد ، اردشیر ،۱۳۸۱ . تاثیر مالیات بر ارزش افزوده در افزایش درآمدهای مالیاتی دولت و مقایسه تطبیقی آن با مالیات‌های غیر مستقیم ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده امور اقتصادی ، وزارت اقتصاد و امور دارایی .

۳. تقی پور ، انوشیروان ، ۱۳۷۸.وقفه‌های جمع‌آوری مالیات ، تورم و درآمدهای مالیاتی حقیقی دولت، برنامه و بودجه ، ش ۴۲.

۴. رضائیان ، محمد تقی ، ۱۳۷۸،بررسی علل عدم آگاهی مودیان مالیاتی از قانون مالیات‌های مستقیم و تاثیر آن بر درآمد مودیان دولت(مطالعه موردی استان سمنان) ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، دانشکده امور اقتصادی ،وزارت اقتصاد و امور دارایی .

۵. زمانی ، احمد و محسن کلانتری ، ۱۳۷۸ . اندازه‌گیری وقفه‌های قانونی مالیات و آثار منفی آن در ایران ، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی ، ش ۳ .

۶. سید زارع ، بهمن ،۱۳۸۰ . تخمین فرار مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی در ایران و شناسایی عوامل موثر بر آن ، پایان نامه کارشناسی ارشد ، موسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه.

۷. سید نورانی، سید محمدرضا(۱۳۸۸)،فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

۸. صامتی، مجید، مرتضی سامتی و علی دلائلی میلان (۱۳۸۸)،برآورد اقتصاد زیرزمینی در ایران : روش MIMIC ، مطالعات اقتصاد بین‌الملل، سال ۲۰، شماره ۲(پیاپی۳۵)،صص ۸۹«۱۱۴.

۹. صبوری دیلمی، محمد حسن، و سعیده شفیعی (۱۳۸۷)،ترکیب مالیاتی و اهداف مالیاتی در برنامه‌های توسعه، مجموعه مقالات دومین همایش سیاست‌های مالی و مالیاتی ایران، تهران، ۷۸۵»۸۳۰

10-Alesina Alberto & Rodrik Dani, 1994. »Distributive Politics and Eco-
,«nomic Growth
11-Alingham M.G. and A. Sandamo ,1972. »Income Tax Evasion: A Theorical Analysis» , Jornal of Public Economics , Vol.1
12-Andreoni James, Erard Brian, Feinstein Jonathan, 1998. »Tax Complia Journal of Economic Literature, Vol. 36, No.2
13-Arana Oscar Mauricio VALENCIA, 2004. »Economic Growth and the Household Optimal Income Tax Evasion», Universidad Nacional de Colombia
14-Barro, Robert J. and Sala-i-Martin, Xavier (2004). Economic Growth
15-Bayer Ralph & Sutter Mattias, 2004. »The Excess Burden of Tax Eva-
«sion-An Experimental Detection-concealment Contest
16-Bayer, Theodore F., 2003. »A »Split» in California's Tax System:
«?What's PoolGot to Do with it
17-between Tax Shocks, Sunspots and Tax Evasion. The Open Borck Rainald, 2003. »Tax Competition and the Choice of Tax Structure in a (Majority Voting Model», Journal of Urban Economics, Elsevier, Vol. 54(1
18-Brooks Neil, 2001. Presentation Paper of »Key Issues in Income Tax: Collenges of Tax Administration and Compliance», Tax Conference Tokyo: Asian DevelopmenBank Institute
19-Busato F., Chiarini, B. & Marchetti E. (2010). The relationship Business, 7(2): 124
20-Cebula, R.J. & Saadatmand, Y. (2005). Income Tax Evasion Chen, K. & Chu, C. 2002. »International Contran rs. Manipulation: a Model of Carporate Income Tax Evation», Working paper, Institute for Social Sien ces and Philosophy, Academia Sinico, Taipei
21-Dellano Robeto and Schnieder Freidrich. 2004. The Shadow Economy
?of Italy and Other OECD Countries: What do We Know
22-Determinants: New Evidence. Journal of American Academy of Distribution: The Limits to Redistribution; Proceedings of the 31st
23-Easterly, William & Rebelo Sergio, 1993. »Marginal Tax Rate and Economic GrowthIn Developing Countries», European Economic Review,
.(Vol. 34(2«3
24-Easterly, William & Rebelo Sergio, 1993. »Marginal Tax Rate and Economic Growth Economics Journal, 3: 14-24 Economics. London: MIT Press
25-Eichorn Christoph, 2004. »Innovations in an Endogenous Growth Model withTax Evasion Evasion: Comparative Statics of Tax Rates and its

Implication for Economic
26-Evidence from Missing Imports in China», Journal of Public Economics, Vol. 112, No. 2 Fisman Raymond & Shang Jin Wei, 2004. »Tax Rate :and Tax Evasion
27-Fortin Bernard & Guy Lacroix & Marie-Claire Villeval, 2004. »Tax Evasionsocial Interactions», CIRANO Working Papers, Journal of PublicEconomics
28-Growth», Journal of Economic Dynamics and Control, Vol. 25 Hindriks, Jean and Myles, Gareth D. (2006). Intermediate Public in Developing Countries», European Economic Review, Vol. 34 (2-3). International of Monetary Fund, Fiscal Affairs Department, Mimeo
29-Kay, John A. (1980). »The anatomy of Tax Avoidance», in Income Levine Ross and Renelt David, 1992. »A Sensitivity Analysis of Cross-Coun-Regressions», Vol. 82 (4) AER try
30-Lin, W.Z and C.C Yang, 2001. »A Dynamic Portfolio Choice Model of Tax London: MIT press McGraw-Hill
31-Romer, David. (2012). Advanced Macroeconomics. New York Salai Martin, A. 1995. »Growth Model of Inflation, Tax Evasion and Financial Repression», Journal of Monetry Economics, Vol. 35. Issue. 2
32-Sandmo, A., 2004. »The Theory of Tax Evasion: A Retrospective View», mimeo.Scully Gerald W., 1996. »Taxation and Economic Growth in New Zealand» Pacific Economic Review, Vol. 1: 2
33-Silvani, Carlos & Brondolo, John, 1993. »Analysis of VAT Compliance Symposium of The Colston Research Society, University of Briston, pp. The Quarterly Journal of Economics, MIT Press, Vol. 199
34-Waud Roger, 1986. »Tax Evasion and the Laffer Curve», Scottish 2) political Economy, Vol. 33, No. 3 Journal of
35-Yitzhaki, S., 1994 , »A Note on Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis», Journal of Public Economics, Vol.3

تاثیرصدقات (انفاقها) اهدایی به کمیته امداد در رفع فقر مطلق (مطالعه موردی: استان قم ۱۳۹۵)

هادی حقیقی[۱]

چکیده

فقر و محرومیت از طبیعت سرچشمه نشده بلکه نتیجه سوء مدیریت در توزیع منابع و روابط ناصحیح افراد می‌باشد، در دیدگاه اسلامی ، فقر پدیده ای ناپسند است و همه افراد و دولت در یک کشور اسلامی وظیفه دارند در جهت کاهش و زدودن فقر حرکت کنند، از منظر اسلام انفاق به دیگران از جمله راه‌های کاهش فقر در جامعه می‌باشد. دراین پژوهش برای محاسبه انفاق از مجموع پرداختی‌ها به کمیته امداد امام خمینی (ره) و برای خط فقراز رویکرد نیازهای اساسی وبرآورد هزینه سبد ۲۰۲۹ کیلو کالری به ازای هرنفردر روز واز متوسط قیمت آن در استان استفاده شده است. در این بررسی، داده‌های استان دوره زمانی ۱۳۸۷ به کار گرفته شده است و با توجه به نرخ تورم سالانه برای سال ۱۳۹۵ محاسبه شده است.لذا از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده است. سوال اصلی پژوهش این است که آیا انفاق و کمک‌های اهدایی به کمیته امداد، پاسخگوی فقر جامعه شهری قم می‌باشد؟ یافته‌ها گویای این بود که انفاق در چارچوب کمیته امداد رافع فقر استان نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: فقرمطلق قم، انفاق،کمیته امداد قم ، بیکاری

---

۱. دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

hady.haghighi@gmail.com

مقدمه

فقر و اندازه گیری آن و راه‌های فقرزدایی در سیاست گذاری اقتصادی جایگاه ویژه ای دارد و این جایگاه روزبه روز در کشورهای گوناگون به ویژه کشورهای توسعه نیافته اهمیت بیشتری پیدا کرده است . در ایران نیز مسئله فقر و فقرزدایی همراه با اینکه از این روند جهانی اثر پذیرفته است ، به علت نگاه دینی حاکم بر فرهنگ و سیاست گذاری‌ها بیشتر گسترش یافته است در ایران نیز برای مبارزه با فقر در چارچوب برنامه‌های توسعه و طرح‌ها و برنامه‌های جداگانه چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن سیاست‌گذاری‌هایی شده است .هر چند برخی از اینها اثرگذار بوده اند و با اینکه در ایران آرمان‌های فرهنگی و مذهبی برای فقرزدایی بسیار هماهنگ هستند؛ اما به نظر می رسد این برنامه‌ها و سیاست‌ها نتوانسته اند پدیده ناهنجار فقر را از چهره کشور پاک کنند.

(خالدی و محمودیان، ۱۳۹۳: ۳۲)

در قرآن کریم فقر به عنوان عامل منفی در زندگی انسان معرفی شده است لذا می بینیم، خداوند به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:» وَوَجَدَکَ عَائِلاً فَأَغْنَی»[۱](ضحی:۸)

توجه به برخی روایات وارده از معصومین (ع) نیز مذمت فقر را روشن می سازد. حضرت علی علیه السلام می فرمایند: »الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَکْبَرُ»[۲] (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۳)

در عین حال در اسلام وجود تفاوت بین انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در قرآن کریم به این نکته اشاره می‌شود: »أَهُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّکَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَیْنَهُمْ مَعِیشَتَهُمْ فِی الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِیَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِیًا وَرَحْمَتُ رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ»[۳] (زخرف: ۳۲)

---

۱. و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود.

۲. تنگدستی، بزرگترین مرگ است.

۳. آیا آن‌ها باید فضل و رحمت خدای تو را تقسیم (و مقام نبوت را تعیین) کنند؟ در صورتی که ما خود معاش و روزی آن‌ها را در حیات دنیا تقسیم کرده‌ایم و بعضی را بر بعضی به درجاتی (از مال و جاه دنیوی) برتری

لـذا خدوانـد متعـال مسـئله برتـری بعضـی از انسـان‌ها را بـر بعـض دیگـر و اختـلاف موجـود میـان آن‌هـا را بـه خـود نسـبت می‌دهـد و ایـن امـر بیانگـر اختـلاف در قابلیت‌هـا و اسـتعدادهای ذاتـی افـراد بـوده و طبیعتـا در امـور اقتصـادی ایـن اختـلاف بـروز پیـدا خواهـد کـرد. امـا ایـن بـدان معنـا نمی‌باشـد کـه دیـن اسـلام انباشـت درآمـد و ثـروت و بهـره بـردن از درآمدهـای سرسـام آور توسـط عـده ای قلیـل ثروتمنـد را تاییـد کنـد. چـرا کـه در جـای دیگـر از قـرآن خداونـد می‌فرمایـد: »مَـا أَفَـاءَ اللَّهُ عَلَـى رَسُـولِهِ مِـنْ أَهْـلِ الْقُـرَى فَلِلَّـهِ وَلِلرَّسُـولِ وَلِـذِي الْقُرْبَـى وَالْيَتَامَـى وَالْمَسَـاكِينِ وَابْـنِ السَّـبِيلِ كَـيْ لَا يَكُـونَ دُولَـةً بَيْـنَ الْأَغْنِيَـاءِ مِنْكُـمْ وَمَـا آتَاكُـمُ الرَّسُـولُ فَخُـذُوهُ وَمَـا نَهَاكُـمْ عَنْـهُ فَانْتَهُـوا وَاتَّقُـوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَـدِيدُ الْعِقَـابِ» (حشـر:۷)

بنابرایـن معلـوم می‌شـود کـه اسـلام بـا قبـول حـدی از نابرابـری در اجتمـاع، بـه دنبـال توزیـع درآمـد عادلانـه بـا معیارهـای کار و نیـاز (احتیـاج) اسـت.(اقتصادنا: ۳۳۷)

بـر اسـاس معیـار کار، درآمـد هـر فـرد متناسـب بـا سـهمش در تولیـد اسـت، ایـن معیـار جامـع همـه افـراد اجتمـاع نمی‌توانـد باشـد بطـور مثـال ناتوانـان جسـمی و روحـی، فقیـران بـی کار، از کارافتـادگان و... لـذا معیـار نیـاز هـم بـدان اضافـه می‌شـود تـا همـه افـراد جامعـه بتواننـد از تولیـدات جامعـه سـهم بـری داشـته باشـند.

امـا می‌تـوان علـت دیگـری بـرای کاهـش فاصله‌هـای طبقاتـی نیـز متصـور شـد؛ تمرکـز ثـروت و درآمـد در گروهـی خـاص در جامعـه موجـب ایجـاد تضـاد و عقـده در میـان مسـلمانان می‌شـود و ایـن بـا روحیـه برابـری و بـرادری کـه اسـلام بدنبـال ایجـاد آن اسـت، سـازگاری نـدارد: » كَـيْ لَا يَكُـونَ دُولَـةً بَيْـنَ الْأَغْنِيَـاءِ مِنْكُـمْ» (حشـر: ۷)

زکات، خمـس، کفـارات مالـی، وقـف، وصیـت، بخشـش و ماننـد اینهـا، همـه مصادیـق انفـاق (واجـب یـا مسـتحب) هسـتند، و غـرض دیـن از ایـن امـور ایـن بـوده کـه اولاً، انسـانها بـا انفـاق

داده‌ایـم تـا بعضـی از مـردم (بـه ثـروت) بعضـی دیگـر را مسـخر خدمـت کننـد و (بهشـت، دار) رحمـت خـدا از آنچـه (از مـال دنیـا) جمـع می‌کننـد بسـی بهتـر اسـت.

خود را بسازند و به سمت خداگونه شدن حرکت کنند، و از طرف دیگر، طبقاتی که نمی توانند بدون کمک مالی از ناحیه دیگران، حوایج زندگی خود را برآورند، مورد حمایت قرار بدهد تا سطح زندگی خود را بالا ببرند.(صادقی، عزتی و شفیعی، ۱۳۹۰: ۶۲)
می‌توان انفاقات را شامل کلیه پرداختهای واجب و مستحبی، خدمات و ... که فرد نسبت به افراد و جامعه انجام می دهد، در نظر گرفت که بعضی از پرداخت‌ها و خدمات، ثبت و محاسبه می شود، اما بعضی دیگر، بدون ثبت و به صورت پنهانی و آشکار صورت می گیرد. در ایران نهادی که برای جمع‌آوری و ثبت انفاقات از مردم فعالیت می کند و بخش بزرگی از نیازمندان را پوشش می‌دهد کمیته امداد امام خمینی (ره) می‌باشد.
برای حل مشکل فقر، یا حل هر مساله ای لازم است به خوبی شناخت نسبت به آن مسئله کسب کنیم. فرضیه ما بر این است که صدقات و انفاق‌های اهدایی به کمیته امداد برطرف کننده فقر نمی‌باشد، در تحقیق پیش رو ابتدا به بیان متغیرهای تاثیر گذار بر فقر در جامعه پرداخته و سپس به عوامل و نهادهای تاثیرگذار بر انفاق در جامعه می پردازیم و در پایان بررسی موردی شهر قم در سال ۱۳۹۵ را انجام می دهیم.

۱- پیشینه تحقیق

راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۶) در مقاله »فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸ ـ ۱۳۸۳« با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها به اندازه گیری فقر در مناطق شهری و روستایی در این دوره پرداخته اند. خط فقر را با رویکرد حداقل نیازهای اساسی (۲۰۰۰ کیلو کالری) و برای محاسبه حداقل نیازهای غیر غذایی از روش اورشانسکی (معکوس ضریب انگل) محاسبه کرده اند؛ سپس شاخص‌های گروه فوستر، گریر و توربک برای مقادیر α =۰,۱,۲ برای هر یک از سال‌های مورد بررسی به تفکیک شهر و روستا برآورد زده شده و به این یافته‌ها رسیده است : میزان شاخص‌های فقر در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری

بـوده واین‌کـه رونـد کلـی شـاخص‌ها در فقـر شـهری و روسـتایی نزولـی بـوده اسـت ؛ یعنـی درصـد جمعیـت زیرخـط فقـر، شـکاف فقـر و شـدت فقـر در سـال‌های بررسـی کاهـش یافتـه اسـت .

سـبحانی و مهربانـی (۱۳۸۶) در مقالـه «بررسـی تاثیـر انفـاق بـر نابرابـری درآمدهـا در ایـران» بـا اسـتفاده از تحلیل‌هـای وصفـی و ریاضـی از روش اسـتدلال قیاسـی اسـتفاده کـرده وکوشـیدند بـا فرضیـه انفـاق، نابرابـری درآمدهـا را در ایـران کاهـش داده، بـر عامـل انفـاق را کـه از متغیرهـای موثـر بـر نابرابـری درآمدهاسـت تمرکـز کـرده انـد. نتیجـه حاصـل بـر اسـاس داده‌هـای دوره‌ای ۸۵-۱۳۶۳ در ایـران نشـان می‌دهـد کـه انفـاق عامـل کاهنـده نابرابـری درآمدهـا بـوده و ایـن اثـر معنـا دار و در عیـن حـال کوچـک اسـت.

کیاءالحسـینی (۱۳۸۷) در مقالـه «نقـش زکات فطـره در فقرزدایـی، مطالعـه مـوردی: ایـران ۱۳۷۰ ۱۳۸۵» کـه بـه دو روش آمـاری و کتابخانـه‌ای مبتنـی اسـت، بـه مسـاله فقـر پرداختـه اسـت . وی کوشـیده اسـت همـراه بحث‌هـای فقهـی بـا توجـه بـه اطلاعـات موجـود، ارزش ریالـی زکات فطـره را در سـطح خانوارهـای شـهری و روسـتایی در هـر دهـک درآمـدی (هزینـه ای) و همچنیـن در سـطح ملـی را بـرای دوره زمانـی ۱۳۸۵-۱۳۷۰ بـرآورد کنـد. در مقالـه بـا توجـه بـه آمـار دهک‌هایـی کـه زیـر خـط فقـر قـرار دارنـد ارزش زکات فطـره کشـور بـرای دو جامعـه روسـتایی و شـهری کشـور در سـطح خانـوار و ملـی محاسـبه و بـا در نظـر گرفتـن نتیجه‌هـای مربـوط بـه شـکاف فقـر، بیـن ارزش زکات فطـره بـا شـکاف فقـر در سـطح کشـور مقایسـه شـده اسـت . نتیجـه گویـای آن اسـت کـه در فاصلـه زمانـی پیـش گفتـه ارزش زکات بالقـوه بـرای فقرزدایـی کافـی نبـوده و بایـد از ابزارهـای دیگـری ماننـد زکات مـال ، خمـس و دیگـر پرداخت‌هـا یـاری جسـت .

زیبایـی و شـیروانیان (۱۳۸۸) بـه روش اقتصـاد سـنجی در مقالـه «بررسـی اثـرات متغیرهـای اقتصـاد کلان بـر نـرخ فقـر شـهری و روسـتایی در ایـران »، هـم بسـتگی میـان نـرخ فقـر و متغیرهـای اقتصـاد کلان و وقـوع اثـرات نامتقـارن را بـا اسـتفاده از تابـع فقـر بـه فـرم تفاضلـی مرتبـه اول بررسـی

کرده‌اند. داده‌های سری زمانی متغیرهای اقتصاد کلان و نرخ فقر مربوط به دوره ۱۳۵۷ ـ ۱۳۸۳ است . نتیجه‌ها بیانگر رابطه ای به‌طور کامل بی کشش بین فقر و تغییرات دستمزد است؛ اما فقر با نرخ تورم و بیکاری رابطه ای مستقیم و معنادار دارد. نتیجه‌ها همچنین نشان داد که کشش پذیری فقر نسبت به نرخ بی‌کاری بیش از کشش پذیری این متغیر نسبت به نرخ تورم است . این نتیجه نیز به‌دست آمد که رابطه میان فقر و بیکاری نامتقارن نیست ؛ اما رابطه میان فقر و نرخ تورم نامتقارن است ، به این صورت که کاهش فقر به هنگام پایین بودن نرخ تورم ، بیش از افزایش آن در هنگام بالابودن نرخ تورم است.

خداد کاشی و شهیکی تاش (۱۳۸۹) در مقاله «تاثیر متغیرهای کلان بر فقر در ایران (رویکرد بوت استرپ در تحلیل استنتاج آماری)» به دنبال چگونگی تاثیر گذاری متغیرهای کلان بر فقر در کشور ایران در قالب مدل اقتصاد سنجی بوده است. نتایج این بررسی موید آن است که اولا، رشد اقتصادی تاثیر معنی داری بر شدت فقر در ایران داشته؛ و ثانیا، ارتباط بین رشد اقتصادی و شاخص فقر آمارتیاسن منفی بوده است، یعنی جریان رشد اقتصادی تاثیرات مثبتی بر کاهش فقر در ایران به همراه داشته است! همچنین یافته‌های این تحقیق بیانگر تاثیر مثبت بی‌کاری و تورم بر افزایش فقر در ایران بوده است.

صادقی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «تخمین تابع انفاق در ایران »، درصدد هستند تا به بررسی عوامل مؤثر بر انفاق و رفتار تابع انفاق با توجه به آموزه‌های اسلامی بپردازند. سوال اصلی پژوهش این است که تابع انفاق در جامعه اسلامی و در ایران چه شکلی دارد؟ در این بررسی تابع انفاق در ایران به صورت تجربی برآورد شده است . با توجه به مطالعات نظری و تجربی انجام شده در زمینه هزینه‌های مذهبی و مالیات‌های اسلامی و همچنین درنظر گرفتن قواعد اسلامی و محدودیتهای آماری، متغیرهای درآمد، ثروت، سن سرپرست خانوار و سرمایه مذهبی به عنوان متغیرهای توضیحی انتخاب شده اند. تابع مورد نظر به روش داده‌های تابلویی اقتصاد سنجی برآورد شده است. داده‌های مورد استفاده،

داده‌های کلان و متوسط گیری برای خانوار برای استانهای کشور در سالهای ۱۳۸۶-۱۳۷۹ می‌باشند. نتیجه‌های مدل نشان می دهد که تابع انفاق به صورت تابعی نمایی بوده و تابعی فزاینده از درآمد سرانه استانی ، ثروت و سرمایه مذهبی است.

عزتی و محمودیان (۱۳۹۳) در مقاله »برآورد اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران» برای انفاق از شمار موقوفه‌ها و مجموع پرداختی‌ها به کمیته امداد خمینی ره و برای خط فقر از رویکرد نیازهای اساسی و برآورد هزینه سبد ۲۰۸۰ کیلو کالری به ازای هر نفر در روز و از متوسط قیمت آن در بین استانها استفاده کرده است. سوال اصلی مقاله این است که آیا انفاق به دو شکل وقف و صدقه فقر را کاهش می‌دهد؟ در این بررسی، داده‌های استانی دوره زمانی ۹۰-۱۳۷۹ به کار گرفته شده است. تجزیه و تحلیل با روش اقتصاد سنجی پانل دیتا انجام شده است. یافته‌ها گویای این است که انفاق در چارچوب کمیته امداد بر کاهش فقر اثر دارد؛ اما افزایش موقوفه‌ها بر کاهش فقر اثر معنا دار نداشته است. یافته دیگر پژوهش رابطه مثبت و معنا دار کاهش بی‌کاری و کاهش تورم با کاهش فقر در کشور است.

سیفی و خارستانی (۱۳۹۳) در مقاله « فلسفه انفاق در اسلام » اهمیت انفاق، آداب انفاق، اهداف و اصول انفاق در اسلام را به روش توصیفی تحلیلی مورد بررسی و تحلیل قرارداده اند و در ادامه پیامدهای ترک انفاق و آثار اخلاقی، دینی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انفاق در اسلام بررسی کرده‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که انفاق یکی از اصول مهم و از سیاست‌های لازم و بسیار مفید اقتصادی است که علاوه بر کمک به رشد و تعالی معنوی انسان، نقش مهمی در جلوگیری از پدیده انباشت سرمایه و به وجود آمدن قشر تنگدست دارد و موجب پر شدن شکاف‌های اجتماعی ناشی از فقر می‌شود و به عنوان یک مکانیزم فعال تعدیل ثروت از تقسیم شدن افراد جامعه به دو قشر فقیر و سرمایه دار جلوگیری می کند.

وجه تمایز پژوهش پیش‌رو بررسی ظرفیت‌های کمیته امداد امام خمینی در قم جهت

بررسی موضوع بوده است و اینکه آیا این نهاد توانسته یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی و جامعه یعنی فقر را کم کند؟

۲- مفهوم فقر

در ادبیات دینی می‌توان فقر را در دو دسته عمده قرار داد:

فقر ذاتی: بر اساس تعالیم انبیا الهی انسان از جهت مخلوق بودن همواره نیازمند به ذات حق تبارک و تعالی می‌باشد که قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ »[1] (فاطر: ۱۵)

فقر اقتصادی: که موضوع بحث می‌باشد، منظور نیازمندی انسان، یا بی نصیب ماندن از چیزهایی که برای تأمین زندگی او و کسانی که تحت تکفل او هستند کفایت کند. به عبارتی دقیقتر فقر عبارت‌است از: نداشتن چیزهای که آدمی در زندگی به آن‌ها نیازمند است، و ناقص یا اندک بودن امکاناتی که شکوفایی قابلیت آدمی و ظهور استعدادهای او به آن‌ها بستگی دارد. تعبیرهای حدیثی درباره فقر هم اغلب چنین مطلبی را گوشزد مینمایند. (عسکری و غفور زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶) قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»[2] (التوبه: ۶۰)

شیوه دیگر طبقه بندی فقر نیز به قرار زیر می باشد:

---

۱. ای مردم شما همگی نیازمند خدایید؛ تنها خداوند است که بی نیاز و شایسته ی هر گونه ستایش است. این نوع فقر را در وجود همه انسانها بلکه در تمام موجودات و مخلوقات می‌باشد.

۲. صدقات برای فقیران است و مسکینان و کارگزاران جمع آوری آن و نیز برای به‌دست آوردن دل مخالفان و آزاد کردن بندگان و قرض داران و انفاق در راه خدا و مسافران نیازمند و آن فریضه ای است از جانب خدا. و خدا دانا و حکیم است.

فقـر مطلـق: کـه بـر پایـه سـطح معینـی از مصـرف کالا یـا مـواد مـورد نیـاز بـدن یـا پـول اندازه‌گیـری می‌شـود و علـی الظاهـر مـراد از فقـر در دیـن همیـن فقـر مطلـق می‌باشـد.

فقـر نسـبی: کـه بـر اسـاس معیارهـای ذهنـی افـراد در جامعـه می‌باشـد و فـرد در مقایسـه خـود بـا افـراد یـا طبقـات دیگـر جامعـه، احسـاس فقـر و نیـاز می‌کنـد.

در تحلیـل پدیـده فقـر یکـی از سـوالات محـوری آن اسـت کـه چگونـه می‌تـوان افـراد فقیـر را از غیـر فقیـر بـاز شـناخت؟ بـرای ایـن منظـور بایسـتی فقـر را تعریـف نمـود. بـا مـروری بـر ادبیـات فقـر مشـاهده می‌شـود کـه تعاریـف متفاوتـی از فقـر وجـود دارد کـه هـر یـک از تعاریـف منجـر بـه معیارهـای مختلفـی بـرای عملیاتـی نمـودن و سـنجش فقـر گردیـده اسـت. بـرای تعییـن افـراد فقیـر از غیـر فقیـر و سـنجش شـدت فقـر ابتـدا بایـد یـک آسـتانه امکانـات خانـوار را تعریـف کـرد. ایـن آسـتانه امکانـات همـان خـط فقـر اسـت. خـط فقـر بـه معنـای میـزان منابعـی از درآمـد و ثروت اسـت کـه یـک خانـوار بـرای رسـیدن بـه یـک سـطح معیـن از رفـاه نیـاز دارد. خانوارهایـی کـه منابـع کافـی بـرای سـطح معیـن از رفـاه را نداشـته باشـند فقیـر تلقـی خواهنـد شـد. بنابرایـن بـرای ارزیابـی شـدت و حجـم فقـر در ایـران گام اول تعییـن خـط فقـر اسـت.(خدادادکاشـی و شـهیکی تـاش، ۱۳۸۹: ۷۴)

۱-۲- روش‌های محاسبه خط فقر در ایران

بـه دلیـل ماهیـت پیچیـده و چنـد بعـدی فقـر، در منابـع موجـود و پژوهش‌هـای انجـام شـده، تعاریـف متعـددی بـرای فقـر بیـان شـده اسـت. امـا همـه بـه نوعـی بـه هنجـاری بـودن مقولـه فقـر تاکیـد دارنـد و معتقدنـد تنهـا بـا تعاریـف از پیـش تعییـن شـده می‌تـوان فقیـر را از غیرفقیـر جـدا کـرد. لـذا بـرای تعییـن خطـی کـه بتـوان فقـررا مشـخص کـرد نیازمنـد شـاخصی بـرای اندازه‌گیـری هسـتیم. در ادامـه بـا روش‌هـای مختلـف اندازه‌گیـری فقـر و مـوارد اسـتفاده آن آشـنا خواهیـم شـد.

۱-۲-۱- روش اندازه گیری خط فقر براساس نیاز کالری (روش ارشانسکی)

این روش بر پایه مفهوم فقر مطلق و حداقل نیازهای اساسی (نیازهای تغذیه ای) استوار است. به این صورت که ابتدا فرض می گردد هر فرد روزانه به مقدار معین کالری نیاز دارد (براساس نظر متخصصان تغذیه) ،سپس خانوارهای مورد مطالعه براساس سطح درآمد در ده گروه هزینه ای طبقهبندی میگردند. پس از برآورد ارزشهای غذایی دریافتی هر دهک درآمدی ، اولین دهک که انرژی دریافتی آن، بیش از انرژی استا ندارد (فرضاً ۲۱۷۹ یا ۲۳۰۰ کالری) باشد را در نظرمی گیریم. اختلاف انرژی دریافتی دهک مورد نظر با مقدار استاندارد محاسبه می‌شود. به دنبال آن ، قیمت هر واحد کالری دریافتی از تقسیم مخارج کل دهک بر مقدار انرژی دریافتی دهک به‌دست می آید. حاصل ضرب قیمت هر واحد کالری در مابه التفاوت انرژی دریافتی با مقدار استاندارد برابر مخارج انرژی دریافتی مازاد بر نیاز می باشد. تفاضل این مخارج از هزینه کل دهک برابر خط فقر خواهد بود.

۱-۲-۲- روش اندازه گیری خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج خانوارها

در این روش که بر پایه مفهوم فقر نسبی استوار است، ابتدا میانگین مخارج محاسبه می‌شود، سپس در مرحله بعد، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین مخارج (البته تعیین این درصد به صورت اختیاری و تجربی است) به عنوان خط فقردر نظر گرفته می شود.

۱-۲-۳- تعیین خط فقر براساس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارها

از دیگر روشهای تعیین خط فقر که برپایه مفهوم فقر نسبی استوار است این روش می باشد و همانند روش پیشین معیار خاصی برای محاسبه درصدی از میانه مخارج به عنوان خط فقر وجود ندارد . در این روش، ابتدا مخارج خانوارها در ده دهک درآمدی (هزینه‌ای)

مرتب می شود. سپس از مخارج دهکهای پنجم و ششم میانگین گیری شده و این میانگین به عنوان میانه مخارج خانوارها در نظر گرفته می شود. سپس، یک بار ۵۰ درصد و بار دیگر ۶۶ درصد میانه مخارج محاسبه می شود.

۱-۲-۴- تعیین خط فقر بر پایه معکوس ضریب انگل

این روش بر پایه مفهوم نسبی فقر استوار است . در حقیقت ارنست انگل از شاخص نسبت مخارج خوراکی به درآمد خانوارها جهت ارزیابی رابطه مخارج خوراکی خانوارها و درآمد آن‌ها استفاده نمود که بعدها به عنوان معیاری برای محاسبه خط فقرمورد استفاده قرار گرفت . در این روش ، ابتدا ضریب انگل براساس مدلهای اقتصادسنجی برآورد میگردد، سپس مخارج خوراکی خانوار در معکوس ضریب انگل ضرب می شود، حاصل این محاسبه معادل با خط فقر برآوردی خواهد بود.

۱-۲-۵- تعیین خط فقر برپایه معکوس ضریب انگل فقرا

محاسبه خط فقر براساس معکوس ضریب انگل خط فقر را بیش از اندازه تعیین می نماید، زیرا کلیه گروه‌های درآمدی را در محاسبه ضریب انگل لحاظ می کند. برای رفع این مشکل درمحاسبه ضریب انگل پیشنهاد می شود که از مخارج گروه‌های فقیر استفاده شود. اما به کاربردن این پیشنهاد مستلزم تعیین فقرا از قبل می باشد و در واقع باید به ترتیبی فقیرها را شناسایی کنیم ، در صورتی که هدف تعیین خط فقر و سپس شناسایی فقیرها می باشد. برای رفع این مشکل، مخارج دهک اول درآمدی را به عنوان شاخصی از مخارج فقیرها در نظر میگیریم. کاربرد روش اخیر موجب تخمین پائینی از خط فقر نسبی برحسب معیار معکوس ضریب انگل می باشد.(ارضروم چیلر، ۱۳۸۴، صص ۱۶-۱۴)

۴- متغیرهای اثرگذار بر فقر

برای آگاهی و شناخت بهتر فقر لازم است عوامل و چگونگی تاثیر آن‌ها بر فقر نیز بیان گردد، از مهمترین متغیرهایی که بر فقر اثر دارند و در ادامه به بررسی آن پرداخته می‌شود را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱-۳-تورم

تورم به عنوان یک مالیات منفی تأثیر معنی داری بر فقر دارد.تورم به‌طور نسبی وضعیت فقرا را نسبت به ثروتمندان بدتر می‌کند. این به آن معنا است که مالیات تورمی اساسا ناعادلانه است. مسئله ای که وجود دارد آن است که در مالیات مکانیزم دریافت تا حدودی برای مردم معلوم است ولی در شرایط تورم، قدرت خرید مردم کاهش می یابد بدون آنکه مستقیما آن را درک کنند. برخی معتقدند که در یک اقتصاد تورمی ثروتمندان در مقایسه با فقرا بهتر می‌توانند ارزش دارایی‌های خود را محافظت کنند و تورم منافعی را هم برای آنان به همراه می‌آورد و این وضعیت فقرا است که تضعیف می‌گردد. طبق این نگرش، ثروتمندان جامعه با بکارگیری ابزارهای مالی، خود را در مقابل ریسک ناشی از افزایش قیمت‌ها محافظت نموده و به گونه ای پوشش ریسک می نمایند. در حالی که سبد(پرتفوی) دارایی فقرا در زندگیشان به گونه ای نمی‌باشد که بتوانند در قبال افزایش قیمت‌ها پوشش ریسک نمایند.

در شرایط افزایش سطح قیمت‌ها بدون شک افرادی که در گذشته زیر خط فقر بوده اند، وضعیت شان بدتر می‌شود و دارایی و درآمد حقیقی آن‌ها کاهش می یابد و افرادی که کارمند هستند و اصطلاحا حقوق ثابت دارند به دلیل کاهش قدرت خرید، متضرر می‌شوند. در کشورهایی مانند ایران که دولت نقش مهمی در اقتصاد دارد و تغییر عمده در حجم نقدینگی توسط دولت صورت می پذیرد، تورم نوعی پس انداز اجباری تلقی

می‌شود که به تملک دولت در می‌آید، در اصطلاح به این پس انداز «مالیات تورمی» اطلاق می‌شود.

می‌توان ادعا کرد که تورم یک خاصیت «خودکنترلی» دارد. این ویژگی زمانی رخ می‌دهد که اجازه بروز فقر گسترده و عمیق در اقتصاد داده می‌شود و از طرفی هیچ سیاستی از سوی دولت هم اعمال نمی‌گردد. به این ترتیب که فشار تقاضا از سوی قشر فقیر جامعه (که میل نهایی به مصرف بالایی دارند) کاهش یافته و گروه ثروتمند جامعه نیز از طریق اشباع تقاضای معرفی خویش و کاهش شدید میل نهایی به مصرف به دلیل عدم وجود انگیزه برای سرمایه‌گذاری، به انباشت سرمایه روی می‌آورند و در نهایت تقاضای کل جامعه کاهش یافته و منجر به کاهش تورم خواهد شد. البته این امر به افزایش بیشتر فاصله طبقاتی و شکاف توزیع درآمدی منجر می‌شود.

از طرفی هم در کشورهایی که منحنی فیلیپس دارای شکل استاندارد است می‌توان انتظار داشت که تورم منجر به کاهش بیکاری گردد. با توجه بهاین‌که بیکاری یکی از مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر توزیع درآمد است، بالا رفتن نرخ تورم می‌تواند با واسطه کاهش نرخ بیکاری به بهبود وضعیت توزیع درآمد و کاهش فقر کمک کند.

۲-۳- بیکاری

کار به عنوان مهم‌ترین منبع در دسترس گروه‌ها و خانوارهای فقیر نقش قابل توجهی در تامین درآمدهای مورد نیاز را دارد. بی‌کاری وضعیتی است که در آن با کمبود تقاضا برای نیروی کار روبرو می‌شویم، در این وضعیت فرصت‌های شغلی موجود در بازار با تامین کننده نیاز عرضه کنندگان در بازار نمی‌باشد و در نهایت تعداد کثیری از افراد جامعه بدون دسترسی به یک شغل مجبور به زندگی در وضعیت نامناسب می‌باشند و لذا تقاضای افراد و خانوارهای فاقد شغل، برای کالاها و خدمات کاهش می یابد و این محدود شدن طرف

تقاضا موجب تشدید رکود و گسترش بی‌کاری و در نهایت افزایش شدت و حجم فقر در جامعه می‌گردد. به عبارت دیگر هر چه میزان مشارکت نیروی کار فعال، در فعالیت‌های اقتصادی کمتر باشد، میزان شدت فقر در جامعه افزایش خواهد یافت و بالعکس با افزایش تقاضا برای کار و کاهش بی‌کاری (که موجب افزایش درآمدها می‌شود) وضعیت زندگی مردم بهتر و از میزان فقر در جامعه کاسته می‌گردد.

۳-۳-رشد اقتصادی

رشد اقتصادی بالا، فرصت‌های بیشتری را برای افزایش درآمدهای جامعه، از طریق گسترش بازارها، فرصت‌ها و محرک‌های لازم برای افزایش درآمد همه گروه‌های کم درآمد جامعه، می‌تواند ایجاد نماید. در این وضعیت تولید کنندگان در پاسخ به فرصت‌های جدید ایجاد شده در بازارها، نیروی کار بیشتری را تقاضا می نمایند که این مسئله از طریق جذب نیروی کار مازاد و حتی افزایش دستمزدها می‌تواند نقش قابل توجهی در کاهش فقر جامعه محسوب گردد.

برای سیاستگذاران اقتصادی همواره این مسئله اهمیت دارد که آیا برای تسریع در رشد اقتصادی باید سطحی از نابرابری درآمد و فقر را پذیرفت و آیا برای بهبود در توزیع درآمد و فقر باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ (رجوع شود به قضیه گوزنتس) شاید بتوان مدعی شد که از بین بردن فقر و کاهش نابرابری درآمد، هنگامی که با رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، دشوارترین وظیفه سیاستگذاران اقتصادی است.

اثرات رشد و توسعه اقتصادی بر فقر، تا حد زیادی بستگی به الگوی رشد دارد.لذا تعیین اثر رشد اقتصادی بر فقر مشخص نیست.

۴-۳-توزیع درآمد

تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی از دیگر عوامل گسترش حجم فقر در جامعه می‌باشد. در این شرایط رابطه محسوسی میان تلاش افراد برای کسب درآمد و رفاه بیشتر وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر بازدهی تلاش افراد دیگر وابسته به آموزش و یادگیری (سرمایه‌های انسانی) یا سرمایه‌های فیزیکی و مالی وی نمی‌باشد چرا که در اثر وجود این وضعیت، گروهی از افراد جامعه می‌توانند با دسترسی به موقعیت‌های مناسب و بهره مندی از امتیازات انحصاری بخش اعظمی از منابع جامعه را به خود اختصاص دهند (اختلاس‌های هزار میلیاردی) و در نتیجه سهم کمی برای گروه وسیعی از مردم بر جای گذارند. در این شرایط به رغم وجود منابع وسیع، توده گسترده ای از مردم به دلیل فقدان دسترسی به فرصت‌های آن‌ها در فقر به سر خواهند برد.

باید گفت وجود نابرابری‌های اجتماعی و توزیع نامناسب درآمدها و ثروت در جامعه می‌تواند به عنوان مانعی برای دسترسی به سرمایه‌های مالی و انسانی یا فرصت‌های لازم برای گریز از تعادل فقر در جامعه باشد.

۵-۳-مخارج حمایتی دولت

هزینه‌های دولت می‌تواند منجر به کاهش فقر و نابرابری گردد. از لحاظ خردی، اثر هزینه‌های دولتی بر فقر بستگی به توزیع این مخارج بین بخش‌ها، مناطق و گروه‌های درآمدی خواهد داشت. مخارج سرمایه ای می‌توانند با افزایش بهداشت و آموزش و پرورش از حلقه بهره وری نیروی کار بر وضعیت فقر آثار مساعدی داشته باشد. یعنی هزینه‌های دولت از طریق افزایش ظرفیت درآمدی اشخاص و خانوارها می‌تواند به تقلیل نابرابری و فقر کمک نمایند.(خداداد کاشی و شهیکی تاش، ۱۳۸۹: ۸۲-۷۷)

۶-۳-حمایت‌های مردمی

جامعه اسلامی به منزله تن واحد و دارای اعضای مختلف است و اعضای آن هر چند اسامی و اشکال مختلف دارند، اما در مجموع، یک تن را تشکیل میدهند؛ « بنی آدم اعضای یکدیگرند، که در آفرینش ز یک گوهرند؛ چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار» پس یک فرد از جامعه که عضوی از یک مجموعه است ، اگر دچار فقر و احتیاج شد، وظیفه توانمندان جامعه است که با انفاق خود وضع او را اصلاح کنند. رسیدگی به محرومان، خیرین مدرسه ساز و بیمارستان‌هایی که توسط خیرین ساخته شده و ... از همین باب می‌باشد. دین اسلام بر انفاق بسیار تاکید دارد، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می فرمایند:» کلکمْ راعٍ، وَ کلکمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِیتِهِ»[1] (بحارالانوار، ج۷۲:۳۸)

در قرآن مجید آیات مربوط به »احسان وانفاق»، »قرض الحسنه»، »تعاون» و »صدقه» بسیار دیده می‌شود: » لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبُّونَ وَما تُنْفِقُوا مِنْ شَیْءٍ فَإِنَّ اللّهَ بِهِ عَلِیمٌ»[2] (آل عمران: ۹۲)

»أَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِینَةُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَالْبَاقِیَاتُ الصَّالِحَاتُ خَیْرٌ عِندَ رَبِّکَ ثَوَاباً وَخَیْرٌ أَمَلاً»[3] (کهف: ۴۶)

۴- انفاق

انفاق عبارت است از خرج کردن و بخشیدن مال در راه خدا برای کسانی که به آن نیاز دارند انفاق از ماده نفق؛ به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است.

انفاق در قرآن معنایی تمام دارد و هر گونه زکات، صدقه واجب و مستحب و حتی

۱. به راستی که همه شما حافظ و سرپرستید و همه شما جوابگوی مردم زیردست خود هستید.
۲. شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید، مگرآن که از آنچه دوست میدارید وبسیار محبوب است در راه خدا انفاق کنید.
۳. مال و فرزندان زینت حیات دنیاست و (لیکن) اعمال صالح که تا قیامت باقی است (مانند نماز وتهجد وذکر خدا و صدقات جاری چون بنای مسجد و مدرسته وموقوفات و خیرات در راه خدا) نزد پروردگار بسی بهتر(عاقبت) آن نیکوتراست.

کمک‌های غیرنقدی و بلکه غیرمادی را هم شامل می‌شود.(خارستانی و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۳۷) قرآن با تعابیرمتعدد مؤمنان را به انفاق کردن در راه خدا فرمان داده است: « یاَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا اَنفِقوا مِمّا رَزَقنکُم مِن قَبلِ اَن یَأتِی یَومٌ لابَیعٌ فیهِ ولاخُلَّةٌ ولاشَفعَةٌ والکفِرونَ هُمُ الظّلِمون»[1] (بقره: ۲۵۴)

در جایی دیگر خداوند متعال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم توصیه می فرمایند که این فرمان را برای بندگان ابلاغ نمایند: « قُلْ لِعِبَادِیَ الَّذِینَ آمَنُوا یُقِیمُوا الصَّلَاةَ وَیُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِیَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ یَأْتِیَ یَوْمٌ لَا بَیْعٌ فِیهِ وَلَا خِلَالٌ»[2] (ابراهیم:۳۱)

۱-۴- عوامل موثر بر انفاق

۱-۴-۱- درآمد

یکی از عوامل مؤثر و مهم اثرگذار بر انفاق، درآمد است. طبق احکام اسلامی مالیاتهای شرعی به صورت کلی تابعی فزاینده از درآمدها هستند. برخی از مالیاتها نیز مشروط به رسیدن درآمد به یک حد نصاب می باشد این گونه مالیاتها می‌تواند موجب شود تابع انفاق کاهنده نباشد و حتی در بسیاری از موارد با افزایش درآمد، فزاینده نیز باشد و از طرف دیگر، انفاق از نوع استفاده شخصی نیست و منافع آن به دیگران میرسد و اشباع شدنی نیست و نمی توان برای آن محدودیت سقف قایل شد. بنابراین، می‌توان این ادعا را از لحاظ نظری مطرح کرد که انفاق نسبت به افزایش درآمد فزاینده است.

---

۱. مؤمنان باید از آنچه خداوند به آنان ارزانی داشته در راه او انفاق کنند تا در قیامت که اسباب دنیوی کارساز نیست از انفاق خود بهره‌مند شوند.

۲. به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو تا نماز بگزارند و از آنچه روزیشان داده‌ایم نهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه خرید و فروختی باشد و نه هیچ دوستیی به کار آید.

۱-۴-۲- ثروت

یکی دیگر از عوامل مؤثر بر انفاق ثروت است و انتظار میرود با افزایش ثروت، انفاق نیز افزایش یابد.

۱-۴-۳- سن سرپرست خانوار

از دیگر عوامل، سن افراد سرپرست خانوار است؛ به دلیل اینکه در آموزه‌های دینی به پاداش اخروی و الهی اعمال توجه زیادی شده است و به نظر میرسد هر چه سن افراد بالاتر باشد، به آخرت و مرگ و کسب پاداش اخروی توجه بیشتری دارند و درنتیجه، انفاق بیشتری انجام می دهند.(صادقی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۲-۷۱)

عمده کارهایی که از جانب اقتصاددانان مسلمان درباره تحلیل اقتصادی پرداخت‌های مذهبی انجام شده، مرتبط به تحلیلهای نظری است و کمتر کار تجربی دراین باره انجام شده است. به نظر می رسد در ایران و سایر کشورهای اسلامی به جز یک مورد تا به حال کاری در زمینه تخمین تابع انفاق در سطح کلان صورت نگرفته است.

بعد از انجام آزمونهای اقتصاد سنجی برروی داده ها و مدل‌های برازش شده،مدل داده‌های ترکیبی با اثرهای تصادفی، بهترین روش برازش تشخیص داده شد.

می توان گفت تابع انفاق تابع نمایی (تابعی همواره صعودی با شیب فزاینده) و برازش انجام شده تأیید کننده این مطلب است و نشان می دهد که شکل اصلی تابع انفاق به صورت نمایی می باشد و شیب فزاینده تابع آن را با توابع متعارف مخارج که به صورت عمومی کاهنده هستند، تفاوت دارد. این ویژگی، یک ویژگی خاص برای مخارج مذهبی است که به نوعی اشباع ناپذیری را نیز نشان میدهد؛ چون از نظر مؤمنان، هزینه‌های مذهبی نتایج آخرتی و تأمین زندگی پس از مرگ را به دنبال دارد و در آن جهان، ارتقای جایگاه حد و مرز ندارد که این نتایج با آموزه‌های مذهبی نیز به‌طور کامل سازگار و تأیید

کننده دانش و اعتقادات مذهبی قوی نزد ایرانیان است. این نکته، یکی از ویژگیهای خاص هزینه‌های مذهبی است که در این مطالعه تأیید می شود. نتایج برآورد نشان می دهد به ازای یک واحد پولی افزایش درآمد سرانه، به میزان بیش از یک واحد پولی به انفاق افزوده می شود. کشش درآمدی انفاق مثبت و مؤید عادی بودن آن می باشد و این کشش از سال ۱۳۸۵ برای اکثر استانها بزرگتر از یک است، پس انفاق حکم یک کالای لوکس را دارد. این کشش در سالهای قبل‌تر از آن، برای اکثر استان‌ها بین صفر و یک می‌باشد، پس در سالهای قبلتر با انفاق به صورت یک کالای ضروری برخورد می‌شد. (همان: ۸۰)

ملاحظه می‌شود که دیدگاه مردم نسبت به انفاق از سال ۱۳۸۵ تغییر کرده و دیدشان نسبت به انفاق از یک کالای ضروری به کالای لوکس عوض شده است. این در حالی است که از آثار انفاق فزونی روزی و اموال در آیات قرآن ذکر شده است: « قُلْ إِنَّ رَبِّی یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَهُوَ خَیْرُ الرَّازِقِینَ» [۱](سبا: ۳۹)

۵- وضعیت فقر و انفاق شهر قم

به صورت ساده می توان انفاقات را شامل کلیه پرداخت‌های واجب و مستحبی، خدمات و ... که فرد نسبت به افراد و جامعه انجام می دهد، در نظر گرفت که بعضی از پرداخت‌ها و خدمات، ثبت و محاسبه می شود، اما بعضی دیگر، بدون ثبت و به صورت پنهانی و آشکار صورت می گیرد. در این تحقیق، کمکهای مردمی و صدقات که توسط کمیته امام خمینی(ره) در سال ۱۳۹۵ جمع آوری گردیده، محاسبه شده است. برای سادگی و پرهیز از اعداد و ارقام تعداد خانوارها و افرادی را که کمیته امداد امام خمینی (ره) در سال ۱۳۹۵ پوشش داده را ذکر می کنیم و سپس به دنبال خط فقر مطلق و محاسبه تعداد خانوارها و

۱. بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد توسعه می دهد و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می سازد، و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، جای آن را پر می کند و او بهترین روزی دهندگان است .

افـراد زیـر خـط فقـر خواهیـم بـود.

جدول ۱-گزارش خلاصه عملکرد سال ۱۳۹۵در استان قم

تعداد صندوق‌ها	درآمد صدقات	درآمد وجوهات امانی	درآمدهای انتظامی و سایر	جمع کل درآمد
۱۵۲۶۲۵	۱۰۳٤۳۷۱۰۹۳۱۱	۱۸۱۱۰۹٤٦٥۰۸٤	۲۹۰۰۹۷۷۰۵۸۱	۳۱۳۵۵۶۳۴۴۹۷۶

طبـق آمـار اعلامـی از کمیتـه امـداد امـام خمینـی (ره) قـم تعـداد کل خانـوار تحـت حمایـت استان ۲۱۰۶۶ خانـوار شـامل ۳۷۳۹۱ نفـر معـادل ۳/۳ درصـد جمعیـت اسـتان و تعـداد کل خانـواده معیشـت بگیـر در پایـان سـال ۹۵ معـادل ۱۵۵۲۷ خانـوار می‌باشـد:[۱]

جدول۲-گزارش خلاصه عملکرد سال ۱۳۹۵در استان قم

تعداد کل خانوار تحت حمایت	تعداد نفرات
۲۱۰۶۶	۳۷۳۹۱

بـرای محاسـبه خـط فقـر مطلـق لازم اسـت از روش حداقـل نیـاز کالـری (روش ارشانسـکی) کـه قبـلا ذکـر شـد، اسـتفاده گـردد. بـرای بـرآورد خـط فقـر عینـی مطلـق از روش حداقـل کالـری (روش انـرژی غذایـی دریافتـی $\mathcal{FEI}$)اولیـن بـار توسـط جمشـید پژویـان در ایـران مطـرح شـد. در ایـن روش ابتـدا نیازهـای کالـری، پروتئیـن و ..... بوسـیله کارشناسـان تعییـن می‌شـود سـپس مقـدار خوراکـی کـه ایـن مقـدار نیـاز را تأمیـن میکنـد، تعییـن گشـته و پـس از آن مقـدار درآمـد ثابـت جهـت تأمیـن هزینـه حداقـل سـایر نیازهـای اساسـی بـه آن افـزوده می‌شـود . بـرای محاسـبه هزینـه مـوادّ غذایـی معمـولاً حدّاقـلّ کالـری مـورد نیـاز بـرای برخـورداری از سـلامت و حفـظ فیزیکـی در نظـر گرفتـه می‌شـود. البتّـه نیـاز اساسـی غذایـی بـر حسـب سـنّ، جنـس، شـغل، فعّالیـت بدنـی، مسـکن، شـرایط آب و هوایـی و نحـوه گـذران فراغـت متفـاوت اسـت و در خصـوص حدّاقـلّ نیـاز بـه کالـری اتّفـاق نظـر وجـود نـدارد و همچنیـن میـزان انـرژی مـورد نیـاز بـه جامعـه ای کـه فـرد در آن زیسـت میکنـد، وابسـته اسـت.

۱. گزارش خلاصه عملکرد سال ۱۳۹۵در استان قم

با توجه به این‌که نیاز روزانه یک فرد ۲۱۲۹ کالری است، خط فقر عینی مطلق سالیانه بمبلغ ۳۷۶۹۹۳۶۲ریال و ماهیانه ۳۱۴۱۶۱۳ ریال برای سال ۱۳۸۷ برآورد شد.

(سلیمی پور،۱۳۹۴: ۶۹)

بمنظور محاسبه تقریبی این خط فقر برای سال ۱۳۹۵ لازم است طبق نرخ تورم سالانه محاسبه گردد:

جدول ۳- آمار بانک مرکزی

سال	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی	نرخ تورم
۱۳۹۵	۱۰۰,۰	۹,۰
۱۳۹۴	۹۱,۷۱۴	۱۱,۹
۱۳۹۳	۸۱,۹۴۸	۱۵,۶
۱۳۹۲	۷۰,۹۱۶	۳۴,۷
۱۳۹۱	۵۲,۶۳۵	۳۰,۵
۱۳۹۰	۴۰,۳۲۱	۲۱,۵
۱۳۸۹	۳۳,۱۸۸	۱۲,۴
۱۳۸۸	۲۹,۵۲۷	۱۰,۸
۱۳۸۷	۲۶,۶۶	۲۵,۴

با توجه به نرخ تورم سالانه اعلامی از طرف بانک مرکزی، به خط فقر مطلق ۱۷۷۲۹۹۰۵۲ ریال سالانه و ۱۴۷۷۴۹۱۹ ریال ماهانه می رسیم. لازم به ذکر است که این خط فقر از طریق حداقل نیازهای کالری برآورد شده است و ممکن است. که طبق داده‌های مرکز آمار این عدد در ردیف دهک پنجم جامعه قرار دارد که ۳۷۰۵۹ خانوار و ۱۲۴۷۶۶ نفر را شامل می‌شود[۱]، یعنی ۱۰ درصد از جمعیت استان زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند. بدیهی است که کمیته امداد و کمک‌های مردمی به تنهایی پاسخگوی این اختلاف نیست و نیازمند تجدید نظر در نوع پوشش افراد نیازمند می‌باشد.

۱. مرکز آمار ایران.

نتیجه گیری

فقـر پدیـده ای ناپسـند اسـت و همـه افـراد و دولـت در یـک کشـور اسـلامی وظیفـه دارنـد در جهـت کاهـش فقـر حرکـت کننـد؛ البتـه هـیچیـک از اینهـا بـه معنـای برابـری انسـان هـا در دسـتیابی بـه امکانـات نیسـت؛ بلکـه در دیـدگاه اسـلامی وجـود تفـاوت هـای منطقـی و اختیـاری کـه ناشـی از توانایـی هـا و کوشـش فـرد اسـت، مـورد تأییـد مـی باشـد؛ افـراد مـی تواننـد بـا کار و کوشـش و دولـت بـا اعمـال سیاسـت هـای مناسـب و حمایتـی در جهـت کاهـش فقـر در جامعـه گام بردارنـد. فقـر و انـدازه گیـری آن و راه هـای فقرزدایـی در سیاسـت گـذاری اقتصـادی جایـگاه ویـژه ای دارد و ایـن جایـگاه روزبـه روز در کشـورهای گوناگـون بـه ویـژه کشـورهای توسـعه نیافتـه اهمیـت بیشـتری پیـدا کـرده اسـت . یکـی از ابزارهـای پایـه ای اسـلامی بـرای فقرزدایـی و تحقـق عدالـت انفـاق اسـت. انفـاق رشـد و تعالـی بخـش انسـان هـای پرداخـت کننـده و در پـی آن جامعـه اسـت؛ زیـرا انفـاق یـک عمـل اقتصـادی اسـت، مـی توانـد از متغیرهـای اقتصـادی و اجتماعـی اثرپذیـری بسـیاری داشـته باشـد. مسـلمانان و مومنـان قواعـد مذهبـی اسـلامی را مراعـات مـی کننـد. از مهمتریـن متغیرهایـی کـه بـر فقراثـر داشـته اسـت مـی تـوان بـه تـورم، بی کاری، رشـد اقتصـادی، توزیـع درآمـد، مخـارج حمایتـی دولـت و حمایـت هـای مردمـی اشـاره کـرد.

بررسـی هـای تجربـی نشـان مـی دهنـد کـه عوامـل بسـیار گوناگونـی در پدیدآمـدن و برطـرف کـردن یـا افـزایش و کاهـش فقـر اثرگـذار هسـتند. گسـتردگی ایـن عوامـل مـی تواننـد نشـان دهنـده پیچیدگـی پدیـده فقـر باشـند. اسـلام نیـز بـه علـت اهمیـت پدیـده فقـر، رویکـرد ویـژه‌ای بـه آن داشـته و کوشـیده اسـت بـا آمـوزه هـای گسـترده ای کـه در ایـن بـاره داده اسـت، مسـلمانان را برانگیزانـد تـا بـه کـاهش فقـر در جامعـه خـود بپردازنـد. افـزون بـر این‌هـا نهادهایـی از سـوی مسـلمانان در جهـت کـردار برابـر ایـن آمـوزه هـا سـاخته شـده اسـت. از نهادهـای اثرگـذار مهـم فقـرزدا در اسـلام، انفـاق اسـت. در اسـلام اصـل پرداخـت انفـاق بـرای سـاخته شـدن و خداگونه‌شـدن انسـان اسـت؛ امـا همـراه آن فقرزدایـی نیـز می‌شـود. محاسـبه تابـع انفـاق و تعییـن

عوامـل موثـر آن بـرای شـهر قـم و مشـخص کـردن عوامـل موثـر و معنـی دار در رفـع و کاهـش فقـر مطلـق و تعییـن خـط مشـی و یافتـن راه کار هـای مفیـد بـرای اسـتفاده بهینـه از منابـع کمیتـه امـداد امـام خمینـی (ره) مـی توانـد در کاهـش فقـر تاثیرگـذار باشـد.

منابع و مآخذ

۱. ارضروم چیلر، نسرین؛ ابعاد گوناگون فقر در ایران؛ مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی ؛ ۱۳۸۴؛ شماره ۲۷.

۲. خداد کاشی، فرهاد و شهیکی تاش، محمدنبی؛ تأثیر متغیرهای کلان بر فقر در ایران؛ مجله نامه علمی پژوهشی مفید؛ زمستان ۱۳۸۹؛ شماره ۸۱.

۳. راغفر، حسین و ابراهیمی، زهرا؛ فقر در ایران طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۸؛ فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی؛ سال ششم،اردیبهشت ۱۳۸۶، شماره ۲۴.

۴. زیبائی،منصور و شیروانیان، عبدالرسول؛ بررسی اثرات متغیرهای اقتصاد کلان بر نرخ فقر شهری و روستایی در ایران؛ مجله علمی پژوهشی اقتصاد کشاورزی؛ ۱۳۸۸؛ شماره۲.

۵. سبحانی، حسن و مهربانی، وحید؛ بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ پائیز ۱۳۸۶؛ شماره ۲۷.

۶. سلیمی پور، محمد صادق؛ بررسی تفاوت فقر عینی و ذهنی در سال ۷۸۳۱ در شهرقم؛ باقری تودشکی، مجتبی؛ کارشناسی ارشد علوم اقتصادی؛ دانشگاه مفید قم؛ تابستان ۱۳۹۴.

۷. سیفی، فاطمه و خارستانی، اسماعیل؛ فلسفه انفاق در اسلام؛ نشریه راهبرد توسعه؛ تابستان ۱۳۹۶؛ شماره ۵۰.

۸. صادقی، حسین و عزتی، مرتضی و شفیعی، علی؛ تخمین تابع انفاق در ایران؛ فصلنامه پژوهشهای اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)؛ تابستان ۱۳۹۲؛ شماره ۲.

۹. صدر، سید محمد باقر؛ اقتصادنا؛ مکتب الإعلام الإسلامی؛ قم؛ مؤسسهٔ بوستان کتاب قم؛ چاپ دوم، سال ۱۳۸۲.

۱۰. عزتی، مرتضی و محمودیان، مهرداد؛ برآورد اثر انفاق بر کاهش فقر در ایران؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ بهار ۱۳۹۳؛ شماره ۵۳.

۱۱. عسگری، محمد مهدی و غفور زاده، حسین؛ بررسی مفهوم فقر از منظر قرآن و روایات

ائمـه اطهـار، دوفصلنامـه علمـی پژوهشـی مطالعـات قـرآن و حدیـث؛ ۱۳۸۸؛ شـماره ۵.

۱۲. کیاءالحسـینی، سـیدضیاءالدین؛ نقـش زکات فطـره در فقرزدایـی؛ فصلنامـه علمـی پژوهشـی اقتصاد اسـلامی؛ پائیـز ۱۳۸۷؛ شـماره ۳۱.

بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های رابطه تجاری ایران و افغانستان بر اساس الگوی جاذبه در دهه اخیر

زهرا محمدی[۱]

چکیده

یکی از روش‌های توسعه تجارت خارجی هر کشور شناخت دقیق پتانسیل‌های اقتصادی- تجاری شرکای عمده و راه‌های رساندن حجم و ترکیب خارجی اعم از صادرات و واردات به سطح مطلوب آن به گونه‌ای که حداکثر پتانسیل‌های تجاری دو کشور مورد شناسایی قرار گرفته و در راستای انتفاع هر دو طرف از تجارت دوجانبه بخش‌ها و کالای تجاری اولویت دار تعیین گردد. از آنجایی که افغانستان به عنوان یکی از شرکای عمده تجاری ایران محسوب می‌شود، بنابراین لازم است با شناخت و بررسی دقیق فرصت‌ها وچالش‌های موجود، سعی در بهبود روابط تجاری و وضعیت اقتصادی بین دو کشورشود. امنیت و ثبات در افغانستان می‌تواند باعث افزایش چشم‌گیر رشد تجارت داشته باشد و از این رو این روابط چندان گسترده و عمیق نیست . هنوز مشکلات و نگرانی‌های بسیاری در روابط میان دو طرف باقی است که نیاز به گفت‌وگو و بحث‌های دقیق‌تر دارد. در این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، داده‌های آماری و منابع کتابخانه ای، فرضیه «افزایش تجارت بین ایران و افغانستان می‌تواند باعث افزایش امنیت در مناطق مرزی و همچنین کاهش بیکاری و تقویت تولید داخلی برای هر دو کشور باشد» بررسی گردیده است. نتایج تحقیق بر تایید فرضیه تحقیق دلالت دارد.

کلیدواژه‌ها :افغانستان، ایران، تجارت، مزیت نسبی و مطلق.

۱.دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

ahmohamadi90@gmail.com

مقدمه

در سال‌های اخیر، افغانستان به عنوان محور اتصال تجارت میان کشورهای آسیای جنوبی و آسیای مرکزی و دیگر کشورهای آسیایی و از آنجا به کشورهای اروپایی مورد توجه بوده است. با اینکه زیرساخت‌های داخل افغانستان که به افزایش میزان و حجم تجارت کمک می‌کند تا حدی بهبود یافته اما هنوز هم در جاهایی با مشکل ناامنی و عدم زیرساخت‌های مناسب روبرو هستیم. درطی این ۱۱ سال افغانستان تحولات چشم‌گیری در زمینه‌های اقتصادی؛ اجتماعی؛ سیاسی؛ فرهنگی و ...داشته است که مهمترین عوامل این تحولات و پیشرفت را می‌توان به خستگی وافر مردم افغانستان از جنگ و ناامنی و همچنین درد پناهندگی و زندگی در کشورهای بیگانه اشاره کرد. بنابراین مردم افغانستان این امر را در خود دیده‌اندکه با اتحاد و همبستگی به بازسازی و مرمت کشورشان بپردازند و زمینه را برای برگرداندن پناهندگان و افراد تحصیلکرده به کشور خود آماده کنند.(محمدی،۱۱۳ , ۱۳۹۳) می‌توان گفت افزایش تجارت علاوه براین‌که بر اشتغال و بهبود معیشت مردم تاثیرگذار است بر امنیت و بهبود زیر ساخت‌های کشور افغانستان نیز اثرگذار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که با افزایش تجارت ایران با افغانستان هر دو کشور از مزیت‌های این روابط بهره‌مند خواهند شد.

یکی از روش‌های توسعه تجارت خارجی هر کشور شناخت دقیق پتانسیل‌های اقتصادی- تجاری شرکای عمده و راههای رساندن حجم و ترکیب خارجی اعم از صادرات و واردات به سطح مطلوب آن است به گونه ای که حداکثر پتانسیل‌های تجاری دو کشور مورد شناسایی قرار گرفته و در راستای انتفاع هر دو طرف از تجارت دو جانبه بخش‌ها و کالای تجاری اولویت دار تعیین گردد.افغانستان به عنوان یکی از شرکای عمده تجاری ایران این امر را برمسولین لازم می دارد که به شناخت فرصتها و وضعیت اقتصادی افغانستان آشنایی کامل پیدا کرده که از طریق آن به بهبود تجارت و سرمایه‌گذاری در آن کشور

پرداخته‌شود.

در روابط بین‌الملل، نیازها و مسائل اقتصادی، مبادلات فرهنگی، معاهدات بین‌المللی و جریان‌های سیاسی و.. می‌تواند زمینه ساز روابط دو یا چند کشور و یا افزایش نقش و نفوذ یک کشور در کشور دیگر شود .از این میان روابط اقتصادی و تجاری با توجه به نیاز کشورها درروابط بین‌الملل بیش از دیگر مسائل سیاسی و فرهنگی ایفای نقش کرده و سبب گسترش روابط دویا چند جانبه شده است .می‌توان گفت که بیشتر روابط بین کشورها از سطح مسائل اقتصادی و مبادلات تجاری شروع شده و به سایر جنبه‌های سیاسی، فرهنگی و . . . تسری مییابد.

افغانستان در طی سه دهه اخیر به واسطه تحولاتی که با آن‌ها روبرو شده به یک کشور بی ثبات، ضعیف و عقب مانده در تمامی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده بود .به‌طوری که امنیت دیگرکشورهای منطقه و حتی نظام بین‌الملل را با چالش مواجه ساخته و هنوز هم این خطرکاملاً رفع نشده و دیگر کشورها به‌ویژه همسایگان افغانستان از بازگشت بی ثباتی و ناآرامی به این کشور هراس دارند .فقر اقتصادی وناتوانی در ترمیم و بازسازی بخش‌های آسیب دیده، نیاز افغانستان را به کمک‌های بین‌المللی و حضور دیگرکشورها و سازمان‌های بین‌المللی در بازسازی این کشور پس از ۱۱ سپتامبر بیش از پیش آشکار ساخت .علاوه بر بحث بازسازی، ضعف گروه‌های افغانی و همچنین شخصیت‌های سیاسی این کشور در همکاری با هم جهت ایجاد یک دولت مرکزی نیرومند و خود انگیخته و هماهنگ بانیازهای داخلی جامعه افغانستان سبب شد که بازیگران خارجی حاضر در افغانستان به‌ویژه ایالات متحده در جریان دولت سازی این کشور پس از ۱۱سپتامبر نقش زیادی داشته باشند. بنابراین، با توجه به نیازهای افغانستان به کمک دیگر کشورها، جمهوری اسلامی ایران، به عنوان همسایه افغانستان توانسته است نقش مهمی در بازسازی افغانستان ایفا نماید به‌گونه ای که هم اینک به عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار

در آینـده ایـن کشـور مـورد توجـه گروه‌هـای افغـان و دیگـر کشـورها از جملـه ایـالات متحـده قرارگرفته اسـت.

همچنیـن بـا توجـه بـه پیوندهـای تاریخـی و فرهنگـی مشـترک دو ملـت ایـران و افغانسـتان، ایـران توانسـته پـس از۱۱ سـپتامبر در تحـولات سیاسـی و اقتصـادی افغانسـتان نیـز نقـش عمـده ای ایفـا نمایـد .بایـد توجـه داشـت کـه ایـران نـه تنهـا در دو زمینـه اقتصـادی و سیاسـی، بلکـه در زمینه‌هـای فرهنگـی و اجتماعـی فعالیت‌هـای متنوعـی در افغانسـتان انجـام داده اسـت. اقتصـاد افغانسـتان در یـک دهـه گذشـته بطـور ثابـت رشـد کـرده کـه مصـارف نیروهـای بیـن المللـی مُحـرک اساسـی ایـن رشـد بـوده اسـت . بـا نزدیـک شـدن زمـان خـروج ایـن نیروهـا از افغانسـتان، توجـه روی پایـداری رشـد و توسـعه بخـش خصوصـی بیشـتر مـی شـود. بخـش خصوصـی بـه عنـوان گردانـنده اصلـی اقتصـاد افغانسـتان تعریـف شـده اسـت .سـهم بخش‌هـای چـون خدمـات و سـاختمان سـازی کـه مسـتقیما بـا مصـارف و کمک‌هـای نیروی‌هـای نظامـی پیونـد داشـته، کمرنـگ مـی شـود. بنابـر ایـن از رشـد اقتصـادی افغانسـتان کاسـته خواهـد شـد .ایـن تغییـر در حالـی صـورت میگیـرد کـه بُنیـه و اسـاس اقتصـاد بـازار در ایـن کشـور همچنـان ضعیـف و شـکننده اسـت. افغانسـتان بـه نظـام اقتصـادی بـازار پـس از سـال ۲۰۰۱ میـلادی روی آورد .نظام‌هـای اقتصـادی در رژیم‌هـای قبلـی ایـن کشـور براسـاس نظـام اقتصـادی سوسیالیسـتی طـرح ریـزی شـده بودنـد کـه در آن نـوع رژیم‌هـا مـردم از حکومت‌هـای شـان توقـع کمک‌هـای اقتصـادی بـه شـکل (سوبسـیدی) میکردنـد. امـا در دهـه گذشـته ایـن نـوع توقعـات مـردم افغانسـتان بـا سـرازیر شـدن مقـدار عظیـم پـول از طریـق کمک‌هـای خارجـی فروکـش کـرد.از طـرف دیگـر میـزان سـرمایه گـذاری هنگفـت در افغانسـتان بخاطـر غیرقابـل پیـش بینـی بـودن آینـده اقتصـادی ایـن کشـور نیـز محـدود باقـی مانـده اسـت. از نظـر مسـاعد بـودن محیـط فعالیت‌هـای کسـب وکارنیـز ایـن کشـور در شـرایط خوبـی قـرار نـدارد. پـس از اینکـه افغانسـتان در سـال ۲۰۰۱ میـلادی بـه اقتصـاد بـازار روی آورد، بخـش خصوصـی کـه ۸۵ درصـد آن را بنگاه‌هـای کوچـک و متوسـط تشـکیل مـی دهـد

به عنوان ماشین رشد اقتصادی این کشور شناخته شد .اما سرازیر شدن عظیم کمک‌های خارجی و پول هنگفت که توسط نیروهای خارجی به مصرف می رسید، دولت این کشور را اجازه نداد تا روی بسط و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط درنظام اقتصاد بازار توجه لازم کند. با توجه به آنچه بیان گردید هدف از این تحقیق بررسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی تجارت ایران و افغانستان می‌باشد. فرضیهای که این تحقیق به آن میپردازد عبارت است از «افزایش تجارت بین ایران و افغانستان می‌تواند باعث افزایش امنیت در مناطق مرزی و همچنین کاهش بیکاری و تقویت تولید داخلی برای هر دو کشور باشد».

۱- ادبیات موضوع

تاکنون روش‌های متعددی برای پتانسیل تجاری، به‌ویژه در مواردی که کشورهای مورد نظر در ابتدا هیچ‌گونه روابط تجاری مناسبی با طرف‌های تجاری خود نداشته و یا سطح روابط تجاری آنان نازل بوده است، معرفی شده است. برخی از روش‌های مرسوم برای بررسی روابط تجاری دو جانبه عبارتند از:(کرمانی؛میر عبدالله حسینی، ۱۳۸۰ :۹۵-۱۲۴) روش ساختار تجاری، (بافت یا ترکیب اقلام کالاهای وارداتی و صادراتی)، روش برآورد پتانسل تجاری، روش ویکس و سوباست، شاخص گروبل-لوی ، معیار تشابه صادرات و واردات، فرضیه لیندر(معیار مزیت نسبی آشکار شده)، معیار کسینوس و روش انتقال سهم، معیار تشابه فینگر- کرینین . روش دیگر در برآورد پتانسیل تجاری، استفاده از مدل‌های جاذبه می‌باشد که ساختار آن به نحو مناسبی در مطالعه کلاسن و کلاسن ووان ویکرن ارائه شده است . این مدل‌ها به عنوان یک ابزار مناسب به‌طور گسترده در تجارت بین‌الملل برای توضیح جریان‌های تجاری دو جانبه به کار می‌روند.

در اقتصاد بین‌الملل این مدل‌ها امکان برآورد پتانسیل تجاری دو جانبه در یک مقطع زمانی خاص و به‌طور خاص جاذبه با استفاده از عواملی که می‌توانند تعیین‌کننده آن

باشند، صورت می‌گیرد. این عوامل، ویژگی‌های اقتصادی دو کشور و موانع و مشوق‌هایی هستند که برای تجارت بین دو کشور وجود دارند و در واقع در چارچوب این مدل می‌توان موانع و تشویق‌های موجود را به صورت یک متغیر کمی و کیفی که در بازارهای خاص و قابل قبول کمی شده اند، وارد مدل کرده و تاثیر آن را بر تجارت دو جانبه بررسی نمود. (طیبی و آذربایجانی، ۱۳۸۰ :۸۲-۶۱) در مجموع می‌توان گفت که مدل جاذبه یک ابزار سنتی است که اخیرا با توجه به گستره اطلاعات قابل حصول، بسط یافته است.

به اعتقاد هولمز(Hulmmes ۱۹۹۸) عامل تعیین کننده اصلی در تجارت دو جانبه هزینه‌های تجارت می‌باشد که از طریق ترکیب تعرفه‌ها و موانع غیر تعرفه ای و فاصله بین دو کشور (یا منطقه) قابل تعریف است. از آنجا که موانع تعرفه‌ای قیمت‌های بخشی و در نتیجه الگوی تولید و مصرف را تحت تاثیر قرار می دهند، لذا بکار بردن متغیرهای کلان وابسته به GDP در معاملات برآورد واردات یک کشور موجب تورش در تخمین‌ها می‌گردد.لذا در مدل‌های جاذبه نیز در کنار متغیرهایی نظیر GDP بیانگر اندازه اقتصادی دو کشور و GDP سرانه بیانگر خرید یا توان خرید مصرف کنندگان آن کشور، بایستی از متغیرهای مرتبط با هزینه‌های تجاری، نظیر تعرفه‌ها، فاصله بین دو کشور، ترتیبات تجاری دو جانبه و عوامل اجتماعی نظیر زبان ، مذهب مشترک بهره گرفت . به‌طور کلی ویژگی‌های مدل جاذبه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

اولاً :مدل جاذبه یک مدل دو جانبه(دو طرفه) است، به عبارت دیگر،یک مدل جاذبه یک متغیر مربوط تجارت(معمولاً صادرات) را به وسیله ترکیبی از متغیرهای کلان اقتصادی(نظیر اندازه،نرخ ارز،قیمت‌ها و)... توضیح می‌دهد.

ثانیاً: یک مدل جاذبه می‌تواند برمبنای برآورد مقدار یا برآورد طبیعت و ماهیت جریان تجاری بین دو کشور بکارگرفته شود. منظور از حالت دوم استفاده از یک شاخص تجارت درون صنعتی به عنوان یک متغیر وابسته می‌باشد.

ثالثاً :پشتوانه تئوریک قوی این مدل‌ها اجازه می‌دهد تا بتوان با استفاده از انعطاف پذیری ساختار مدل‌ها،در مواقع بروز مشکلات مربوط به محدودیت یا ضعف آماری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، شکل ظاهری مدل را به صورت تناسبی تغییر داد.

رابعاً: نباید فراموش کردکه فرق زیادی بین یک مدل قابل تخمین به وسیله اطلاعات و آمار موجود و یک مدل ایده آل، که بتواند کاملاً بر داده‌ها برازش شود وجود دارد. لذا در موارد زیادی ممکن است میزان تصریح مدل‌های برآوردی در حد بالایی نباشد.

و بالا خره‌این‌که، با توجه به نوع متغیرهای مورد استفاده ، مدل‌های اقتصاد سنجی از نوع مدل‌های جاذبه که ترجیحاً برای برآورد داده‌های کلان (کل صادرات و...) مناسب تر می‌باشد. (فتحی،۱۳۸۱ :۵۶).

مدل‌های جاذبه ، روش دیگری برای مطالعه طرح‌های یکپارچگی اقتصادی است که توسط لینمان و تین برگن از فیزیک به حیطه اقتصاد کشانده شد و اقتصاددانان تجربی، به کرات از آن برای مطالعه قابلیت یکپارچگی اقتصادی کشورها، ارزیابی توان بالقوه تجاری ، اندازه گیری اثرات انحراف و ایجاد تجارت، اندازه گیری اثرات فاصله بر حجم تجارت و متعاقب آن قضاوت در مورد خصوصیات شرکای تجاری براساس فاصله آن‌ها از یکدیگر یا قرار گرفتن در یک قاره یا ناحیه ای از یک قاره استفاده کرده اند. با این حال اقتصاددانان بارها خاطرنشان کرده اند مدل‌های جاذبه مبنای نظری اقتصادی ندارد . اندرسون ، برگستراند و دیردورف مبنایی نظری برای مدل‌های جاذبه توسعه داده‌اند . فرانکل و دیگران و کروگمن برای ارزیابی سطوح تجارت شرکای طبیعی تجاری با کشورهای غیر شریک (مفهومی که در فرانکل ۱۹۹۵ توسعه داده شده است) از مدل جاذبه استفاده کرده اند.

با این حال، در سال ۱۹۹۶ ، پولاک خاطرنشان می سازد هنوز مبانی نظری ساده ای که برای مدل‌های جاذبه ارائه شده کامل نیست و استنباط اثرات تجاری طرح‌های یکپارچگی

را از روی ضرایب متغیرهای مجازی و متغیر فاصله غلط می‌داند . مقاله او انتقاد تندی است بر مقاله فرانکل و دیگران.

۲- پیشینه تحقیق

مهدی پورتملی، در مقاله خود تحت عنوان« بازار شناسی افغانستان» که به روش توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای و همچنین با استفاده از روش‌های اقتصاد سنجی از شاخص مزیت نسبی آشکار شده که به شاخص بالاسا معروف است به این نتیجه رسیده است که ایران دارای صادراتی به ارزش ۱۱۳ میلیون دلار است که درمقایسه با میانگین ارزش صادرات تحقق یافته کشور طی سال‌ها۱۳۳۳ دلارکم‌تر است، یعنی صادرات ایران به افغانستان می‌تواند تا دوبرابرافزایش یابد. با اضافه‌کردن ارزش اقلام صادراتی کشور در سال ۱۹۸۸ که در فهرست اقلام مزیت‌دار قرار ندارند(حدود ۱۸۸ میلیون دلار) ارزش کل پتانسیل صادراتی به افغانستان بالغ بر ۹۷۸ میلیون دلار خواهد بود که نشان دهنده‌ی امکان رشد ۱۰ درصدی (بر اساس ارزش‌های سال ۱۹۸۸) در دسترسی به بازار افغانستان است. به عبارت دیگر ارزش صادرات ایران به افغانستان در سال ۹۸۸۱ می‌توانست ۹۸ میلیون دلار فراتر از رقم تحقق یافته آن(۹۹۱ میلیون دلار)باشد. شایان ذکر است که با توجه به رشد شتابان تجاری و اقتصادی افغانستان(وگذر از وضع بحرانی به توسعه ای) میانگین تجاری به‌دست آمده دارای انحراف(تورش) به سمت پایین است و انتظار می رود که با اجرای برنامه‌های توسعه ای افغانستان و حضور فعال ایران در عرصه تجارت، سرمایه‌گذاری و خدمات این کشور، مقام نخست را درعرصه مشارکت اقتصادی آن به‌دست آید. به‌ویژه آنکه کشورهایی نظیر پاکستان، آمریکا، کره جنوبی و ترکیه به عنوان رقبای اصلی ایران در دسترسی به بازارهای افغانستان تلقی می‌شوند.

برادران شرکاء در مقاله ی خود تحت عنوان خارج از مسائل سیاسی، شرایط برای حضور

ایـران در افغانسـتان مهیاسـت کـه بـا روش توصیفـی –تحلیـل و مبتنـی بـر منابـع کتابخانـه ای گـردآوری شـده اسـت بـه ایـن نتیجـه رسـیده اسـت کـه برپایـی نمایشـگاه‌های تخصصـی و تبلیغـات در افغانسـتان امـری موثـر اسـت. شـرکت‌های ایرانـی می‌بایسـت از طریـق تلویزیـون در افغانسـتان بـه تبلیـغ کالای تولیـدی خـود بپردازنـد.

بررسـی‌های بازرگانـی(۱۳۸۰)، فرصت‌هـای تجـاری سـرمایه‌گذاری را نبایـد در افغانسـتان از دسـت دادکـه بـا روش توصیفـی تحلیلـی و مبتنـی بـر منابـع کتابخانـه ای جمـع‌آوری شـده اسـت بـه ایـن نتیجـه رسـیده انـد کـه بـه گفتـه بسـیاری از کارشناسـان، جمهـوری اسـلامی ایـران می‌توانـد در بازسـازی افغانسـتان نقـش کلیـدی ایفـا کنـد و از هـم اکنـون میبایسـت تجـار، سـرمایه‌گذاران، صاحبـان صنایـع و بخش‌هـای خدماتـی درصـدد یافتـن فرصت‌هـای تجـاری و سـرمایه‌گذاری در ایـن کشـور باشـند تـا بتواننـد سـهم خـود را در ایـن امـر به‌دسـت آورنـد.

بـا توجـه بـه آنچـه بیـان گردیـد تاکنـون تحقیـق دقیقـی در مـورد بررسـی پتانسـیل‌های تجـاری ایـران و افغانسـتان کـه بـه صـورت تاریخـی ایـن موضـوع را مـورد بررسـی قـرار دهـد، نوشـته نشـده اسـت. در ایـن مقالـه سـعی شـده اسـت در خصـوص رونـد تاریخـی پتانسـیل تجـاری ایـران و افغانسـتان نـگاه جامع‌تـری صـورت پذیـرد.

۳- معرفی وضعیت اقتصادی کشور افغانستان

اقتصـاد کشـور افغانسـتان درطـی یک‌دهـه گذشـته به‌طـور ثابـت رشـد کـرده اسـت. بـه خصـوص رشـد حقیقـی تولیـدات ناخالـص داخلـی ۱۰درصـد بـوده اسـت. حضـور نیروهـای بین‌المللـی بخصـوص مصـارف هنگفـتِ نیروهـای نظامـی در طـی(۲۰۰۵ الـی ۲۰۱۲) میـلادی بطـور متوسـط دوره عامـل عمـده ایـن رشـد اقتصـادی بـوده اسـت . بخـش بـزرگ رشـد بخـش خدمـات، مخصوصـا بخش‌هـای لجسـتیک و سـاختمان سـازی، بـه مصـارف نظامـی و غیرنظامـی نیروهـای

بیـن المللـی متکـی بـوده انـد.

بـا آغـاز خـروج نیروهـای نظامـی از ایـن کشـور، رشـد اقتصـادی نیـز کاهـش خواهـد یافـت .چـرا کـه کمک‌هـای امـدادی و توسـعه ای نیـز بـا بیـرون شـدن نیروهـای نظامـی بیـن المللـی کاهـش مـی یابـد. از طـرف دیگـر چـون آینـده سیاسـی افغانسـتان نیـز روشـن نیسـت، بـه نظـر نمـی رسـد سـرمایه گذاری‌هـای بـزرگ نیـز در ایـن کشـور صـورت گیـرد. کاهـش در فعالیت‌هـای بخـش سـاختمان و خدمـات در بعضـی شـهرهای مهـم، ملاحظـه شـده اسـت. رونـد انتقـال زمانـی در افغانسـتان صـورت می‌گیـرد کـه پایـه و اسـاس اقتصـاد بـازار کـه ایـن کشـور پـس از حضـور آمریـکا بـه آن متعهـد شـد هنـوز هـم بطـور کامـل اسـتحکام نیافتـه اسـت. ایـن در حالـی اسـت کـه سیاسـت‌ها و قوانیـن مرتبـط بـه ایـن نظـام اقتصـادی موجودانـد توقـع می‌رفـت حکومـت افغانسـتان پـس از چندیـن دهـه اسـتفاده از نظـام اقتصـادی سوسیالیسـتی و پـس از یـک دهـه نبـود حکومـت، روی اقتصـاد بـازار بخصـوص در تعییـن سوبسـید و قیمت‌هـا مداخلـه کنـد.

بانـک جهانـی چندیـن سـناریو را در رابطـه بـا آینـده اقتصـاد افغانسـتان در جریـان دهـه تحـول و پـس از اینکـه نیروهـای خارجـی از ایـن کشـور بیـرون می‌شـوند، پیش‌بینـی می‌کنـد. در ایـن میـان امیدوارکننده‌تریـن سـناریو ایـن اسـت کـه اقتصـاد افغانسـتان بطـور اوسـط بیـن ۷ تـا ۸ درصـد رشـد خواهـد کـرد .پیـش فـرض در ایـن سـناریو طـوری اسـت کـه انتقـال نظامـی روی محیـط و اوضـاع اقتصـادی و تجـاری ایـن کشـور تاثیـری نخواهـد کـرد و همچنـان پیـش فـرض دیگـر ایـن سـناریو ایـن اسـت کـه بخـش اسـتخراج معـادن افغانسـتان (چیـزی کـه بـه وضعیـت امنیتـی وابسـته اسـت) بطـور چشـمگیر بـه اقتصـاد کمـک خواهـد کـرد .سـناریوی دوم، شـش درصـد رشـد اقتصـادی را پیـش بینـی مـی کنـد .درصورتـی کـه رشـد بخـش زراعـت و فضـای کاروبـار همچنـان حفـظ شـده و کمک‌هـای بیـن المللـی ناگهـان قطـع نشـود، احتمـال بـه حقیقـت پیوسـتن ایـن سـناریو زیـاد اسـت .امـا اگـر اوضـاع امنیتـی وخیـم شـود، رشـد اقتصـادی کشـور از حدیـک درصـد، پایین‌تـر خواهـد بـود.

در حال حاضر درآمدهای داخلی تنها می تواند ۶۵ درصد از بودجه عادی را تامین کند، با اینکه بودجه عادی هر سال افزایش می‌یابد .کسر بودجه عادی از طریق کمک سازمان‌های تامین کننده رفع می گردد و قرار است تا کمک‌های نظامی و غیرنظامی که در کنفرانس‌های اخیر برای افغانستان تعهد شده اند این خلا بودجه ای و مالی را پُر کند. بخش بزرگی از معادن افغانستان را مس، طلا و آهن تشکیل میدهد .ارزش این معادن سه میلیارد دلار آ مریکایی برآورد شده است .اما جهت راه اندازی این بخش و ایجاد شغل و درآمد، لازم است سرمایه گذاری‌های بزرگ در این بخش صورت گیرد .تاکنون چنین سرمایه گذاری صورت نگرفته است.

طی یک دهه گذشته، تجارت در افغانستان رشد چشمگیری داشته اشت .این در حالی است که کاهش کسری تجاری نیز زیاد بوده است .با اینکه افغانستان به شدت برای مصارف داخلی خود به تولیدات خارجی وابسته است، صادرات این کشور هم از نظر کمیت و هم از نظر تنوع کالاهای صادراتی، در حد پائین قرار دارد .بانک جهانی از دیدگاه تجارت خارجی و برون مرزی، افغانستان را در ردیف ۱۸۴ از جمله۱۸۹ کشور رده بندی کرده است. در سال ۲۰۰۸ میلادی صادرات این کشور به نقطه اعظمی رسید اما این صادرات از سال ۲۰۱۱میلادی بدین سو کاهش یافته بطوریکه در بعضی کالاهای صادراتی این کاهش تقریبا ۵۰ درصد بوده است.

براساس گفته‌های مسئولین، ناامنی تنها دلیل کاهش در میزان صادرات نبوده بلکه دلایل دیگر نیز دارد .فساد اداری و گروه‌های مافیایی که دور از دسترسی ادارات رسمی حکومت در کار صادرات کالا فعال اند، عوامل دیگری اند که کیفیت اجناس تولیدی افغانستان را تضعیف کرده و اعتبار آن را در نزد مصرف کنندگان خارجی این تولیدات متاثر می سازد، حمل و نقل مخصوصا در بخش‌های مرزی، کماکان یک مشکل عمده است.

روابط اقتصادی، مبادلات تجاری و کمک‌های مالی می‌تواند سبب تقویت روابط دو

جانبـه و افزایـش نقـش یـک کشـور در کشـور دیگـر شـود. به‌ویـژه اگـر یکـی از طرفیـن از نظـر اقتصـادی فقیـر و شکسـت خـورده باشـد کـه خـود باعـث افزایـش نقـش کشـور قـوی تـر در کشـور مقابـل خواهـد شـد .واقعیـات مسـلم تاریخـی و ژئوپلتیـک، بـه پیونـد میـان ایـران و افغانسـتان جنبـه ای ثابـت و غیـر قابـل چشـم پوشـی بخشـیده اسـت .بدیـن لحـاظ بـی گمـان ایـران جایگاهـی ممتـاز میـان همسـایگان افغانسـتان دارد .موقعیـت محصـور افغانسـتان و موقعیـت مناسـب ایـران سـبب معطـوف شـدن نـگاه طبیعـی افغان‌هـا بـه همسـایه غربـی خـود کـه حـدود هـزار کیلومتـر مـرز مشـترک بـا آن دارد، شـده اسـت.

جمهـوری اسـلامی ایـران نیـز بیـش از سـایر کشـورها بـا مقولـه بازسـازی همسـایه شـرقی مرتبـط بـوده و اصـولاً تأمیـن امنیـت و منافـع خـود را در گـرو ایجـاد دولتـی بـا ثبـات و رو بـه توسـعه در ایـن کشـور مـی بینـد .رشـد اقتصـادی و توسـعه افغانسـتان، بازگشـت بیـش ازدو میلیـون پناهجـوی افغـان بـه وطـن خـود را بـه همـراه دارد و بـه کاهـش تولیـد و ترانزیـت مـواد مخـدر، شـرارت‌ها و ناامنـی ناشـی از آن در شـرق ایـران مـی انجامـد و بـازار مطمئـن و بزرگـی بـر روی کالاهـای ایرانـی مـی گشـاید.

گفتـه مـی شـود در افغانسـتان ایـن تجـارت اسـت کـه سیاسـت را مـی گردانـد. ایـن سـخن اگـر درسـت باشـد، نقطـه قـوت دیگـری اسـت در کنـار سـایر مزایـای ایـن بـازار بـرای تولیدکننـدگان ایرانـی .افغانسـتان، بـازار در حـال رشـدی محسـوب مـی شـود کـه از یکسـو مـرز مشـترک امن‌تری نسـبت بـه کشـمیر و پاکسـتان بـا ایـران دارد و از سـوی دیگـر در جسـت وجـوی شـریک اقتصـادی اسـت؛ هـم بـرای اشـباع بـازار داخلـی و هـم بـرای دسترسـی بـه آبهـای آزاد .طـرف دیگـر آنکـه، قوانیـن نـه چنـدان آسـان پاکسـتان بـرای ترانزیـت کالا میـان هنـد و افغانسـتان، ایـن فرصـت را بـرای ایـران فراهـم کـرده اسـت کـه بـا اتخـاذ سیاسـتهای سـریع و حساب‌شـده، جایـگاه صـادرات ایـران را در بـازار افغانسـتان ثبـات بخشـد.(یوسـفی :۱۳۹۱–۲۸)

طـی ایـن سـال‌های گذشـته بدلیـل تغییـری کـه در سیسـتم اقتصـادی افغانسـتان بـه سیسـتمی

بـر اسـاس بـازار آزادکـه برنامه‌هـای بازاریابـی آن بـر مـدل سـه میـم : محـل جذابتـر- مـردم مولدتـر- محصـول مرغوبتـر ایجـاد شـده اسـت و همچنیـن بـه دلیـل ایجـاد امنیـت نسـبی در ایـن کشـور و نیـز همجـواری باجمهـوری اسـلامی ایـران و مشـترکات فرهنگـی و دینـی نزدیـک بـا ایـن کشـور و از طرفـی حضـور در کنـار بزرگتریـن و روبـه رشـد تریـن بازارهـای دنیـا ماننـد چیـن، هنـد و پاکسـتان و بـه خاطـر موقعیـت اسـتراتژیکی قـوی کـه بیـن آسـیای مرکـزی و بنـادر مهـم آسـیای جنوبـی بـه دلیـل انتقـال بازارهـای نفـت و گاز آسـیای مرکـزی بـه بازارهـای جنـوب آسـیا دارد مـورد توجـه کشـورهای مختلـف از جملـه ایـران بـرای سـرمایه‌گذاری و در اختیـار گرفتـن بازارهـای ایـن کشـور قـرار گرفتـه اسـت .امـروزه تجـارت بـا کشـور افغانسـتان در کانـون توجـه جهانـی قـرار دارد ،تمرکـز بـر بـازار کشـور افغانسـتان یعنـی حضـور قـوی و جـدی در اقتصـاد جهانـی (محمـدی :۱۳۹۱-۲۸)

هـم اکنـون افغانسـتان بـه عنـوان یکـی از شـرکای عمـده تجـاری بـا ایـران محسـوب می‌شـود و فعـالان اقتصـادی و مسـئولان بخـش خصوصـی دولـت ایـران در صـدد هسـتند بـا گسـترش روابـط اسـتراتژیکی و تجـاری خـود بـا ایـن کشـور سـهم بیشـتری از بـازار افغانسـتان را در اختیـار خـود قـرار دهنـد. بازاریابـی کالای ارسـالی بـه افغانسـتان نیـز از جملـه نـکات مهمـی اسـت کـه تجـار ایرانـی قبـل از صـادرات بایـد بـه آن توجـه نمـوده تـا ضمـن حفـظ بـازار از نوسـانات قیمـت و ضـرر و زیـان احتمالـی جلوگیـری بـه عمـل آیـد.

شرکای تجاری افغانستان سال ۲۰۱۳

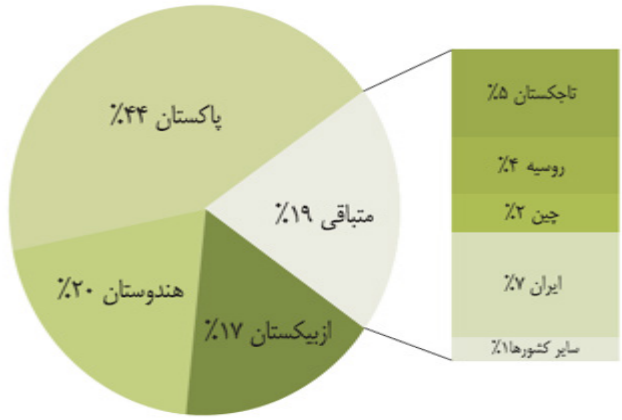

منبع: اداره احصایه مرکزی و اداره حمایت از صادرات افغانستان

میزان صادرات افغانستان به سایر کشورها(۲۰۱۶)

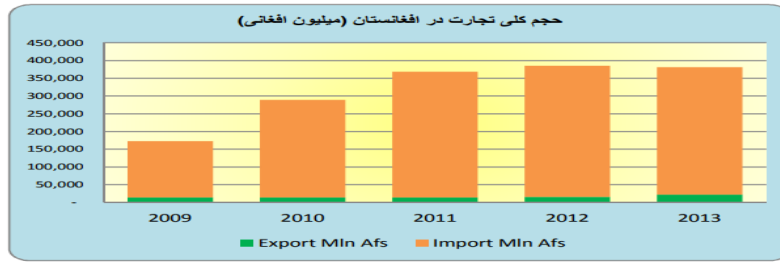

منبع: مرکز آمار افغانستان

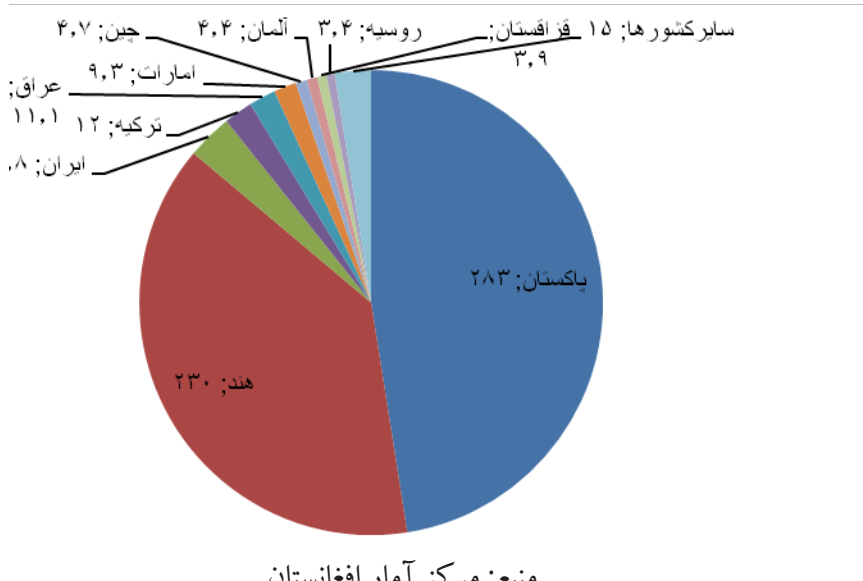

منبع: مرکز آمار افغانستان

میزان واردات از سایر کشورها(۲۰۱۶)

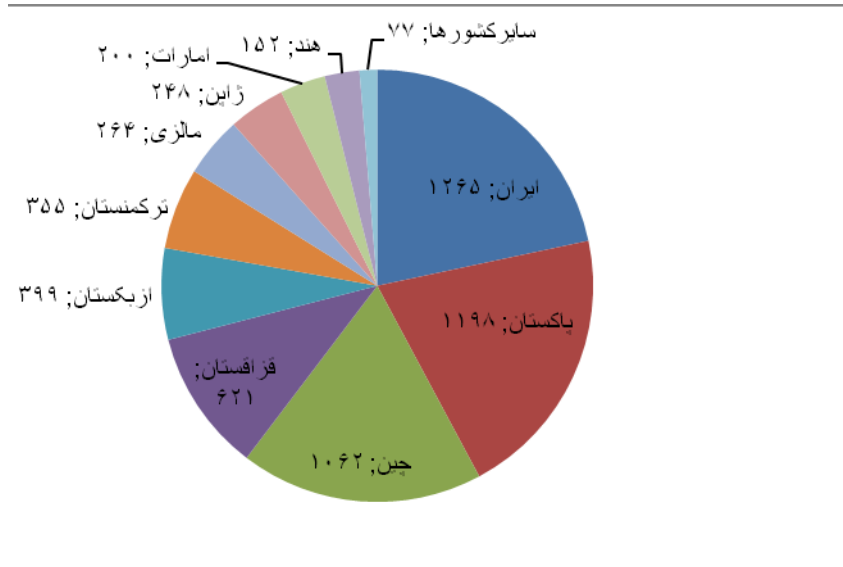

منبع: مرکز آمار افغانستان

مطمئناً ارتباط تجاری گسترده بین دو کشور ایران و افغانستان منافع فراوانی برای دو طرف می‌تواند داشته باشد.که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-کشور ایران با توجه به برخورداری از منابع قابل ملاحظه ی انرژی می‌تواند در برآورده کردن نیازهای وارداتی افغانستان سهم بسزایی داشته باشد.

۲-کشور ایران با توجه به جمعیت خود بازار مناسبی برای تولیدات صنعتی نسبتاً ارزان قیمت افغانستان به حساب می‌آید.

۳- با توجه به جایگاه استراتژیک ایران در منطقه خاور میانه این کشور از اهمیت فوق‌العاده برای شرکت‌های افغانی برخوردار است.

۴- با توجه به‌این‌که کشور افغانستان در هیچ یک از سازمان‌های جهانی تجارت عضو نمی‌باشد انعقاد یک توافقنامه تجارت آزاد، خواهد توانست مزیت تجاری بالای موجود بین ایران و افغانستان را به‌طور کامل فعال ساخته و منافع گسترده اقتصادی و اجتماعی و نیز توسعه امنیت در مناطق مرزی را برای هر دو کشور به همراه آورد.

۵- مطئناً دو کشور ایران و افغانستان اهداف مشترک فراوانی در زمینه سرمایه‌گذاری، تجارت، همکاری‌های صنعتی و غیره دارند که آگاهی از آن‌ها نیاز به مطالعات گسترده‌دارد.

۶- کشور افغانستان با توجه به روابط گسترده و با سابقه و روبه توسعه آن با ایران ،این امکان را دارد که دسترسی صادرکنندگان ایرانی را در کنار بزرگترین و روبه رشدترین بازارهای دنیا مانند چین، هند و پاکستان به خاطر موقعیت استراتژیکی قوی که بین آسیای مرکزی و بنادر مهم آسیای جنوبی به دلیل انتقال بازارهای نفت و گاز آسیای مرکزی به بازارهای جنوب آسیا دارد را فراهم سازد.

۴- بررسی رابطه تجاری ایران با افغانستان و سایر کشورها

پس از توفیق در مذاکرات هسته ای وگشایش فصل جدید تعاملات سیاسی -اقتصادی با کشورهای جهان، شناسایی فرصتها و بهره برداری به موقع از آن‌ها در دستور کار کلیه بخشهای دولتی به‌ویژه سازمان توسعه تجارت قرار گرفت .بدیهی است که در این راستا نگاه علمی و کارشناسانه این سازمان، جهت ارائه تصویر روشنی از وضعیت تجارت ایران با جهان به‌ویژه با شرکای تجاری، در سیاستگذاری و تصمیم سازیهای دولت کارگشا خواهد بود .لذا در گزارش پیش رو روند تجارت بین ایران و ۱۵ کشورهمسایه (با مرز مشترک خاکی و آبی) در یک دهه گذشته مورد بررسی قرار گرفته است .گزارش حاضر در قالب تصویر کلی از روند تجارت با هرکدام از ۱۵ کشور همسایه، میزان ثبات و پایداری جریان صادرات و واردات کشورمان با این کشورها با توجه به تحولات سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی (دراین بازه زمانی)، نظیراعمال تحریمهای بین‌المللی علیه ایران در یک دهه گذشته را به نمایش می گذارد.

علاوه بر این تغییر و تحول ساختار کلی سبد کالای صادراتی و همچنین تراز تجاری و جهت‌گیری آن را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر گزارش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا در گذر زمان ترکیب کالای صادرات ایران به سمت مصنوعات با ارزش افزوده و فناوری بالا سوق پیدا کرده یا خیر، همچنین جهت تغییرات صادرات و واردات به سمت افزایش تعاملات تجاری با این کشورها است یا محدود شدن آن. بررسی روند تجارت ایران با ۱۵ کشور همسایه نشانگر روند صعودی صادرات کشورمان در کل دوره ده ساله گذشته به‌جز سال ۱۳۹۲ می‌باشد بطوری که ارزش صادرات کشورمان به ۱۵ کشور همسایه از رقم ۵,۵میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ به حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴ارتقاءیافته است .درحالی که تا سال ۱۳۹۰ تراز تجاری کشورمان در تجارت با

همسایگان منفی بوده اما از این سال به بعد تداوم رشد صادرات توأم با کاهش مداوم واردات از این کشورها منجر به مثبت شدن تراز تجاری شده است. تراز تجاری کشورمان در تجارت با همسایگان در بالاترین سطح خود در ده سال گذشته به عدد ۶٫۸ میلیارد دلار بالغ گشته است.

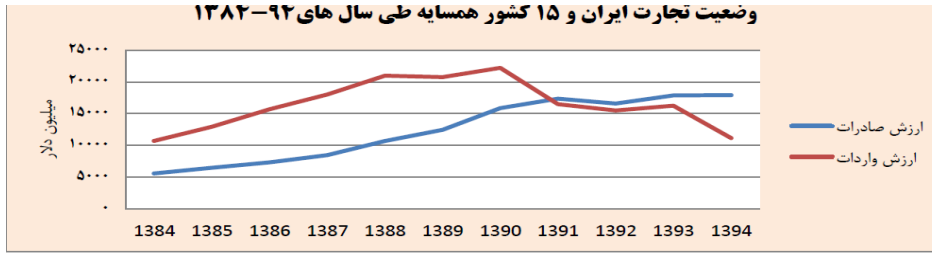

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

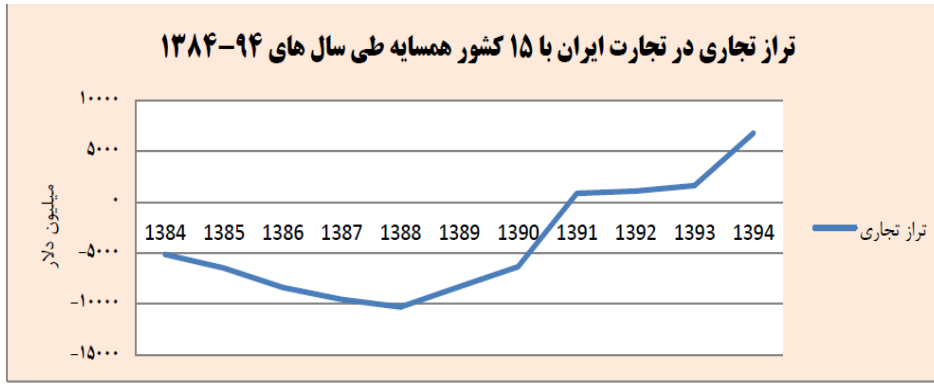

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

جریان تجارت با افغانستان در سال‌های گذشته کاملا یک طرفه و به نفع ایران بوده است. صادرات ایران به این کشور از ۵۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۴ به حدود ۳ میلیارد دلار در بالاترین حد خود در سال ۱۳۹۱ رسید و پس از آن متاثر از شرایط تحریم کاهشی ۵۰۰میلیون دلاری را تجربه نمود اما مجددا از سال ۱۳۹۴ تغییر جهت داده و مسیر رشد

مثبت را در پیش گرفت. از نکات قابل توجه می‌توان پیشی گرفتن متوسط قیمت واردات از صادرات از سال ۱۳۹۲ را ذکر نمود که مهمترین عامل در این رابطه را علاوه بر تغییر ترکیب صادراتی به سمت محصولات ارزانتر، می‌توان کاهش شدید ارزش ریال در برابر دلار و درنتیجه عرضه ارزانتر صادرات دانست.

در این میان داروها، کفپوش‌ها، پوشاک و شیرینی جات تا سال ۹۰عمده ترین عناوین صادراتی را شکل می دهند. بعد از سال ۹۰ این اقلام بیشتر به سمت مواد شیمیایی و فلزی سوق یافته چنانکه اقلام عمده حلال‌ها و رقیق کننده‌ها، سایر هیدروکربورهای حلقوی، نفت یا روغن‌های معدنی قیری، شامل شده اند . میله‌های آهنی یا فولادی علیرغم کاهش واردات افغانستان از کل جهان در سال ۲۰۱۵ میلادی که بیش از۹ ماه از سال۱۳۹۴ شمسی را شامل می‌شود، واردات این کشور از ایران در سال ۹۴ نه تنها کاهش نیافته بلکه روندی صعودی نیز داشته است که نشانگر عمق روابط تجاری و آسیب ناپذیری آن از عوامل خارجی است.

وضعیت تجارت ایران و افغانستان طی سال‌های ۹۴-۱۳۸۴						
سال	ارزش صادرات (میلیون دلار)	ارزش واردات (میلیون دلار)	تراز تجاری (میلیون دلار)	متوسط قیمت صادرات (دلار/کیلوگرم)	متوسط قیمت واردات (دلار/کیلوگرم)	رشد (درصد)
۱۳۸۴	۴۹۷	۶	۴۹۱	۰.۶	۰.۷	_
۱۳۸۵	۵۱۵	۹	۵۰۶	۰.۸	۰.۵	۳.۶
۱۳۸۶	۵۳۹	۹	۵۳۰	۰.۹	۰.۴	۴.۸
۱۳۸۷	۶۳۳	۱۱	۶۲۲	۱.۰	۰.۵	۱۷.۳
۱۳۸۸	۱۰۰۲	۱۵	۹۸۷	۱.۰	۰.۶	۵۸.۴
۱۳۸۹	۱۳۶۲	۱۲	۱۳۵۰	۰.۷	۰.۶	۳۵.۹
۱۳۹۰	۲۱۷۹	۱۰	۲۱۶۹	۰.۷	۰.۶	۶۰.۰
۱۳۹۱	۲۸۷۴	۲	۲۸۷۲	۰.۸	۰.۴	۳۱.۹
۱۳۹۲	۲۴۱۷	۳۲	۲۳۸۵	۰.۷	۱.۳	-۱۵.۹
۱۳۹۳	۲۳۷۶	۱۳	۲۳۶۳	۰.۷	۱.۰	-۱.۷
۱۳۹۴	۲۵۸۲	۲۶	۲۵۵۶	۰.۶	۱.۰	۸.۷

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

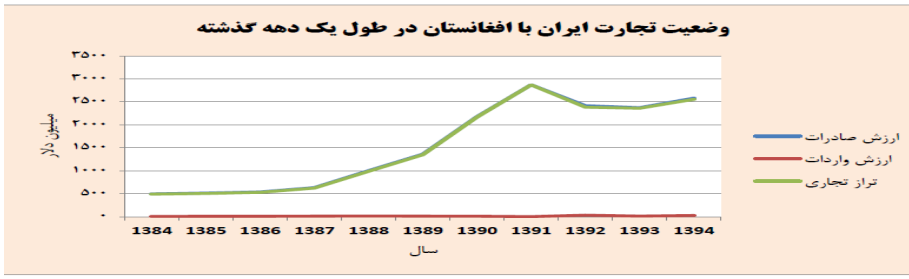

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

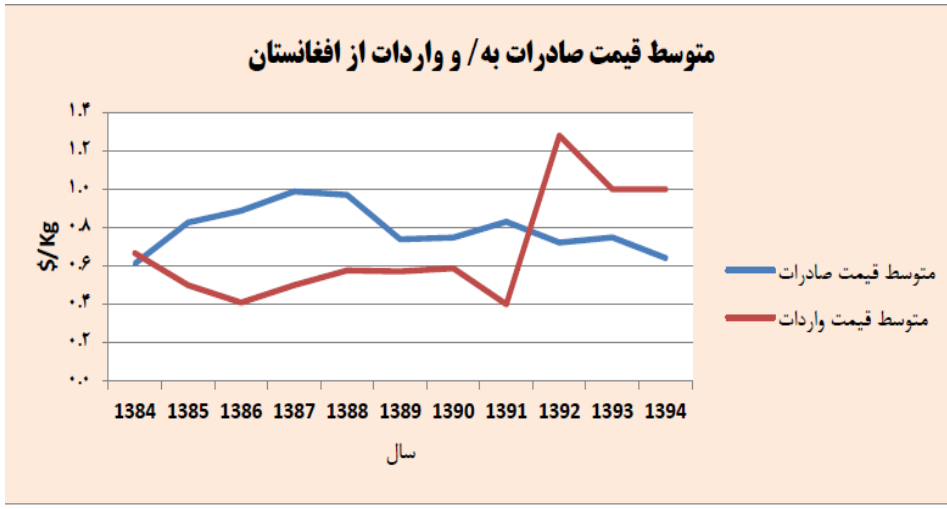

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

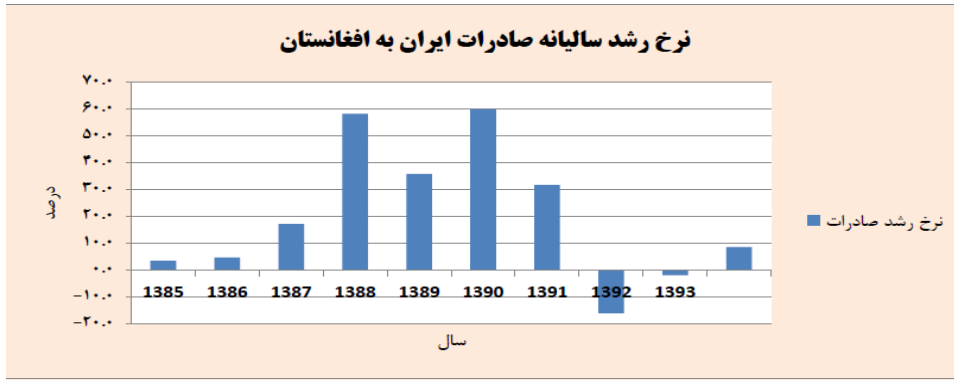

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

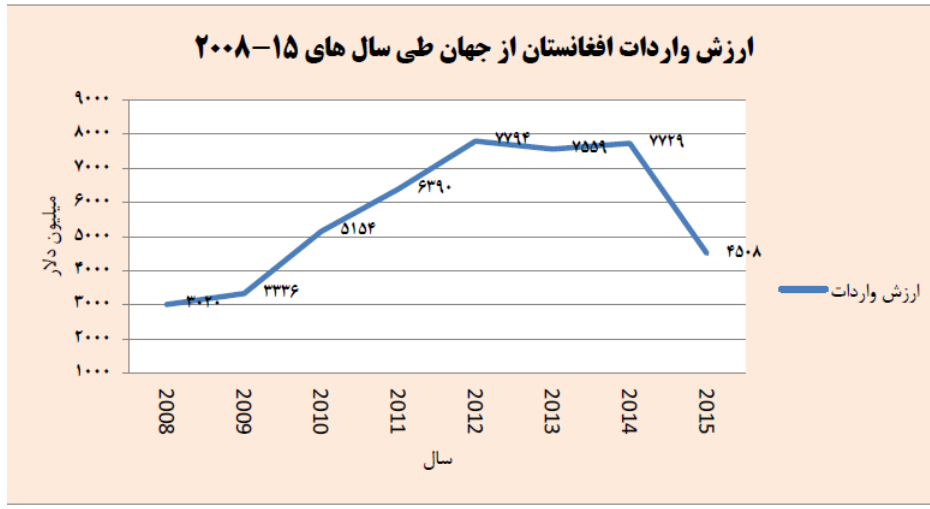

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

از دلایلی که باعث افزایش رشد چشمگیر تجارت بین ایران و افغانستان شده است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سطح بالای تکنولوژی، دانش فنی، کیفیت کالاها و خدمات و تجربه و مهارت مدیران و مهندسان ایرانی درمقایسه با سایر کشورهای منطقه.

- همسایگی و وجود مرز طولانی، اشتراکات تاریخی، دینی، فرهنگی و زبانی، پیوندهای قومی و خویشاوندی،هم چنین حضور میلیون‌ها افغانی در طی بیش از دو دهه در ایران و آشنایی با کالاها، خدمات، مهارت‌ها و میلیون پناهنده افغان که با مشابهت فرهنگی، زبانی و الگوی مصرف ایران.اقامت طولانی مدت حدود۲ تا۲/۵میلیون پناهنده افغان که با مشابهت فرهنگی، زبانی و دینی با ایرانیان به تدریج به کشور خویش باز می گردند.

- تمایل و علاقه دولت افغانستان، بخش خصوصی و مردم این کشور به توسعه همکاری‌های

اقتصـادی بـا ایران.

- شناخت کامل از وضعیت اقلیمی،اقتصادی،اجتماعی و سیاسی افغانستان.

- دسترسی آسان به مواد اولیه،تجهیزات و ماشین آلات مورد نیاز بازسازی و نوسازی.

- امکانات حمل و نقل و رفت وآمد سریع و آسان به دلیل نزدیکی.

- فقدان قوانین محدود کننده با توجه به نوپا بودن ساختار سیاسی کشور.

- بـا توجـه بـه انـزوای جغرافیایـی و لـزوم دسترسـی بـا واسـطه افغانسـتان بـه سـایر مناطـق جهـان، ایـران بـه دلیـل موقعیـت ژئوپلتیـک و برخـورداری از امکانـات و زیـر سـاخت‌های ترانزیـت هوایـی، دریایـی و زمینـی شـامل جاده‌هـا و راه آهـن گزینـه مطلـوب ایجـاد چنیـن اتصالـی اسـت. در صـورت احـداث خطـوط شوسـه و راه آهـن از افغانسـتان بـه خراسـان و سیسـتان و بلوچسـتان، ایـن کشـور از طریـق ایـران بـه شـبکه مواصلاتـی بـزرگ و مرتبـط بـا سـایر نقـاط جهـان پیونـد خواهـد یافـت .بدیـن لحـاظ تسـریع در تقویـت شـبکه ترانزیـت ریلـی و جـاده ای دو اسـتان مذکـور و اتصـال آن بـه افغانسـتان و بازسـازی شـبکه حمـل و نقـل ایـن کشـور به‌ویـژه در مـورد هـرات مـورد تأکیـد اسـت.

- روابـط تجـاری ایـران و افغانسـتان، عـلاوه بـر جنبـه اقتصـادی، از جنبه‌هـای امنیتـی و سیاسـی نیـز اهمیـت زیـادی دارد، به‌ویـژه بـا توجـه به‌این‌کـه مرزهـای مشـترک دو کشـور، مناطقـی بسـیار فقیرنشـین بـوده و امنیـت مناسـبی هـم ندارنـد .روابـط تجـاری موجـود بیـن ایـران و افغانسـتان، فعال «مزیـت تجـاری » کنـار ایـن مسـاله، در چنـد سـال اخیـر، مشـاهده می‌شـود کـه حجـم تجـارت دو کشـور به‌طـور محسوسـی افزایـش یافتـه اسـت. ایـران بسـیاری از کالاهـای مـورد نیـاز افغانهـا را تامیـن می‌کنـد و آن‌هـا نیـز بـه دلایـل گوناگـون بـه کالاهـای ایرانـی علاقه‌مندنـد .از آنجـا کـه کشـور مـا در همسـایگی افغانسـتان قـرار گرفتـه و بـه عـلاوه پـول ایرانـی در افغانسـتان رواج دارد، هزینه‌هـای حمـل و نقـل و توزیـع کالاهـای ایرانـی در بـازار افغانسـتان بـه حداقـل میرسـد و می‌توانیـم کالای خـود را بـا قیمـت مناسـبتری نسـبت بـه رقبایمـان بـه ایـن کشـور بفرسـتیم کـه ایـن

امـر بـرای محصـولات مـا مزیـت بالایـی در بـازار ایـن کشـور ایجـاد می‌کنـد.

۵- فرصت‌های سرمایه‌گذاری در افغانستان

بیسـت وسـه سـال جنـگ داخلـی در افغانسـتان ،نـه تنهـا در عقـب ماندگـی ایـن کشـور موثربـوده اسـت،بلکه ۱۹ تـا ۹۸ میلیـارد دلار خسـارت بـر انهـا وارد کـرده اسـت .همیـن امر سـبب شـده اسـت کـه فعـالان اقتصـادی درگوشـه وکنـار جهـان از هـم اکنـون در صـدد یافتـن فرصت‌هـای تجـاری –سـرمایه‌گذاری درایـن کشـور جنـگ زده ودر اسـتانه ورود بـه ثبـات سیاسـی –اقتصـادی باشـند. آنچـه مسـلم اسـت کشـورهای همسـایه افغانسـتان از جملـه ایـران، تاجیکسـتان و پاکسـتان بیـش از سـایر کشـورها درایـن رقابـت فشـرده ،سـهم بیشـتری کسـب کننـد. در ایـن میـان بهـره جویـی از اسـتعدادها وظرفیت‌هـای موجـود و موقعیـت جغرافیایـی ، عوامـل کلیـدی بـرای حضـور فعـال در بازسـازی افغانسـتان اسـت کـه جمهـوری اسـلامی ایـران بیـش از دیگرکشـورهای همسـایه از ایـن موقعیـت برخـوردار اسـت. (بررسـی‌های بازرگانـی ۱۳۸۰-۳۲)

زیرسـاخت‌های اقتصـادی در افغانسـتان ویـران شـده اسـت. شـبکه راه‌هـا درایـن کشـور وضعیـت بسـیار نامطلـوب دارد. درحالیکـه شـرکت‌های خدمـات فنـی مهندسـی ایـران، پروژه‌هـای بسـیار در کشـورهای همسـایه نظیـر پاکسـتان وترکمنسـتان نشـان داده انـد کـه قـادر هسـتند بـا ارائـه قیمت‌هـای مناسـب وقابـل رقابـت مناقصه‌هـای بسـیاری را برنـده شـدند. اکنـون ایـن فرصـت درافغانسـتان فراهـم اسـت وشـرکت‌های معتبـر سـاختمانی ایـران مـی بایسـت ازایـن فرصـت بـه خوبـی بهـره بـرداری کننـد وشـبکه‌های راه‌هـای زمینـی جـاده ای افغانسـتان را بازسـازی و احیاکننـد.

ایـران در زمینـه تولیـد سـیمان، آهـن آلات وفـولاد، سـنگ‌های سـاختمانی ،کاشـی وسـرامیک، لـوازم بهداشـتی و... ظرفیت‌هـای مـازاد برنیـاز دارد کـه می‌توانـد مـورد اسـتفاده قـرار گیـرد .امـا بـا توجـه بـه موضـوع رقابت‌هـای خارجـی به‌ویـژه در زمینـه اهـن الات وفـولاد حایـز

اهمیت‌است.

با توجه به بیکاری گسترده فارغ التحصیلان دانشگاهی در ایران اخذ قراردادهای صدور خدمات فنی مهندسی جهت ایجاد اشتغال برای این قشر ، حایز اهمیت است.

بخش بهداشت ودرمان در افغانستان می بایست مورد توجه قرار گیرد . دراین زمینه نیز ایران استعدادهای بالقوه داد.

باتوجه به مشترکات دینی و نیز نزدیکی سلیقه مصرف کنندگان ایرانی وافغانی ، صادرات محصولات غذایی ،پوشاک، لوازم برقی منزل، لوازم اشپزخانه ، انواع پلاستیک ،کفش و ...به بازار افغانستان دست کم درکوتاه‌مدت سودآور خواهد بود . به‌ویژه در حال حاضر موانع گمرکی برای صدور کالا به افغانستان تقریبا وجود ندارد و بسیاری از افغان‌های پناهنده در ایران بارها وبارها کالاهایی را برای اقوامشان ارسال کرده اند یا با خود برده‌اند. در واقع افغان‌ها با محصولات کارخانه ای ایران و کیفیت آن‌ها ناآشنا نیستند.

در هرصورت برای استفاده از فرصت‌های تجاری وسرمایه‌گذاری در افغانستان می بایست با اعزام هیئتی از سوی بخش خصوصی موضوع به‌طور کلی بررسی شود وزمینه‌های قابل بهره برداری هرچه سریعتر اعلام گردد تا بازرگانان، صاحبان صنایع و متخصصان بتوانند به موقع از این فرصت‌ها بهره برداری کنند.

اما به‌طورکلی می‌توان گفت از جمله گروهی ازکالاهای ایرانی که در افغانستان دارای مزیت نسبی می‌باشد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-اقلام بهداشتی نظیر شوینده‌ها،مواد ضد عفونی کننده از دیگر کالاهایی است که می‌تواند بازار کشور افغانستان را در اختیار داشته باشد (مهدی پور تملی: ۱۳۸۴-۱۰۲)

۲- گروه مواد غذائی شامل انواع نوشابه، کنسرو، ماکارونی، ترشی جات و مربا

۳- باتوجه به دوران سازندگی افغانستان ،اقلامی نظیر انواع سیمان،گچ، سایر مصالح ساختمانی،گریدر،بلدوزر،دیگر وسایل راه سازی و غیره از مهمترین اقلامی است که امکان

صدور آن‌ها به این کشور وجود دارد و درمواردی که ظرفیت‌های تولیدی ایران محدود باشد، می‌توان اقدام به سرمایه‌گذاری‌های مشترک با افغانستان کرد.

(مهدی پورتملی :۱۳۸۴-۱۰۲)

۴- یکی از اقلام وارداتی افغانستان داروها است،روند صادرات ایران به افغانستان بر روی این ردیف،تعرفه،رشد چشمگیری داشته است.از این‌رو شرکت‌های دارویی کشور می‌توانند نقش فعالی در رشد روز افزون صادرات ایفا کنند(همان).

۵- گروه پلاستیک شامل انواع ظروف ملامین و پلاستیکی

۶- انواع سوخت و مایع و گاز

۷- روند رشد صادرات منسوجات ایران(انواع کفپوش‌ها نظیر فرش، موکت و...) موقعیت مناسبی را برای حضور گسترده تر در بازار افغانستان فراهم آورده است

(مهدی پورتملی :۱۳۸۴-۱۰۲)

۸- محصولات آهنی و فولادی

۵ کالای عمده صادراتی ایران به افغانستان طی سال‌های ۹۳-۱۳۸۴	
سال	عمده کالای صادراتی
۱۳۸۴	کف پوش، داروهای خرده فروشی ،دترجنت (قالبی) پودر، نباتات زنده،بیسکویت
۱۳۸۵	کف پوش، داروهای خرده فروشی ،دترجنت (قالبی) پودر ،شیرینی، بیسکویت
۱۳۸۶	کف پوش، داروهای خرده فروشی ،دترجنت (قالبی) پودر ،شیرینی، روغن نخل
۱۳۸۷	کف پوش، داروهای خرده فروشی ،دترجنت (قالبی) پودر ،شیرینی، روغن نخل
۱۳۸۸	کف پوش، روغنهای سبک وفرآورده هایجزبنزین، داروهای خرده فروشی ، دترجنت (قالبی) پودر،شیرینی
۱۳۸۹	کف پوش، روغنهای سبک وفرآورده هایجزبنزین، سیمان سفید پرتلند، داروهای خرده فروشی، بنزین
۱۳۹۰	کف پوش، حلال‌ها ، میله های آهنی، سیمان سفید پرتلند، روغنهای سبک وفرآورده هایجزبنزین
۱۳۹۱	حلال‌ها، گازهای نفتی ،کف پوش ، میله های آهنی، سیمان سفید پرتلند
۱۳۹۲	حلال‌ها، سایر هیدروکربورهای ...،کف پوش، میله های آهنی، سایر گازهای نفتی
۱۳۹۳	حلال‌ها ،سایر هیدروکربورهای... ، میله های آهنی،شیرینی

منبع:سازمان توسعه تجارت ایران

نتیجه‌گیری

در خصوص روابط تجاری افغانستان و ایران باید گفت که در طول سالهای گذشته، سطح مبادلات تجاری دوکشور روند صعودی داشته است به این معنا که افغانستان به یکی از بزرگترین بازارهای مصرف کالاهای ایرانی تبدیل شده است .البته با توجه به مشترکات فراوان فرهنگی ، زبانی، تاریخی و تمدنی انتظار آن است که سطح روابط دو کشور بسیار بیشتر و بالا تر از آنی باشد که اکنون هست .ایران یکی از همسایه‌های مهم افغانستان است بدون شک بی ثباتی در دو کشور، پیامدهای منفی برای هردو کشور خواهد داشت. پس از نابودی امارت طالبان در کشور، فرصتهای بسیار مساعدی در راستای ایجاد یک همگرایی منطقه‌ای حول محور منافع مشترک به وجود آمد .این امر باعث شد تا اندازه زیادی، کشورهای همسایه به دوستان نزدیک همدیگر مبدل شده و روابطشان، بر مبنای منافع مشترک گسترش یابد .شاید بتوان گفت که آنچه در گذشته بر سر افغانستان آمده، ناشی از نبود همین منافع مشترک بوده و منافع متضاد همسایه‌ها و قدرتهای بیرونی، عامل سیاه روزی افغانستان و گرفتاری‌های منطقه شده است.

-دیگر آنکه، اگرچه هم‌اکنون ارزش دلاری واردات مذکور کم است، اما چه بسا که پس از اعطای این معافیت، چرخش صادرکنندگان افغان از بازارهای روسیه و هند به سوی بازار ایران، موجب افزایش مقدار آن شود لذا بررسی دینامیک این معافیت در بلندمدت نیز ضروری به نظر می‌رسد.

نقش آفرینی ایران در عرصه بازسازی افغانستان با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه است: نخست آنکه مقوله بازسازی این کشور به شدت تابع ملاحظات سیاسی و تعامل قدرت‌های بزرگ و منافع آنان در افغانستان است .عواملی مانند حضور همه جانبه آمریکا و نفوذ آن بر دولت کابل، رقابت پاکستان با ایران وگذراندن خطوط انتقال انرژی آسیای مرکزی از طریق افغانستان و پاکستان در جهت کاهش موقعیت و نقش ایران عمل می کنند.

مانـع دیگـر، ضعـف و ناکارآمـدی اقتصـادی ایـران در عرصـه فنـاوری پیشـرفته، سـرمایه‌گذاری خارجـی و کمبـود نقدینگـی، نبـود مکانیـزم بازاریابـی، وجـود قوانیـن و مقـررات دسـت و پـا گیـر و نبـود سـازماندهی و عـدم هماهنگـی اسـت.

منابع و مآخذ

۱. بازارهای هدف،پژوهشنامه بازرگانی،موسسه پژوهشهای بازرگانی،تهران،فصلنامه شماره ۲۰

۲. بررسی روند تجارت خارجی ایران با ۱۵ کشورهمسایه در یک دهه گذشته، سازمان توسعه تجارت ایران، مردادماه ۱۳۹۵

۳. راسخ،محمد مهدی،»روزنامه دنیای اقتصاد» ،۹۱/۰۹/۲۹ ،شماره ۲۸۱۳

۴. رسولیان،علی؛ »تلاش برای توسعه توامان ایران و افغانستان» ،روزنامه دنیای اقتصاد،۹۱/۰۹/۲۹ شماره۲۸۱۳

۵. شرکاء، حمیدرضا، برادران ؛ خارج از مسائل سیاسی،شرایط برای حضور ایران در افغانستان مهیاست، مصاحبه شونده .:بررسی بازرگانی،اسفند ۱۳۸۰ ،شماره۱۷۴

۶. صباغ کرمانی،مجید و میر عبدالله حسینی،»ارزیابی محصولات کشاورزی ایران به تشکل‌های منطقه ای و تع یین بازارهای هدف» ،پژوهشنامه بازرگانی،موسسه پژوهشهای بازرگانی،تهران،فصلنامه شماره ۲۰

۷. فتحی،یحیی؛ »برآورد پتانسیل تجاری صادراتی ایران به کره جنوبی بر اساس شبیه سازی الگوی صادرات ایران به مجموعه کشورهای طرف تجاری با استفاده از تقریب مدلTradesim »، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی،شماره ۲۵، زمستان۱۳۸۱

۸. فرصت‌های تجاری-سرمایه‌گذاری در افغانستان را نباید از دست داد، بررسی‌های بازرگانی،اسفند ۱۳۸۰ ،شماره ۱۷۴

۹. فرهنگ،عبدالهادی،»خواسته بازرگانان افغانستانی از ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد،۲۹/۰۹/۹۱ شماره ۲۸۱۳

۱۰. مجیب ،مشعل؛ »توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و تجارت منطقه ای در افغانستان»، واحد تحقیق و امور ارزیابی افغانستان.

۱۱. محمدی،احمد؛ »مروری بر تجارت پر رونق ایران و افغانستان»، روزنامه دنیای

اقتصاد،۹۱/۹/۲۲شـماره ۲۸۰۷

۱۲. مروری بر تجارت افغانستان وزارت تجارت و صنایع افغانستان، ۲۰۰۹-۲۰۱۳

۱۳. مهدی پور تملی،فاطمه،»بازار شناسی افغانستان« ، بررسی‌های بازرگانی،مرداد و شهریور ۱۳۸۴،شماره ۳۱

۱۴. یاری، کاظم، »یکپارچگی اقتصادی کشورهای در حال توسعه«، کاربرد مدل جاذبه با داده‌های تلفیقی به روش GMM و همگرایی،فصلنامه پژوهشی بازرگانی، شماره ۳۶ –پاییز ۱۳۸۴،صفحات ۲۸-۱

۱۵. یوسفی،کوثر؛ »پیشنهادی برای توسعه تجارت ایران و افغانستان«،روزنامه دنیای اقتصاد۹۱/۹/۲۹شماره ۲۸۱۳

ارزیابی تاثیر تغییرات نرخ ارز بر درآمدهای مالیاتی دولت

سید امیرموسویان[۱]

چکیده

در اقتصـاد ایـران وابسـتگی بودجـه دولـت بـر درآمدهـای نفتـی و انعطـاف ناپذیـری مخـارج دولـت باعـث ناکارآمـدی سیاسـتهای مالـی شـده اسـت کـه ایـن موضـوع بـه نوبـه خـود نقـش درآمدهـای مالیاتـی را در کاهـش کسـری بودجـه دولـت و نوسـانات آن کمرنـگ کـرده اسـت. از جملـه عواملـی کـه می‌توانـد در میـزان مالیاتهـای وصولـی دولـت تغییـرات ایجـاد کننـد می‌تـوان بـه نـرخ ارز، درآمدهـای نفتـی، تولیـد ناخالـص داخلـی و سـطح عمومـی قیمت‌هـا اشـاره کـرد از ایـن میـان نـرخ ارز کـه می‌توانـد از طریـق اثرگـذاری بـر میـزان صـادرات و واردات، میـزان بـاز بـودن اقتصـاد تـراز تجـاری از طریـق محدودیت‌هـای وارداتـی و همچنیـن میـزان تولیـد داخلـی کشـور بـر سـطح درآمدهـای مالیاتـی دولـت اثـر گـذار باشـد.

از ایـن‌رو در ایـن مقالـه سـعی شـده اسـت تـا بـا روش تحلیلـی- توصیفـی و بـا توجـه به‌این‌کـه نـرخ ارز تأثیرگـذاری بیشـتری بـر روی تولیداتـی کـه ارز بـر و وابسـته بـه مـواد اولیـه خارجـی هسـتند و از آنجـا کـه سیسـتم نـرخ ارز در ایـران یـک سیسـتم شـناور مدیریـت شـده اسـت ، بررسـی شـود و راهـکاری ارائـه شـود کـه دولـت بتوانـد از ایـن ابـزار خـود یعنـی ایجـاد تغییـرات در نـرخ ارز اسـتفاده کنـد و بعـد از تحریـک بخـش تولیـد بتوانـد میـزان درآمدهـای خـود را از طریـق وضـع قوانیـن مالیاتـی جدیـد افزایـش دهـد.

کلمـات کلیـدی: نـرخ ارز خارجـی، مالیـات، درآمدهـای مالیاتـی دولـت، واردات کالا و خدمـات

---

۱. دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

sam_mo16@yahoo.com

مقدمه

توسعه اقتصادی از مهمترین اهداف کشورها است و دولت‌ها برای رسیدن به این هدف وظایف مختلفی را بر عهده دارند. یکی از این‌ها اجرای سیاست‌های مالی است و اجرای یک سیاست مالی موفق در گرو ایجاد ترکیب و تناسب در درآمدها و مخارج دولت است همچنین سیاست‌های مالی نقش بسزایی نیز در پویایی فرآیند توسعه اقتصادی کشورهادارد. از این‌رو می‌توان دریافت که کشورها توانسته اند با استفاده از سیاست‌های مالی و تصحیح فعالیت‌های خود و به وسیله استفاده از ابزارهای مناسب به این امر دست‌یابند که باعث انعطاف پذیری دولت‌ها در برابر رخدادهای اقتصادی و در بلندمدت باعث ثبات و رشد اقتصادی شده است.

چنانچه در کشور ایران، دولت به دلیل وابستگی بسیار زیاد بودجه به نفت، انعطافپذیری کافی برای مقابله با رخدادهای جهانی ندارد چه بسا که مشاهدات تجربی در سال‌های اخیر نشان داده است که وابستگی بودجه به نفت و قیمت جهانی نفت مشکلات و چالش‌های بیشتری برای دولت مردان بوجود آورده است. از این‌رو دولت ایران باید به‌دنبال راهکارهایی باشد تا این وابستگی بودجه به نفت کاهش دهد که استفاده از دیگر ابزارهای سیاست‌های مالی نظیر مالیات می‌تواند کارامد باشد تا درآمدهای دولت بتواند انعطاف پذیری لازم را به‌دست آورد تا با استفاده از ایجاد درآمدهای مالیاتی مناسب به منابع مالی متناسب با هزینه‌های خود دست‌یابد.

اما از آنجایی که در ایران به دلیل نا کارآمدی نظام مالیاتی ، دولت‌ها در گذشته نتوانسته‌اند به این مهم دست‌یابند اکنون باید با استفاده از فرصت‌ها و منابع موجود در داخل کشور به درآمدهای قابل بهره برداری دسترسی پیدا کند.

از این‌رو می‌توان گفت یکی از این فرصت‌های موجود در کشور بهره‌گیری از فرصت به‌دست آمده در تغییرات نرخ ارز از طریق اعمال قوانین مالیاتی جدید در بازارهای

داخلی اشاره کرد که این بازارها را می‌توان هرگونه فعالیت‌های وابسته به ارز و واردات است دانست و یا حتی بنگاه‌هایی که از طریق صادرات از این تغییرات منفعت به‌دست می‌آورند، تعریف کرد.

لذا در این مقاله با پیش فرض آن که تغییرات نرخ ارز می‌تواند بر درآمدهای مالیاتی دولت اثر گذار باشد، تلاش شده است به روش تحلیلی-توصیفی به ارتباط میان تغییرات نرخ ارز ومالیات به منظور استفاده دولت از این فرصت و افزایش درآمدها، پرداخته شود. از این طریق می‌توان دریافت که آیا تغییرات نرخ ارز بر درآمدهای مالیاتی دولت اثر گذار است و یا خیر و اگر اثر گذار است چگونه می‌توان از آن به نفع افزایش منابع درآمدی دولت‌ها استفاده کرد.

۱- مفهوم مالیات

در گذشته عده ای از علمای علم مالیه و اقتصاد معتقد بودند که مالیات بهای خدمات دولت است یعنی هرکس به نسبت خدماتی که از دولت دریافت می کند باید بهای آن را به عنوان مالیات به دولت بپردازد. مدتها این نظر مورد قبول بود و طبق این نظریه پرداخت مالیات اختیاری بود. به عبارت دیگر اگر فردی از خدمات دولت بهره نمی‌برد نمی‌بایست مالیات پرداخت کند اما در عمل این نظریه با مشکل مواجه شد. زیرا اولا معیار اندازه‌گیری برای استفاده از خدمات دولت وجود نداشت. ثانیاً عده‌ای وضعیت مالی خوبی نداشتند و درآمد آن‌ها حتی تکافوی هزینه زندگیشان را هم نمی کرد و با داشتن عائله زیاد و استفاده فراوان از خدمات دولت بابت آموزش، درمان و بهداشت و سایر خدمات به علت نداشتن درآمد مالیاتی پرداخت نمی‌گردد.(بیگ پور،۱۳۸۶: ۱۱۸)

اما می‌توان به عنوان یک تعریف امروزی از مالیات این‌گونه گفت که مالیات عبارت است از سهمی که به موجب اصل تعاون ملی و طبق مقررات موضوعه، هر یک از افراد

کشـور موظفنـد از درآمـد و دارایـی خـود بـه منظـور تامیـن هزینه‌هـای عمومـی و حفـظ منافـع اقتصـادی و سیاسـی و اجتماعـی کشـور بـر حسـب توانایـی و اسـتطاعت مالـی خـود بـه خزانـه دولـت بپـردازد.

مالیـات توسـط دولـت بـرای مصـارف تقویـت عمومـی حکومت، تامیـن مخـارج عامـه و هزینه‌های عمومـی، حفـظ منافـع اقتصـادی سیاسـی و اجتماعـی و ارائـه خدمـات عمومـی دریافـت میگـردد. (گرایی نژاد، چپـردار،۱۳۹۱: ۷۹)

۳- انواع مالیات

بـا توجـه بـه سـاختار مالیاتـی ایـران و بـا توجـه بـه امـکان گـردآوری اطلاعـات مـورد نیـاز، مالیـات را می‌تـوان بـه پنـج بخـش کـه بـه شـرح زیـر طبقـه بنـدی کـرد:

مالیـات بـر شـرکتها: مالیـات بـر شـرکت‌ها طبـق مـاده ۱۰۵ قانـون، مالیـات مستقیم، جمع درآمد شرکت ها و درآمد ناشی از فعالیت های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف در ایران یا خارج از ایران تحصیل می‌شود از وضع زیان های حاصل از منابع غیر معاف و کسر معافیت‌های مقرر به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای است، مشمول مالیات به نرخ بیست و پنج درصد خواهند بود. (شـمس الدینـی و شـهرکی، ۱۳۹۵: ۸۶)

مالیـات بـر درآمـد شـامل مالیـات بـر حقـوق دسـتمزد مشـاغل و مسـتغلات: مالیات بر درآمد شامل مالیات حقوق (درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی)در قبال تسلیم نیروی کار خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیر نقد تحصیل می کند)، مشاغل (درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به مشاغلی به عناوین دیگر غیر از موارد مذکور در سایر فصل های این قانون در ایران تحصیل کند) و مستغلات (درآمد شخص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگـذاری حقـوق خـود نسـبت بـه امـلاک واقـع در ایـران)اسـت. (کـرد بچـه قسـمت دوم ، ۱۳۷۵)

سایر مالیاتهای مستقیم: سایر مالیات‌های مستقیم بر اساس آمار بانک مرکزی سایر مالیات‌های مستقیم در ایران بر عکس دو جزء دیگر این مالیات ها از روند با ثباتی برخوردار نیستند. درست است که در کل، در طی سال های پس از انقلاب این مالیات ها رشد زیادی داشته اند، ولی روند این افزایش و مشابه بودن این درآمدها تقریباً در دو یا سه سال پیاپی به طور متناوب، شاید حاکی از عدم محاسبه دقیق این مالیات ها یا تأثیر زیاد تورم بر این افزایش بوده است .ولی به طور قطع یکی از دلایلی که توضیح دهنده روند این نوع درآمدهای مالیاتی است، تغییر در نظام مالیاتی بخش سایر مالیات‌های مستقیم است. (شمس الدینی و شهرکی، ۱۳۹۵: ۸۶)

مالیات بر مصرف و فروش: مالیات بر مصرف و فروش مالیات بر مصرف از جمله مالیات‌هایی است که مصرف کنندگان و مردم عادی آن را می پردازند اما به طور مستقیم از پرداخت آن آگاه نیستند . مالیات بر مصرف که نوعی مالیات غیرمستقیم است، روی قیمت کالاهای مورد مصرف عمومی کشیده می شود و از تولید کننده کالاها و خدمات مزبور وصول می شود . بنابراین مالیات بر مصرف جزئی از قیمت کالا را تشکیل می دهد به نحوی که معمولاً مصرف کننده نمی تواند تشخیص دهد چه مقدار از قیمت کالا بابت مالیاتی است که تولید کننده یا فروشنده به دولت می‌پردازد. مالیات بر مصرف اغلب به کالاها و خدماتی تعلق می گیرد که در مقابل تغییرات قیمت حساسیت کمی دارند و به همین جهت این نوع مالیات یکی از منابع مهم درآمد دولت را تشکیل می‌دهد .کالاها و خدماتی که در اغلب کشورها مشمول مالیات بر مصرف قرار می گیرند، عبارتنداز:دخانیات، بنزین، قند و شکر و بعضی دیگر از کالاهای تجملاتی و ضروری، چون اگر این مالیات فقط بر کالاهای ضروری وضع شود، سنگینی آن را طبقات کم بضاعت بیشتر احساس می کنند. (کرد بچه قسمت دوم ، ۱۳۷۵) . مالیات بر فروش به کالاهایی تعلق می گیرد که در مرحله خرده فروشی به دست مصرف کننده می رسد. دراین نوع مالیات فروشگاه ها موظف هستند که مبلغ مالیات را مجزا از قیمت کالا حساب کرده و در یک رقم جداگانه به نحوی که مصرف کننده از مبلغ آن اطلاع حاصل کند، دریافت دارند. غرض از این نوع محاسبه آن است که مصرف کننده

مالیات را بپردازد.(کردبچه قسمت دوم ۱۳۷۵) مالیات بر مصرف و فروش در ایران از ثبات خاصی برخوردار نبوده است .درست برابر شده است، ولی در ۸۰۰ میزان درآمدهای حاصل از این نوع مالیات ۵۷ تا ۹۰ است که از سال سال این نوع مالیات ۸۷ و ۸۵، ۸۳، ۸۱، ۸۰، ۷۹ رشد منفی داشته اند .در سالهای ۹۰ و ۸۹ که کل درآمدهای مالیاتی ایران پس از سال ها افت نشان داده است، این نوع مالیات نیز مانند مالیات بر درآمد و سایرمالیات های مستقیم در این دو سال نه تنها کاهش نداشته بلکه با رشد مثبت مواجه بوده اند. (شمس الدینی و شهرکی، ۱۳۹۵: ۸۶)

مالیات بر واردات: مالیات بر واردات، یکی از اقلام مهم درآمدهای مالیاتی کشورها را تشکیل می دهد .اگرچه سهم این مالیات در درآمدهای کشورهای پیشرفته صنعتی کاهش یافته است، ولی در مورد کشورهای در حال توسعه، این قلم مالیاتی بیشترین سهم را در درآمدهای مالیاتی این کشورها دارد. ((De Wulf (۱۹۹۹) همواره سهم عمده ای از درآمدهای مالیاتی در ایران مربوط به مالیات بر واردات بوده است . این نوع از انواع مالیات از سال ۷۴ تا ۸۹ روند فزاینده داشته است ولی در سال ۹۰ و ۹۱ این نوع مالیات ۲۹ درصد کاهش داشته که نسبتا زیاد است و بایستی علت این امر را جویا شد در حالی که در سال ۹۰ کل درآمدهای مالیاتی تنها نزدیک به ۲ درصد کاهش یافته است. (شمس الدینی و شهرکی، ۱۳۹۵: ۸۶)

۳- پیشینه تحقیق

موسوی و همکاران، (۱۳۸۴) ، « بررسی عوامل موثر بر سطح وصول درآمدهای مالیاتی در سیستم مالیاتی ایران »

در ایران پس از درآمدهای نفتی، عمده درآمد دولت در راه تامین مالی بودجه ، درآمدهای مالیاتی می‌باشد که از ان طریق سه هدف تخصیص منابع اقتصادی، توزیع مجدد درآمدها و تثبیت اقتصادی پیگیری می‌شود. در این مقاله سعی شده است تا از طریق رهیافت هم‌انباشتگی به بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت درآمدهای مالیاتی و متغیرهای کلان

اقتصادی موثر بر سطح وصول درآمدهای مالیاتی طی دوره ۱۳۳۸-۱۳۸۰ پرداخته است که نتایج حاکی از ان بود که به دلیل عدم وجود شاخص بندی مالیاتی در مقابل ساختار تورم اقتصاد ایران قسمت قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی به زیان مالیاتی تبدیل می‌شود که این عامل نیز در گسترش کسری بودجه دولت نقش اساسی ایفا می کند. لذا برای رهایی از این مشکل بایستی درامدهای مالیاتی در مقابل تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها شاخص‌بندی(تورم زایی) شود. با توجه به‌این‌که شاخصه اصلی یک نظام مالیاتی کارا بالا بودن سهم درآمدهای مالیاتی از تولید ناخالص داخلی است لذا سیستم مالیاتی بایستی طوری عمل کند که در جهت گسترش پایه مالیاتی حرکت نماید و این امر نیز از طریق حذف معافیت‌های مالیاتی و وصول به موقع درآمدهای مالیاتی به وسیله کوتاه ساختن دوره‌های مالیاتی محقق می‌شود.

اسلالوئیان و خلیل نژاد، (۱۳۹۴) «بررسی رابطه انحرافات نرخ ارز و ماندگاری تورم در ایران»، فرضیه این مقاله به این صورت است که انحرافات نرخ ارز از کانال تاثیر بر تورم برای اقتصاد ایجاد هزینه می کند مطابقت دارد همچنین مشاهده می‌شود که افزایش نرخ ارز با ماندگاری تورم همراه است که نتایج حاصل از این مقاله بیان می کند که

۱) عملکرد تورم از یک الگوی غیر خطی خود توضیحی آستانه ای پیروی می کند.

۲)نتایج این مشاهدات شواهد چندانی را بر وجود رابطه یک به یک میان انحرافات نرخ ارز و عملکرد تورم می‌باشد همچنین نتایج نشان می‌دهد که علاوه بر بزرگی انحرافات جهت انها نیز بر رفتار تورم تاثیر دارد.

۳)مهمترین یافته این تحقیق ان است که چنانچه نرخ ارز اسمی توام با انحرافات نرخ ارز افزایش ناگهانی یابد با وضعیت ماندگاری تورم مواجهیم و در صورتی که این افزایش به مقدار کمی به‌طور آهسته رخ دهد تورم غیر ماندگار می‌باشد.

۳) گرایی نژاد و چپردار، (۱۳۹۱)«بررسی عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران»

در ایـن تحقیـق بـا اسـتفاده ار داده‌هـای سـری زمانـی در ایـن دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۷ اصلـی تریـن عامـل موثـر بـر نسـبت مالیات‌هـا بـه تولیـد تولیـد ناخالـص داخلـی بـه عنـوان شـاخص مقبـول در مطالعـات جهانـی بررسـی شـده اسـت کـه در ایـن روش تحلیلی-توصیفـی و اقتصـاد سـنجی بـه روش ols نشـان داد کـه تاثیـر سـهم ارزش افـزوده بخـش کشـاورزی از GDP و سـهم درآمدهـای نفتـی از بودجـه عمومـی بـر درآمدهـای مالیاتـی منفـی و معنـی دار اسـت. اولیـن پیامـد وضـع معافیت‌هـای مالیاتـی کاهـش پایـه مالیاتـی می‌باشـد. بـه عبـارت دیگـر هـر چـه میـزان ایـن فعالیت‌هـا بیشـتر باشـد پایـه محدودتـر و بـه تبـع آن درآمدهـای مالیاتـی دولـت کمتـر خواهـد بـود. بنابرایـن مناسـب تـر اسـت بـا حـذف معافیت‌هـای مالیاتـی در برخـی از محصـولات و بـه کار گیـری درآمـد ناشـی از حـذف آن، رشـد و گسـترش فعالیـت همـان بخـش از طریـق افزایـش اعتبـارات عمرانـی تضمیـن شـود.

۴) وصالیـان و همـکاران، (۱۳۸۹) «بررسـی ارتبـاط درآمدهـای مالیاتـی و کسـری بودجـه دولـت در اقتصـاد ایـران» در ایـن پژوهـش سـعی شـده سـعی شـده اسـت تـا ابتـدا بـا اسـتفاده از ازمـون علیـت گرنجـر دو متغیـره رابطـه علـی و معلولـی بیـن درآمدهـای مالیاتـی کسـری بودجـه -بـا احتسـاب درآمدهـای نفتـی و بـدون احتسـاب درآمدهـای نفتـی- و درآمدهـای نفتـی را مـورد ازمـون قـرار دهـد کـه نتایـج بدسـت آمـده بـه ایـن صـورت اسـت کـه طبـق نتایـج ازمـون یـک رابطـه علیـت دو طرفـه بیـن درآمدهـای مالیاتـی و کسـری بودجـه بـدون نفـت وجـود دارد و نشـان می‌دهـد فرضیـه همزمانـی مالـی در مـورد مالیـات و کسـری بودجـه بـدون نفـت بـه قیمت‌هـای جـاری صـادق اسـت امـا در مـورد کسـری بودجـه بـا احتسـاب درآمدهـای نفتـی نتایـج نشـان‌دهنده وجـود رابطـه علیـت گرنجـر از جانـب مالیات‌هـا بـه سـمت کسـری بودجـه بـا نفـت می‌باشـد در حالیکـه کسـری بودجـه بـا نفـت علیـت گرنجـر درآمدهـای مالیاتـی نیسـت.

۴- عوامل موثر بر درآمدهای مالیاتی

۴-۱- درآمدهـای نفتـی در ایـران: اتـکا و اعتمـاد بـه درآمدهـای نفتـی ایـن درآمدهـا سـهم عمـده‌ای از درآمدهـای کشـور را تشـکیل می‌دهنـد مدیریـت مالـی کوتـاه مـدت تنظیـم برنامـه میان‌مـدت و کارآمـدی و بـه کارگیـری منابـع عمومـی را بـا مشـکل روبـرو مـی سـازد بیشـتر چالش‌هـا در ایـن زمینـه از بـی ثباتی‌هـا و غیـر قابـل پیـش بینـی بـودن قیمـت نفـت ناشـی می‌شـود. تغییـرات چشـمگیر و غیـر قابـل پیـش بینـی در مخـارج دولت‌هـای نفتـی و کسـری‌های غیـر نفتـی آن کشـورها تقاضـای کل در آن‌هـا را بـا بی‌ثباتـی همـراه می‌کنـد و جـو نـا اطمینانـی را در آن‌هـا تشـدید کـرده و اقتصـاد کلان را متلاطـم مـی سـازد. بـی ثباتـی در مخـارج دولـت و الگـوی کسـری‌های غیـر نفتـی هزینه‌هـای سـنگینی را بـر اقتصـاد ملـی تحمیـل می‌کنـد تجدیـد منابـع جامعـه را بـرای سـازگاری بـا تغییـرات تقاضـا و قیمتهـا بـرای نمونـه تخصیـص نسـبی شـده آمـاده می‌کنـد موجـب نوسـانات نـرخ واقعـی ارز می‌شـود و ریسـک سـرمایه گـذاری در بخـش خصوصـی سـرمایه گـذاری در بلنـد مـدت را بـا مشـکل مواجـه مـی سـازد لـذا موجـب کاهـش سـرمایه گـذاری بخـش خصوصـی و رشـد بخـش غیـر نفتـی کشـور می‌شـود و بـار اشـتغال زایـی و تولیـد دولـت را مضاعـف می‌کند(گرایـی نـژاد و چپـردار،۱۳۹۱)

۴-۲- کشـــاورزی: بخـش کشـاورزی یکـی از مهمتریـن بخش‌هـای اقتصـادی اسـت کـه تامین‌کننـده حـدود یـک چهـارم اشـتغال یـک سـوم صـادرات غیـر نفتـی و در نهایـت یـک چهـارم تولیـد ناخالـص داخلـی است در حـال حاضـر سـالانه میلیاردهـا ریـال بـه طریـق مختلـف صـرف حمایـت از بخـش کشـاورزی می‌شـود ابزارهـای حمایتـی اغلـب شـامل پرداخـت یارانـه غیـر مسـتقیم بـه نهادهـای مـورد نظـر نظیـر کـود شـیمیایی در ماشـین آلات پرداخـت خسـارت بـه تولیدکننـدگان محصـولات کشـاورزی پرداخـت بخشـی از حـق بیمـه محصـولات کشـاورزی خریـد تضمینـی معافیت‌هـای مالیاتـی و غیـره اسـت. بـا توجـه بهاین‌کـه ایـن بخـش سـهم بالایـی از تولیـد ناخالـص داخلـی را دارا می‌باشـد و نیـز درصـد بالایـی از محصـولات ایـن بخـش معـاف

از مالیات هستند بنابراین به نظر می‌رسد که سهم این بخش از عوامل موثر و تعیین کننده میزان درآمدهای مالیاتی است.(گرایی نژاد و چپردار،۱۳۹۱)

۳-۴- نرخ ارز: نرخ ارز را به عنوان تأثیرگذار بر واردات، صادرات، درجه باز بودن اقتصاد و محدودیتهای وارداتی می‌توان شمرد .

۴-۴- فرار مالیاتی: اقتصاد سیاه یا زیر زمینی با زیر سوال بردن عدالت افقی و عمودی نظام مالیاتی پایه‌های نظام اقتصادی کشور را متزلزل می سازد و دولت را در تحقق اهدافش ناتوان می نماید فرار مالیاتی یکی از اساسی‌ترین مشکلات هر نظام مالیاتی محسوب می‌شود که ضرورت دارد ضمن ریشه یابی عوامل موثر در شروع این پدیده مخرب اقتصادی شناسایی و در رفع آن برنامه ریزی شود در شناسایی عوامل موثر در پدیده فرار مالیاتی بایستی دقت شود که این معضل فقط ریشه اقتصادی نداشته و در کنار علل اقتصادی سایر عوامل اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی میزان پذیرش و مقبولیت آحاد جامعه فرهنگی و سیاسی و حاکمیتی باید مد نظر قرار گیرد.(گرایی نژاد و چپردار،۱۳۹۱)

۵-۴- توزیع درآمد: این‌که مجموع تولید ملی چگونه بین آحاد مقیم در یک کشور توزیع می‌شود اثرات قابل توجهی بر میزان مالیات خواهد داشت.

(گرایی نژاد و چپردار،۱۳۹۱)

۶-۴- فرهنگ مالیاتی: فرهنگ به مجموعه‌ای از باورها اعتقادات گرایش‌ها اندیشه‌ها هنجارها ارزشها و غیره اطلاق می‌شود این مجموعه در هر جامعه ای وجود دارد و در واقع قالب هویتی فرد و جامعه را تشکیل می‌دهد فرهنگ مالیاتی را می‌توان مجموعه ای از طرز تلقی بینش و عکس‌العمل اشخاص در قبال سیستم مالیاتی دانست بنابراین یکی از شاخص‌های مهم توسعه یافتگی وجود فرهنگ بسیار نیرومند و خلل ناپذیر پرداخت مالیات به دولت است تا حدی که طفره رفتن از پرداخت مالیات در کشورهای توسعه‌یافته به هر دلیل و بهانه و یا عدم اعلام دقیق میزان درآمد سالانه در فرهنگ اجتماعی شهروندان آن‌ها

عمل زشت و ناپسند و غیرقابل گذشت محسوب می‌شود. (گرایی نژاد و چپردار،۱۳۹۱)

۷-۴- تولید ناخالص داخلی: تولید ناخالص داخلی را نیز می‌توان به عنوان پایه مالیاتی محاسبه کرد.

می‌توان بیان کرد که کشش درآمدی اجزای اصلی مالیات مستقیم از جمله مالیات بر شرکتها، مالیات بر درآمد و سایر مالیات‌های مستقیم کوچکتر از یک و کشش درآمدی اجزای اصلی مالیات‌های غیرمستقیم شامل مالیات بر مصرف و فروش و مالیات بر درآمد به ترتیب یکی کمتر و یکی بیشتر از یک است، به عبارتی یک درصد افزایش در پایه مالیاتی مالیات بر مصرف و فروش مانند مالیاتهای مستقیم، درآمدهای مالیاتی مربوطه را کمتر از یک درصد افزایش می‌دهد، ولی مالیات بر واردات متفاوت از دیگر مالیات‌ها عمل کرده و ۱ درصد افزایش در پایه مالیاتی بیش از یک درصد مالیات مربوطه را افزایش میدهد در ضمن بهبود در نظام مالیاتی در بخش‌های مالیات بر مصرف و فروش و سایر مالیات‌های مستقیم در افزایش درآمدهای مالیاتی موثر تر از بقیه بخش‌هاست از این‌رو توجه به ساختار نظام مالیاتی در این بخش‌ها می‌تواندولت را سریعتر به هدف افزایش درآمد مالیاتی برساند(شمس الدینی و شهرکی، ۱۳۹۵: ۸۶)

۵- وضع موجود ساختار و درآمدهای مالیاتی در ایران

با یک نگاه عمومی و گذرا به وضعیت دولت و مالیات ایران امروز، ناکارآمدی مالیاتی بسیار جدی است. در حال حاضر نسبت مالیات به تولید ناخالص در پایین ترین سطح درصد تولید ناخالص ۶٫۵ نسبی خود رسیده است (کم تر از داخلی). مفاسد اقتصادی در کشور به میزان غیر قابل توجیهی نائل گردیده است. همچنین بیماری هلندی و دولت رانتی بر نظام اقتصادی مسلط گردیده است. سرانجام دستگاه مالیاتی کشور فاقد شرایط استاندارد به عنوان ابزار تامین هزینه‌های دولتی بوده، بالای ۶۰ درصد هزینه‌های ، مربوطه

از راه نفت و نه از راه مالیات تامین میگردد. در نتیجه بین وضع موجود دولت و مالیات با وضع استاندارد و مطلوب شکاف بسیار عمیقی وجود دارد. (دادگر و نظری، ۱۳۹۲)

وابستگی اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی از صادرات نفت خام و وجود انحصارات و رانتهای ناشی از آن در بخشهای مختلف اقتصاد، باعث شده است تا مالیاتها همواره سهم اندکی از درآمدهای دولت را تشکیل دهند. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد از درآمدهای دولت متاثر از فروش نفت خام یا سایر درآمدهایی بوده است که آن‌ها نیز به طریقی به درآمدهای نفت وابسته هستند.

یکی از مشکلات نظام مالیاتی ایران، تصویب ارقام دور از واقعیت در قوانین بودجه سالیانه حوزه مالیاتی است. در چند سال گذشته علی رغم عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده برای سال جاری، دولت در ارقام لایحه بودجه سال آینده ارقام درآمدی را با افزایش قابل توجه پیش بینی میکند و در مواردی حتی مجلس به ارقام ذکر شده بدون توجه به درصد تحقق سال قبل می افزاید. (ابریشمی و رحمانی، ۱۳۹۱)

برای حذف درآمد نفتی و جایگزینی درآمد مالیاتی، هرچند کاهش درآمد نفتی با ضریب منفی نسبت به درآمد مالیاتی، منجر به افزایش درآمد مالیاتی خواهد گشت. با کاهش درآمد نفتی و افزایش درآمد مالیاتی می‌توان تا حدودی کاهش در کل درآمدهای دولت را جبران کرد. بدین معنی که حذف درآمد نفتی ملزم به افزایش در درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای دولت و افزایش تولید خالص داخلی می‌باشد، که در این صورت منجر به خوداتکایی و کاهش وابستگی‌های خارجی و رسیدن به اقتصاد مقاومتی خواهد گردید. کاهش در درآمد نفتی مستقیما بر روی یکی از عمده ترین منابع درآمد مالیاتی که مالیات واردات است، تاثیر خواهد گذاشت. کاهش این نوع مالیات منجر به کاهش درآمدهای مالیاتی گشته و باید از طریق تمرکز بر سایر منابع مالیاتی، کاهش معافیت‌های عظیم مالیاتی و فرار مالیاتی، توجه به مالیات عمومی بر مصرف، مالیات ستانی درست و مناسب

پایه‌هـای مالیاتـی موجـود میـزان پایـه مالیاتـی کل را افزایـش داد.اسـتفاده بیشـتر از درآمدهـای مالیاتـی، مشـکل نوسـانات قیمـت نفـت و تاثیـرات سـوء آن را کاهـش می‌دهـد و درآمـد قابـل اتکاتـری نسـبت بـه درآمـد نفتـی پدیـد می‌آیـد. (رنجبـر و همـکاران، ۱۳۹۵: ۳۷)

۶- مفهوم نرخ ارز

مطالعـات انجـام شـده در مـورد کشـورهای در حـال توسـعه، رابطـه‌ای منفـی بـین درآمـدهای مـالیاتی ایـن کشـورها و نـرخ ارز رسـمی را بیـان می‌کنند.بـا فـرض ثبـات سـایر شـرایط افزایـش نـرخ ارز رسـمی واقـعی(کاهش واحـد پـول در برابـر ارز خارجی)بـه کاهشـی در نسـبت مالیـات بـه تولیـد ناخالـص داخلـی مـنتهی مـی‌شود. وجـود نـرخ ارز بسـیار بـالا حاکـی از وجـود نسـبت مالیاتـی بسـیار پایین‌تـر اسـت. در ایـن میـان می‌تـوان بـه دو اثـر از افزایـش نـرخ مبادلـه ارز کـه یکـی اثـر مسـتقیم و دیگـری اثـر غیـر مسـتقیم اسـت، اشـاره دارد.در ادامـه بـه آثـار مسـتقیم برقـراری نـرخ ارز بـالا پرداختـه می‌شود.(موسـوی و همـکاران، ۱۳۸۴) امـا در اینجـا می‌تـوان بایـد در ابتـدا نـرخ ارز و عوامـل موثـر بـر آن را بازگـو کنیـم و پـس از آن بـه نحـوه تاثیـر گـذاری نـرخ ارز بـر میـزان درآمدهـای مالیاتـی خواهیـم پرداخـت.

نـرخ ارز را می‌تـوان بـه عـنوان قیمـت واحـد پـول ملـی بـر حسـب پـول خارجی(ارز)تعریـف کـرد. عرضـه و تقاضـا در بازارهـای بـورس منجـر بـه ایـجاد نـرخ اسـمی ارز در یـک نقطـه زمانـی می‌شـود.وقتی تقاضـا و عرضـه در بـازار بورس انتقال یـابند، بـسته بـه سیسـتم ارزی کشـور،ممکن اسـت نـرخ ارز تغییـر کنـد . باتوجـه بـه نـرخ پـول خارجـی، افزایـش نـرخ یـا قیمـت ارز، یعنـی تقویـت ارزش رسـمی پـول[1]و کاهـش آن،یعنـی تضعیـف ارزش رسـمی پـول[2]. درواقـع، بـه دلیل‌این‌کـه نـرخ ارز بـه تـعداد واحدهـای پـول ملـی در هـر واحـد از پـول خارجـی تعریـف می‌شـود، دراین‌صـورت، تقویـت ارزش رسـمی پـول ملـی بایـد بـا کاهـش نـرخ ارز و تـضعیف

۱- (Appreciation)

۲- (Deperciation)

آن بـا افزایـش نـرخ ارز مسـخص شـود.(Richard Barth, ۱۳۸۱)

۷- عوامل موثر بر نرخ ارز:

متغیرهـای کسـری بودجـه دولت(درصـدی از تولیـد ناخالـص داخلـی)، رابطـه مبادلـه، حجـم پول(درصـدی از تولیـد ناخالـص داخلـی)، مالیـات بـر واردات(درصـدی از کل واردات)، خالـص دارایی‌هـای خارجی(درصـدی از تولیـد ناخالـص داخلـی)و قیمتهـای نفتـی در تبییـن رفتـار نـرخ ارز واقعـی در اقتصـاد ایـران، نقـش مؤثـری ایفـا می‌کننـد.

در اقتصادهـای مبتنـی بـر درآمدهـای نفتـی نظیـر اقتصـاد ایـران، شـوک مثبـت رابطـه مبادلـه سـبب افزایـش درآمدهـای دولـت و در نتیجـه ایجـاد مـازاد بودجـه دولـت می‌گـردد و نیـل بـه ایـن مـنظور نیـز نیازمنـد افزایـش نـرخ ارز اسـت.در مـورد کسـری بودجـه دولـت نیـز بایـد گفـت کـه تقویـت سیسـتم مالـی دولـت کـه بـا افزایـش پـس انـداز ملـی همـراه اسـت، نـرخ بـهره واقعـی را کاهـش داده و بـه تبـع آن، نـرخ واقـعی ارز را کاهـش می‌دهـد.در ضمـن، در اقتصـاد ایـران، افزایـش قیمـت واقعـی نفـت افزایـش ارزش پـول داخلـی را در پـی خواهـد داشـت. در واقـع ایـن متغیـر از طریـق اثـر گـذاری بـر قیمـت کالاهـای تجـاری و مـتعاقب آن، کـسری بودجـه دولـت بـر نـرخ ارز تـأثیرگذار اسـت.متغیر سیاسـت پولی(حجـم پول)نیـز بـر نـرخ ارز نقـش مؤثـری ایفـا می‌کند.اجـرای سیاسـت پولـی در رژیـم نـرح ارز واقعـی ثابـت، قیمـت کالاهـای غیـر تجـاری را بـا نـرخ سـریع‌تری در مقایسـه بـا قیمـت کالاهـای وارداتـی افـزایش داده و بـه تبـع آن، زوال حسـاب جـاری و کاهـش ذخایـر خارجـی را در پـی خواهـد داشـت، و در نهایـت نیـز نـرخ واقعـی ارز را افزایـش خواهـد داد.متغیـر دارایی‌هـای خارجـی و محدودیتهـای وارداتـی نیـز اثـر کاهنـده‌ای بـر نـرخ ارز در ایـران دارنـد. (صبـاغ کرمانـی و شـقاقی شـهری، ۱۳۸۴)

۸- تاثیر نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی

صادرات غیر نفتی از نرخ ارز واقعی تاثیر مثبت پذیرفته است و به عبارت دیگر افزایش نرخ ارز واقعی سبب بهبود صادرات می‌شود همچنین تولید ناخالص داخلی نیز تاثیر مثبت بر صادرات غیرنفتی داشته است ایش ظرفیت تولیدی کشور سبب رشد تولید در صنایع مختلف از جمله بخش‌های صادراتی می‌شود پس افزایش تولید علاوه بر تامین تقاضای داخلی افزایش ارزش صادرات را نیز به دنبال خواهد داشت افزایش درآمد جهانی هم سبب افزایش تقاضای صادرات غیر نفتی از جانب کشورهای عمده طرف صادرات شده است افزایش در رابطه مبادله و بهره‌وری نیروی کار نیز سبب افزایش انگیزه تولیدکنندگان در تولید کالای صادراتی شده است و در نتیجه صادرات غیرنفتی افزایش می یابد.
(دائی کریم زاده و همکاران، ۱۳۹۳)

۸-۱- تاثیر نرخ ارز بر روی واردات

اثر مستقیم افزایش ارزش واقعی نرخ ارز بر درآمدهای مالیاتی به رابطه بین نرخ ارز و مبنایی بر می‌گردد که بر حسب آن عوارض واردات مورد محاسبه قرار می گیرد .عوارض کالاهای وارداتی بر مبنای ارزش آن تعیین می شود؛ بنابراین با افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت کالاهای وارداتی، واردات کاهش می یابد .این فرآیند موجب افت یکی از مهم ترین منابع درآمدهای مالیاتی در کشورهای در حال توسعه می شود، یعنی برقراری چنین فرآیندی منجر به ضعف مالیات بر واردات می گردد .(خداویری، ۱۳۸۰)

در این کشورها مالیات بر صادرات نسبت به عوارض واردات، از اهمیت کم تری برخوردار است به‌طوری که در حدود ۵ درصد کل مالیات تمام کشورهای در حال توسعه و ۸ درصد کل درآمدهای مالیاتی فقیرترین کشورها را در بر می گردد.(تانزی،۱۳۷۵) زیرا مالیات بر صادرات، بر اساس ارزش صادراتی و بر حسب پول رایج داخلی تعیین می شود؛ لذا مبنای مالیاتی و در نتیجه درآمد

حاصل از آن، به دلیل اثر مستقیم افزایش بهای نرخ ارز کاهش خواهد یافت.
(عسگری و محمدی، ۱۳۷۷)

بعد دیگر کاهش واردات در اثر افزایش نرخ ارز، به کاهش تولیدات داخلی در کوتاه مدت بر می‌گردد. از آنجا که واردات کالاهای واسطه ای و سرمایه ای یک رکن اساسی تولید در کشورهای در حال توسعه را تشکیل می دهد، با گران تر شدن ارز توان تولیدکنندگان برای خرید ارز کم تر شده و در نتیجه با کم تر وارد کردن این نهاده ها، واکنش نشان می دهند .تقاضا برای کالاهای واسطه‌ای کاهش یافته و عرضه کالاهای داخلی کم خواهد شد .علاوه بر این، صادرات کالاهای ساخت داخل که بستگی به کالاهای واسطه ای دارند نیز با کاهش مواجه خواهد شد .از سوی دیگر ایجاد محدودیت در ترکیب کالاهای وارداتی کشور به نفع کالاهای واسطه ای و سرمایه ای، تأثیر منفی بر درآمدهای مالیاتی دارد؛ زیرا این کالاها نسبت به سایر کالاهای مصرفی وارداتی از نرخ مالیاتی پایینی برخوردارند .این تحولات بر مالیات های مستقیم و غیر مستقیم وصولی دولت، اثرات منفی هر چند خفیف دارد . از موارد تأثیر غیر مستقیم قیمت بالای نرخ ارز، می توان بـه افزایش سطح قیمت ها و توهمات تورمی اشاره کرد .تبدیل دارایی های داخلی به ارز خارجی یا اشیاء قیمتی، خروج سرمایه به صورت ارز و ...و در نهایت کاهش ارز در دسترس برای واردات و تولید از جمله موارد فوق است .همچنین افزایش معاملات بازار سیاه و غیر رسمی و کاهش معاملات رسمی، در صورت اعلام نرخ رسمی ارز در سطح پایین تر از نرخ تعادلی، از تبعات دیگر نرخ ارز بر درآمدهای مالیاتی است .بنابراین از این موارد می توان به ارتباط این متغیر کلان بر درآمدهای مالیاتی پی برد.
(شـمس الدینـی و شـهرکی،۱۳۹۵)

۲-۸- تاثیر نرخ ارز بر روی تولید داخلی

بـه علـت وابسـتگی شـدید تولیـد در کـشورمان بـه کالاهــای واسـطه ای وارداتــی مــخصوصاً در بخـش صنعـت ، افزایـش نرخ ارز هزینــه تولیــد را بــالا بــرده و بنابراین تولیـد و عرضه محصولات

را محـدود می‌سـازد. دوم ، کاهـش ارزش پـول ملـی منجربـه افزایـش رقابـت پذیـری کالاهـای صادراتـی شـده و بنـابراین تقاضـای خـارجی بـرای کالاهـای صادراتی افـزایش می یایـد. تغییر نـرخ ارز حقیقـی اثـر معنـاداری بـر واردات کالاهـای واسـطه ای بخـش کشـاورزی و در نتیجـه بـر ارزش افـزوده ایـن بخـش نـدارد، بـه عبارتـی بخـش کشـاورزی وابسـتگی اندکـی بـه کالاهـای واسـطه ای وارداتـی دارد. افزایـش نـرخ ارز حقیقـی واردات کالاهـای واسـطه ای بخـش صنعـت و معـدن کاهـش خواهـد یافـت ایـن بخـش بیـش از ۸۰ درصـد از واردات کالاهـای واسـطه ای را بـه خـود اختصـاص داده اسـت. همچنیـن در بخـش خدمـات تغییـرات نـرخ ارز حقیقـی هماننـد بخـش کشـاورزی اثـر معنـاداری بـر ارزش بخـش خدمـات نـدارد کـه ایـن نتیجـه بیانگـر خودکفایـی زیـاد بخـش خدمـات اسـت. افزایـش در نـرخ ارز حقیقـی واردات کالاهـای واسـطه ای مربـوط بـه کل بخش‌هـا را کاهـش خواهـد داد در نتیجـه منجـر بـه کاهـش ارزش افـزوده ایـن سـه بخـش خواهـد شـد. (مـروت و همـکاران، ۱۳۹۶)

۹- نحوه تاثیر گذاری نرخ ارز بر میزان درآمدهای مالیاتی دولت

۱-۹- تـأثیر بـر عوارض واردات

رابطـه بیـن سـطح نـرخ ارز واقعـی و مبنـای محاسـبه عـوارض واردات، مسـتقیم‌ترین پیونـدی اسـت کـه بیـن ارزش واقـعی نـرخ ارز و سـطح مالیـات برقـرار می‌شـود.عوارض واردات، اغلب با نرخ‌هـای مبتنـی بـر ارزش واردات وضـع می‌شـوند و پایـه مـالیاتی آن‌هـا بـر مبنـای قیمـت داخلـی رسـمی صـورت می‌گیـرد، قیمـت واقعـی، برحسـب قیمتهـای داخلـی، بـه نسـبت تـرقی نـرخ ارز کاهـش می‌یابد.چنانچـه کشـوری ارز خارجـی فراوانـی داشـته باشـد و یـا از دسترسـی نامحـدود بـه وامـهای خارجی برخوردار باشـد، کاهش قیمت داخلی مـحصولات وارداتـی مـرتبط با نرخ ارز بـالا ممکـن اسـت بـه حـجم وارداتـی بالاتـری بینجامـد کـه در صـورت بالاتـر بـودن کشـش قیمـت از یـک، می‌توانـد آثـار درآمـدی مـنفی نـاشی از بالاتـر بـودن نـرخ ارز را جبـران کـند.

بـا ایـن هـمه، ایـن حـالت در بلنـد مدت بـه ندرت پیـش مـی آید. (موسـوی و همـکاران،۱۳۸۴)

۲-۹- تـأثیر مالیات بر صادرات

برقـراری نـرخ ارز بـالا نـه تنهـا بـر درآمـد حاصـل از مـحل عـوارض واردات تأثیـر می گـذارد، بلکـه بـر درآمـد حاصـل از سـایر مالیاتهـا نـیز بـطور مستقیم اثـر می گذارد.بـا تـوجه بـه آنکـه مالیـات بـر صـادرات از روی ارزش صـادرات برحسـب پـول داخلـی وضـع می‌شـود، کاهـش پایـه مالیاتـی و در نـتیجه، کـاهش درآمـد از محـل مالیـات مذکـور، نـتیجه مـستقیم افـزایش نـرخ ارز خواهـد بـود.البـته لازم بـه ذکر اسـت کـه مـالیات بر صـادرات اهمیتـی کمتر از عـوارض واردات دارد؛زیـرا سـهم آن در کل درآمدهـای مالیاتـی مجمـوع کشـورهای در حـال تـوسعه، حـدود ۵ درصـد اسـت و بـه دلیـل تـشویق صـادرات در ایـران نـیز ایـن مـالیات وجـود ندارد.
(موسوی و همکاران،۱۳۸۴)

۳-۹- تأثیر بـر مالیاتهای غیر مستقیم

در کشـورهای در حـال توسـعه سـهم بزرگـی از مالیاهـای غیـر مسـتقیم، از طریـق واردات بدسـت می‌آیـد؛ زیـرا در بـسیاری از ایـن کشـورها بـه دلایـل مختلفـی بـخش مـهمی از تـولیدکنندگان داخـلی، یـا از پرداخـت مالیـات شـانه خـالی می کننـد و یـا وصـول از طریـق نرخهای پاییـن انجام می گیـرد. مالیـات بـر کالا و خدمات-بـه عنـوان جـزء دیـگر مـالیاتهای غـیر مسـتقیم کـه شـامل مالیاتهـای فـروش کلـی و جـزئی و مـالیاتهای مـربوط بـه کـالاهای داخـلی اسـت-حدود ۲۵۸ درصـد از کل درآمدهـای مالیاتـی کشـورهای در حـال توسـعه را تشـکیل می‌دهـد. رابطـه بیـن نـرخ ارز و مالیات-کـه در بـالا مـورد بحـث قـرار گرفت-ارتباطـی مسـتقیم بیـن ایـن دو متغیـر مـحسوب می‌شـود.با ایـن حـال نـرخ ارز بـالا از طریـق مجـاری غیـر مسـتقیم نیـز بـر مالیاتهـا تأثیـر می گـذارد کـه بـه برخـی از ایـن مجـاری اشـاره می کنیـم:

۱. برقـراری نـرخ ارز بـالا انگیزه‌هـای تولیـد کالاهـای صادراتـی و انـجام فـعالیتهای صادراتـی را

به مرور زمان کاهش می‌دهد.با کاهش حجم صادرات، دسترسی کشور به ارز محدودتر می‌شود و با کاهش موجودی ارز حجم واردات نیز کاهش می‌یابد؛در نتیجه درآمد حاصل از مالیاتها بر صادرات، عوارض واردات و مالیاتهای فروشی و مصرف داخلی کاهش خواهد یافت.با توجه بهاین‌که بخشی از درآمدها، وابسته به صادرات است، عواید حاصل از مالیات بر درآمد نیز کاهش خواهد یافت.

۲.برقراری نرخ ارز بالا احتمال کاهش‌های بزرگ آتی در ارزش پول را افزایش می‌دهد. بنابراین این احتمال وجود دارد که افراد در قبال این رویداد به برخی از اقدامات حمایتی دست بزنند که خارج کردن سرمایه از کشور یکی از این اقدامات است و یا تبدیل دارائیها به دلار و ذخیره آن‌ها در داخل کشور، یکی دیگر از این اقدامات است. این اقدامات موجودی ارزی برای واردات کالاها و خدمات را بیشتر کاهش می‌دهد.و از این‌رو پایه مالیاتی محدودتر خواهد شد.مجاری دیگری نیز وجود دارد که محدود کردن جریان کالاها و سرمایه‌ها و ایجاد اختلال در موازنه پرداختها از آن نوع محسوب می‌شود. (موسوی و همکاران،۱۳۸۴)

نتیجه‌گیری

با توجه به‌این‌که وضع ساختاری درآمدی کشور که متکی به نفت است و به همین دلیل از پویایی و ثبات کافی بهره مند نمی‌باشد لذا مفهوم درآمد مالیاتی مطرح می‌شود اما به دلیل ضعف نظام مالیاتی کشور این درآمدها نقش زیادی در رفع مشکلات کشور و همچنین پوشش هزینه‌های بودجه کشور نداشته است لذا در این مقاله با بررسی مبانی مالیات و مالیات ستانی و همچنین تمرکز بر تأثیر نرخ ارز بر میزان درآمدهای مالیاتی کشور نتایج زیر به دست آمده است:

۱. نرخ ارز می‌تواند با تأثیرگذاری بر واردات صادرات و درجه باز بودن اقتصاد بر میزان درآمدهای مالیاتی اثرگذار باشد.

۲. افزایش نرخ ارز سبب تاثیرگذاری بر تولید داخل خواهد بود و از طریق افزایش تقاضا برای صادرات، تولید ملی افزایش خواهد یافت

۳. با افزایش نرخ ارز واردات کاهش خواهد یافت که باعث کاهش درآمدهای مالیاتی از طریق واردات خواهد بود

۴. اما با همه اینها و برآورد کلی می‌توان گفت که اگر دولت بخواهد از افزایش نرخ ارز درآمدهای مالیاتی خود را بهبود دهد باید تا حدی نرخ ارز را افزایش دهند تا هزینه‌های تولید کالاهای داخلی افزایش شدیدی پیدا نکند و به سطح تولید ملی لطمه وارد نشود.

منابع و مآخذ

۱. ابریشمی، حمید و همکاران، ۱۳۹۱، تنوع بخشی در درآمدهای مالیاتی دولت در ایران با هدف ثبات درآمدی با استفاده از رویکرد تئوری پرتفوی، مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران، شماره ۳ ،صفحه ۱ تا ۲۶

۲. اسلاموئیان کریم و زهرا خلیلی نژاد، ۱۳۹۴ ،بررسی رابطه انحرافات نرخ ارز و ماندگاری تورم در ایران، تحقیقات مدلسازی اقتصادی ،شماره ۱۱، از صفحه ۱۵۳ تا ۱۹۲

۳. بیگ پور، محمد علی، ،۱۳۸۶ درآمدهای مالیاتی و میزان مالیات تعیین شده در قانون بودجه هر سال، شماره ۳۷ ، از صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۰

۴. خداویری ،احمد ،۱۳۸،۰ تحلیل اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر درآمدهای مالیاتی با استفاده از تکنیک هم انباشتگی، شماره ۱، از صفحه ۱۴۹ تا ۱۸۰

۵. دادگر یدالله و همکاران، ۱۳۹۲ ،دولت و مالیات بهینه در اقتصاد بخش عمومی و کارکرد دولت و مالیات در ایران ،شماره ۵

۶. رنجبر همایون و همکاران، ،۱۳۹۵ امکان جایگزینی درآمدهای مالیاتی با درآمدهای نفتی(مطالعه موردی در ایران) ،شماره ۱۹ ،از صفحه ۲۷ تا ۳۸

۷. سعید دائی کریم زاده، سعید و همکاران، ۱۳۹۳ ،بررسی تاثیر نرخ ارز واقعی بر صادرات غیر نفتی ایران، شماره ۲۹ ،از صفحه ۱۵۱ تا ۱۶۸

۸. شمس الدینی مصطفی و جواد شهرکی، ،۱۳۹۵ بررسی عوامل موثر بر میزان درآمدهای مالیاتی در ایران، شماره ۱۵ ،از صفحه ۷۷ تا ۱۱۶

۹. صباغ کرمانی و همکاران، ۱۳۸۴، عوامل موثر بر ارز واقعی در ایران(رهیافت خود رگرسیون برداری) ،شماره ۱۶ ،از صفحه ۳۷ تا ۷۶

۱۰. عسگری منوچهر و تیمور محمدی، ۱۳۷۷، هم انباشتگی: مفاهیم، اهمیت اقتصادی و

نقـاط قـوت و ضعـف ،شـماره ۳، از صفحـه ۲۷ تـا ۵۷

۱۱.کردبچـه، محمـد، ۱۳۷۵، بررسـی درآمدهـای مالیاتـی در ایران(قسـمت دوم) ، شـماره ،۶ از صفحـه ۳۱ تـا ۷۱

۱۲.گرایـی نـژاد غلامرضـا و الهـه چپـردار، ۱۳۹۱ ،بررسـی عوامـل موثـر بـر درآمدهـای مالیاتـی در ایران،فصلنامـه علـوم اقتصـادی ،شـماره ۲۰ ،صفحـه ۷۰ تـا ۹۲

۱۳. مـروت حبیـب و همـکاران، ۱۳۹۶ ،بررسـی آثـار تغییـرات نـرخ ارز بـر تولیـد بخش‌هـای مختلـف اقتصـاد ایـران ،شـماره ۹۱ ،از صفحـه ۲۰۳ تـا ۲۳۲

۱۴. موسـوی، میـر حسـین و همـکاران، ۱۳۸۴، بررسـی عوامـل موثـر بـر سـطوح وصـول درآمدهای مالیاتـی در سیسـتم مالیاتـی ایـران ،شـماره ۱۷ ،از صفحـه ۱۶۱ تا ۱۸۸

۱۵. مومنـی وصالیـان هوشـنگ و همـکاران، ،۱۳۸۹ بررسـی ارتبـاط درآمدهـای مالیاتـی و کسـری بودجـه دولـت در اقتصـاد ایـران، مجلـه علـوم اقتصـادی، شـماره ۱۱ ، صفحـه ۱۷۷ تـا ۲۰۰

نقش فساد اداری بر گسترش قاچاق کالا و ارز در ایران

زینب تلخابی[۱]

چکیده

موضوع فساد اداری از جمله معضلاتی است که تقریبا تمامی جوامع به‌طورکم و بیش با آن مواجه می باشند . فساد اداری از جمله پدیده‌های سازمانی است که روند توسعه کشورها را به‌طور چشمگیری با چالش مواجه ساخته و موجب شکل گیری مشکلات و بحران‌های اساسی در سراسر جامعه شده است. آنچه در تعریف‌های فساد به صورت مشترک وجود دارد، نوعی هنجارشکنی و تخطی از هنجارهای اخلاقی و قانونی در عملکرد اداری و سازمانی است و از این‌رو است که فساد اداری و تعریف آن تابعی از هنجارهای مورد قبول در هر جامعه و فرهنگ میباشد. مهمترین علل فساد اقتصادی در بخش عمومی به تصدی دولت در اقتصاد مربوط می‌شود و شامل نرخ‌های چندگانه ارزی و محدودیت‌های تجاری و دستمزد پایین در خدمات دولتی می‌باشد و این امر تاثیر بسزایی در امر قاچاق کالا و ارز در ایران دارد. قاچاق کالا به عنوان یک پدیده نامطلوب اقتصادی و معضلی ملی ابعاد مختلفی به خود گرفته، عوامل متعددی در شکل گیری آن دخیل‌اند و بی‌تردید گام نخست در رفع و مبارزه با این عوامل شاسایی آن‌ها می‌باشد. قاچاق در ایران به دلایلی غیر از فقر اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... صورت می گیرد و وقوع این پدیده عوامل دیگری چون ضعف سیستم‌های مدیریتی، قانون‌گذاری، تفاوت قیمت کالاها در دو طرف مرز، تفاوت کیفیت بارز کالاها در دو طرف مرز، پایین بودن و نادیده گرفتن جریمه‌ها و سهل‌انگاری‌ها و کاستی‌هایی از این قبیل دخیل هستند. تولید بدون اخذ مجوز از مراجع ذی صلاح و بازرگانی بدون ثبت در دفاتر رسمی با پنهان کردن این نوع معاملات از چشم ماموران

۱. دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

zeinab.ta72@gmail.com

داخلی و گمرکی و عرضه کار بدون مجوز در بازار برای نپرداختن بیمه‌های تامین اجتماعی و مالیات و دستکاری در اسناد دولتی و جعل آن‌ها ،رشوه خواری و... همگی از اشکال قاچاق است . یکی از مهم‌ترین عوامل کارایی و کارآمدی هر نظام اقتصادی، شفافیت آن نظام در ابعاد مختلف است و رسیدن به مسئله مهم همواره از دغدغه‌های اقتصاد دانان بوده است به‌طوری که عدم شفافیت سیستم اداری و بروکراسی آن در نظام بانکی و گمرکی عامل تاثیر گذار در پدیده قاچاق کالا در ایران شناخته شده است. سود بالای حاصل از قاچاق باعث تشدید روند افزایش قاچاق در ایران شده است که در این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی به بررسی فساد اداری و نقش آن در بروز پدیده قاچاق پرداخته شده است

واژگان کلیدی: فساد اداری ، قاچاق ، دولت ، پیشگیری.

مقدمه

تجربه‌هـای به‌دسـت آمـده از کشـورهای مختلـف نشـانگر ایـن اسـت کـه فسـاد امـری پیچیده،پنهـان ومتنـوع اسـت .از ایـن‌رو مبـارزه بـاآن نیـز بایـد امـری مسـتمر، طولانـی وپیچیـده باشـد. درحقیقـت، فسـاد (در ابعـاد اداری و ابعـاد دیگـر جامعـه) ماننـد عفونـت اسـت کـه اگـر بـه انـدام و پیکـر جامعـه راه یابـد ،اعضـای آن را یکـی پـس از دیگـری عفونـی کـرده واز کار مـی انـدازد وچـه بسـا گسـترش ایـن عفونـت،کل پیکـره جامعـه را فاسـد کنـد.

رشـد اقتصـادی و افزایـش رفـاه مـردم هـدف نهایـی کلیـه نظام‌هـای اقتصـادی محسـوب می‌شـود و ایـن رشـد زمانـی تحقـق پیـدا می‌کنـد کـه فسـاد اقتصـادی درکشـورها بـه حداقـل خـود برسـد . اصطـلاح فسـاد بـه معنـی شکسـتن اسـت بنابرایـن در فسـاد چیـزی مـی شـکند ویـا نقـض می‌شـود ایـن چیـز ممکـن اسـت یـک شـیوه رفتـاری یـا اخلاقـی یـا قانونـی یـا گاهـی مقـررات اداری باشـد. فسـاد در حـال حاضـر پدیـده ای فراگیـر اسـت کـه تمامـی کشـورها اعـم از کشـورهای توسـعه یافتـه و در حـال توسـعه بـا آن مواجـه اسـت و یکـی از اهـداف دولت‌هـا مبـارزه بـا آن اسـت. امـا ازآن جایـی کـه فسـاد پدیـده ای انتزاعـی اسـت دشـواری‌های زیـادی در مواجـه بـا ایـن پدیـده ایجـاد کـرده اسـت کـه می‌تـوان بـه دشـواری سـنجش و اندازه‌گیـری ایـن پدیـده اشـاره کـرد. انـواع فسـادهای اقتصـادی در سراسـر جهـان بـه خصـوص در کشـورهای در حـال توسـعه به‌طـور پررنـگ تـری دیـده می‌شـودکه ازجملـه ایـن فسـادها می‌تـوان بـه پولشـویی ، رشـوه و قاچـاق کالا و ارز اشـاره کـرد . قاچـاق به‌طـور کلـی بـه معنـای نقـل و انتقـال مخفیانـه وغیـر قانونـی هـر شـیء بـا قصـد اجتنـاب از شـناخته شـدن و مصـادره شـدن یـا پرداختـن مالیـات اسـت وهمچنیـن آنچـه قاچـاق میشـود ممکـن اسـت غیـر قانونـی نباشـد(ماننـد: قانـون حمایـت ازکولربرهـا) امـا نقـل وانتقـال مخفیانـه آن جـرم محسـوب می‌شـود ماننـد وقتـی کـه مقادیـر زیـادی پـول نقـد بـرای پولشـویی قاچـاق می‌شـود یـا کالاهـای مشـمول مالیاتـی کـه خـارج از کشـورها خریـداری می‌شـوند بـه قصـد پرداخـت عـوارض آن از دیـد مامـوران گمـرک مخفـی نگـه داشـته می‌شـوند.

قاچاق کالا بخشی از اقتصاد کشورهاست که با هدف سودآوری از سوی عوامل تجارت غیر قانونی انجام می‌شود .قاچاق به دلیل ماهیت پنهان آن در آمارهای رسمی کشور ثبت نمی‌شود و براین اساس وجود آن موجب پنهان ماندن بخشی از عملکرد اقتصادی خواهد شد. این واقعیت می‌تواند کارکرد سیاست‌های تخصیصی و توزیعی دولت‌ها را در عمل با مشکل مواجه سازد .

اصطلاح فساد اداری که آن را در برابر سلامت اداری به کار می برند، مدت زیادی است که مورد توجه اندیشمندان و صاحبنظران مختلف سازمانی قرار گرفته و تلاش کرده اند با ارائه تعاریف منطبق با اصول سازمانی در جهت رفع آن گام بردارند که وجه اشتراک اغلب تعاریف ارائه شده درباره فساد دستگاه‌های دولتی را می‌توان رشوه و سو استفاده از موقعیت شغلی برای نفع شخصی دانست. پیامدهای فساد اداری نیز در قالب معضلات وناهنجاری‌هایی همچون سو استفاده از موقعیت شغلی ،ارتشا واختلاس ،کلاهبرداری ،پارتی‌بازی بی عدالتی ،باج خواهی ،ایجاد نارضایتی برای ارباب رجوع (ذینفع‌ها)،سرقت اموال و دارایی‌ها سازمان،فروش اطلاعات سازمان به دیگران و نظایر آن به صورت فردی،گروهی وسازمان یافته پدیدار می‌گردد. عوامل و زمینه‌های گوناگونی وجود دارند که می‌تواند موجب پیدایش وگسترش وترویج فساد اداری به صورت بالقوه وبالفعل شوند. برمبنای این عوامل وزمینه‌ها می‌توان راه‌هایی را شناسایی کرد که اثر بیشتری درکاهش وحذف پدیده فساد اداری در سازمان دارند .اگر یک سازمان را به صورت یک سیستم در نظر بگیریم ،این سیستم از خرده سیستم‌های گوناگونی تشکیل شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها خرده سیستم منابع انسانی است .بر همین اساس درمبارزه با پدیده فساد اداری ،تمرکز بر روی عواملی که مستقیما به بعد منابع انسانی سازمان مربوط می‌شود، می‌تواند تاثیر بیشتری در کاهش یا حذف فساد اداری در سازمان داشته باشد هر چند که عوامل سازمانی دیگری همچون ،شفافیت قوانین اداری و...در این زمینه موثرند.

عـدم وجـود شـفافیت در سیسـتم اداری بیـن کارکنـان می‌توانـد یکـی از عمـده عوامـل فسـاد دسـتگاه اداری باشـد کـه در بخـش گمرکـی ایـن عـدم شـفافیت باعـث بـروز پدیـده قاچـاق می‌شـود . قاچـاق کالا می‌توانـد اثـر اخلاقـی – سیاسـی و اجتماعـی داشـته باشـد.هدف از انجـام ایـن پژوهـش ایـن اسـت کـه پدیـده قاچـاق کالا در کشـورما عـلاوه بـر آثارمخـرب اقتصـادی بـه عنـوان یـک چالـش اقتصـادی اجتماعـی حائزاهمیـت اسـت . امـروزه ایـن پدیـده عـلاوه براین‌کـه بـه عنـوان یـک تهدیـد جـدی برسـر راه تجـارت آزاد اسـت.هزینه‌های زیـادی نیـز بـر بدنـه اقتصـادی کشـور تحمیـل می‌کنـد . قاچـاق کالا از یـک سـو درآمـد گمرکـی و مالیاتـی دولـت را کاهـش می‌دهـد واز طرفـی سـبب خـروج بـی حاصـل ارز،خـروج سـرمایه ، افزایـش بیـکاری ،کاهـش تولیـدات داخلـی و... می‌شـود. در اقتصـاد سـالم تمامـی فعالیت‌هـای اقتصـادی ثبـت وضبـط می‌شـود امـا دسـته ای از فعـالان اقتصـادی مایـل بـه انجـام چنیـن امـری نیسـتند ولـذا موجبـات شـکل‌گیری اقتصـاد زیرزمینـی یـا اقتصـاد سـیاه را بـه وجـود می‌آورنـد. از مهم‌تریـن مصادیـق اقتصـاد زیرزمینـی پدیـده قاچـاق کالا و ارز اسـت کـه نظـام اطلاعـات اقتصـادی کشـور را مختـل می‌کنـد وتصمیم‌گیـری اقتصـادی را بـا مشـکل مواجـه کـرده وسیاسـت گذاری‌هـا کارایـی خـود را از دسـت مـی دهند.ایجـاد قوانیـن در کشـورها بـه خصـوص کشـورهای درحـال توسـعه باعـث شـده اسـت کـه ایـن قوانیـن اتخـاذ شـده بـر تصمیمـات دولتـی بیشـتر بـه زیـان اشـخاص قانونمنـد و بـه سـود عوامـل واقعـی قاچـاق می‌باشـد کـه ایـن نشـانگر ضعـف کل فرآینـد مبـارزه بـا قاچـاق کالا و ارز اسـت.

پیشـگیری از جرائـم اقتصـادی یـا فسـاد اداری در نـگاه نخسـت بـا یـک تناقـض همـراه اسـت وآن ایـن کـه آمـوزش و اطـلاع رسـانی ونیـز ارتقـا آگاهـی شـهروندان از راهکارهـای عمـده پیشـگیرانه اجتماعـی اسـت کـه یـک طـرف آن دولـت اسـت کـه بـه عنـوان یـک ذینفـع نمی‌توانـد معیـار داوری باشـد. بخـش عمـده پدیـده جـرم اقتصـادی و اداری ناشـی از عملکـرد خـود دولـت و نهادهـای حاکمیتـی اسـت واهمیـت توجـه بـه ایـن تدابیـر واعمـال آن‌هـا در خصـوص قاچـاق

کالا و ارز بـه مراقبـت چشـم‌گیرتر و بارزتـری نیـاز دارد چـرا کـه اعمـال ایـن تدابیـر سـبب کاسـته شـدن بـار دسـتگاه کیفـری می‌شـود. نقـش مراجـع ومحاکـم رسـیدگی کننـده بـه بـزه قاچـاق کالاوارز دارای اهمیـت می‌باشـد . در ایـن مقالـه سـعی بـر ایـن شـده اسـت کـه بـه روش توصیفـی – تحلیلـی و بـا اسـتفاده از منابـع کتابخانـه ای بـه بیـان فسـاد اداری و تاثیـر آن بـر قاچـاق در ایـران پرداختـه شـود.

۱- پیشینه تحقیق

قـادری،(۱۳۸۸)در مقالـه «فسـاد اداری در ایـران تحلیلـی جامعـه شـناختی» روش تحقیـق بـه کار گرفتـه شـده، اسـنادی اسـت کـه بـر اسـاس مطالعـه و بررسـی کتـب و آثـار موجـود مسـئله حاضـر مـورد تبییـن واقـع شـده اسـت . نتایـج ایـن تحقیـق گویـای ایـن اسـت کـه فسـاد معلـول عوامـل متعـددی اسـت از جملـه عوامـل فرهنگـی ،اجتماعـی ،اقتصـادی وسیاسـی و اداری از جملـه عوامـل مهـم ایـن پدیـده تشـخیص داده شـده اسـت و تشـخیص بـر تاکیـد رویه‌هـای پیشـگیرانه بـه جـای تنبیـه و مجـازات متخلفـان دنبـال کـردن منظـم و نظـام منـد برنامه‌هـای مبـارزه بـا فسـاد اداری تاکید برفرهنـگ سـازمانی وتقویـت آن بـه عنـوان بخشـی از فرهنـگ عمومـی جامعـه پرداخته‌اسـت.

ایران‌دوسـت (۱۳۸۹) در مقالـه‌ای تحـت عنـوان «بررسـی علـل و عوامـل مؤثـر در پیدایـش و گسـترش قاچـاق کالا در اسـتان کردسـتان» بـا نگرشـی کاربـردی بـر پدیـده قاچـاق، علـل و عوامـل مؤثـر در پیدایـش و گسـترش آن و تأثیرگـذاری آن بـر بازارهـای داخلـی اسـتان کردسـتان مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت. همچنیـن ایـن تحقیـق از نظـر روش جمـع‌آوری داده‌هـا توصیفـی و پیمایشـی می‌باشـد. عوامـل مؤثـر در پیدایـش و گسـترش قاچـاق کالا در اسـتان کردسـتان از ابعـاد سـاختاری، محیطـی و رفتـاری مـورد بررسـی قـرار گرفتـه اسـت. مـدل ایـن مقالـه از نـوع آمـار توصیفـی در تنظیـم داده‌هـا در جـدول توزیـع فراوانـی، محاسـبه شـاخص‌های تمرکـز و پراکندگـی از قبیـل میانگیـن و انحـراف داده‌هـا در جـدول توزیـع فراوانـی از آزمـون میانگیـن جهـت آزمـون فرضیه‌هـای اسـتفاده شـده اسـت. براسـاس نتایـج ایـن تحقیـق، عوامـل محیطـی و

ساختاری در پیدایش و گسترش قاچاق کالا در استان کردستان مؤثر شناخته شده‌اند.
ربیعی ،آصف ،(۱۳۹۱)در مقاله ای با عنوان نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری فرضیه این تحقیق بدین گونه است که رابطه معنا داری بین شاخص فرهنگ و پایین آمدن فساد اداری است . روش تحقیق آن به روش توصیفی - تحلیلی است. نتایج حاصل از این تحقیق بدین گونه می‌باشد که الویت دادن به رویکرد فرهنگی و ساختاری در کنار رویکرد رایج انضباطی بوده است و ازجمله مولفه‌های فرهنگی موثر بر فساد اداری به ترتیب الویت :۱- ارزش سازمانی ۲- جامعه پذیری و هویت بخشی ۳- کنترل رفتار ۴- ارزش فردی ارزش‌های بنیادی وشیوه انگیزشی در نهایت مدل مناسبی در زمینه مولفه‌های فرهنگی موثر بر کاهش فساد اداری ارائه گردیده است .
اکبرنژاد و همکاران (۱۳۹۱)در مقاله «بررسی فساد اداری از دیدگاه قرآن واحادیث»به بررسی مبنایی محتوای قرآن کریم واصلی ترین متون روایی شبیه به بررسی مساله فساد اداری پرداخته است همچنین به برخی از گونه‌های آشکار فساد اداری در این متون همچون ارتشا – رابطه گرایی- تقلب وتزویر اشاره شده است .راهکارهای مبارزه با این پدیده در قالب راهکارهای سازمانی ،اقتصادی ،فرهنگی و قضایی دسته بندی شده است ونتایج نشان داده است که اسلام یک دیدگاه همه جانبه نگر و سامان مند به زمینه‌ها و راهکارهای مبارزه با فساد اداری پرداخته است.
زرندی وهمکاران (۱۳۹۶)در مقاله«عوامل موثر بر فساد اداری در سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی فساد اداری پرداخته است که نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ۶۳ متغیر هستند که در دسته بندی کلی تر (محیطی- درون سازمانی و فردی) تقسیم پذیرند. در بعد محیطی عامل قانون ،در بعد سازمانی عامل مدیریتی و در بعد فردی مشارکت اخلاقی از اهمیت بیشتری نسبت به دیگر متغیرها برخوردار بودند.
در بررسی مقاله‌های که پیش از این در باره فساد اداری و قاچاق مورد بحث قرار گرفته

است بـه مـوردی از قبیـل نقـش فرهنـگ سـازمانی در پیشـگیری از بـروز فسـاد اداری ، عوامـل موثـر بـر فسـاد اداری در سـازمان‌های دولتـی جمعهـوری اسـلامی ایـران ،بررسـی فسـاد اداری و روش‌هـای کنتـرل آن ، عوامـل موثـر بـر قاچـاق وآثـار آن ، راه‌هـای پیشـگیری از فسـاد اداری و مبـارزه بـا قاچـاق ، قاچـاق کالا وتاثیـرات آن بـر اقتصـاد ایـران پرداختـه شـده اسـت. ولـی هـدف از ایـن تحقیـق بررسـی تاثیـر گـذاری فسـاد اداری بـر قاچـاق در ایـران بـه روش توصیفـی تحلیلـی می‌باشـد. کـه پیونـد فسـاد اداری را بـا قاچـاق مطـرح می‌کنـد و فسـاد بروکراسـی اداری را یکـی از عوامـل تاثیـر گـذار درافزایـش پدیـده قاچـاق در ایـران بیـان می‌کنـد.

۲- مفهوم فساد

واژه فسـاد در لغـت بـه معنـای تباهـی اسـت . اصطـلاح فسـاد در واژه لاتیـن Rumpere می‌آیـد کـه معنـای شکسـتن اسـت بنابریـن در فسـاد چیـزی مـی شـکند یـا نقـض می‌شـود ایـن چیـز ممکـن اسـت یـک شـیوه رفتـاری ،اخلاقـی یـا قانونـی یـا گاهـی مقـررات اداری باشـد.

بانـک جهانـی فسـاد را اینگونـه تعریـف می‌کنـد : سـوء اسـتفاده از اختیـارات دولتـی بـرای کسـب منافـع شـخصی ایـن تعریـف در ایـران تحـت عنـوان فسـاد اداری بـه کار مـی رود. بنابریـن فسـاد بـه معنـی سواسـتفاده غیـر مجـاز از قـدرت عمومـی در جهـت منافـع خصوصـی اسـت فسـاد در اشـکال مختلـف آن در سـطح کلان و خـرد وابعـاد گوناگـون اداری ،اقتصـادی سیاسـی گریبانگیـر کشـورهایی اسـت کـه در اداره حکومـت ناکارآمـد هسـتند. البتـه نـوع شـکل ، میـزان وگسـتردگی آن از سـوی کشـوری بـه کشـور دیگـر متفـاوت اسـت به‌طـور کلـی رابطـه نادرسـت ثـروت، قـدرت وارزش منجربـه شـیوع فسـاد مـی گـردد. فسـاد نتیجـه تبانـی نخبـگان سیاسـی واقتصـادی اسـت همچنـان کـه اشـاره شـده عمـده تریـن وشـاخص تـری علـت فسـاد ناکارآمـدی حکومـت اسـت. از ایـن‌رو کـه فسـاد ماهیـت ضدتوسـعه دارد بـرای کشـورهایی کـه در جهـت توسـعه گام برمـی دارنـد ضـرورت دارد کـه در مسـیر عـادی از فسـاد حرکـت کننـد .همـواره ارتباط معکوسـی بیـن اسـتفاده صحیـح از قـدرت و قلمـرو گسـترش فسـاد وجـود داشـته وهـرگاه از قـدرت به‌طـور

مطلـوب اسـتفاده شـده فسـادکاهش یافتـه اسـت .غالبـا در فسـادچیزی نقـض میشـود در محیـط فاسـد حقـوق اجتماعـی وسیاسـی شـهروندان نادیـده گرفتـه می‌شـود .

مهمتریـن علـل فسـاد اقتصـادی در بخـش عمومـی بـه تصـدی دولـت در اقتصـاد مربـوط می‌شـود وشـامل محدودیت‌هـای تجاری،یارانـه صنعتـی ،کنتـرل قیمت‌هـا ، نرخ‌هـای چندگانـه ارزی ،دسـتمزهای پاییـن در خدمـات دولتـی ،تجـاری و ذخایـر منابـع طبیعـی ماننـد نفـت اسـت . فسـاد اقتصـادی سـبب کاهـش سـرمایه‌گذاری و کنـد شـدن رشـد اقتصـادی و در نهایـت باعـث عـدم تحقـق اهـداف توسـعه اقتصـادی در هـر کشـور می‌شـود ودرآمدهـای مالیاتـی کاهـش مـی یابـد و کیفیـت زیـر سـاخت‌های اقتصـادی و خدمـات عمومـی تنـزل پیـدا می‌کنـد.

اساسـی تریـن سیاسـت مبـارزه بـا فسـاد اقتصـادی و اصلاحـات اقتصـادی شـامل ایجـاد نهادهایـی بدیـن منظـور، افزایـش دسـتمزدهای بخـش عمومی،کاهـش انـدازه دولـت در اقتصـاد حسابرسـی مالـی دقیـق ، اسـتقلال دسـتگاه قضایـی مشـارکت شـهروندان، تمرکززدایـی واصـلاح فرهنـگ جامعـه اسـت کـه می‌توانـد در اقتصـاد کشـور پویایـی ایجـاد نمایـد و در نهایـت باعـث رشـد وشـکوفایی در اقتصـاد ملـی شـود . سـازمان‌های جهانـی پدیـده فسـاد مالـی وسیاسـی را بـه عنـوان یکـی از مهم‌تریـن نگرانی‌هـای مدیریـت دولتـی و مانـع بزرگـی بـرای توسـعه پایـدار کشـور قلمدادکـرده انـد. (لطفیـان۱۳۸۵،۱۸۷)

هرچـه برمیـزان فسـاد اقتصـادی و سیاسـی در جوامـع در حـال توسـعه افـزوده می‌شـود امنیـت عمومـی بیشـتر در معـرض تهدیـد قـرار مـی گیـرد فسـاد سیاسـی و اقتصـادی از بزرگتریـن موانـع توسـعه پایـدار در کشـورهای درحـال توسـعه هسـتند. در دهه ۱۹۹۰سیاسـت‌های اقتصـادی گسـترده ای نظیـر تشـویق تجـارت بین‌المللـی ، خصوصی‌سـازی کارخانه‌هـا، صنایـع وشـرکت‌های دولتـی و سـرمایه گـذاری در بخش‌هـای عمومـی ماننـد آمـوزش وپـرورش توسـط بسـیاری از کشـورهای در حـال توسـعه اتخـاذ شـدند، امـا بـر خـلاف انتظـار، رشـد سـریعی حاصـل نشـد و درآمدهـای ملـی آن‌هـا کاهـش چشـمگیری نشـان داد .علـت اصلـی ایـن مسـئله شکسـت

برنامه‌های اصلاحات از جمله خصوصی سازی در فساد گسترده این کشورها بودو مبالغی از کمک‌های بین‌المللی به کشورهای کم درآمد از سوی سیاست گزاران و گروه‌های وابسته به صورت غیر قانونی برداشت شده بود . مفسدان اقتصادی در همه جای دنیا برای این‌که از دست قانون راحت باشند بیکار نمی نشینند . بسیاری از قضات را با پول می خرند و وکلای قدرتمندی را برای خود دست و پا می‌کنند .

اگرخبرنگاری بخواهد فساد آنان را افشا کنند به طرق مختلف او را ازسر راه برمی دارند. مراقبند تا هیچ عامل نفوذی جان سالم به در نبرد و از همه مهم‌تر این‌که سیاستمداران را چنان به خود وابسته می‌کنند تا نتوانند کاری برای مبارزه با فساد انجام دهند. یک وضعیت بدتر این است که مفسدان به حکومت برسند و در مقابل ده‌ها دوربین خطابه مفصلی در لزوم مبارزه با فساد ارائه دهند. دریک نگاه کلی کیفر فساد اقتصادی ممکن است یک یا چند مورد از این مجازات‌ها باشد. بازگرداندن مبلغ اختلاس یا ارتشا جریمه چند برابری نسبت به آن حبس و اعدام ، اما در مورد مدیران دولتی ومناسب عمومی، علاوه بر اینها برکناری از شغل فعلی ، انفصال از مشاغل دولتی تا چندین سال وحتی اعدام را ممکن است درپی داشته باشد با این حال فساد تاثیرات عمیق وگستره ای بر روند جاری اقتصادی وسیاسی جامعه برجا می گذارد .

۳- انواع فساد

فساد را از چند دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

۱. فساد بر مبنای افکارعمومی جامعه: ارزش فرهنگی و اخلاقی هر جامعه با دیگر جوامع متفاوت است و در داخل جامعه نیز این ارزش‌ها در طول زمان تغییر می‌کند در این راستا اقدامی درچارچوب فعالیت‌های اداری-دولتی مصداق فساد را می یابد که از دید مردم جامعه غیراخلاقی ومضرتلقی می‌شود.

۲. فساد براساس منافع عمومی: برخی از محققان فساد اداری را مجموعه ای از اقدامات

کارمنـدان و مسـئولان دولتـی مـی داننـد کـه اولا بـه منافـع عمومـی لطمـه بزنـد .ثانیـا هـدف از انجـام آن رسـاندن فایـده بـه عامـل یـا بـه شـخص ثالثـی کـه عامـل را بـرای انجـام ایـن اقـدام اجیـر کـرده اسـت باشـد.

۳. فساد اداری براساس نقش وابستگی‌های اجتماعی و خانوادگی در تصمیمات کارمندان

۴. فسـاد بـر مبنـای سـطح سـازمانی :فسـاد روسـای دولـت ،وزیـران ،وکارمنـدان عالـی رتبـه را فسـاد کلان و فسـاد کارمنـدان جـز را فسـاد خـرد مـی گویند.بـدون کنتـرل فسـاد کلان امـکان از بیـن رفتـن فسـاد خـرد محـدود اسـت.

فسـاد بـر مبنـای نظـام منـدی : فسـاد سـازمان یافتـه حالتـی اسـت میـزان رشـوه و گیرنـده آن مشـخص اسـت وپرداخـت وجـه تضمیـن می‌کنـد کـه سـفارش خواسـته شـده اجـرا خواهـد شـد. برخـی اسـتدلال مـی کننـد کـه فسـاد سـازمان یافتـه ضـرر کمتـری دارد.چـون در چنیـن نظامـی یـک دیـوان سـالار فاسـد سـهم کامـلا مشـخصی از سـود بنـگاه را طلـب می‌کنـد ونفـع او در موفقیـت بنـگاه اسـت .(فـرج پـور،۱۳۸۱:۵۸).

۴- انواع فساد از دیدگاه محققان اقتصادی

محققان فساد را به انواع گوناگونی تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ از جمله:

الـف. فسـاد خـرد: بـه اخـذ رشـوه‌های انـدک از جانـب کارکنـان دولـت بـرای رفـع مشـکلات اشـاره دارد. همچنیـن زمانـی کـه در مـوارد اسـتثنایی از جانـب کارمنـدی درخواسـت رشـوه می‌شـود، امـا ایـن کار بـه شـکل سـازمان‌یافته انجـام نمی‌شـود، «فسـاد فـردی» صـورت گرفتـه اسـت.

ب. فسـاد سـازمان‌یافته: زمانی کـه بقـای نظام‌هـا بـه وجـود فسـاد بسـتگی پیـدا می‌کنـد و در ایـن حالـت، سـازمان‌ها، مقـرّرات و هنجارهـای رفتـاری بـا فسـاد تطبیـق پیـدا می‌کنـد.

ج. فسـاد بزرگ: هنگامـی کـه مسـئولان سـطح بـالای دولتـی و سیاسـت‌مداران در قراردادهـا و طرح‌هـای بـزرگ کـه جنبـه ملّـی دارنـد اعمـال نظـر می‌کننـد و سـودهای کلان به‌دسـت

می‌آورنـد.(شـکر اللهـی،۷۲:۱۳۷۹)

هیدن همیر محقق علوم سیاسی فساد اداری را به سه گونه تقسیم می‌کند:

۱. فساد اداری سیاه: کاری که از نظر دولت و مردم منفور است؛ مانند دریافت رشوه.

۲. فسـاد اداری خاکسـتری: کاری کـه از نظـر دولـت منفـور اسـت، امـا جامعـه ممکـن اسـت نسـبت بـه آن بی‌تفـاوت باشـد؛ماننـد کوتاهـی کارمنـد در اجـرای قوانینـی کـه در بیـن مـردم از محبوبیـت چندانـی برخـوردار نیسـت.

۳. فسـاد اداری سـفید: کاری کـه ظاهـرا مخالـف قانـون اسـت، امـا اجـرای آن از نظـر دولـت و مـردم زیـاد بـا اهمیـت نیسـت؛ماننـد کمـک یـک کارمنـد بـه یـک اربـاب رجـوع کـه توانایـی جسـمی کافـی بـرای مانـدن در صـف بـرای گرفتـن کالا را نـدارد. (جعفـر رحمانـی ،۱۲۷:۱۳۷۹)

۵- فساد اداری

فسـاد اداری ابـزاری نامشـروع در بـراوردن تقاضـای نامشـروع از نظـام اداری اسـت. فسـاد اداری کـه بـه آن فسـاد مالـی سـطح پاییـن یـا سـطح خیابانـی گفتـه می‌شـود همـان اسـت کـه هـر روز در برخـورد بـا مدیـران عمومـی در بخش‌هایـی ماننـد :بیمارسـتان ،مـدارس ، پلیـس و گمـرک و مـواردی از ایـن قبیـل رخ می‌دهـد. محققـان معتقدنـد فسـاد زمانـی نمایـان می‌شـود کـه مـرز تعریـف شـده و مشـخصی بیـن سیاسـت‌های اقتصـادی کشـور وتجارت‌هـای بخـش خصوصـی وجـود نداشـته باشـد. وجـه اشـتراک اغلـب تعاریـف ارائـه شـده دربـاره فسـاد دسـتگاه‌های دولتـی را می‌تـوان رشـوه و سواسـتفاده از موقعیت‌هـای شـغلی بـرای نفـع شـخصی دانسـت . پیامدهـای فسـاد اقتصـادی نیـز در قالـب معضلاتـی ماننـد اختـلاس ،کلاهبـرداری ، پارتـی بـازی ، بـی عدالتـی، بـاج خواهـی ، ایجـاد نارضایتـی بـرای ذینفعـان ، سـرقت امـوال و دارایی‌هـای سـازمان ، فـروش اطلاعـات محرمانـه و مـواردی از ایـن قبیـل پدیـدار مـی گردنـد. صاحـب نظـران علـوم

اقتصاد و مدیریت به مسائل فساد توجه زیادی داشته وآن را از نظر درجه بندی در اعماق آسیب‌شناسی اجتماعی قرار می‌دهد . چنانچه بخواهیم فساد را در قالب یک معادله ارائه دهیم .این معادله بدین صورت خواهد بود که:

فساد = انحصار+ قدرت پنهان کاری – پاسخ گویی وشفافیت

بسیاری از محققان این حوزه (تاتری،فریمن،جاکویست،کالنسیس) نیز فساد را عموما سوءاستفاده از اختیارات عمومی برای کسب منافع شخصی تعریف کرده اند. در پیش‌نویس کنوانسیون مبارزه با فساد در سال ۲۰۰۳ در وین موارد مهم در تعریف فساد این‌گونه آمده است:

۱- ارتکاب اعمالی که نشانگر اجرای ناسالم وظیفه یا سو استفاده از منصب باشد .

۲- داشتن هدف برای رسیدن به یک هدف خاص

۳- پیشنهاد یا مطالبه امتیاز به صورت مستقیم یا غیر مستقیم

۴- داشتن نفع برای کار گذار یا دیگری

تحقیقات گوناگون صورت گرفته بر روی میزان درآمد افراد جامعه حکایت از این دارد که با گذشت زمان نه تنها سطح درآمد از حرکت نزولی برخوردار شده است بلکه با شکل‌گیری چنین شرایطی طبیعی است که افراد در عرصه رقابت‌های اجتماعی نا عادلانه تلاش کنند تا از طریق مسیرهای غیر قانونی به اهداف خود دست یابند.

قاچاق بر اساس کنوانسیون نایروبی تخلف گمرکی است شامل جابه جایی کالا در طول مرزی گمرکی به روشی مخفیانه و به منظور فراراز نظارت گمرکی (بنایی:۵۸،۱۳۵۷) قاچاق یعنی کاری بر خلاف قانون که پنهانی انجام شود و متاعی که معامله و یا ورود آن به کشور ممنوع باشد .به‌طور کلی هر نوع معامله و یا مبادله کالا با پول یا کالایی دیگر که دولت محدودیت و یا ممنوعیتی علیه آن وضع کرده باشد قاچاق محسوب می‌شود.و این در در تجارت و مبادله کالا به قدمت تاریخ است .در علم اقتصاد به ورود وخروج کالا که به

صورت مخفیانه از مرزهای کشور وارد و یاخارج شود قاچاق می گویند. کالای اقتصادی را که مورد قاچاق قرار می گیرد را کالای قاچاق و شخص و یا اشخاصی را که مبادرت به انجام قاچاق می نمایند قاچاقچی یا سوداگر می نامند .(اصغری :۴۴،۱۳۸۸) در شرایط فعلی تعریف قاچاق صرفا ناظر به مبادی ورودی و خروجی و مرزهای جغرافیایی نمی گردد بلکه نگهداری وتوزیع حمل و کالای فاقد مجوز قانونی در داخل کشور نیز قاچاق محسوب می‌شود.

از دیدگاه سازمان مدیریت و برنامه ریزی فساد اداری عبارت است از اقدام ماموران دولتی با هدف انتفاع و بهره برداری برای خود و یا اشخاص دیگر و یا در قبال دریافت مال خود ویا اشخاص دیگر که از راههای زیر انجام می پذیرد:

۱- نقض قوانین و مقررات اداری

۲- تغییر و تفسیر قوانین و مقررات و ضوابط اداری

۳- تغییر در قوانین و مقررات اداری

۴- خودداری،کندکاری و یا کوتاهی در انجام وظایف قانونی در قبال ارباب رجوع

۵- تسهیل یا تسریع غیر عادی در انجام کار برای اشخاص معین در مقایسه با دیگران

۶- فساد اداری در ایران

در جامعه مصرفی امروز رشد بی رویه نیازهای مادی و گرایش انسانها به برطرف ساختن هرچه بیشتر نیازهای مادی سرعت بیشتری گرفته و در این میان پول حرف اول را می‌زند برای انسانی که امکان افزایش درآمد بیشتر برایش میسر نیست و راههای مشروع کسب درآمد بیشتر نیز به او بسته است ، چه راهی وجود دارد که او بتواند برای رفتارهای نیازهای روبه رشد زندگی فائق آید؟ تحقیقات گوناگون صورت گرفته بر روی میزان نیاز و درآمد افراد جامعه به‌ویژه کارکنان ، حکایت از این دارد که با گذشت زمان و افزایش بی رویه تورم در سال‌های اخیر ،نه تنها سطح در آمد نتوانسته در سطح نیازهای

مـادی غلبـه کنـد بلکـه از حرکتـی نزولـی برخـوردار شـده اسـت .
اگرچـه جامعـه ایـران ، جامعـه ای تـوام بـا گرایش‌هـای مذهبـی و ملـی اسـت کـه هـر دو فسـاد را پدیـده ای زشـت شـناخته انـد و همـواره تاکیـد بـر مبـارزه بـا آن کـرده انـد. بـا ایـن حـال شـاهد هسـتیم کـه شـیوع فسـاد در جامعـه مسـیر بسـیاری از پیشـرفت‌های اجتماعـی وملـی را بسـته و هزینه‌هـای هنگفتـی را بـر دوش کشـور و در نهایـت مـردم گذاشـته اسـت کـه یکـی از مهم‌تریـن آن‌هـا در بعـد کلان افزایـش فاصلـه طبقاتـی میـان طبقـات اجتماعـی غنـی و فقیـر اسـت .
افزایـش ایـن فاصلـه طبقاتـی در کشـور را می‌تـوان بـه حرکـت پله‌هـای برقـی تشـبیه کـرد بـرای درک بهتـر علـت گرایـش بـه فسـاد ، عـده ای را تجسـم کنیـد کـه بـر روی یـک پلـه برقـی کـه بـه طـرف بـالا مـی رود، ایسـتاده انـد و بـه راحتـی بـه طـرف بـالا (برخـورداری از رفـاه و فرصت‌هـای اجتماعـی عالـی) مـی روند.کـه ایـن پلـه برقـی فقـط بـه عـده ی معـدودی از افـراد جامعـه اسـت . بقیـه مـردم کـه اکثریـت آن را تشـکیل مـی دهنـد نیـز مـی خواهنـد بـه آن مرتبـه برسـند، امـا راهـی ندارنـد بـه جـز این‌کـه از روی پلـه برقـی دیگـری کـه بـه طـرف پاییـن می‌آیـد بـا فعالیـت و سـرعت بسـیار بیشـتر حرکـت کننـد امـا هرگـز بـه آن نمـی رسـند مگـر این‌کـه خـود را از ایـن قاعـده خـارج کننـد. وضـع کارمنـدان دولـت و کارگـران در جامعـه امـروز ایـران شـبیه بـه حرکـت پلـه برقـی از نـوع دوم اسـت .کارمنـدان و کارگـران بـا همسـران و فرزندانشـان در مقابـل خـود ، افـراد زیـادی را مـی بیننـد کـه در رفـاه کامـل از پله‌هـای دسـتیابی بـه رفـاه اسـتفاده می‌کنند.ازسـوی دیگـر مرتبـا از طریـق تلبیغـات جنبه‌هـای گوناگـون یـک زندگـی مرفـه بـه آن‌هـا معرفـی می‌شـود . بنابریـن، احسـاس عـدم وجـود عدالـت اجتماعـی در نگرش‌هـا و ذهنیـات آن‌هـا موجـب می‌شـود کـه اعتقـاد بـه نظـام اجتماعـی (وجـدان جمعـی)کاهـش یابـد و بـه عبـارت دیگـر ،کنتـرل روانـی افـراد بـر روی رفتـار خـود کـم می‌شـود.
اگرچـه در ایـران برنامه‌هـای زیـادی بـرای مبـارزه بـا فسـاد طراحـی و بـه اجـرا در آمـاده اسـت امـادر ایـن رابطـه موفقیـت اندکـی حاصـل شـده اسـت کـه می‌تـوان دو دلیـل اصلـی را چنیـن نـام

بـرد :

تـلاش صـورت گرفتـه از سـوی دولـت و دسـتگاه‌های نظارتـی دیگـر بـه منظـور مبـارزه بـا فسـاد ،سیسـتماتیک (نظـام دار)نبـوده اسـت.بدین معنـی کـه هـر از چنـد سـال بـا تغییـر دولت‌هـا و شـدت و ضعـف فشـارهای اجتماعـی ،محتـوای برنامه‌هـا بـا فسـاد تغییـر کـرده و برنامه‌هـا انسـجام خـود را بـرای دسـتیابی بـه هدف‌هـا از دسـت داده انـد.

دلیـل مهـم دیگـر ایـن اسـت کـه برنامه‌هـای صـورت گرفتـه از سـوی دولت‌هـا غالبـا بـر روی تنبیـه و مجـازات متخلفـان متمرکـز بـوده اسـت بـه جـای آن کـه بـر پیشـگیری از بـروز فسـاد تاکیـد داشـته باشـد .

۷- علل و عوامل شکل‌گیری فساد اداری

دلایـل گوناگونـی را بـرای فسـاد اداری در جوامـع مختلـف بـر شـمرده‌اند. بررسـی‌های صـورت گرفتـه بـر روی پدیـده فسـاد اداری حکایـت از پیچیـده بـودن و گسـترده بـودن عوامـل مؤثـر در شـکل‌گیری ایـن پدیـده دارد. فقـر اقتصـادی و نابسـامانی‌های درآمـدی کارکنـان سـازمان‌ها، فقـر فرهنگـی و عـدم وجـود باورهـای اسـتوار اخلاقـی و نبـود مقـرّرات و قوانیـن بازدارنـده و نظام‌هـای کنترلـی مؤثـر از زمـره دلایـل اصلـی بـروز فسـاد اداری بـوده اسـت. به‌طـور کلـی، می‌تـوان عوامـل اصلـی شـکل‌گیری ایـن پدیـده را بـه دو دسـته کلـی

۱) علـل اصلـی (ریشـه‌ها) و ۲) عوامـل تسـهیل‌کننده تقسـیم‌بندی نمـود. در رابطـه بـا علـل اصلـی یـا ریشـه‌ها می‌تـوان بـه ریشـه‌های فرهنگـی - اجتماعـی و ریشـه‌های اقتصـادی اشـاره کـرد.

۱-۷- ریشـه‌های فرهنگـی و اجتماعـی: مهم‌تریـن عامـل بـروز فسـاد اداری ریشـه‌های فرهنگـی و عقیدتـی اسـت، بـه گونـه‌ای کـه اگـر ارزش‌هـا، هنجارهـا، عقایـد و باورهـای حاکـم بـر افـراد اجتمـاع متکـی بـر ارزش‌هـای مادی‌گرایانـه، فردگرایانـه و مصرف‌گرایانـه باشـد و سـاختارهای اجتماعـی از انسـجام و کارکردهـای لازم برخـوردار نباشـند، ناکارآمـدی و ضعـف

نظـام فرهنگـی و اجتماعـی را بـه دنبـال داشـته و پیامـد آن، شـکل‌گیری فسـاد در همـه سـطوح و لایه‌هـای اجتمـاع خواهـد بـود.

۲-۷- ریشـه‌های اقتصـادی: رکـود اقتصـادی، کاهـش درآمدهـا، بی‌عدالتـی، مادی‌گرایـی، بی‌ثباتـی اقتصـادی، تـورّم افسـار گسـیخته، عـدم تناسـب دخـل و خـرج ناشـی از عـدم عدالـت اقتصـادی، کاهـش قـدرت خریـد مـردم و توزیـع نامناسـب درآمدهـا در جامعـه، از عوامـل مهـم اقتصـادی اسـت کـه زمینه‌هـای بـروز سوءاسـتفاده‌های مالـی و تخلفـات اداری را فراهـم می‌سـازد. عوامـل تسـهیل‌کننده کـه عمدتـا عوامـل سیاسـی و عوامـل اداری هسـتند بـه شـرح زیـر می‌باشـند:

۱-۲-۷- عوامـل سیاسـی: عدم اسـتقلال کامـل قـوّه قضائیـه، نفـوذ قـوّه مجریـه بـر آن و بـر دسـتگاه‌های نظارتـی و بازرسـی، فشـار گروه‌هـای ذی‌نفـوذ در داخـل و خـارج سـازمان، فسـاد سیاسـت‌مداران عالی‌رتبـه، جوسـازی و غوغاسـالاری، توصیـه بـرای در امـان مانـدن مدیـران متخلـف از مجـازات، و سـرانجام، عـدم آگاهـی مـردم از حقـوق سیاسـی خـود در برابـر قانـون از عوامـل سیاسـی تسـهیل‌کننده تخلفـات اسـت.

۲-۲-۷- عوامـل اداری: تشـکیلات و سـاختار اداری غیرکارآمـد، حجیـم و نامتناسـب بـا اهـداف و وظایـف، پیچیدگـی قوانیـن، مقـرّرات و تعـدد بخش‌نامه‌هـا و دسـتورالعمل‌های اداری، مدیـران غیـر مؤثـر، فقـدان نظـام شایسته‌سـالاری، وجـود تبعیضـات در زمینه‌هـای اسـتخدام، انتصـاب و ارتقـای افـراد، نارسـایی در نظـام حقـوق و دسـتمزد، نظـام پـاداش و تنبیـه و بـه ویـژه نظـام نظـارت و ارزشـیابی، ترجیـح اهـداف گروهـی بـه اهـداف سـازمان و ماننـد آن، از عوامـل اداری تسـهیل‌کننده تخلفـات می‌باشند.ریشـه‌ها و عوامـل یـاد شـده، موجـب ایجـاد عارضه‌هایـی در نظـام اداری می‌گـردد کـه بـه اشـکال گوناگـون جلوه‌گـر می‌شـود؛ از جملـه: کاهـش رضایـت شـغلی، کاهـش انگیـزش کارکنـان، جمـود شـخصیت، روحیـه محافظـه‌کاری و سـرخوردگی در بیـن کارکنـان، کاهـش خلّاقیـت و نـوآوری، کاهـش سـرعت در انجـام امـور، تمرکـز غیرمنطقـی

بـر انضبـاط اداری، رقابـت ناسـالم، و ایجـاد جـو بدبینـی و بی‌اعتمـادی در سـازمان. علـل و عوامـل مذکـور همـراه عـوارض آن‌هـا موجبـات تخلفـات اداری را فراهـم می‌سـازند کـه در نهایـت منجـر بـه فسـاد اداری می‌شـود .

۳-۲-۷- علـل فرهنگـی و محیطـی:در نظـام اداری کنونـی، انتصـاب و اختصـاص پسـت‌های سـازمانی بـر مبنـای رفیـق بـازی و یـا رشـوه، بـه صـورت امـری عـادی درآمـده و تبانـی بیـن افـراد متمـول، سیاسـتمداران و عوامـل بوروکراسـی اداری بـرای عبـور از فیلترهـای نظـام اداری، یـک جریـان پذیرفتـه شـده اسـت کـه نتیجـه آن، بـروز فسـاد به‌ویـژه در سـطح کلان جامعـه بـوده اسـت.

۴-۲-۷- علـــل شـــخصیتی: در تمـــام کشـــورها به‌ویـــژه کشـــورهای توســـعه یافتـــه، بـــرای پسـت‌های اداری و سـازمانی، شـرایط احـراز معرفـی می‌گـردد کـه انتخـاب و انتصـاب افـراد بـر مبنـای آن شـرایط صـورت مـی گیـرد. در محتـوای شـرایط احـراز موقعیت‌هـای اداری و دولتـی، بخشـی بـه ویژگی‌هـای شـخصیتی مدیـر اختصـاص داده شـده اسـت. علـت آن نیـز بـه اهمیـت و نقـش ویژگی‌هـای شـخصیتی مدیـران در رفتارهـای سـازمانی بـر می‌گـردد کـه از خـود نشـان مـی دهنـد. چنانچـه بـر مبنـای رفیـق بـازی یـا رشـوه، فـردی بـرای پسـتی انتخـاب شـده اسـت کـه شـرایط آن را نداشـته، در ایـن جـا بـروز فسـاد، اجتنـاب ناپذیـر اسـت.

۵-۲-۷- علـل اداری و سـازمانی: یکـی از واقعیت‌هـای نظـام اداری کنونـی ایـن اسـت کـه واحدهـای اداری معمـولاً بـا تعـداد زیـادی از قوانیـن و مقـررات غیـر واقعـی و یـا غیـر ضـروری مواجـه هسـتند و ابهامـات موجـود در رویه‌هـای اداری و اسـتانداردهای جـاری کار، امـکان هرگونـه تصمیـم و اقدامـات خودسـرانه را بـه کارگـزاران آن‌هـا مـی دهنـد. بـه عـلاوه، فرایندهـای پیچیـده و چنـد لایـه امـور اداری نیـز عامـل تشـویق مراجعـان بـه پیشـنهاد رشـوه بـرای تسـریع کار هسـتند. از طرفـی، کمـی حقـوق کارکنـان بخـش خدمـات اجتماعـی هـم دلیـل کاهـش تدریجـی مقاومـت و عـادت بعـدی آنـان بـه قبـول ایـن پیشـنهادها اسـت.از منظـر دیگـر علـل بـروز فسـاد اداری بـه دو دسـته کلـی «عوامـل درون سـازمانی» و «عوامـل بـرون سـازمانی» تقسـیم میگردنـد.

(افضلی، ۱۳۹۰،ص۲۵۳)

۱-۵-۲-۷- عوامـــل درون سازمانی:مسـائل رفتـاری : متأثـر از ناهنجاری‌هـای اجتماعـی، اقتصـادی، فرهنگـی و ... کارکنـان تحـت سرپرسـتی و نیـز ناتوانـی مدیـران در تأمیـن نیازهـای پرسـنلی و رفـع موانـع رفتـاری آنـان، امـور سـاختاری و سـازمانی مثـل عـدم تناسـب امکانـات پرسـنلی، مالـی و اعتبـاری بـا اهـداف و فعالیت‌هـای سـازمان کـه ناشـی از محدودیـت در منابـع انسـانی و مالـی یـا ضعـف سیسـتم‌های کنتـرل داخلـی و ... اسـت.

۲-۵-۲-۷- عوامـل بـرون سـازمانی: نیازهـا، انتظـارات متقـن و غیرمتقـن اشـخاص حقیقـی و حقوقـی مختلـف دارای نفـوذ در مـردم، مشـکلات وضعـی و اجرایـی قوانیـن و مقـررات مـورد عمل،عـدم تناسـب قوانیـن و مقـررات بـا نیـا زهـا و اقتضائـات جامعـه، تغییـرات و تحـولات قوانیـن و بعضـاً تعـارض آن‌هـا بـا یکدیگـر. همچنیـن وجـود ابهـام یـا اجمـال در نصـوص برخـی از قوانیـن و مقـررات و قابلیـت تعابیـر و تفاسـیر متعـدد از آن‌هـا، و عـدم انطبـاق دسـتورالعمل‌ها وآییـن نامه‌هـای مـدون بـا مفـاد قوانیـن مربـوط، مسـائل و مشـکلات مربـوط بـه جـذب، آمـوزش و نگهـداری افـراد متخصـص و کارآمد،عملکـرد مدیـران قبلـی و تأثیرگـذاری آن بـر عملکـرد جـاری دسـتگاه اجرایـی

۸- مفهوم قاچاق

قاچـاق کلمـه ای اسـت ترکـی، از مصـدر قاچمـاق بـه معنـای فرارکـردن و ربـوده یـا بـرده گرفتـه شـده اسـت. (دهخـدا،۱۸:۱۳۳۹) از نظـر اصلاحـی نیـز منظـور از قاچـاق عملـی اسـت کـه مغایـر و مخالـف بـا نظـم وقانـون ملـی و بین‌المللـی انجـام میگیرد.گویـا اصـلاح قاچـاق تحـت عنـوان کلمـه contrrabbandکـه معـادل آن در زبـان فارسـی همـان قاچـاق اسـت ،قاچـاق از نظـر حقوقـی بیانگـر هـر نـوع داد وسـتدی اسـت کـه انجـام آن موجـب نقـض قوانیـن مالیاتـی وگمرکی می‌شـود. در واقـع هـر فعـل یـا تـرک فعلـی کـه موجـب نقـض تشـریفات قانونـی مربـوط بـه ورود و خـروج کالا و ارز گـردد وبـر اسـاس ایـن قانـون ویـا سـایر قوانیـن، قاچـاق محسـوب وبـرای آن

مجازات محسوب تعیین شده باشد ، درمبادی ورودی یا هر نقطه از کشور تا حتی محل عرضه آن در بازار داخلی کشف شود.

کالا: هرشی ءکه در عرف ارزش اقتصادی دارد.

ارز: پول رایج کشورهای خارجی ،اعم از اسکناس ،مسکوکات،حوالجات ارزی وسایر اسناد مکتوب یا الکترونیک است که در مبادلات مالی کاربرد دارد .

کالای ممنوع :کالایی است که صدور یا ورود آن به موجب قانون ممنوع است .

کالای مجاز:کالایی است که صدور یا ورودآن با رعایت تشریفات گمرکی و بانکی ، نیاز به کسب مجوز ندارد.

قاچاق سازمان یافته :جرمی است که با برنامه ریزی و هدایت گروهی و تقسیم کار توسط یک گروه نسبتا مجسم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم قاچاق ،تشکیل یا پس از تشکیل ،هدف آن برای ارتکاب جرم قاچاق منحرف شده است صورت می گیرد.

۹- عوامل موثر بر گرایش به قاچاق کالا

قاچاق کالا را نمی‌توان در کشور کتمان کرد .قاچاق کالا به دلایل گوناگون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سالهای متمادی توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده است. اقلام متنوع کالا به صورت قاچاق و غیر قانونی وارد کشور می‌شود ومقدار هنگفتی ارز از این طریق به جیب اداره کنندگان شبکه‌های سازمان یافته سرازیر می‌شود .برخی از دلایل و عوارض قاچاق کالا عبارت اند از :فرار از پرداخت حقوق و عوارض دولتی ،برهم زدن تعادل بازار رقابتی ،سود آوری زیاد وفساد مالی و اخلاقی ،مختل کردن بخش تولید کشور و بروز ارتشا و فساد نظام اداری را می‌توان برشمرد .

عوامل متفاوت و گوناگونی می‌توانند بر گرایش افراد به قاچاق کالا تاثیر گذار باشند که می‌توان به مسائل اقتصادی و غیر اقتصادی (فرهنگی ،اجتماعی و سیاسی) اشاره کرد .

۹-۱- عوامل اقتصادی

۱. هزینه‌های مالیاتی و گمرکی

۲. میزان بالای بیکاری

۳. سودآوری بالای قاچاق

۴. پایین بودن کیفیت محصولات داخلی نسبت به نمونه‌های مشابه خارجی

۹-۲- سودآوری بالای قاچاق

از مهم‌ترین دلایلی که باعث می‌شود افراد به قاچاق روی بیاورند سودآوری بالایی است که نصیب افراد می‌شود. وجود این سود بالا باعث می‌شود تا عاملین قاچاق به سوی قاچاق گرایش داشته باشند. سودآوری بسیار زیاد قاچاق کلا ناشی از تفاوت قیمت‌ها در بازار داخل با کشورهای همسایه است. به‌طوری که مهم‌ترین عامل گرایش افراد به قاچاق انرژی به خصوص نفت (مشتقات نفتی) را می‌توان سودآوری بالای آن دانست حتی بنا به گزارشی قاچاقچیان سوخت بیش از قاچاقچیان مواد مخدر سود می برند به‌طوریکه قاچاقچیانی که بنزین را از ایران به ترکیه ترانزیت می کنند بیش از ۳ برابر سود قاچاق مواد مخدر سود خالص می برند. احتمال لو رفتن فعالیت‌های قاچاق و جریمه ان را می‌توان شاخصی برای تبیین فعالیت‌های قاچاق در نظر گرفت. به‌طور کلی هر قدر هزینه و مخاطره پذیری قاچاق کمتر باشد قاچاقچی کمتر احساس خطر می‌کند و با هزینه کمتری میتوان کالا را از داخل به خارج و یا از خارج به داخل انتقال بدهد .

۹-۳- عوامل غیر اقتصادی

۱- شرایط جغرافیایی

۲- ناکارآمدی بروکراسی اداری

۳-کنترل نا مناسب مرزها

۹-۴- ناکارآمدی بروکراسی اداری

کاغذ بازی زیاد، مقررات پیش بینی نشده و فراوان، محیط تجاری غیر قابل پیش بینی،

پیچیده و متناقض از محدودیت‌های غیر تعرفه ای واردات و موانع صادرات هستند که می‌توانند افزایش فعالیت‌های غیر قانونی را به همراه داشته باشند .

بروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد به افزایش هزینه‌های تولید وتجارت در اقتصاد رسمی منجر خواهد شد.گاهی اوقات گرفتن مجوز برای تولید و صادارات از مراکز متعدد تصمیم‌گیری، با بهروری پایین بیش از یک ماه زمان نیاز دارد که هزینه و قیمت تمام شده را برای تولید وصادرات به شدت افزایش می یابد.

وجود تشریفات اداری صدور و ورود کالا نیز سبب طولانی و پر هزینه شدن روال قانونی کار و راکد ماندن سرمایه صادر کننده و نیز فاسد شدن کالاهای آنان می‌شود، بدین علت،گاهی تجار ناچار می‌شوند قوانینی را نادیده انگارند و کالای خود را از طریق غیر قانونی صادر و یاوارد کنند که نتیجه این همان رواج قاچاق کالا است .

۵-۹- زنجیره فساد اداری در سیستم گمرکی

زنجیره فساد اداری در سیستم گمرکی باعث قاچاق می‌شود. ضربه ای که قاچاق کالا به صنعت کشور ما وارد می‌کند به واسطه فساد اداری موجود در گمرک و مبادی ورودی است. زنجیره فساد اداری در سیستم گمرکی باعث قاچاق می‌شود. اعداد فروش سوخت با قاچاق همخوانی دارد. در واقع آسیب جدی را فساد اداری به چرخه صنعت کشور وارد می‌کند و این کار، یک فرد نمی‌تواند بلکه گروه یا همکاری هم در مبادی مرزی اقدام به اقدام به ورود و حتی خروج کالاهای قاچاقی درکشور هستند ضمن این‌که همه ورود کانتینرهای قاچاق را به عینه می بینند. یکی از موارد مهم قاچاق درکشور فقط در بحث واردات نیست بلکه صادرات قاچاق سوخت هنوز یکی از معضلات کشور به شمار می رود و به اعتقاد کارشناسان به اندازه ای که سوخت از کشور خارج می‌شود به همان اندازه کالاهای قاچاقی وارد کشور می‌شود. طبیعتا با وجود بحث پولشویی وعدم خروج ارز از

کشـور قاچاقچیـان کالا هزینـه فـروش سـوخت بـه خـارج از مرزهـا را بـا خریـد کالای قاچاقـی وارد کشـور مـی کننـد. پـس مشـکل اساسـی مـا اول فسـاد اداری و بعـد خـروج سـوخت‌های قاچاقـی بـه خـارج از کشـور اسـت. حتـی طبـق نظـر کارشناسـان اعـداد فـروش سـوخت بـا واردات قاچـاق همخوانـی دارنـد. مشـکل افزایـش فسـاد اداری در سـازمان‌ها بـه دلیـل نبـود سـاختارهای شـفاف و روشـن انجـام امـور در سازمان‌هاسـت در محیط‌هـای اداری غیـر شـفاف و مبهـم امـکان کجروی‌هـای اداری افزایـش مـی یابـد وانجـام رفتارهـای فسـاد آلـود تسـهیل می‌شـود بنابریـن شـاید بـه جـرات بتـوان ادعـا کـرد کـه موثرتریـن کارآمـد تریـن شـیوه مبـارزه بـا فسـاد اداری خـروج از فضـای تاریـک و سـایه و شـفاف سـازی محیـط و سـاختارهای اداری اسـت.

۱۰-پیامدهـای فسـاد اداری: محققـان بـرای فسـاد، پیامدهـای منفـی را در نظـر گرفتـه انـد و آن را بـرای رشـد و توسـعه، مخـرب مـی داننـد کـه از جملـه ایـن پیامدهـا عبـارت انـد از:

۱- فسـاد از طریـق خدشـه وارد کـردن بـر سیاسـت‌های دولـت در مقابلـه بـا منافـع و اهـداف اکثریـت، باعـث اتـلاف منابـع ملـی مـی شـود. از آنجـا کـه فسـاد منابـع ملـی را از هـدف خـود منحـرف مـی سـازد ایـن منابـع نمـی توانـد کمـک چندانـی بـه رشـد اقتصـادی کشـور کننـد و هنگامـی کـه دولـت ایـن عامـل اقتصـاد، در چنـگال شـبکه‌های غارتگـران مـی افتـد، ایـن مشـکل بـه مشـکلی اساسـی بـدل مـی شـود.

۲- فسـاد مانـع رشـد رقابـت و موجـب خنثـی شـدن تلاش‌هـا در جهـت کاهـش فقـر و تبعیـض اجتماعـی مـی شـود.

۳- فسـاد بـا تضعیـف انگیزه‌هـا، موجـب زیان‌هـای اجتماعـی و یـا تضعیـف نهادهـای موجـود، زیان‌هـای سیاسـی و یـا توزیـع نـا عادلانـه منابـع و بالاخـره زیانهـای اقتصـادی مـی شـود.

۴- فسـاد از میـزان اثـر بخشـی و مشـروعیت دولت‌هـا مـی کاهـد، امنیـت و ثبـات جوامـع را بـه خطـر مـی انـدازد و ارزش‌هـای دموکراسـی و اخلاقیـات را مخـدوش مـی سـازد و از ایـن طریـق مانـع توسـعه سیاسـی و اجتماعـی جامعـه مـی شـود.

۵- فساد به افزایش هزینهء معاملات و کاهش امکان پیش بینی‌های اقتصادی منجر می‌شود و مانع توسعه پایدار است.

۶- فساد منجر به هدر رفتن سرمایه گذاری‌های انجام شده روی منابع انسان، کم رنگ شدن فضایل اخلاقی و ایجاد ارزش‌های منفی در اداره و سازمان می شود.

۷- فساد موجب تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی دولت برای جلوگیری از زیاده طلبی‌ها و نیز باعث قطع امید مردم به آینده بهتر می شود.

برای حد اقل رساندن پیامدهای فساد و گسترش و حفظ اعماد عمومی نسبت به سازمانها، به بر خورد با مسایل به شیوه ای منطقی و نظامند، بسط و کار گیری راه حل‌های متناسب با نیازهای سازمان‌ها و منعکس کننده محیط عملکردی خاص آن‌ها نیاز مندیم.

نتیجه گیری

تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری فساد به آن ماهیت پیچیده ای داده است که در نتیجه آن بسیاری از برنامه‌های طراحی شده دولت‌ها برای مبارزه با فساد به شکست انجامیده است.تجربیات به‌دست آمده از اجرای این برنامه‌ها نشانگر این است که برای حذف یا کاهش این پدیده شوم در نظام اداری کشور،نیازمند برنامه‌هایی هستیم که که با تاثیر بر فرهنگ عمومی جامعه و ابعاد آن همچون فرهنگ سازمانی(به عنوان پدیده ای که به‌طور مستقیم از فرهنگ جامعه تاثیر می پذیرد).پیشگیری از بروز پدیده فساد اداری را هدف قرار می‌دهد ،به جای آن که از طریق طراحی رویه‌های تنبیهی وپس از وقوع باآن مبارزه کند .همانگونه که در دنیای پزشکی تاکید بر این است که پیشگیری بهتر از درمان است و از این طریق با هزینه کمتر و سریع تر می‌توان به مقصود رسید .

در اینجا نیز تاکید می کنیم که فرهنگ سازمانی این قابلیت را دارد که بتواند مانع از بروز

بسیاری از جریانات توام با فساد اداری گردد.فرهنگ سازمانی از کارکردهای گوناگونی برخوردار است و می‌توان با معرفی الگو رفتاری مطلوب به کارکنان ،رفتار آنان را کنترل کند.فرهنگ سازمانی از طریق تثبیت شیوه‌های مطلوب انگیزش ،به رفتار کارکنان جهت می‌دهد .همچنین فرهنگ سازمانی از نظر اجتماعی به عنوان چسبی به حساب می‌آید که می‌تواند از طریق ارائه استاندارد مناسب (در رابطه با آنچه که باید اعضای سازمان انجام دهند یا بگویند) اجزای سازمان را به هم متصل می‌کند . در صورت نبود این فرهنگ سازمانی می‌تواند عامل بروزپدیده قاچاق در سطح دستگاه گمرکی باشد که نوعی رفتار غیر قانونی است . کاغذ بازی زیاد ، مقررات پیش بینی نشده و فراوان ، محیط تجاری غیر قابل پیش بینی ، پیچیده و متناقض از محدودیت‌های غیر تعرفه ای واردات و موانع صادرات هستند که می‌توانند افزایش فعالیت‌های غیر قانونی را به همراه داشته باشند .

بروکراسی و ساختار اداری ناکارآمد به افزایش هزینه‌های تولید وتجارت در اقتصاد رسمی منجر خواهد شد .گاهی اوقات گرفتن مجوز برای تولید و صادارات از مراکز متعدد تصمیم‌گیری، با بهره وری پایین بیش از یک ماه زمان نیاز دارد که هزینه و قیمت تمام شده را برای تولید وصادرات به شدت افزایش می یابد . وجود تشریفات اداری صدور و ورود کالا نیز سبب طولانی وپر هزینه شدن روال قانونی کار و راکد ماندن سرمایه صادر کننده و نیز فاسد شدن کالاهای آنان می‌شود ، بدین علت ،گاهی تجار ناچار می‌شوند قوانینی را نادیده انگارند و کالای خود را از طریق غیر قانونی صادر و یاوارد کنند که نتیجه این همان رواج قاچاق کالا است . پس نتایج این تحقیق گویای آن است که فساد اداری می‌تواند بر روی قاچاق در ایران تاثیرگذار باشد.

منابع و مآخذ

۱. اکبر نژاد مهدی و همکاران (۱۲۹۳).بررسی فساد اداری از دیدگاه قران و احادیث ،بهار و تابستان ۱۳۹۳،شماره ۷

۲. بافنده ایمان‌دوست، صادق (۱۳۹۰). «بررسی قاچاق کالا راه‌های مقابله با آن»، مجموعه مقالات منتخب نخستین همایش ملی قاچاق کالا و امنیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جنوب کشور، بوشهر، دانشگاه خلیج فارس، چاپ اول

۳. تابلی حمید(۱۳۹۵) فساد اداری در سازمان‌های دولتی ایران ،دی ماه ۹۵

۴. توکلی، کیاندخت، نظام اداری و قاچاق کالا، از علت شناسی تا راهکارهای پیشگرانه، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۸۹.

۵. حسینی خداداد وهمکارن (۱۳۸۰) بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن ، بهار ۱۳۸۰، شماره ۱۸

۶. ربیعی علی،آصف‌هاجر(۱۳۹۱).نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری، مقاله علمی پژوهشی ،تابستان ۱۳۹۱،شماره ۱۰

۷. زرندی سعید و همکاران (۱۳۹۶).عوامل موثر بر فساد اداری در سازمان‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران ،پاییز۱۳۹۶،شماره ۹۱

۸. قادری مهدی (۱۳۸۸).فساد اداری در ایران تحلیل جامعه شناختی ،مقاله علمی پژوهشی ،خرداد ۱۳۸۸،شماره ۱۳۸

۹. ماندگار سهراب (۱۳۹۶).عوامل قاچاق و اثار ان ،راههای پیشگیری از فساد اداری ومبارزه با قاچاق ،بهار ۱۳۹۶،دوره سوم ،شماره ۴,۱

۱۰. معاونت پژوهش و آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۸۹). »دولت و اقتصاد غیررسمی در ایران»، سری انتشارات اقتصاد پنهان ۲۵

رابطه فرار مالیاتی و عدم شفافیت در عملکرد شرکت‌ها و بنگاه‌ها

نرگس بسطام خانی[۱]

چکیده

آگاهی از تاثیر کیفیت افشای شرکتی بر مشکلات کلان اقتصادی از جمله فرار مالیاتی ؛ حایز اهمیت است. از طرفی با توجه به اهمیت روزافزون مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مالی ودرآمدی دولت؛ شناخت راه کارهای کاهش پدیده مخرب فرار مالیاتی که موجب اختلال در وصول کامل مالیات و کاهش درآمدهای مالیاتی دولت می‌شود نیز اهمیت بسیاری دارد. افشای با کیفیت اطلاعات می‌تواند به عنوان یک عامل نظارتی؛ رفتار مدیریت شرکت را کنترل نموده و انگیزه فرار از مالیات را کاهش دهد؛ لذا انتظار می‌رود افزایش کیفیت افشای شرکتی موجب کاهش فرار مالیاتی شرکتی شود. این تحقیق با روش توصیفی- تحلیلی به تاثیر کیفیت افشای شرکتی بر کاهش فرار مالیاتی در ایران می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که ارتباط مثبت بین عدم شفافیت و فرارمالیاتی درمورد شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که به دنبال گسترش منافع شخصی هستند،برقرار است. عدم شفافیت اطلاعات یک مکانیسم منطقی برای بررسی ارتباط بین کسب منافع و فرار مالیاتی است به این دلیل که هردو نیازمند مقداری پنهان کاری هستند یعنی دقیقا همان چیزی که عدم شفافیت ایجاد می‌کند.

واژگان کلیدی: فرار مالیاتی، مالیات، افشای شرکتی، شفافیت اطلاعات.

۱.دانش آموخته کارشناسی رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مفید

nargesbastami75@gmail.com

مقدمه

دولـت اطلاعـات بسـیاری در زمینـه دارایی‌هـا و اطلاعـات مـردم ؛ شـرکتها ؛ بنگاه‌هـا ؛فعـالان اقتصـادی از جملـه تجـار و تولیدکننـدگان و.. دارد ؛ کـه در واقـع بـا ایـن اطلاعـات قابلیـت برنامه‌ریـزی اقتصـادی پیـدا می‌کنـد و همچنیـن اطلاعـات اقتصـادی لازم را در اختیـار همـگان قـرار می‌دهـد تـا فعالیـت کننـد. امـا عـدم انتشـار اطلاعـات اقتصـادی باعـث فسـاد در زمینه‌هـای مالـی می‌شـود. زمانـی کـه فعـال اقتصـادی شـفافیت در اقتصـاد را نبینـد بـه خـود اجـازه فـرار از مالیـات می‌دهـد. در زمـان آشـفتگی اطلاعاتـی ؛ مدیـر و کارمنـدان در فضـای غیـر شـفاف اقتصـادی کار مـی کننـد کـه باعـث نابسـامانی در زمینـه نظـام مالیاتـی کـه موجـب بـروز فـرار مالیاتـی می‌شـود.در اقتصـادی کـه اطلاعـات کامـل را از مودیـان نداریـم در برخـی از زمان‌هـا در دریافـت مالیـات؛ عدالـت مخـدوش می‌شـود و در جاهایـی حتـی بیشـتر از حـد متعـارف مالیـات می‌گیریـم و در جاهایـی کمتـر از حـد متعـارف. واضـح اسـت کـه بیـان شـفافیت اقتصـادی ؛ افشـای آن بـرای همـگان نیسـت بلکـه ایـن امـر بـرای ایجـاد کاهـش فسـاد و ایجـاد کارآمـدی در فعالیـت اقتصـادی می‌باشـد کـه بـه صـورت یکپارچـه اطلاعـات مربـوط بـه دارایـی و امـوال افـراد جامعـه را در اختیـار داشـته باشـد.(قهرمانی؛ ۱۳۹۳: ۴)

افزایـش کیفیـت افشـای شـرکتی ؛ احتمـال کشـف مـوارد فـرار مالیاتـی شـرکتها را توسـط مامـوران مالیاتـی را افزایـش داده و انگیـزه مدیـران را بـرای گریـز از مالیـات را کاهـش می‌دهـد و مدیـران شـرکت مـدام بـه رعایـت قوانیـن و مقـررات مالیاتـی شـده و فـرار مالیاتـی کاهـش می‌یابـد. ضـرورت ایـن بحـث از سـوی نظـام مالیاتـی ایـن اسـت کـه در صـورت عـدم دسترسـی مامـور مالیاتـی بـه اطلاعـات در تشـخیص مالیـات انحـراف ایجـاد می‌شـود و از سـوی دیگـر زمینـه فسـاد فراهـم خواهـد شـد. بـه ایـن ترتیـب می‌تـوان گفـت عـدم انتشـار اطلاعـات زیربنـای اصلـی ایجـاد فسـاد اسـت؛ فرضیـه بـر ایـن اصـل اسـت کـه شـفافیت باعـث کاهـش فـرار مالیاتـی بنگاه‌هـا و شـرکتها می‌شـود.

۱- پیشینه تحقیق

۱.کمالی (۱۳۹۵) در مقاله » بررسی نقش شفافیت اقتصادی در تقویت فرهنگ مالیاتی» به روش فراتحلیل؛ و فرضیه‌ی تاثیر شفافیت اقتصادی در افزایش فرهنگ مالیاتی؛ نتایج حاکی از آن است که اثرات و پیامدهای شفافیت اقتصادی در فرهنگ مالیاتی به صورت تقویت رفتار مالیاتی مؤدیان بروز مییابد.

۲. رسائیان و عسکری اکبری (۱۳۹۲) در مقاله »بررسی ارتباط بین فرار مالیاتی ، شفافیت و ارزش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار» براساس فرضیه شرکت‌های غیر شفاف سطح بالاتری از فرار مالیاتی را نسبت به شرکت‌های شفاف نشان میدهند؛ پرداخته‌اند و نتایج حاکی از آن است که عدم شفافیت شرکت ارتباط مثبت و معناداری با سطح فرار مالیاتی شرکت دارند.

۳. هادیان و تحویلی (۱۳۹۲) در مقاله «شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران» برای دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶ براساس فرضیه عوامل موثر بر پدیده فرار مالیاتی در کشورهای درحال توسعه حاکی از آن است که چهار متغیر نرخ مالیات، پیچیدگی قوانین و مقررات، نبود سرمایه اجتماعی و تورم بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران اثر دارد؛ پرداخته اند و نتایج حاصل از تخمین الگو حاکی از آن است که در بلندمدت هر چهار متغیر با فرار مالیاتی رابطه ای مثبت و معنی دار داشته اند و در خصوص بلندمدت بطور تقریبی شبیه نتایج بلندمدت با این تفاوت که تورم نقش تعیین کننده ای بر فرار مالیاتی نداشته است.

۴. قهرمانی (۱۳۹۳) در مقاله »شفافیت اقتصادی و نظام مالیاتی» با استفاده از نمودار براساس فرضیه ارتباط شفافیت اقتصادی در نظام مالیاتی؛ پرداخته است ، نتایج پژوهش نشان داد عاملی که باعث شفافیت اقتصادی و اجرای عادلانه قوانین در کشور میشود و اجازه سوء استفاده مالی در بخش‌های مختلف اقتصادی را کاهش میدهد، یکپارچه سازی و تقاطع

این سامانه باهم است ، نظام مالیاتی باید باشد تا انصاف و عدالت برقرار شود.

۵. مسیح آبادی و دجلانی (۱۳۹۵) در مقاله «عدم شفافیت و اجتناب مالیاتی» با استفاده از پذیرش استاندارهای بین‌المللی گزارشگری مالی(ifrs) با فرضیه عدم شفافیت منجر به اجتناب مالیاتی خواهد شد و شواهد یافت شده دال بر این است که عدم شفافیت با درآمدهای مالیاتی شرکتی کمتر در کشورها به عنوان درصدی از تولید ناخالص ملی؛ ارتباط دارد. به‌طور کلی اجتناب مالیاتی اثر با اهمیت و واقعی عدم شفافیت است مفاهیم خاصی برای قانون گذاران؛ پژوهشگران و سازمان‌های اجرایی مالیاتی همراه دارد.

۶. فرانزنی (۱۹۹۸) در مقاله «فرار از مالیات و پیروی از مالیات» با روش تحقیقات نظری و تجربی براساس فرضیه عوامل و راههایی بر فرارمالیاتی موثر هستند ، نتایج حاکی از آن است که فرار از مالیات یک پدیده پیچیده است که نمی‌توانند توسط تغییرات حاشیه‌ها در عمل اجرای عملیات ریشه کن شود.

۷.ککفیلد (۲۰۱۶) در مقاله «چگونه کشورها باید اطلاعات مالیاتی را به اشتراک بگذارند»با روش تجزیه تحلیل براساس فرضیه ارتقاء شفافیت مالی جهانی از طریق تبادل اطلاعات بین‌المللی مبادلات بین‌المللی، نتایج ناشی از آن است که عناصری از قوانین و سیاست‌های تبادل اطلاعات مالی بین‌المللی را با تمرکز بر۳ چالش اصلی کیفیت اطلاعات، حریم خصوصی مالیات دهندگان و اجرای آن مورد بحث قرار میدهد.

۸.گارزو و کلمنسیک در مقاله » تبادل اطلاعات موثر بین‌المللی به عنوان یک عنصر کلیدی در نظام مالیاتی مدرن: وعده‌ها و خطاهای استاندارد معمول گزارشOECD » با روش توصیفی و تحلیلی با فرضیه بررسی برخی از مهم‌ترین دلایل استفاده از یک مدل جهانی نتایج حاکی ازآن است که جهان شلوغ »شفافیت مالیاتی» توسط نمادین شده است و در آینده قابل پیش بینی خواهد بود و یک میدان جنگ دیگر بین هنجارهای مقابله با مالیات که با موفقیت یا شکست نهایی آن به وسیله ی متقابل پاسخ‌های چند

جانبه ای به مشکلات فوری در حال حاضر بیان میشود، هیچ نتیجه ای ازافشای اطلاعات مناقشات بالقوه منفی در اختیار مقامات قرار نگرفته است.

در مطالعه‌های قبلی از روش‌های پستل یا سنجی استفاده شده است و یااین که در دوره زمانی خاصی به مطالعه پرداخته‌اند و ضمناین که فرار مالیاتی دلایل بسیاری دارد و ما فقط به یکی از آن‌ها که عدم شفافیت است می‌پردازیم . در این مطالعه سعی خواهد شد که با روش توصیفی-تحلیلی ارتباط فرار مالیاتی بر عدم شفافیت و راه حل‌هایی برای کاهش فرار مالیاتی و ایجاد شفافیت در عملکرد بنگاه‌ها و شرکتها بیان کنیم.

۲- مفهوم فرار مالیاتی

از دیرباز در جامعه‌ها و حکومت‌ها مالیات به عنوان منبعی برای هزینه‌های دولت حاکم به روش‌های گوناگونی از مردم اخذ می شد. باگسترش و تشکیل حکومت‌های دموکراسی مالیات بعنوان یک تکلیف قانونی و تصویب شده برای هزینه‌های امور زیربنایی و ایجاد موسسسات و صنایع و کارخانه‌ها و رفاه اجتماعی و جلوگیری از فاصله‌های طبقاتی از اهمیت خاصی برخوردار است که در نهایت سود آن به خود افراد کشور برمیگردد ولی متاسفانه باوجود این همه قوانین مالیاتی از راه‌های دیگر از زیر بار تکلیف قانونی و شرعی شانه خالی کرده و به اصطلاح راه فرار مالیاتی را پیش می گیرند. (لاری دشت بیاض و همکاران؛ ۱۳۹۴: ۱۴۱)

با توجه به اهمیت مالیات در درآمدهای مالیاتی، مشاهده می‌شود که بخش عمده ای از درآمدهای مالیاتی از طریق دو کانال اجتناب از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی از دست دولت خارج می‌شود. تفاوت مفهومی اجتناب از پرداخت مالیات و فرار مالیاتی اساسا ناشی از مشروعیت یا وجاهت قانونی یکی در مقابل عدم مشروعیت یا عدم وجاهت قانونی دیگری است. اجتناب از پرداخت مالیات در چارچوب قانون صورت می گیرد و ناظر

بـر کاهـش تعهـدات مالیاتـی فـرد از طریـق دور زدن قانـون یـا اسـتفاده از خـلأ قانونـی موجـود می‌باشـد، لـذا از منظـر جـرم شناسـی قابـل تعقیـب نیسـت. امـا فـرار مالیاتـی بـه معنـای شکسـتن حریـم قانـون اسـت. وقتـی مـؤدی از گـزارش درآمدهـای مشـمول مالیـات خویـش جلوگیـری کنـد، بـه شـیوه‌های عامدانـه نظیـر گـزارش کمتـر از واقـع درآمـد و فـروش، گـزارش بیـش از واقـع کسـورات و یـا تنظیـم اظهارنامـه غیـر واقعـی از تعهـدات مالیاتـی خـود طفـره بـرود، در حقیقـت مرتکـب عمـل غیـر قانونـی شـده اسـت کـه مسـتحق تنبیـه مدنـی یـا جزایـی اسـت. (کریمـی پتانـلار و همـکاران؛ ۱۳۹۴: ۶۴)

یـا هرگونـه تـلاش غیرقانونـی بـرا پرداخـت نکـردن مالیـات مثـل عـدم ارائـه اطلاعـات لازم بـه مقامـات مسـئول؛ کـه در واقـع نوعـی تقلـب علیـه یـک نهـاد اقتصـاد دولتـی اسـت را فـرار مالیاتـی مـی گوینـد. و یـا این‌کـه هرگونـه برنامـه یـا اقدامـی کـه شـرکت‌ها جهـت کاهـش یـا عـدم پرداخـت مالیـات انجـام می‌دهنـد بدوناین‌کـه زیـان یـا ریسـک اقتصـادی را تحمـل کـرده باشـند؛ فـرار مالیاتـی تلقـی می‌شـود. (رسـاییان و میرعسـگری؛ ۱۳۹۲: ۱۶۰)

۳- زمینه های فرار مالیاتی

بررسـی‌های مختلـف نشـان دهنـده آن اسـت کـه زمینه‌هـای پیدایـش فـرار مالیاتـی در مـواردی از قبیـل عـدم گسـترش فرهنـگ مالیاتـی در جامعـه ـ عـدم مبادلـه کامـل اطلاعـات و نبـود نظـام نظـارت و پیگیـری در اخـذ مالیـات ـ تشـخیص بـه هنـگام وجـود ضعـف در اجـرای آن ـ عـدم اسـتقبال از تسـلیم اظهـار نامه‌هـای مالیاتـی ـ ضعیـف بـودن ضمانت‌هـای اجرایـی در ایـن مـوارد ـ تاخیـر در وصـول مالیـات ـ نشـناختن مودیـان و مسـتند بـودن میـزان درآمـد آن‌هـا ـ وجـود قوانیـن پیچیـده و متعـدد مالیاتـی ـ وجـود معافیت‌هـای وسـیع و متنـوع و ... خلاصـه می‌شـود. (هادیـان و تحویلـی؛ ۱۳۹۲: ۴۲). یکـی از جامـع تریـن سـاختارهای مربـوط بـه عوامـل مؤثـر بـر فـرار مالیاتـی توسـط فیشـر و همکارانـش (۱۹۹۲) ارائـه شـده اسـت کـه بـه مـدل فیشـر معـروف

است. که به صورت خلاصه در زیر آمده است:

۱-۳- فرصت عدم پرداخت

۱-۱-۳- سطح درآمد: در پی افزایش درآمد، فرار مالیاتی در همه محدوده‌ها افزایش می‌یابد. وگل (۱۹۷۴) نشان می‌دهد افرادی که طی ۵ سال گذشته بهبود وضعیت مالی (درآمدی) خود را گزارش نموده اند، نسبت به افرادی که در همان دوره سیر نزولی در وضعیت درآمد را تجربه داشته اند، انگیزه بیشتری برای فرار از مالیات دارند. هوستون و ترن(۲۰۰۱) بیان می کنند که مؤدیان مربوط به گروه‌های درآمدی بالا به وسیله کم‌گویی در درآمد و گزارش بالاتر مخارجشان، گرایش کمتری به پرداخت مالیات دارند.

۲-۱-۳- شغل و منبع درآمد: بررسی‌ها نشان داده است مؤدیانِ خود اشتغال بیشتر علاقه مند می باشند تا حالت‌های گوناگونی از عدم پرداخت مالیات را به کار گیرند . از این‌رو امین خاکی (۱۳۹۰) بیان می کند افرادی که از محل خود اشتغالی، تجارت مستقل و یا کشاورزی کسب درآمد میکنند، از امکان فرار مالیاتی بالاتری برخوردارند، در حالی که حقوق بگیران به دلیل پرداخت مالیات قبل از دریافت درآمد (مالیات تکلیفی)، از شانس و احتمال کمتری برای ارتکاب فرار مالیاتی برخوردارند.

۲-۳- گرایشات و آگاهی‌ها

۱-۲-۳- عادلانه بودن نظام مالیاتی: به‌طور کلی مدیران مالیاتی و مالیات دهندگان معتقدند که رشد نارضایتی در مورد عدالت سیستم مالیاتی دلیل اصلی برای افزایش عدم پذیرش مالیات می‌باشد. تضعیف اصل عدالت در سیستم مالیاتی این آگاهی را به مالیات دهندگان منعکس میکند که ارزش مالیات آن‌ها نسبت به ارزش خدمات ارائه شده توسط دولت یا نسبت به آنچه سایر مالیات دهندگان پرداخت میکنند بیشتر می‌باشد .

۲-۲-۳- سیستم، ساختار مالیاتی: سطح قبول پرداخت مالیات در بسیاری ازکشورهای

در حال توسعه کاهش یافته است. سیستم ساختار مالیاتی یکی از دلایل اصلی برای این پدیده می‌باشد.

۳-۲-۳- فرهنگ: فرهنگ به عنوان یک عامل قدرتمند زیست محیطی در نظر گرفته می‌شود که قبول مالیات توسط مالیات دهندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنجارهای اجتماعی مختلف و ارزش‌های اخلاقی، مشوق‌های گوناگونی را برای پیروی از مالیات ایجاد میکنند. در واقع ارزش‌های اخلاقی تحت تأثیر هنجارهای اجتماعی ممکن است مالیات دهندگان را از درگیر شدن در فرار از پرداخت مالیات ممنوع سازد.

۳-۳- حکمرانی خوب: حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)، بوروکراسی شفاف، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود، مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می یابد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروههای اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیتها داشته باشند.

(کریمی پتانلار و همکاران؛ ۱۳۹۴: ۶۵-۷۰)

همچنین نرخ مالیات و بار مالیاتی، درآمد مالیات دهندگان، نرخ‌های تورم و بیکاری، آزادسازی تجاری، اندازه دولت و .... برخی متغیرهای اقتصادی هستند که در فرار مالیاتی نقش دارند . بدون شک رواج و گسترش فرار مالیاتی در هر کشوری تابعی از شرایط اقتصادی است و این شرایط بستگی به ساختار هر کشور دارد .در ادامه به‌طور خلاصه به مهمترین عوامل اقتصادی موثر بر فرار مالیاتی اشاره می‌گردد .این متغیرها، متغیرهایی هستند که در بخش تجربی از آن‌ها استفاده شده و براساس یافته‌های مقاله از اهمیت

بالاتری نسبت به سایر متغیرها برخوردار بوده اند.

۴-۳- بار مالیاتی: نرخ‌های مالیات بالا و بار مالیاتی از مهمترین علل فرار مالیاتی محسوب می‌شوند. نرخ مالیات بیشتر منجر به یک افزایش قوی در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی شده و فرار مالیاتی را افزایش خواهد داد. همچنین بار مالیاتی بیشتر منجر به افزایش فعالیت در بخش اقتصاد زیرزمینی می‌شود که به نوبه خود فرار مالیاتی را افزایش خواهد داد .فرض معمول این است که افزایش در بار مالیاتی یک گرایش قوی را برای نیروی کار به سمت اقتصاد زیرزمینی ایجاد می‌کند . بررسی رابطه بین نرخ مالیات بر درآمد و فرار مالیاتی طی دوره ۱۹۶۷-۱۹۹۷ در آمریکا صورت پذیرفت .این محققان به این نتیجه رسیدند که نرخ بالای مالیات بر درآمد منجر به افزایش بیشتر فرار مالیاتی می‌شود.

۵-۳- بیکاری: در قرن حاضر یکی از بزرگترین مشکلات اقتصادی جوامع بیکاری است. در کشورهای جهان سوم، بیکاری می‌تواند خطرات بسیاری را متوجه جامعه و اقتصاد نماید .بیکاری نیز یکی دیگر از علل فرار مالیاتی است که اثر قابل توجهی بر فرار مالیاتی دارد .رشد بیکاری، انگیزه فعالیت در حوزه‌های غیرقانونی را افزایش می‌دهد و به افزایش حجم اقتصاد زیرزمینی کمک می‌کند که به نوبه خود به فرار مالیاتی بالا منجر خواهد شد.

۶-۳- تورم: رشد سطح عمومی قیمت کالاهای مصرفی اثر قابل توجهی بر افزایش فرار مالیاتی دارد. با افزایش سطح عمومی قیمتها، بسیاری از خانوارها زیر خط فقر قرار می گیرند. فقر و ناتوانی در تامین حداقل درآمد، انگیزه ورود به اقتصاد زیرزمینی را افزایش می‌دهد که خود منجر به فرار مالیاتی بیشتر می‌شود.

(صمدی و تابنده، ۱۳۹۲: ۸۰-۸۲)

۴- ارتباط فرار مالیاتی با بنگاه‌های اقتصادی

اهـداف یـک سیسـتم مالیاتـی را می‌تـوان تجهیـز منابـع مالـی بـرای دولـت، سیاسـت‌گذاری اقتصـادی، تخصیـص منابـع و بسـط عدالـت دانسـت. اگـر سیسـتم مالیاتـی نتوانـد بـه ایـن اهـداف برسـد و یـا این‌کـه حـد مطلـوب و مـورد نیـاز هـر یـک از اهـداف فـوق را تأمیـن ننمایـد، آنـگاه اصـلاح سیسـتم مالیاتـی ضـروری می‌باشـد .همچنیـن اگـر کل سـاختار سیسـتم اقتصـادی بایسـتی اصـلاح گـردد، یـک سیسـتم مالیاتـی نـاکارا آثـار نامطلوبـی دربـر دارد، کـه می‌تـوان بـه عـدم تعادل‌هـای داخلـی(ماننـد کسـری مزمـن بودجـه دولـت)و خارجـی، فـرار سـرمایه و عـدم کارآیـی در تولیـد و توزیـع اشـاره کـرد .در اکثـر کشـورهای در حـال توسـعه بـه علـت عـدم کارآیـی سیسـتم مالیاتـی آن‌هـا، ایـن آثـار نامطلـوب وجـود دارد .بـرای ارزیابـی سیسـتم مالیاتـی معیارهـای مختلفـی از قبیـل سـطح مالیاتـی، ظرفیـت مالیاتـی، کوشـش مالیاتـی، کشـش مالیاتـی و بـار مالیاتـی وجـود دارد. در ایـران درآمدهـای مالیاتـی همـواره در کنـار درآمـد نفـت عمـل می‌کـرده اسـت چنانچـه در دوره زمانـی ۱۳۵۲- ۱۳۷۴سـهم آن از کل درآمدهـای عمومـی دولـت کـم بـوده و بعـد از سـهم مربـوط بـه درآمـد نفـت قـرار داشـته اسـت. بررسـی انجـام شـده نشـان می‌دهـد کـه بودجـه همـواره رونـدی صعـودی داشـته اسـت و خصوصـاً از سـال ۱۳۵۱ بـه بعـد بـه دلیـل افزایـش سـریع درآمدهـای نفتـی در طـول سـال‌های یـاد شـده ایـن رونـد کامـلاً تنـد بـوده اسـت، امـا رشـد درآمدهـا بـا افزایـش هزینه‌هـا متناسـب نبـوده بـه نحـوی کـه از سـال ۱۳۵۲تاکنـون همـواره بـه نوعـی کسـری بودجـه روبـرو بـوده ایـم و هـدف تعـادل و تـوازن بودجـه در بلنـدمدت تامیـن نشـده اسـت .از طـرف دیگـر ملاحظـه میگـردد کـه نظـام مالیاتـی کشـور بـا مشـکلاتی مواجـه بـوده، بدیـن معنـی کـه جهـت گیـری خاصـی در زمینـه بهبـود توزیـع درآمـد نداشـته و بـا فاصلـه گرفتـن از نقـش اساسـی خـود در اقتصـاد کشـور بصـورت منبـع درآمـد در

کنـار نفـت بخشـی از هزینه‌هـای دولـت را تأمیـن نمـوده اسـت.

سـطح مالیاتـی یـا نسـبت درآمدهـای مالیاتـی بـه تولیـد ناخالـص داخلـی نیـز بعـد از انقـلاب اسـلامی کاهـش یافتـه چنانکـه از ۸/۴۲ ٪ در سـال ۱۳۵۰ بـه ۳/۹۷ ٪ در سـال ۱۳۷۴ رسـیده اسـت. شـاید بتـوان گفـت کـه از برجسـته تریـن مشـخصه سیسـتم مالیاتـی ایـران نسـبت کـم و ناچیـز سـطح مالیـات می‌باشـد. (عمـادزاده و مسـیب زاده؛ ۱۳۹۱: ۱۳). عـلاوه بـر ایـن در سیسـتم مالیاتـی موجـود اطلاعـات کامـل و مدونـی از منابـع مالیاتـی فراهـم نمی‌باشـد .در دسـترس نبـودن ایـن اطلاعـات مـدون باعـث بوجـود آمـدن مشـکلات اجرایـی و مدیریـت مالیاتـی گشـته کـه ایـن خـود زمینـه ای بـرای فـرار از مالیـات اسـت.

۵- تبیین مفهوم شفافیت:

در ابتدای سخن لازم است به تعریف شفافیت بپردازیم :

مفهـوم شـفافیت بـه معنـای امـکان نـگاه کـردن بـه درون یـک چیـز اسـت؛ و یـک موسسـه شـفاف موسسـه ای اسـت کـه اطلاعـات اقتصـادی- اجتماعـی- سیاسـی و... قابـل اتـکا بـرای همـه ی ذینفعـان مرتبـط بـا کیفیـت، خـوب قابـل دسترسـی باشـد.

گرچـه اصـولا دو مفهـوم شـفافیت و دسترسـی بـه اطلاعـات رسـمی بـا هـم درآمیختـه می‌شـوند؛ ولـی بایـد دانسـت کـه شـفافیت مفهومـی وسـیع تـر اسـت. شـفافیت عـلاوه بـر بـاز بـودن حکومـت، شـامل سـادگی و جامعیـت هـم می‌شـود . از دیـدگاه اقتصـادی، شـفافیت بـه معنـی اطـلاع رسـانی حقیقـی و همـه جانبـه در عرصـه فعالیت‌هـای اقتصـادی و روشـن بـودن سـاز وکارهـای حاکـم بـر روابـط اقتصـادی یعنـی چگونگـی تولیـد و توزیـع ثـروت در جامعـه اسـت. شـفافیت و فسـاد اقتصـادی در مقابـل هـم قراردارنـد. (کمالـی، ۱۳۹۵: ۲۰۹)

واضـح اسـت کـه منظـور هیچکـس از بیـان مسـئله شـفافیت اطلاعـات اقتصـادی، افشـای آن بـرای همـگان نیسـت بلکـه ایـن حاکمیـت اسـت کـه بـرای اجـرای عدالـت در جامعـه ایجـاد کارآمـدی

و کاهش فساد نیاز دارد تا به صورت یکپارچه به دارایی‌ها و اموال(حساب‌های مالی، اسناد رسمی و..) افراد جامعه را در اختیار داشته باشند این مسئله در تمام کشورهای پیشرفته به‌طور کامل پیاده سازی شده و مهم‌ترین ابزار دولت‌ها برای اراده در سطح کشور به شمار می رود.(قهرمانی،۱۳۹۳: ۴)

از جمله مزیت‌های شفافیت اطلاعات عبارت است:

۱. اداره صحیح و با برنامه اقتصادی: اداره اقتصاد کشور برای بهبود فضای کسب و کار و حمایت از تولید وابسته به داشتن اطلاعات دقیق از وضعیت اقتصادی کشور است سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی هم در فضای غیر شفاف می‌توانند با اطمینان سرمایه‌گذاری فعالیت کنند و در این فضا برنامه‌ریزی اقتصاد بسیار مشکل خواهد شد.

۲. جلوگیری از فساد و رانت: رانت خواری‌های گسترده، قاچاق کالا، افزایش بدون دلیل قیمت‌ها در بخش خدمات، زمین خواری‌های گسترده و سوداگری در بخش ارز و مسکن از مصادیق فساد در صورت نبود شفافیت اطلاعات است. در فضای غیرشفاف سواستفاده‌های بسیاری صورت می گیرد.

۳. افزایش ثروت ملی از طریق دریافت مالیات از ثروتمندان: یکی از راهبردهای رهایی از اقتصاد نفتی، اصلاح نظام مالیاتی کشور بر مبنای عدالت است. وزیر امور اقتصاد و دارایی، درباره ناعادلانه بودن دریافت مالیات می گوید:« به علت این‌که اطلاعات کامل را از مودیان نداریم در برخی جاها دریافت مالیات، عدالت مخدوش می‌شود، در جاهای بیشتر از حد متعارف در جاهای بسیار کمتر از حد متعارف مورد مالیات می‌گیریم .راه حل رفع مشکل ایجاد شفافیت در اقتصاد، دسترسی نظام مالیاتی به اطلاعات نظام مند کردن سیستم‌هاست که ایجاد سیستم جامع اطلاعاتی برای دریافت مالیات الزامی است و با انجام این کار عدالت در زمینه دریافت مالیات محقق می‌شود. اهمیت شفافیت اطلاعات در بخش مالیات تنها در افزایش درآمد نیست، در کشورهای پیشرفته دنیا ، برای هدایت

منابع مالی به سمت تولید، بازارهای موازی تولید همچون ارز، طلا، زمین و مسکن با ابزار مالیات‌های تنظیمی کنترل می‌شوند، بدین ترتیب جذابیت این بازارها که در حالت عادی بسیار بیشتر از تولید است، کاهش یافته و سرمایه‌ها به سمت تولید سوق پیدا می کنند. پیش نیاز اصلی دریافت مالیات‌های تنظیمی نیز دسترسی به اطلاعات مختلف فعالان این بازار است. (قهرمانی؛ ۱۳۹۳: ۱-۲)

نبود شفافیت یک سری آثار منفی به دنبال دارد که موارد ذیل برخی از آن‌هاست:

۱. عدم امکان کنترل و ردیابی مالی تخلفات انجام شده: بهترین روش برای کشف جرایم مالی، افزایش امکان ردیابی مالی یا سیر فعالیت‌های اقتصادی اشخاص است. اما در صورتی که گردش پول، کالا و خدمات مستند و شفاف نباشد، امکان کشف فساد از طریق کنترل‌های مالی به حداقل می رسد.

۲. عدم اطلاع مردم از شرایط و زمان تسهیلات اعطایی ارزی و ریالی دولت و همچنین مجوزهای مختلف وارداتی و صادراتی و سهمیه‌های متعدد: یکی از تبعات جبران ناپذیر نبود شفافیت، ناآگاهی اکثریت مردم از تسهیلاتی است که بانکها ، وزارتخانه‌ها یا سازمانهای تحت پوشش بخش عمومی غیردولتی، از منابع حاصل از بودجه سالانه یا منابع دیگر، با نرخ پایین تر از بازار در اختیار افرادی خاص قرار می دهند. همین امر باعث می‌شود تنها افرادی این تسهیلات را دریافت کنند که بیشترین ارتباط را با دارندگان این اطلاعات و افراد تصمیم گیرنده در این زمینه‌ها داشته باشند. این فرآیند دریافت تسهیلات، موجب می‌شود رانت یا موقعیت ویژه و ممتاز برای عده معدودی ایجاد شود که سریعتر و زودتر از دیگران به اطلاعات دسترسی دارند یا دسترسی پیدا می کنند.

۳. عدم امکان اجرای سیاست‌های پولی، مالی و بازرگانی: یکی از پیش شرط‌های مهم اعمال سیاستهای مذکور، امکان نظارت دولت بر گردش پول، کالا و خدمات در کشور است. طبیعی است که اگر بهترین سیاست‌ها هم اتخاذ شوند ولی امکان اجرای آن وجود

نداشته باشد، هزینه آن کمتر از اتخاذ نکردن آن سیاستها نخواهد بود.

۴. عدم امکان سیاستگذاری و برنامه ریزی واقع بینانه: یکی از پیش شرط‌های اساسی برای برنامه ریزی صحیح، وجود اطلاعات و آمار صحیح از واقعیات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور است. در صورت نبود مستندسازی و شفافیت، تهیه آمار قابل اعتماد و منطبق با واقعیت از فعالیت‌های مختلف امکان پذیر نخواهد بود. در چنین شرایطی، مردم هر کشوری به نرخ‌های اعلام شده در خصوص تورم، بیکاری، اشتغال، تولید ناخالص داخلی و تشکیل سرمایه با دیده تردید می نگرند و در آن‌ها اطمینان ایجاد نمی‌شود و به باور نمی رسند. (کمالی، ۱۳۹۵: ۲۱۱-۲۱۳)

به‌طور طبیعی تولیدکنندگان علاقه زیادی به حضور در بازار تولید و کسب سود دارند، یکی از ویژگی‌های اقتصادها(به خصوص اقتصادهای در حال توسعه) آن است که در صورتی که نرخ مالیاتی بیش از حد افزایش پیدا کند، افراد و گروه‌های تولیدکننده به سمت عدم شفافیت بیشتر و شکل دهی و گسترش اقتصاد موازی (غیررسمی) سوق خواهندیافت.

افزایش هزینه‌های تولید که ناشی از افزایش نرخ مالیاتی ازسوی دولت است باعث می‌شود تا تولیدکنندگان دو راهکار در برابر خود داشته باشند: یا اقدام به کاهش تولید کنند و یااین‌که به سمت عدم شفافیت بیشتر حرکت نمایند. کاهش تولید باعث کاهش سوددهی تولیدکنندگان و کاهش توان آن‌ها به منظور پوشش دهی تعهدات مالی آن‌ها خواهد شد و امکان استفاده از صرفه‌های ناشی از مقیاس از آن‌ها سلب خواهد شد. بنابراین تولیدکنندگان مورد نظر به منظور بقا در بازار تولید کالاها و خدمات به بازار غیررسمی (موازی) حرکت خواهند کرد. از این‌رو بالا بودن بیش از حد مالیات‌ها، نتیجه ای جز عدم شفافیت در اقتصاد به همراه نخواهد داشت و آثار نامطلوبی را بر اقتصاد خواهد گذاشت. از سوی دیگر در شرایطی که دولت توانایی وصول مالیات‌ها را از افراد،

گروه‌ها و تولیدکنندگان ندارد، با توجه به وضعیت نابسامان توزیع درآمد در اقتصادهای توسعه‌نیافته ، به نظر می رسد که گروه مالیات دهنده وضع مالی بدتری نسبت به گروهی که مالیات نمی دهند، پیدا خواهند کرد. به همین دلیل و با توجه به فضای نامناسب کسب وکار در اقتصاد، شکل گیری اقتصاد موازی (غیررسمی) و حتی اقتصاد غیررسمی با ماهیت غیرقانونی امری محتمل خواهد بود. ملاحظه می‌شود که نرخ بالای مالیاتی در کنار عدم توان دولت در وصول مالیات‌ها (به خصوص در شرایط توزیع نامناسب درآمد) به خودی خود عدم شفافیت را در اقتصاد افزایش خواهد داد. (کمالی، ۱۳۹۵: ۲۱۴)

۶- چگونگی تاثیر فرار مالیاتی و عدم شفافیت در عملکرد بنگاه‌ها و شرکت‌ها

اطلاعات یک منبع حیاتی برای هر سازمان است که استفاده کنندگان از آن را می‌توان به دو دسته درون سازمانی برون سازمانی طبقه بندی کرد. از جمله استفاده کنندگان؛ مدیران و سهامداران هستند که برای اتخاذ تصمیمات‌شان از اطلاعات استفاده می کنند.

فرار از مالیات از جمله تصمیمات مهم مدیریتی می‌باشد که بر پایه اطلاعات داخلی است و از سوی دیگر تحت تاثیر افشای اطلاعات برای سهام داران کاهش می‌یابد. مالیات یکی از هزینه‌های عمده‌ای است که افراد و شرکت‌ها به موجب فعالیت‌های درآمدزای خود با آن روبرو می‌شوند. به دلیل آنکه پرداخت مالیات؛ ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می کند؛ اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی خود را به گونه‌ای برنامه ریزی و اجرا می کنند که تعهدات مالیاتی خود را کمتر کنند. (خوئینی و تحریری؛ ۱۳۹۶: ۱۰۲). هر مقدار ادعا شده ای به عنوان درآمد یا کسر از بازده مالیاتی شرکت مرتبط با فعالیت اقتصادی و درآمد یا هزینهٔ گزارش شده توسط مدیریت در گزارشگری مالی است؛ بنابراین تا حدی که محیط اطلاعات مالی یک شرکت غیر شفاف باشد، این شرکت ممکن است توان بیشتری برای ایجاد ابهام در بدهی مالیاتی خود در برابر سازمان‌های

دولتی داشته باشد، چراکه کل اطلاعات در دسترس بازرسان و تحلیل گران همچنین در اختیار نهادهای مالیاتی خواهند بود و بنابراین می‌توان از مالیات‌های بیشتری فرار کرد یافته‌ها با این توصیف سازگار هستند یعنی‌این‌که جهت گیری سازمان به نحوی است که عدم شفافیت منجر به فرار مالیاتی میگردد. (مسیح آبادی و دجلانی؛ ۱۳۹۵: ۹۰)

علیرغم این ارتباط مستقیم بین محیط اطلاعاتی و بدهی مالیاتی، فرار از مالیات به عنوان اثری حقیقی که نتیجه دهنده از شفافیت یا عدم شفافیت به عنوان عاملی تعیین کننده برای فرار مالیاتی به‌طورکلی در متون علمی نادیده گرفته شده است. پر کردن این شکاف حداقل به دو دلیل اهمیت دارد؛ نخست، متون علمی برای توضیح تفاوت‌های مقطعی در عدم شفافیت دچار مشکل هستند علی الخصوص که عدم شفافیت به ارزش شرکت لطمه میزند و همچنین هنوز به دنبال مزایا و هزینه‌های کلی عدم شفافیت مالی هستیم. مزیتی احتمالی که ممکن است بر هزینه‌ها مسلط شود همان قابلیت شرکت‌های فاقد شفافیت برای فرار از پرداخت مالیات است. دوم، فرار از مالیات یک پدیده اقتصادی جهانی و قابل توجه است. تحقیقات صورت گرفته توسط شبکه عدالت مالیاتی[1] (۲۰۱۱) میزان فرار مالیاتی را در ۵٫۱ درصد از تولید ناخالص ملی جهانی[2] تخمین میزند، به‌طوری‌که فرار مالیاتی را حد پایین اجتناب از پرداخت مالیات میدانند. بدین ترتیب تهیه شواهد در مورد رابطه بین عدم شفافیت و اجتناب از مالیات می‌تواند مضامین مهمی برای مباحث علمی و سیاسی در بر داشته باشد.

فرار از مالیات در بستر ارزش شرکت و عدم شفافیت اطلاعاتی برای S&F در ۱۵۰۰ شرکت از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱ مورد بررسی قرار داده و دریافته است که شرکت‌های فاقد شفافیت در مقایسه با همتایان شفاف خود کمتر از مالیات فرار کرده اند. این ارتباط منفی نتیجه ی مدیریت شرکتی ارزش محور است. برخلاف این نظریه، که ویژگی جسورانه مالیاتی[3]

1. Tax justice network
2. Global gross domestic product (GDP)
3. Tax aggressiveness

(تهـور مالیاتـی) منجـر بـه افزایـش پیچیدگـی سـازمانی شـرکت می‌گـردد و بنابرایـن، فـرض می‌کننـد کـه افزایـش فـرار مالیاتـی منجـر بـه سـطح پائیـن تـری از شـفافیت در گزارشـهای مالـی می‌شـود. بـا اسـتفاده از مقیـاس جدیـدی بـرای فـرار مالیاتـی، عوامـل تعییـن کننـدۀ عـدم شـفافیت را مـورد کنتـرل قـرار دادنـد و رابطـه مثبتـی را بیـن فـرار مالیاتـی و عـدم شـفافیت بـرای نمونـه‌ای از شـرکت‌های بومـی یافتنـد. همچنیـن بایـد اشـاره کـرد کـه گرچـه آزمون‌هـای مسـتقیمی از جنبـه علّـی فرضیـه خـود ارائـه نمـی کننـد، امـا اینطـور فـرض مـی نماینـد کـه یـک رابطـه علـت و معلولـی مسـتقیم وجـود دارد، درحالـی کـه ایـن تحقیـق بـه ارائـه فرضیـه پرداختـه و شـواهدی می‌یابـد کـه بـا ارتبـاط معکـوس سـازگار اسـت.

شـفافیت مالـی بیشـتر در سـطح شـرکت بـا کاهـش اختـلاف قیمـت خریـد و فـروش و میـزان بیشـتری از نقدینگـی در ارتبـاط اسـت. عـلاوه بـر ایـن، کیفیـت گـزارش دهـی مالـی شـرکت یـک عامـل تعییـن کننـدۀ مهـم بـرای هزینـه سـرمایه و هزینـه بدهـی آن اسـت؛ امـا در یـک رویـه نسـبتاً متفـاوت، می‌تـوان اشـاره نمـود. پیچیدگـی سـازمانی (در مـواردی کـه پیچیدگـی بیشـتر بـا کاهـش شـفافیت گزارشـگری مرتبـط اسـت) می‌توانـد منجـر بـه ایجـاد وقفـه در تلاش‌هـای سـرمایه‌گذاران بـرای درک عملیـات و ارزش شـرکت گـردد.

تأثیـر شـفافیت شـرکتی نیـز محـدود بـه عواقـب کلـی بـازار نیسـت. بـه یقیـن، شـفافیت شـرکتی همچنیـن می‌توانـد نقشـی انضباطـی درون شـرکت ایفـا کنـد بـه نحـوی کـه نتیجـۀ آن انتخـاب بهتـری از سـرمایه‌گذاری‌ها، مدیریـت کارآمدتـر دارایی‌هـای موجـود و کاهـش سـلب مالکیـت از ثـروت سـهامداران اقلیـت گـردد. ایـن بحـث نشـان می‌دهـد کـه شـفافیت سـازمانی همچنیـن می‌توانـد بـر فعالیت‌هـای واقعـی و خـاص شـرکت تأثیرگـذار باشـد کـه یکـی از آن‌هـا همـان فـرار مالیاتـی اسـت. بـه عنـوان مثـال در مـورد نحـوه تأثیرگـذاری عـدم شـفافیت بـر فعالیتهـای حقیقـی، مـک نیکولـز و اسـتوبن (۲۰۰۸) ایـن مسـئله را بررسـی نمودنـد کـه آیـا شـرکت‌هایی بـا گزارشـگری مالـی غیـر شـفاف هـم تصمیمـات سـرمایه‌گذاری ای مـی گیرنـد کـه چنـدان بهینـه

نیستند و در می یابند که این قبیل شرکت‌ها تمایل به سرمایه‌گذاری افراطی دارند. در راستای این طرز فکر، همان طور که تراکنش‌های اقتصادی بنیادین، فرایندهای تعهدی و عملیات شرکتی و ساختارها دچار ابهام بیشتری می‌شوند فعالیت‌های فرار از مالیات می‌تواند با سهولت بیشتری در پس ابهامی که عدم شفافیت ایجاد می‌کند گسترش یابند. بااین وجود، این ارتباط بدون تنش نیست. اسکولز و همکارانش (۲۰۰۹) نحوه مواجهه مدیران با تعاملات فی مابین گزارشگری مالی و فرار از پرداخت مالیات را به دقت مورد بررسی قرار داده اند. این تعاملات معمولاً ناشی از انگیزه‌های ضد و نقیضی است که مدیریت باید نتایج بهتری را برای اهداف مالی محقق سازد و درعین حال بدهی مالیاتی شرکت را به حداقل برساند. گرچه قوانین مالیاتی حداقل تفاوت اندکی را با GAAP داخلی نشان می دهند، اما تراکنش‌های اقتصادی معمولاً برای اهداف گزارشگری مالیاتی و ثبت دفاتر تقریباً به یک نحو ارائه میشود، بدین وسیله امکان جدا شدن این دو تا حد زیادی محدود میگردد. (مسیح آبادی و دجلانی؛ ۱۳۹۵: ۹۰-۹۴)

نتیجه‌گیری

طبق نتایج به‌دست آمده محیط غیرشفاف اطلاعات مالی طبعا منجر به پنهان سازی فعالیت‌های فرار مالیاتی یک شرکت دربرابر مراجع مالیاتی شده و این توسط مدیران مورد استفاده قرار می‌گیرد. ارتباط مثبت بین عدم شفافیت و فرارمالیاتی درمورد شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که به دنبال گسترش منافع شخصی هستند، برقرار است. عدم شفافیت اطلاعات یک مکانیسم منطقی برای بررسی ارتباط بین کسب منافع و فرار مالیاتی است به این دلیل که هردو نیازمند مقداری پنهان کاری هستند یعنی دقیقا همان چیزی که عدم شفافیت ایجاد می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. خوئینی مهین و آرش تحریری، کیفیت اطلاعات داخلی ، کیفیت افشا و اجتناب مالیاتی شرکتها، دانش حسابداری مالی، ۱۳۹۶، شماره ۲۳.

۲. رسائیان امیر و میرعسگری اکبری ، بررسی ارتباط بین فرار مالیاتی،شفافیت و ارزش در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های پولی و بانکی،۱۳۹۲، شماره ۱۶.

۳. علی حسن صمدی و رضیه تابنده، فرار مالیاتی در ایران(بررس علل و آثار و برآورد میزان آن)، پژوهشنامه مالیات، ۱۳۹۲، شماره نوزدهم.

۴. عماد زاده محمد کاظم و چنگیز مسیب زاده ، فرار مالیاتی، زمینه پیدایش و راهکارهای جلوگیری از آن، دادرسی، ۱۳۹۱، شماره ۹۲.

۵. قهرمانی معصومه، شفافیت اقتصادی و نظام مالیاتی ، ۱۳۹۳.

۶.کریمی پتانلار سعید و محمدتقی گیلک حکیم آبادی و فاضل صابر نوچمنی، بررسی تاثیر اثربخشی دولت بر کاهش فرار مالیاتی مطالعه موردی کشورهای منتخب، پژوهشنامه مالیات ، ۱۳۹۴، شماره ۷۵.

۷.کمالی یحیی، بررسی نقش شفافیت اقتصادی در تقویت فرهنگ مالیاتی، ۱۳۹۵، شماره ۴۶.

۸. لاری دشت بیاض محمود و کامران قائم مقامی و قاسم کهرمی، بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در استان خراسان جنوبی با تاکید بر مولفه‌های فرهنگی، حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱۳۹۵، شماره۱.

۹. مسیح آبادی ابوالقاسمی و جواد دجلانی، عدم شفافیت و اجتناب مالیاتی، مطالعات مدیریت و حسابداری، دوره دوم، ۱۳۹۵، شماره ۳.

۱۰. هادیان ابراهیم و علی تحویلی ، شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در اقتصاد ایران،

برنامـه ریـزی و بودجـه، ۱۳۹۲، شـماره۲.
11-Cockfield Arthur j. ، how countries should share tax information، queen's law، 2016.
12-Franzoni luig alberto، tax evasion and tax compliance، 1998.
13-Gadzo stjepan andklemencic irena، effective internatinal information exchange as a key element of modern tax system: promieses and pitfalls of the oecds common reporting standard،2016.

Investigating the role of resistive economy policies in industrial productivity

mahsa yazdanpanah

Basic needs in the resistive economy are met by controlling dependence to foreign countries. To develop and progress the country in the system of resistive economy, quality, price, variety of domestic goods, changing executive management by attitude to attain self-sufficiency must consider. Some effective factors for productivity are: quality improvement of labor force, Economies of scale and output of goods. Productivity play an essential rule on the growth of competition, thus the requisite for Economic growth is growing industrial productivity, labor force, working capital, export rate and investment expenditure on the Research and development and considering basic structure of the country. In this paper we investigate the role of resistive economy policies in industrial productivity by using descriptive-analytical method, and library resources. Basic structures to realize resistive economy are freezing exchange rate, employment growth, freezing the general prices of goods and etc. And they have direct relation with industrial productivity. The results of this research shows that considering to resistive economy policies and its component in specified time, by improving structures of output, is effective in industrial productivity

Keywords: Resistive Economy, output of goods, employment, productivity, industrial part

Effects of tax on interest on bank deposits (review of experience of other countries)

m.sadeq hasani moqadam

Abstract

Taxes are always considered as one of the most important ways to finance and create economic stability for governments.

Governments play an important role in improving the function of tax system by collecting or not collecting taxes from different economic sections.

One of the duty-free sections is bank deposites. In this paper, we are using a descriptive-analytic method to prove the hypothesis that imposing tax on bank interests has a positive effect on increasing national production, liquidity, economic growth, and inflation.

By reviewing the effects of levying tax on bank interests and its effect on the volume of liquidity, inflation, national production, and economic growth, and also by reviewing other countries' experiences and by presenting some solutions, it was concluded that imposing tax on bank interests improves macro variables which, in turn, leads to an improvement in a country's general economic situation.

As a result, imposing such taxes itself is a step forward to go through the country's development path.

Key words:GNP, interest on bank deposits, economic growth, financial markets, taxes

Investigating the Impact of Transnational Impact on Economic Growth in Iran

fahimeh sadat hoseini

Income taxes plays a significant role for make up government expenditure and leads to government to invest in Economic boom and expansion. Government s by the taxing and using of it, will be able to make up their expenditure and will do more construct and make a big portion of expansion and will be able to allocate the available Resources to them based on their priorities. Tax evasion lead to government does not provide finance for cost of social and lose their process for construction and Ultimately, the government cant provide Quality of social services. Also tax evasion couses income not disturbute properly and couses to accumulate wealth among high classes and make gap social Classes. This case(accumulate wealth among high classes), not only does reinforce its political Power, but it does also increase political gap between social classes in society. Tax evasion has a lot of effect on society including it will couses low tax culture in society, lack of Exchanging information, lack of supervision and follow up to take taxes and existence of complex and different lows. In this paper we can see descriptive _analytical method with using Library Resources and Researches about taxes have examined the affect of tax evasion on Economic boom. The result have shown that inefficiency of the tax System and affect of taxes on the return on Capital Physical and human investment and decision and making progress and leads to impact of Economic boom.

The effect of donations (infaq) on absolute poverty allovation

hadi haghighi

Abstract

Poverty is not an unavoidable result of societies, but it is the result of the inappropriate management in distributing resources and also improper relations of people in structure of the power. From Islamic prospective, poverty is an evil phenomena which the government and people must try to reduce it and finally remove it. In the Islamic context, infaq is one of practical tools for decreasing level of poverty. In this research, for determining the total amount of "enfagh", we use "komite emdad" 's financial data, and for specifying the level of poverty, we have defined how much income someone needs to satisfy her vital needs per day in Qom city. In this paper, the data for 1387 with modifying it according to 1395 price index have been used. The main purpose of research is that if donating and contributing of people to "komite emdad" has efficient effect on level of poverty in Qom city. The outcome shows that the poverty has not been eliminated by only "komite emdad" 's funds.

Investigation the capacities and potentials of Iran-Afghanistan trade relations based on the gravity model in the last decade

zahra mohammadi

One of the ways of developing international trade of a country is economic-commercial capacity cognition of major partners and cognition of how to increase exports and imports to its optimal, maximum trade capacity of both countries must be considered and it must determine benefits of both sides of the trade and priority commercial goods. Since Afghanistan is one of the major partners for Iran, it is needed to analyze and cognize the opportunities and challenges between two countries precisely and try to improve trade relations and economic situation. Security and stability in Afghanistan could lead to trade increase but now this is not possible, there are still lots of concerns and problems in trade relation of two countries which needs more negotiation to be solved. In this paper we study the hypothesis of "Increasing trade between Iran and Afghanistan could lead to security increase around border, decreasing unemployment and increasing domestic production" by the use of descriptive–analytic method, statistic and library resources. Results of this paper argue the hypothesis.

Keywords: Afghanistan, Iran, trade, comparative advantages, absolute advantages

Assess the impact of exchange rate changes on government tax revenues

seyed amir mousavian

Abstract
In the Iranian economy, the dependence of the government budget on oil revenues and the inflexibility of government spending have made financial policies ineffective, which in turn has diminished the role of tax revenues in reducing government budget deficits and fluctuations. Among the factors that make a change in the amount of taxes collected by the government can be point to the exchange rate, oil revenue, GDP and general price level.
n
Indeed exchange rate can be effective by influencing export and import, openness of trade balance economy through internal constraints and the amount of domestic production in the country.
So this article tries to review with analytical and descriptive methods given That the exchange rate system in Iran is a managed floating system and currency rates are more influential on that currency-dependent products and dependent on foreign raw materials and a solution to be presented, so that the government can use theirs tool it means making changes in the exchange rate and after mobilizing production can increase their income by enacting new tax laws.

Keywords: Foreign exchange rates, taxes, government tax revenues, imports of goods and services

The rule of administrative corruption on the growth of smuggling goods and foreign exchange

Zeinab Talkhani

Administrative corruption is one of the dilemmas which nearly all the communities less or more, are facing it. Administrative corruption is kind of an organizational phenomena which remarkably challenges development of countries and caused fundamental crisis and problems in all over the community. what is common in corruption definitions is kind of a breaking the norm and violation of moral and legal norms in administrative and organizational function, and that's why administrative corruption and its definition is related to the accepted norms in every community and culture. the most important reason of economical corruption in public section is related to government tenure in economic and is included of multiple exchange rates, trade restrictions and low wages in government services. and this subject has a significant impact on smuggling of goods and currency in Iran.

Smuggling goods as an unfavorable economic phenomenon and national dilemma has taken on various dimensions, several factors are involved in its formation and surely the first step in resolving them is to identify them. smuggling in Iran occurs for reasons other than diseconomy, cultural and social poverty and etc, and the occurrence of this phenomenon is due to other factors such as poor system managements, legislation, significant differences in prices and quality of goods on both sides of the border, being low and neglecting fines, delinquency and such are involved. Production without obtaining a license from the competent and commerce, without registration in the official notaries, by hiding this type of transactions from domestic and customs officials and offering unlicensed work in the market, due to not paying social securities and taxes and tampering with governmental documents and their forgery, bribery, etc., are all forms of smuggling. One of the most important factors of efficiency and effectiveness of any economic system is the transparency of that system in various dimensions. Considering this vital issue has always been one of the concerns of economists, so that the lack of transparency of the administrative system and its bureaucracy in banking and customs system, has been recognized as an effective factor in the phenomenon of smuggling goods in Iran. The high benefit/ profit from smuggling caused increasing the process (of smuggling) in Iran, which in this article, we examine administrative corruption and its role in the occurrence of smuggling phenomenon by descriptive-analytical method.

Key words: administrative corruption, smuggling, government, prevention

The relation between tax evasion and Non-transparency in the performance of companies and firms

Narges Bastamkhani

It is important to be aware of the impact of corporate disclosure quality on macroeconomic problems, including tax evasion. On the other hand, given the growing importance of taxation as one of the most important sources of government funding and revenue, it is important to recognize ways to reduce the destructive phenomenon of tax evasion that disrupts the full collection of taxes and reduces government tax revenues. Information disclosure with high quality can, as a regulatory factor, control a company's management behavior and reduce the incentive to evade taxes, so it is expected that increasing the quality of corporate disclosure will reduce corporate tax evasion. This research with descriptive-analytical method examines the effect of corporate disclosure quality on reducing tax evasion in Iran. The results suggest that there is a positive link between non-transparency and tax evasion for companies and firms seeking to expand personal benefits. Lack of information transparency is a logical mechanism for examining the relation between Gaining benefits and tax evasion because both require some secrecy, which is exactly what makes non-transparency.

Keywords: tax evasion, tax, corporate disclosure, information transparency

راهنمای نگارش مقاله برای دانش پژوهان

الف: شرایط علمی

۱- مقاله بایستی ثمره تلاش‌های نویسنده باشد و او در برابر اعتراض‌ها و ادعاهای احتمالی پاسخگو خواهد بود. در صورت کشف خلاف، نشریه حق خود می‌داند که موارد را در شماره بعدی به اطلاع مخاطبان برساند.

۲- مقاله باید دارای اصالت، نوآوری و در حد مقدور به صورت تحلیلی باشد.

۳- مقاله ارسالی نباید در جای دیگری منتشر شده باشد و هم‌زمان برای نشریات دیگر نیز ارسال نشده باشد.

۴- نگارش مقاله باید تابع شیوه‌نامه تحقیقات علمی باشد و در تدوین آن از منابع اصلی و معتبر استفاده شده باشد.

ب: شرایط نگارش

۱- مقاله باید دارای سیر منطقی و ساختار محکم و استار بوده و اصل فصاحت و بلاغت در آن رعایت شده باشد.

۲- عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.

۳- نام مولف یا مولفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار، شماره تلفن و پست الکترونیکی ذکر شود.

۴- مقاله دارای چکیده فارسی و انگلیسی، هرکدام حداکثر ۱۵۰ کلمه باشد.

۵- واژگان کلیدی به زبان فارسی و انگلیسی، هرکدام پنج واژه باشد و در ذیل چکیده‌ها ذکر شود.

۶- مقاله باید دارای سوال اصلی، فرضیه تحقیق و مقدمه دقیق و روشن باشد به گونه‌ای که خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده کند.

۷- دربحث اصلی، موضوع و مدعای مقاله باید به خوبی تبیین و تحلیل شود. نتیجه‌گیری

و جمع‌بنـدی در پایـان آورده شـود.

۸- معادل لاتین اصطلاحات و مفاهیم در پاورقی ذکر شود.

۹- آدرس دهـی بـه صـورت درون متنـی باشـد. بـه ایـن صـورت کـه درون پرانتـز، فامیـل نویسـنده، سـال نشـر کتـاب یـا مقالـه و شـماره جلـد و صفحـه بیایـد. مانند:(مطهـری: ۱۳۸۰: ۴۵/۲)

۱۰- منابع و پی نوشت‌ها باید به ترتیب زیر باشد:

الف: کتاب

نـام خانوادگـی، نـام نویسـنده، سـال انتشـار(داخل پرانتـز)، نـام کتـاب، نـام مترجـم یـا مصحـح، محـل نشـر: ناشـر، نوبـت چـاپ.

ب: نشریه

نـام خانوادگـی، نـام نویسـنده، سـال انتشـار(داخل پرانتـز)، «عنـوان مقالـه»، نـام نشـریه، نوبـت انتشـار نشـریه، شـماره نشریه.

ج: مجموعه مقالات

نـام خانوادگـی، نـام، سـال انتشـار(درون پرانتـز)، عنـوان مقالـه، نـام گردآورنـده یـا ویراسـتار، نـام مجموعـه مقـالات، محـل نشـر، نـام ناشـر، شـماره صفحـات مقالـه.

د: منابع اینترنتی

نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان، نام و نشان اینترنتی، تاریخ مراجعه به سایت.

۱۱- مقالـه بایـد در حـدود ۲۵ صفحـه ۳۰۰ کلمـه‌ای باشـد و بـا برنامـه word و بـا قلـم B zar سـایز ۱۲.۵بـه صـورت پرینت‌شـده و همـراه بـا فایـل آن ارسـال شـود.

راهنمای اشتراک فصلنامه دانش‌پژوهان

جهت اشتراک و دریافت منظم مجله می‌توانید طبق الگوی زیر عمل نمایید:

۱- فرم اشتراک یا کپی آن را به صورت کامل تکمیل نموده و حتما کدپستی خود را ذکر نمایید.

۲- حق اشتراک را در یکی از شعب بانک تجارت به حساب زیر واریز نمایید:

حساب شماره «۴۹۴۷۰» بانک تجارت شعبه صدوقی قم (کدشعبه ۱۵۰۴۰) به نام دانشگاه مفید.

اصل فیش بانکی را به همراه فرم تکمیل شده زیر به آدرس مجله ارسال فرمایید.

۳- هرگونه تغییر در نشانی را به دفتر مجله اطلاع دهید.

۴- حق اشتراک برای یک سال (چهار شماره) ۱۵۰۰۰۰ ریال می باشد.

فرم اشتراک			
نام و نام خانوادگی:		نام شرکت یا موسسه:	
شماره اشتراک قبلی:		شماره های مورد درخواست:	
مبلغ واریزی:		پست الکترونیکی:	
نشانی دقیق:			
تلفن:		امضاء	